

کتابخانه مجلس شورای اسلامی	
کتاب	لحم بن سیراج
مؤلف	
مترجم	
شماره قفسه	۱۹۵۴
جمهوری ملی ایران	
شماره ثبت کتاب	۲۱۰۱۹۵

خطی	کتابخانه
مجلس شورای اسلامی	۱۹۰۳

الهم انزل من السماء المطر و هم انزل
والفلاح مضاعف من فخره و هم انزل
انما لم يزل الله يمد يدك الى الدنيا يا كليم
من انزل الله من السماء المطر و هم انزل
انما لم يزل الله يمد يدك الى الدنيا يا كليم
من انزل الله من السماء المطر و هم انزل

۱۹۰۳
۲۱۰۱۹۵



مجلس شورای ملی
تبریز
۱۲۹۸

دستور

Alfred
June

۱۹-۳۰

81-190

مسلحہ

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: تفسیر سید ابراهیم

مؤلف: —

مترجم: —

شماره قفسه: ۱۹۵۳۰

تعمیراتی برای ایران

شماره ثبت کتاب: ۲۱۵۱۹۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَا لَكَ
يَوْمَ الدِّينِ أَيُّكَ نَعْبُدُ وَأَيُّكَ وَابِلَا نَسْتَعِينُ
اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ
غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَالضَّالِّينَ

صحنه سی و نهم

از سید علی بن محمد
رمی تا اول کرم
سنة ۱۰۳۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَدَّثَنَا السَّيِّدُ الْأَجَلِيُّ بْنُ مَيْمُونٍ

الشَّرِيفُ أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ

بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْعَلَوِيِّ

رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ السَّعِيدُ أَبُو عَبْدِ

اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ شَهْرِيَّارَ الْخَارَجِيُّ

مَوْلَانَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ

عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي شَهْرِ رَيْعِ الْأَوَّلِ

مِنْ سَنَةِ سِتِّ عَشْرَةَ وَخَمْسَمِائَةَ قَرَأَهُ

عَلَيْهِ وَأَسْمَعُ فَكَلِمَتُهَا عَلَى الشَّيْخِ

أَنَامَ

الْصَّدُوقِ أَبِي مَاصُورٍ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ

بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْعَلَكَبَرِيِّ الْمُعَدِّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ

عَنْ أَبِي الْمُفَضِّلِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ

الْمُطَّلَبِ

الشَّيْبَانِي قَالَ حَدَّثَنَا الشَّرِيفُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ

شيباني گفت ما شریف ابو عبد الله

جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ جَعْفَرِ

جعفر بن محمد بن جعفر بن الحسن بن جعفر

بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

بن الحسن بن الحسن بن امیر المؤمنین

عَلَى أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ حَدَّثَنَا

علی ابی طالب علیه السلام گفت حدیث ما

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرِو بْنِ خَطَّابِ الزَّيَّاتِ سَنَ

عبد الله بن عمرو بن خطاب الزیاتی سن

خَمْسٍ وَسِتِّينَ وَمَا بَيْنَ قَالَ حَدَّثَنِي

خمس و شصت و ما بین گفت خبر دما

خَالِي عَلَى بْنِ النُّعْمَانِ الْأَعْلَمِ قَالَ حَدَّثَنِي

خالی علی بن النعمان الأعلم گفت خبر دما

غَيْرُ بَنٍ مُتَوَكِّلٍ التَّقِيُّ الْبَلَّحِيُّ

غیر بن متوکل تنقی بلخی

أَبِيهِ مُتَوَكِّلٍ بِزَهْرُونَ قَالَ لَقِيتُ

پدر او متوکل بهارون گفت رفتم

يَحْيَى بْنَ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

یحیی بن زید بن علی علیه السلام

بَعْدَ قِتْلِ أَبِيهِ وَهُوَ مُتَوَجِّهٌ إِلَى

بعد از قتل پدرش او در راه بوده بود

خُرَّاسَانَ فَسَلَّتُ عَلَيْهِ فَقَالَ

خراسان فرستادم بر او پس گفت

لِي مِنْ أَيْنَ أَقْبَلْتَ قُلْتُ مِنْ الْحِجَازِ

برای من از کجاست گفتم از نجد بن حبشه

عَنْ أَهْلِهِ وَنَبِيٍّ عَمَّ بِالْمَدِينَةِ وَحَفِ

از اهلش و پسرانش و ما نزد

السؤال عن جعفر بن محمد عليه السلام

پرسیدن را از جعفر پسر محمد بر او باد سلام

فَأَخْبَرْتُهُ بَخِيرَةً وَجَبْرَةً وَحُرَّةً عَلَى بَيْتِهِ

پس خبر دادم او را و خبر ایشان و اندوه ایشان

زَيْدَ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لِي

زید پسر علی علیه السلام پس گفت مرا

قَدْ كَانَ عَمِّي مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ يَشَارُ عَلَى أَبِي

بدستی که من پسر عمی بر ایشان بودم

بِتَرْكِ الْخُرُوجِ وَعَرَفَهُ أَنَّ هُوَ خَجَرٌ

بهست به داشتن خروج و بشناسانیدن که خروج کند

فَارَقَ الْمَدِينَةَ مَا يَكُونُ إِلَيْهِ مَصِيرٌ

جدا باز شد از مدینه به آنچه باشد بسوی او بازگشت

أَمْرُهُ فَهَلْ لَقِيتَ ابْنَ عَمِّي جَعْفَرَ بْنِ

کار او چه دیدی پسر عم مرا جعفر پسر

الْباق

مُحَمَّدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ

محمد را بر ایشان باد سلام گفتم آری ویدم گفت

فَهَلْ سَمِعْتَهُ يَذْكُرُ شَيْئًا مِنْ أَمْرِي

آی شنیدی یاد میکند از کار من چیزی

قُلْتُ نَعَمْ قَالَ لَمْ يَذْكُرْ شَيْئًا مِنْ خَيْرِي

گفتم آری گفت آنچه یاد میکند مرا خبر ده

قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ مَا أَحَبُّ

گفتم مرا فدای تو که دوست دارم

أَنْ أَسْقِيكَ بِمَا سَمِعْتَهُ مِنْهُ فَقَالَ

که با پیش تو ایمن به آنچه شنیدم از او بچی گفت

أَلَا مَوْتُ تَحَوُّفِي هَاتِ مَا سَمِعْتَهُ

بموت میترسان مرا به آنچه شنیده

فَقُلْتُ سَمِعْتَهُ يَقُولُ إِنَّكَ تَقِيلُ

پس گفتم شنیدم از او که میگفت که زبانت

وَتَصْلَبُ كَمَا قُتِلَ أَبُوكَ وَصَلَبَ

بردار کنند چنانکه کشتند پدر را و بر دار کردند

فَتَغَيَّرَ وَجْهُهُ وَقَالَ لِمَحْوِ اللَّهِ مَا

پس گردید رو او و گفت به خداوندی آنچه خواهم

وَنَيْتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ يَا مَعْ كَلِّ

و اثبات کن و نزد یک دوست اصل کن بای خود

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ آيِدُهُذَا الْأُمْرُ نَبَأُ

بدستی که خدای عزوجل زور دارد این کار را با و

جَعَلَ لَنَا الْعِلْمَ وَالسَّيْفَ فَجَعَلَنَا

داد ما را علم و شمشیر پس جمع کردیم

وَحُصَّ بِنُوعِنَا بِالْعِلْمِ وَحُدِّدْتُ

و خاص گردیدیم با علم و تعیین نمودم

جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنِّي رَأَيْتُ النَّاسَ

دافدای تو کنند بدستی که من دیدم مردمان را

الی
که به

إِنَّ عَمَّكَ جَعْفَرٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ

پسر عم تو جعفر بر ایشان با سلام

أَمِيلَ مِنْهُمْ إِلَيْكَ وَالْمَائِيكَ فَقَالَ

این نزد من که تو و به پدر تو پس گفت

إِنَّ عَمِّي مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ وَابْنُهُ جَعْفَرٌ

که عم من محمد پسر علی و پسر او جعفر

عَلَيْهِمَا السَّلَامُ دَعَا النَّاسَ إِلَى الْخَيْرِ

بر ایشان با سلام مردمان را به خیر

وَحَنُّ دَعَوَانَاهُمْ إِلَى الْمَوْتِ فَقُلْتُ

و محبت من خواندن ایشان را به مرگ گفتی

يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ أَهْمُ أَعْلَمُ أَمْ أَنْتُمْ فَأَجَبَنِي

پسر رسول خدا این نظر یا نزد من یا شما

إِلَى الْأَرْضِ مُلِيًّا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ

به سوی زمین گردانید سر خود را

بن محمد
پسر محمد

بن محمد
پسر محمد

و این سخن را

در این

أَمَّا الْآخَرُ جَنَّ إِلَيْكَ صَحِيفَةً مِنْ

آبِ بَرُونِ اَرَمَ نبوی تو صحیفه از

الدُّعَاءِ الْكَامِلِ مَا حَفِظَهُ أَبِي عَنْ

دعای کامل از آنچه یاد گرفت او پدر من از

أَبِيهِ وَإِنَّ أَبِي أَوْصَانِي بِصَوِيهَا

پدر او و پدر من وصیت کرد مرا بنگاه داشتن آن

وَمَنْعَهَا غَيْرَ أَهْلِهَا لَكَ عَمْرٍاءُ

و باز داشتن از نااهلش کننت غیر کننت

إِنِّي قُفْتُ إِلَيْهِ فَقَبَّلْتُ رَأْسَهُ

چون من که بر سر خاستم و با او شدم و بر سر دادم سر او را

فَلْتَلْهُ وَاللَّهُ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ

و گفت مرا و ای پسر رسول خدا که من

اللَّهُ يُحِبُّكُمْ وَطَاعَتَكُمْ وَإِنِّي لَأَرْجُو

خدا را دوستی شما و طاعت شما و ای من امید میدارم

أَنْ يُسْعِدَنِي فِي حَيَاتِي وَفَاتِي

که بیدار کنی مرا در زندگانی من و در من

يُؤَلِّمُكُمْ فَرَعِي صَحِيفَتِي الَّتِي دَعَمْتُهَا

بر دوستی شما پس برداشتم آن صحیفه را که من به دولتم

إِلَيْهِ إِلَى غُلَامٍ كَانَ مَعَهُ وَقَالَ

بروی او غلامی که بود با او و گفت

اَكْتُبْ هَذَا الدُّعَاءَ بِحَسَنِ

بنویس این دعا را بنحط روشن بنویس

أَعْرَضَهُ عَلَيَّ لَعَلِّي أَحْفَظُهُ فَأَنْتَ

عرضه کن بر من مگر یاد کنم از آن که من بودم

كُنْتُ أَطْلُبُهُ مِنْ جَعْفَرِ حَفِظَهُ

که می جستم از آن از جعفر خداوند نگاه دارد

اللَّهُ فِيمَنْ نَعْنِيهِ قَالَ مَسْوَكَ كَأَنْتَ

و از من باز می داشتی گفت من هر کس را می بینم

عَلِمَا فَعَلْتُ وَلَمْ أَدْرَا صَنَعُ

بر آنچه کردم و ندانستم که چنانچه

وَلَمْ يَكُنْ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

و بنو ابراهیم علیه السلام

تَقَدَّمَ إِلَى آلِ الْأَدْفَعَةِ إِلَى أَحَدِهِمْ

در پیش پسران کشفه بود که از آن کسی بودیم

دَعَا بَعِيْبَةً فَاسْتَجَرَّ مِنْهَا ضَيْفُهُ

بخواست عیب و پناه آورد از آن ضیف

مَقْفَلَةٌ مَخْمُومَةٌ فَظَرَّ إِلَى الْخَاتِمَةِ وَ

فصل بر نهاده و مهر کرده و در گزیده مهر

قَبْلَهُ وَبَكَى تَمَرُفْضَهُ وَفَحَّ الْقَفْلَ

در پیش او و بگریست بر مهر بخت و فک کرد قفل را

تَمَرَّشَ الصَّحِيفَةَ وَوَضَعَهَا عَلَى عَيْنِهِ

پس باز کرد صحیفه را و نهاد بر صفحه را بر چشم

س
انلا

بجای
بجای

و
د

وَأَمَّا هَا عَلِمَ وَجْهَهُ وَقَالَ وَاللَّهِ يَا

و فرمود و آنگاه از ابروی خویش گفت بجهای ای

مَتَوَكَّلْ لَوْ لَا مَا ذَكَرْتَ مِنْ قَوْلِ

متوکل اگر نه آن بودی که در یاد کردی از گفتار

ابْنِ عَجَّاجٍ إِنِّي أَقْتُلُ وَأُضْلِبُ لِمَا

پسر عجم من که بکشند و بزنند از دا

دَفَعْتُكَ إِلَيْكَ وَلَكِنْ تَبْهَاضُنَا

بر نهاده ای این محض را بر نهاده ای بان خیل

وَلَكِنِّي أَعْلَمُ أَنْ قَوْلَهُ حَوَّاهُ

و لکن منم که می دانم که او را گفت از گرفته بر نهاده

عَنْ أَبِيهِ وَأَنَّهُ سَيَصِحُّ فَمَنْتُ

از پدرم و آن زود باشد که صحیح شود پس من

أَنْ يَفِيعَ مِثْلُ هَذَا الْعِلْمِ

که نفی کند این علم

و این علم

هَذَا الدُّعَاوَةُ

إِلَى أُمِّيهِ فَيَكْتُمُوهُ وَيَدْخُرُوهُ

برخی امیر
در پوشیده کردن از دو فرزند

فِي خَزَائِنِهِمْ لَئِنْ نَفِثُوا فِي أَفْوَاهِهِمْ فَأَقْبَصُهَا وَ

در خزاین ایشان بسوی فرزند نجات ده وار و این صحیفه را

اَلْكُفْيَا وَتَرْبِصْ بِهَا فَإِذَا أَقْصَى اللَّهُ

و بکیرین را و گفتی کن از او حقیقت را

مِنْ أَمْرِي وَامْرَهُ هُوَ لَا الْقَوْمَ مَا

از او من و کار من کرد

هُوَ قَاضٍ فَعِمَّ أَمَانَتِي عِنْدَكَ حَتَّى

او فایده کار او را پس این امانت مرا نزد تو

تُوصِلُهَا إِلَى ابْنِي عَمِّي مُحَمَّدٍ وَابْنِهِ

برسان از او بسوی عم من محمد و فرزند

ابْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحَسَنِ

فرزند عبد الله بن الحسن بن الحسن

عنه

عَلَى ابْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَإِنَّمَا

برایشان با سلام

الْقَائِمَانِ فِي هَذَا الْأَمْرِ بَعْدِي قَالَ

و فرستادن این کار پس از من گفت

الْمُتَوَكِّلُ فَقَبَضَ الصَّحِيفَةَ فَلَمَّا

المتوكل گرفت صحیفه را پس

قَالَ لِحُجْرٍ بِنْتِ زَيْدٍ صُرْتُ إِلَى الْمَدِينَةِ

و من گفتند بحجرت زید را یا زکتم بدین

فَلَقِيتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

و دیدم ابو عبد الله را برادر و سلام

فَحَدَّثَنِي الْحَدِيثَ عَنْ حُجْرٍ فَقَالَتْ

و با او گفتم آن حدیث را از حویری بدیدم و گفت

وَجَدْتُهُ يَقُولُ قَالَ رَحِمَ اللَّهُ ابْنَ عَمِّي وَ

از او دیدم او برادر و گفت رحمت کند آری بر عم من و

الصحیفه الاولی

حجری

لَحَقَهُ بِإِبْنَيْهِ وَاجْتَدَاهُ وَاللَّهُ يَا

مدرک او پیدان او و جدانش و الله ای

نَا مَتَوَكَّلْ مَا مَتَعْنِي مِنْ دَفْعِ

مستولم بازداشتن من از دفعه و اوله

الدَّعَاءِ إِلَيْهِ إِلَّا الَّذِي خَافَهُ عَلَا

و دعا و موانع او ترسید بود بر

صَحِيفَةً أَيْبَهُ وَأَيُّهَا الصَّحِيفَةُ

صحیفه بدیش ای که هست آن صحیفه

فَقُلْتُ هَاهِي فَفَتَحَهَا وَقَالَ هَذَا

بگو گفتم ای آن که باز داشت و گفت این

وَاللَّهُ خَطِّي زَيْدٌ وَدَعَا جَدِّي

و الله خطی زید و دعا جدی

عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ

ع بر حسین بر ابی ان بر سلام

ثُمَّ قَالَ لِابْنِهِ قُمْ يَا سَمْعِيلُ فَاقْبَلْ

پس گفت بر او را بپذیر ای اسمعیل و

بِالدَّعَاءِ الَّذِي أَمَرْتُكَ بِحِفْظِهِ وَ

و دعا که فرمود بودم ترا به نگه داشتن آن

صَوْنِهِ فَقَامَ سَمْعِيلُ فَأَخْرَجَ

نگاه داشت پس برخواست اسمعیل و بیرون آورد

صَحِيفَةً كَأَنَّهَا الصَّحِيفَةُ

صحیفه که گویا آن صحیفه

الَّتِي دَفَعَهَا إِلَيَّ بَرَزِيدٌ فَقَبَّلَهَا

که داد او بود بمن بچه بر زید پس بر او بوسه زد

أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَضَعَهَا

ابو عبد الله بر او دست نهاد و گذاشت

عَلَى عَيْنَيْهِ وَقَالَ هَذَا خَطِّي

بر او چشم نهاد و گفت این خط پدر من

عَيْنَيْهِ
چشم

در

وَأَمَّا جَدِّي عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِشَهْدِ

والله جدي شئت برأيت من برسم بخدمه

مَنْ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَنْتَ

من نوبته انتم انتم الي برسم رسول خداي كرجي

أَنْ أَعْرِضَهَا مَعَ صَحِيفَةِ زَيْدٍ وَيَحْيَى

كومن مفاير كنم انرا يا صهيغه برنو و بكي

فَإِذْ نَزَلَ فِي ذَلِكَ وَقَالَ قَدْ رَأَيْتُكَ

دستور د او مودان دكفت د بوم را

لِذَلِكَ أَهْلًا قَطَرْتُ فَإِذَا هُمَا أَمْرًا جَدُّ

ابن د آن بكونم م و و نسخ كنم

وَلَمْ أَجِدْ حَرْفًا مِنْهَا يُخَالِفُ مَا رَأَيْتُ

د بكنم انان كره خالف ب و حرفي از انجودان

الصَّحِيفَةِ الْآخَرَى ثُمَّ أَتَيْتُ

صهيغه د بوم و برسم د بوم د بوم د بوم

أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي

ابو عبد الله عليه السلام

دَفَعَ الصَّحِيفَةَ إِلَيَّ عَبْدُ اللَّهِ

داون مجفف د بوم بوم عبد الله

بِالْحَسَنِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ

بر حسن بن كنم د رستي ك خدا فرموده است

تُؤَدُّوْا الْأَمَانَاتَ إِلَى أَهْلِهَا نَعْمَ

كوكبه ارباب خداي د خداوندان اري

فَأَدْفَعُهَا إِلَيْهِمَا فَلَمَّا فَهَضَمْتُ لِقَاءَ

بابت بن مودان چون برسم بخدمه

قَالَ لِي مَكَانُكَ ثُمَّ وَجَّهَ إِلَى مُحَمَّدٍ

كفت مرايي خداوندك دارم بسم الله و ابراه

وَأَبْرَاهِيمَ فَمَا أَفْقَالَ هَذَا مِيرَاثًا

د ابراهيم بنده بر كفت انرا ميراث

محمد بن عبد الله

ابن عمكما يحيى من أبيه قد خصصكم ابني

پسر من است از پدر او خاص کرده است

دور اخوته وكن مشرطون

دور برادرانش و با شمشیر میزنند

عليكما شرطافقا لا رحما لله

بر شما شرط میگذارم که رحمی برای خدا ندارید

قل فقولك المقبول فقال لاخرجا

بگو پس آنچه تو بگویی مقبول است پس گفت بیرون بروید

بمذا الصخيفة من المدينة قالا

از این صخره از مدینه گفتند

ولم ذاك قال ابن عمكما خاف

و نه آنرا گفت پسر عم شما ترسید

عليما امر الخافه انا عليكم اولا

بر شما امر میفرمایم من بر شما اولم

فيه

عليهما

بر این دو

انما

انما خاف عليها خيرة علم الله

فقط ترسید بر این دو بهترین علم خدا

يقتل فقال ابو عبد الله عليه

کشتن گفت ابو عبد الله علیه

السلام وانما فلانا منافقوا لله

سلام و نه ما را منافقان برای خدا

انما اعلم انكما سخرجان كما خر

فقط میدانم که شما را سحر جان کرده اند

وسقتلان كما قيل فقاما وها

و کشتند و همانگونه که گفته شد و ایستادند

يقولان لاحول ولا قوة الا

میگویند هیچ توانایی و هیچ قوه ای جز

بالله العلي العظيم فلما خرجا

با الله العلی عظیم فلما خارج شدند

قال

قَالَ ابُو عِيْنَةَ اللَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

گفت بود الله بر او بود اسلام

يَا مُتَوَكِّلْ كَيْفَ قَالَ لَكَ خَيْيَانٌ

ای متوکل چه گفت من ترا خیانت

عَمِّي مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ وَابْنُهُ جَعْفَرٌ أَدْعُوا

ثم من محمد بن علی و پس از جعفر بفرمانند

النَّاسَ إِلَى حَيَوَةٍ دَعَوْنَا نَأْتِيهِمُ إِلَى الْمَوْتِ

مردمان را بدارند که ما می خواهیم ایشان را بیاوریم

قُلْتُ نَعَمْ أَصْلَحَكَ اللَّهُ قَدْ قَالَ لِي ابْنُ

گفتم آری اصلاح کرد خدا گفت مرا پس

عَمِّي خَيْيَانٌ ذَلِكَ فَقَالَ يَرْحَمُ اللَّهُ

ثم فرمود ای خیانت من ترا رحمت خدا

خَيْيَانٌ ابْنِي حَدَّثَنِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّ

بزرگ من ترا گفت که پدر من حدیث کرده از پدر خود

وَقَدْ خُيِّنَ

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ

از علی بر او بود اسلام که رسول

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَخَذَتْهُ وَ

درود خدای بر او بود و برآورد گرفت او را

هُوَ عَلَى مُنْبَرِهِ فَرَأَى فِي مَنَامِهِ

او بر منبر او بود باو نمودند در خواب او

رَجُلًا لَا يَتَرَوْنَ عَلَى مُنْبَرِهِ نَزْوٌ

مردمانی که بر منبر او چنان بر خیزند

الْفِرْدَوْسُ يُرَدُّ وَالنَّاسُ عَلَى أَعْقَابِهِمْ

یکی می انداختند مردمان را بر ایشان

الْقَهْمَرُ فَاَسْتَوَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَافُ

و پس رفت بر راست بابینا و رسول خدا

جَالِسًا وَانْخَرَعَ عَرْفُ فِي وَجْهِهِ

از روی نشستن و انداخت روی را در روی او

قَاتَاهُ جَبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِرُوحِهِ

پس آنجا که جبرئیل بر او وارد شد و سلام داد

الْأَيُّهُ وَمَا جَعَلْنَا الْقُرْيَا الَّتِي أَرِيَّاكَ

آیه و ما کردیم این غراب را که نزد تو

الْأَقْصَى لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةُ الْمَلْعُونَةُ

گرفته شده در آن را و درخت ملعون را میوه آن

فِي الْقُرْآنِ وَخَوْفُهُمْ قَائِمٌ يَرِيذُهُمُ الْإِن

در قرآن و میسه آن از ایشان را و میفرماید آن را که

طَغْيَانًا كَبِيرًا يُعْجَبُ فِي أُمِّيَّةٍ

بزرگ است یعنی بی امیر و رسول گفت

قَالَ يَا حَبْرَئِيلُ أَعْلَى عَهْدِي يَكُونُ

پس جبرئیل از او پرسید من بپوشد و در

وَقَرْنِ مِنْهُ قَالَ لَا وَلَكِنْ تَدُورُ

روزی که من گفت که و بگویند که در آنجا

الْإِسْلَامُ مِنْ مَحَاجِرِكَ فَتَلَبَّتْ

مسافر از دعوت تو و در آنجا

بِذَلِكَ عَشْرًا ثُمَّ تَدُورُ رُوحِي الْإِسْلَامُ

بدان ده سال پس بگویم اسامی مسافر

عَلَى رَأْسِ خَمْسَةٍ وَثَلَاثِينَ مِنْ جَمْعِهَا

پس بر سر بیست و سه نفر از جمع آن

فَتَلَبَّتْ بِذَلِكَ خَمْسًا ثُمَّ لَا بَدَّ مِنْ

پس در آنجا که بدان پنج سال پس بگویم اسامی

ضَلَالَةٍ هِيَ قَلِمَةٌ عَلَى قَطِيعَتِهَا

گمراهی است و بپوشد بر قطبش پس

مُلْكُ الْقَرَامِطَةِ قَالَ وَانْزَلَ اللَّهُ

پادشاهی قرامطیان را و فرمود و فرستاد

تَعَالَى فِي ذَلِكَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي

در آنجا که ما فرستادیم که ما فرستادیم

لَيْلَةُ الْقَدْرِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا

لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ حِينَ

شَهْرُ تَمْلِكُهَا نَبِيٌّ أَمِيَّةٌ لَيْسَ فِيهَا لَيْلَةٌ

الْقَدْرِ قَدْ فَاطَمَ اللَّهُ نَبِيَّهُ عَلَيْهِ

السَّلَامُ إِنَّ نَبِيَّ أَمِيَّةٍ مَلِكٌ سَلَطَ

هَذِهِ الْأُمَّةَ وَمُلْكُهَا طَوَّلَ هَذِهِ

فَلَوْ طَاوَلَتْهُمْ الْجِبَالُ لَطَالُوا

یعنی هم از راه اگر بزم که کند ایشان کوها بکند

نبوء

عَلَيْهَا حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ تَعَالَى بِزَوَالِ

مُلْكِهِمْ وَهُمْ فِي ذَلِكَ يَسْتَعْرِضُونَ

عَدَاوَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَبَعْضًا

أَخْبَرَ اللَّهُ بَنِيهِ بِمَا لَقِيَ أَهْلَ بَيْتِ

مُحَمَّدٍ وَأَهْلَ مَوَدَّتِهِمْ وَشَيْعَتِهِمْ

فِي أَيَّامِهِمْ وَمُلْكِهِمْ قَالَ وَأَنْزَلَ اللَّهُ

تَعَالَى فِيهِمْ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا

یعنی در این نفعی منی ایشان را که بدل کردند

بِعَمَّةِ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ

نفت بر اینا سپیدی و قوه که کرده و این را برای

الْبُؤَارِ رَجَعْتُمْ يَتَصَلُّونَ عَلَيْهَا وَيَكُونَ

بلاکت و دوزخ و آنرا روز

الْقَارِ وَبِعَمَّةِ اللَّهِ مُحَمَّدٌ وَأَهْلُ بَيْتِهِ

نفت بر اینا سپیدی و قوه که کرده و این را برای

جَهَنَّمَ إِنَّمَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ وَ

و این را برای این است که کرده و در بهشت

بَعْضُهُمْ كُفْرًا وَنِفَاقًا يُدْخِلُ

و شکی این را کفر و نفاق که در بر و مردم

النَّارَ فَاسْرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى

و دوزخ پس بدان گفت رسول خدا ای مردم و شما

ذَلِكَ إِلَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَهْلُ

این معنی است بر او و در سلام و اهل

بَيْتِهِ قَالَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ

بیشتر گفت رسول پس بدان فرمود حضرت

مَا خَرَجَ وَلَا يُخْرَجُ مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ

که خروج نکرد و در خروج نخواهد کرد از ما اهل بیت

إِلَى قَبْلِهِمْ فَأَمَّا الْحَدِّ لِيَذْفَعَ ظُلْمًا

تا به خود نرسد تا قلم را کسی بر اینا ببرد و دفع ظلم را

أَوْ يَنْعَسَ حَقًّا إِلَّا اضْطَلَمَتْهُ الْبَلِيَّةُ

یا بنده سوزد سستی را که به اینا نرسد و در بلیه

وَكَانَ قِيَامُهُ زِيَادَةً فِي مَكْرِهِ

و بوده بهشت قیام از این که بهشت زیاده در اندوه

وَشَيْعَتُنَا قَالَ الْمُتَوَكِّلُ ابْنُ

و پسران گفت متوکل

هَرُوفٍ ثُمَّ أَمَلَى عَلِيٌّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ

از او پس خواند بر من حضرت

عَلَيْهِ السَّلَامُ الْأَدْعِيَّةُ وَهِيَ خَمْسَةٌ

روایتی است که در این کتاب آمده است

وَسَبْعُونَ بَابًا وَحَفِظْتُ مِنْهَا نِيفًا

بسیار بود و نگاه داشتم از آنجا

وَسِتِّينَ بَابًا حَدَّثَنَا أَبُو الْفَضْلِ قَالَ

نصف از آن را باب در روایت کرده ام

وَحَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ رُوَيْدٍ

روایت کرد

أَبُو نَجْرٍ الْمَدَائِنِيُّ الْكَاتِبُ

نَزَلَ الرَّحْمَةُ فِي دَائِرِهِ قَالَ حَدَّثَنِي

کسانی که در این کتاب است در این باب

مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُسْلِمٍ الْمُطَهَّرِيُّ قَالَ

گفت

حکایت

حَدَّثَنَا ابْنُ عَرَمَةَ بْنِ مَتَوَكَّلٍ

حدیث کرده ام از عمار بن ارمی

الْبَلَّحِيُّ عَنْ أَبِيهِ الْمَوَكَّلِ بْنِ مَرْوَانَ

یعنی از پدر او مویکل بن مرزبان

قَالَ لَقِيتُ تَجِيَّ بْنَ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ

گفتم که من را دیدم یکی بن زید بن علی

عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَذَكَرَ الْحَدِيثَ

بر او و در سلام پس روایت کرد حدیث را

بِمَامِهِ الْمُسْرُوفِ يَا نَبِيَّ صَلَّى اللَّهُ

بسم آن که آن فرستاد که از پیغمبر مراد است

عَلَيْهِ وَاللَّهُ الَّذِي ذَكَرَهَا جَعْفَرُ

و آن را جعفر از آن فرستاد که یاد کرد جعفر

بِمُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ

بر محمد از پدر او صلوات خدا

عَلَيْهِ

بن مهران

بغیر الہ

فردوسی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

والله اعلم

القلوب

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

در پناه مجد با و کریمین و نیکی و عاقبت

الحكيم **دعاف** في الاعتراف و طلب

وراء قنطرة

التوبة دعا في طلب الخواص دعا

در طلب حاجتیار

في الظلمات **دعاء** عند المرض

در خطاطی و خطاطی

مِنْ الذُّنُوبِ

در طلب ریا مذکور از عذاب

سُلْطَانٌ وَمَعَاوِيَةُ وَالمَحْذُورَاتُ

در انچه از سر عهد

دَعَاؤُهُ فِي الْإِسْتِسْقَا دَعَاؤُهُ

الرَّسُلُ دَعَاؤُهُ لِنَفْسِهِ وَخَاصَّتَهُ

وَالسَّابِقُ ٢٠

لَمَّا تَدْعَاؤُهُ فِي الْإِسْتِغَاثَةِ

نبداء مرفوض تجدد

دُعَاؤُ الْإِسْتِثْقَاءِ فِي

در ارمغان

11

فَمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ **دَعَاؤُهُ فِي**

در خلقه نیکو در طلب

إِذَا حَزَنَ أَمْرٌ **دَعَاؤُهُ عِنْدَ الشَّدَّةِ وَفِي**

کفایت نزد سختی

بِالْعَافِيَةِ **دَعَاؤُهُ لَوَلَدِهِ وَفِي**

نیکو حال بزرگوار و مادر خود بزرگوار

لِجَيْرَانِهِ وَأَوْلِيَائِهِ **دَعَاؤُهُ لِأَهْلِهِ**

بر همسایگان و دوستان خود بر بزرگواران

الْمُعْتَمِرِينَ **دَعَاؤُهُ فِي التَّصَرُّعِ دَعَاؤُهُ**

حدود اسلام در فرغ و ترس

إِذَا قُتِرَ عَلَيْهِ الزَّرَقُ **دَعَاؤُهُ فِي**

چون تنگ گرفته شود بر او زرق

الْمُعَوْنَةِ عَلَى قَضَاءِ الدِّينِ **دَعَاؤُهُ**

بزرگوار کردن و رفع فرض

بِالتَّوْبَةِ **دَعَاؤُهُ فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ**

در طلب توبه در نماز شب

دَعَاؤُهُ فِي الْإِسْتِخَارَةِ دَعَاؤُهُ

در استخاره بفرمان جامع

فِي طَلَبِ الْبَيْتِ **دَعَاؤُهُ فِي الرِّضَا**

در طلب بیتی بخواهنگار خود رضای

بِالْقَضَاءِ **دَعَاؤُهُ عِنْدَ سَمَاعِ**

رضای بقضا

دَعَاؤُهُ فِي الشُّكْرِ دَعَاؤُهُ فِي الْإِعْتِدَاءِ

در شکر بزرگوار در عداوت و نفی عند

دَعَاؤُهُ فِي طَلَبِ الْعَفْوِ دَعَاؤُهُ

در طلب امر رشتی

ذِكْرُ لِلْوَيْ **دَعَاؤُهُ فِي طَلَبِ الْبَيْتِ**

ذکر بیتی

وَالْوَقَايَهُ **دَعَاوُهُ** عِنْدَ خْتَمِ الْقُرْآنِ

دَعَاوُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَى الْعِلَالِ **دَعَاوُهُ**

لِدُخُولِ شَهْرِ رَمَضَانَ **دَعَاوُهُ**

لِوُضَاعِ شَهْرِ رَمَضَانَ **دَعَاوُهُ**

لِلْعِيدَيْنِ وَيَوْمِ الْجُمُعَةِ **دَعَاوُهُ**

فِي يَوْمِ عَرَفَةَ **دَعَاوُهُ** يَوْمَ الْأَضْحَى

وَالْجُمُعَةِ **دَعَاوُهُ** فِي دَفْعِ كَيْدِ الْأَعْدَاءِ

وَرَدِّ دَفْعِ مَكْرِ الشَّيْطَانِ

دَعَاوُهُ فِي الرَّهْبَةِ **دَعَاوُهُ** فِي النَّجْعِ

وَرَدِّ مَكْرِ الشَّيْطَانِ

وَالْإِسْتِكَانَةِ **دَعَاوُهُ** فِي الْإِحْجَاجِ

وَرَدِّ مَكْرِ الشَّيْطَانِ

دَعَاوُهُ فِي التَّذَلُّلِ لِلَّهِ تَعَالَى **دَعَاوُهُ**

فِي اسْتِكْنَانِ الْيَوْمِ **دَعَاوُهُ** لِلضَّرُورَةِ

وَرَدِّ مَكْرِ الشَّيْطَانِ

دَعَاوُهُ عِنْدَ الْيَقْظَرِ وَبَاقِي الْأَوْبَاءِ

بَلَيْطِ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ

حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ

الحسيني قال حدثني عبد الله بن عمر

بن خطاب الرياتي قال حدثني خالي

علي بن النعمان الاعلمي قال حدثني

عمير بن مسوكل الثقفي البجلي عن

مسوكل بن هرون قال املئ

على سيدي الصادق و ابو عبد الله

جعفر بن محمد قال املئ جدي علي بن

الحسين علي بن محمد بن علي عليهم

السلام بمشهد متى **في** كان

فريد عايد عليهما السلام في البداية

بالدعاء يا حميد لله عز وجل والشاهدين

احمد لله الاول بلا اول كان قبله

سبحان قوس خاير كمال بليت فريد

والاخير بلا اخر يكون بعده

الذي قصرث عن رويته ايضا

او فريد

النَّاطِرِينَ وَعَجَزَتْ عَنْ نِعْمَةِ أَوْفَا هَا

والتناظر من عجزت عن نعمة اوفى

الوَاصِفِينَ ابْتَدَعَ بِقُدْرَةِ الْخَلْقِ

الواصفين ابتدع بقدره الخلق

ابْتِغَاءً وَاخْتَرَهُمْ عَلَى مِثْلِهِ

ابتغاء واختارهم على مثله

اخْتَرَاءً سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ ارَادَةِ

اختراعا سلك بهم طريق ارادة

وَبَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ حُبِّهِ لَا يَمْلِكُونَ

وبعثهم في سبيل حبه لا يملكون

تَأْخِيرًا عَمَّا قَدَّمَهُمْ إِلَيْهِ وَلَا يَسْتَطِيعُونَ

تاخيرا عما قدمهم اليه ولا يستطيعون

تَقَدُّمًا إِلَى مَا أَخَّرَهُمْ عَنْهُ وَجَعَلَ

تقدما الى ما اخرهم عنه وجعل

والتناظر من عجزت عن نعمة اوفى

فهم

سبيل

تأخيرا

تقدما

لِكُلِّ رُوحٍ مِنْهُمْ قُوَّةً مَعْلُومًا

لكل روح منهم قوت معلوم

مَقْسُومًا مِنْ رِزْقٍ لَا يَنْقُصُ مِنْ زَادٍ

مقسوما من رزق لا ينقص من زاد

نَاقِصٌ وَلَا يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ

ناقص ولا يزيد من نقص منهم

زَادٌ ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجَلًا

زاد ثم ضرب له في الحياة اجلا

وَنَصَبَ لَهُ أَمْدًا مَجْدُودًا لِيَحْطِيَ إِلَيْهِ

ونصب له امدا مجدودا ليحطى اليه

يَا أَيَّامَ عَمْرِهِ وَيَرْهَقُهُ بِأَعْوَامٍ دَهْرُهُ

يا ايام عمره ويرهقه باعوام دهره

إِذَا بَلَغَ أَقْصَى أَثَرِهِ وَأَسْتَوْعَبَ حَسْبًا

اذا بلغ اقصى اثره واستوعب حسبا

روح

خطا

عَمِيرَةٌ مِّنْهُنَّ الْمُنَادِيَةُ إِلَيْهِ مِنْ قَوْمٍ

لَهُنَّ أَرْوَاحٌ نَّافِثَةٌ فِي الْأَرْضِ مِنَ الْمُفْسِدِينَ

أَسْأَلُكُمْ فِي الدِّينِ أَجْسُوا

يَا حَسْبَىٰ عَدْلًا مِّنْهُ تَقْدِيسٌ

وَتَطَاهُرٌ الْأَوْهَ لَا يَسْأَلُ عَمَلًا

وَهُمْ يَسْأَلُونَ وَاحِدٌ إِلَهُ الَّذِي لَوْ

حَبَسَ عِبَادَهُ مَعْرِفَةُ حَمْدِهِ عَلَىٰ

مَنْ

مَنْ

بسم الله الرحمن الرحيم

مَا أَبْلَاَهُمْ مِنْ مِّنْهُ الْمُنَادِيَةُ إِلَيْهِ مِنْ قَوْمٍ

لَهُنَّ أَرْوَاحٌ نَّافِثَةٌ فِي الْأَرْضِ مِنَ الْمُفْسِدِينَ

أَسْأَلُكُمْ فِي الدِّينِ أَجْسُوا

يَا حَسْبَىٰ عَدْلًا مِّنْهُ تَقْدِيسٌ

وَتَطَاهُرٌ الْأَوْهَ لَا يَسْأَلُ عَمَلًا

وَهُمْ يَسْأَلُونَ وَاحِدٌ إِلَهُ الَّذِي لَوْ

حَبَسَ عِبَادَهُ مَعْرِفَةُ حَمْدِهِ عَلَىٰ

مَنْ

مَنْ

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

حَمْدُهُ

بسم الله الرحمن الرحيم

سے اس خواہش کو دیکھ کر ہر رنجش کو

تجدید

والطفتان فان اراحي انكم عاركم من عينيكم وحراركم

الحمد لله رب العالمين

فان من در عهد پيشهين فرمود ما را بنو چو در خواست

شکر و الحاد و دور کردانه

تعمیر و مرمت

آزمائے

مذکر کر و حسن کرمی لایحه سبیل حضرت علی بن ابی طالب

۲. آنکه ان کرد اندر مرعا الزام میباید را

شریف کرد و پندار من از نزل را در موقف است و

روزنامه کسب و کار

دبر کس غلم برزود روز رکب ۱۶

و در این بین که و کلمه از زبانها

بِالْقَوْلِ

يَشْهَدُ الْمُقَرَّبُونَ حَمْدًا نَقَرَهُ عِيُونُهُمْ
 که در نزد او مقربان حمد کردند که در روز قیامت
 إِذَا بَرَقَتِ الْأَبْصَارُ وَتَبَيَّنَّ بِهِ جُوهُهَا
 روزی که چهره‌ها نمایان شوند و در روز قیامت
 إِذَا اسْوَدَّتِ الْآبْشَارُ حَمْدًا نَغَوِيَهُ
 روزی که روها سیاه گردد حمد که از او کردند
 مِنْ أَلِيمٍ نَارِ اللَّهِ إِلَى كَرِيمٍ جَوَارِ اللَّهِ
 از خدا ای اایم و بسم که از او کردیم رب مجسم
 حَمْدًا نُرَاجِمُ بِهِ مَلَائِكَةً الْمُقَرَّبِينَ
 حمد که با آن می‌زنیم ملائکه مقربین
 نَضَامُ بِهِ أَنْبِيَاءَهُ الْمُرْسَلِينَ فِي دَا
 مضام که با آن می‌زنیم انبیاء مرسلین
 الْمَقَامَةِ الَّتِي لَا تَزُولُ وَحُلَّ كَرَامَتِهِ
 مقامی که در آن ایستاده و حل کرامت
 الْمَقَامِ جَمْعُ

الْوَلَاخُولُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اخْتَارَ لَنَا
 که از ما برگزید و حمد خدا را که از ما برگزید
 خَاسِرَ الْخَلْقِ وَاجْرَى عَلَيْنَا طَيِّبَاتِ
 حسن خلق و جاری کرد این طیبات
 الرِّزْقِ وَجَعَلَ لَنَا الْفَصِيلَةَ بِالْمَلَكَةِ
 رزق و در ما فصیلت و او را بقدرت
 عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ كُلِّ خَلْقٍ مُتَقَاتٍ
 بر جمیع خلق و بر هر یک از جمیع مخلوقات
 لَنَا بِقُدْرَتِهِ وَصَائِرُهُ إِلَى طَاعَتِنَا
 بقدرت او و فرموده‌ها را به طاعت ما
 وَلِحَمْدِ اللَّهِ الَّذِي أَغْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَزَنِ
 و حمد خدا را که بر ما بست دروازه غم
 إِلَّا إِلَيْهِ فَكَيْفَ نُطِيقُ حَمْدَهُ أَمْ مَتَى
 مگر به سوی او پس چگونه می‌توانیم حمد او را بگوییم

نُودِي شُكْرَهُ لَامَتِي وَالحمد لله الذي

او كرون شكر او را نك كنز و حمد او را كه در دست

رَكَّبَ فِيهِ الْآلَاتِ الْبَسِطِ وَجَعَلَ لَنَا آذَانَ

او تلبست بكن و پيا فريد و در جوياء انعام

الْقَبِضِ وَمَتَعَنَا بِأَرْوَاحِ الْحَيَوٰهِ وَ

و ان كرايه و اعطاه بواحي و در جوياء

الْأَعْمَالِ وَغَدَّنَا بِطَيِّبَاتِ الرِّزْقِ وَ

جوياء بهيم و بطيبات رزق ما زود واد

أَعَانَا بِفَضْلِهِ وَأَقْنَانَا بِمَنِّهِ ثُمَّ أَمَرْنَا

و او حق و فضل خود و نوا اهل و تلبست به الامت و ان

لِخَيْرِ طَاعَتِنَا وَنَهَانَا لِيَكُنْ لِي سَكَنًا

او كرو عبادت و نهي كرا و در معصيت نهان كرو

فَخَالَفْنَا غَيْرَ طَرِيقِ أَمْرِهِ وَرَكِبْنَا مَسَافِرَ

او نهضت كروم او را و در طبع كروم

أَتَيْتُ

لِخَيْرِنَا

رَجْرَةٍ فَلَمْ يَبْدُرْنَا بِعُقُوبَتِهِ وَلَمْ

تا در عقوبت ما تلبست بخرم و عبادت

يُعَاجِلْنَا بِنِقْمَتِهِ بَلْ تَأَنَّنَا بِرَحْمَتِهِ

تغير نفرد بكونا في و مدار انوار برمت

وَأَنْتَظِرُ مَرَّاجِعَنَا بِرَأْفَتِهِ خَلَا وَ

و انتظر بر و نا باز كروم از معصيت و توبه كنم و حمد

الَّذِي دَلَّنَا عَلَى التَّوْبَةِ الَّتِي لَمْ نَعِدْهَا

او ما را راه توبه بخار از معصيت و در توبه

الْأَوْفَرُ فَضْلُهُ فَلَوْ لَمْ نَعِدْ دَمِينُ فَضْلِهِ

از ما بستم مرمت او را بدين نعمتي ما را نميد او را بدين نعمت

الْأَبْهَاتِ لَقَدْ حَسَنَ بَلَاءُ وَهُوَ عِنْدَنَا

او بزرگ بود و او را ن او زد ما را و فضل او

وَجَلَّ إِحْسَانُهُ إِلَيْنَا وَجَمَّ فَضْلُهُ

و جسيم بود

خَلَا

نَعِدْهَا

عَلَيْنا فَاھُكُنَّا كُنَّا نَسْتَسْتَشِيرُ فِي

ذکر اگر مستند بود

التَّوْبَةِ لَمْ نَكُنْ قَبْلَنا الْقُدُوسَ

توبه را پیشینان نه برانیدال بود بگو که پاک بود

عَنَّا مَا لَا طَاعَةَ لَنَا بِهِ وَلَمْ يُكَلِّفْنا

بسی از طاعت و عبادت از طاعت نه بگرفت

إِلَّا وَسْعًا وَلَمْ يَحْشِبْنا إِلَّا نِيسًا

و فدر قدرت ما اندر نظر نمود بر ما که سان ملایک

يَدْعُ لِحَاجَتِنَا حُجَّةً وَلَا عُدْرًا

و در شهادت و معرفت او بر ما که را عذر نه اندر ما نه

مِنَّا مَن هَلَكَ عَلَيْكَ وَالسَّعِيدُ مِنَّا

بنا که از ما که و آن فلان را بر ما که که خوشبختی

مَنْ رَغِبَ إِلَيْهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ بِكُلِّ مَاجِدٍ

که که بخواست به او و حمد خدا را به هر چه که بزرگو

بِهَادِنِي مَلَائِكَةً إِلَيْهِ وَأَكْرَمَ خَلْقِهِ

و ملائکین و اگر از من ترسیدند

عَلَيْهِ وَأَرْضًا حَامِدَةً لَهُ دُحْنًا

و بزم به زمین حمد کنندگان کرد و دهن

يُفَضِّلُ سَائِرَ الْحَمْدِ فَضْلَ رَبِّنا أَعْلَى

بزرگو بر همه حمد خاص و بزرگو بر همه حمد

جَمِيعِ خَلْقِهِ ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ مَكَانَ كُلِّ نَجْوَةٍ

همه سخن نهایش با همه حمد ابرایکی به نعمت که بزرگو

لَهُ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ عِبَادِ الْمَاضِينَ

با همه که نه بر ما و بر همه عباد پیشین

وَالْبَاقِينَ عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عَلَيْهِ

تا آیند و بعد از آنچه علم او به آن او را است

مِنْ جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ وَمَكَانَ كُلِّ جَدٍّ

از اشیا و یکی به هر چه که بزرگو

منها عدد ما اضعافا مضاعفة

ضعاف مضاعف بها ران وایم ویا وید
ابناکم منذ الیوم الی قیمة حملا

روز قیامت وروز
منتفی حذر ولا حساب لعدده و

همه نباشد انداز و از او بپوشیده شمار از او
لا مبالغ لغایبه ولا انقطاع لامد

رسیده ان بغایت او را مقصور نباشد و درین او بر کز
حملا ینکوز وصلته الی طاعیه و عفو

مردی که را به طاعت و عفو او برون دهد
وسببا الی رضوانه و ذریعة الی

در رضای او سبب بود و معفرت او وسیله شود
مغفرتیه و طریقا الی جنته و خیرا

و بخت او راه باشد و از مغفرت او

یعنی

مغفرت

من تقیه و امناف من عصبیه و ظهیرا

نهاده گیرد و از غضب او ایمن گرداند و ظاهر
علی طاعیه و حاجز اعز معصیه و

بر طاعت او و از معصیت او مانع گردد و نفع
عوننا علی تادیبه حقه و وظایفه حملا

برای ما و او ایمن از تادیبت کند
به فی السعداء من اولیاء به و صیر

و در جمیع سعدیان از دوستان او
نظم الشهدا ینسوف أعدائه انه و

نظم شهیدان بشیر باشند
و کائنات ینسوف أعدائه انه و

و بود از دوی او بر او باشد
و الحمد لله الذی من علینا محمد بنیه صلا

حمد خدا را که بر ماست محمد بنی خود و درود

ب

عَلَيْهِ وَالْهَدُونَ الْأَيْمَ الْمَاضِيَةِ وَ
برای عمل او هر که بماند کند و
 الْقُرُونِ السَّالِفَةِ بِقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا يَجْرَعُ عَنْ
کردن کند قدرت که بجزند و لطیف
 شَيْءٍ وَازْ عَظِيمٍ وَلَا يَفُوتُهَا شَيْءٌ وَإِنْ
مروا کرد آنچه بزرگ است و در گذرد و از او چیزی نماند
 خَتَمَ بِنَا عَلَى جَمِيعِ مَذَرٍّ وَبَرٍّ وَجَعَلْنَا
این همه کرد و به هر چه که آفریده است و به هر که در دنیا
 سَمَاءً عَلَى مَنَاجِدٍ وَكَثُرَ نَائِمِيهِ عَلَى
که این بر هر که انکار کرد او را و بر هر که را برانگیزد
 قَلَّ اللَّهُ فَصَّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ أَمِينِكَ عَلَى وَجْهِ
انکه به بار برسد و فرستد محمد را و بر روی تو
 وَجْهِكَ فِي خَلْقِكَ وَصَفِيكَ مِنْ عِبَائِكَ
و کردید تو از خلق تو و پاک تو از بندگ

وَجْهِكَ

إِمَامِ الرَّحْمَةِ وَقَائِدِ الْخَيْرِ وَمِفْتَاحِ الْبَرَكَةِ
امام رحمت و قایدهای خیر و مفتاح برکت
 كَمَا نَصَبْتَ لِمَرْكَ نَفْسِهِ وَعَرَضَ فَيْدِكَ
چنانچه تو برای امر تو بمان خود را در میان نهادی و عرض نمودی
 لِلتَّكْرُورِ وَبَدَنَهُ وَكَاشَفَ فِي الدُّعَاءِ إِلَيْكَ
و پدید آورد و بدنه را و در راه تو دشنی و گفت
 حَامَتَهُ وَحَارَبَ فِي رِضَاكَ أَسْرَتَهُ
و با فتنه او قوام نهادی و در راه تو در ایمنی او
 وَقَطَعَ فِي إِيْجَالِهِ دِينَكَ رَحْمَةً وَأَقْصَى
از غلبه او به بندگی تو و نزدیکی از برای انکار تو کردی
 الْأَذْيَانِ عَلَى عَوْدَتِهِمْ عَنْكَ وَقَرَّبَ
دور از برای ابدیت امر از نزدیک کرد این و دوستی
 الْأَقْصَيْنِ عَلَى اسْتِجَابَتِهِمْ لَكَ وَوَالَى
کرد دور راه تو با همگان و دشمنی کرد

مَجُودِيكُمْ

فِيكَ الْآبَعْدِينَ وَعَادِي فَيْدِكَ الْآفِينَ
 وَأَذَابَ نَفْسِي تَبْلِيغَ رِسَالَتِكَ وَتَوْفِيقِكَ
 سَعْلًا بِالْبَضْعِ لِأَهْلِ دَعْوَتِكَ وَهَا
 الْمِلَادُ الْغُرْبَةُ وَمَجْلُ النَّاسِ عَنْ مَوْطِنِ
 وَمَوْضِعِ رِجْلِي وَمَسْقُطِ رَأْسِي وَ
 مَا خَرَفْتُهِ ارَادَةً مِنْهُ لِأَعْرَازِيكَ
 وَأَسْتَنْصِرُ أَعْلَى أَهْلِ الْكُفْرِ يَدِي خَفَا
 وَبِرْقَتِي بِأَيِّ قَسْرَةٍ تَكُونُ وَتُخَانِ مَقْصِدِي

بازین
 ای که
 درین
 روز
 در
 این
 روز
 در
 این
 روز

مأمین

المراد

اَسْتَبَلَّهَ مَا حَاوَلَ فِي عَذَابِكَ
 وَأَسْتَمَّ لَهُ مَا دَبَّرَ فِي أَوْلِيَاءِكَ فَمَنْ
 إِلَيْهِمْ مَسْتَعِجِلُ عَوْنِكَ وَمُسْتَقْوِيَا عَلَى
 بَصْرِكَ قَعْرَاهُمْ فِي عُقْرِ دَارِهِمْ وَهُمْ عَلَيْهِمْ
 فِي تَجْوِجِ قَمَرِهِمْ حَتَّى ظَهَرَ أَمْرُكَ
 وَعَلَّتْ كَلِمَتُكَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ
 اللَّهُمَّ فَارْفَعْ يَمِينِي كَدْحَ فَيْدِكَ إِلَى
 أَيْ يَدِ يَمِينِي أَوْ أَيْ يَدِ يَمِينِي أَوْ أَيْ يَدِ يَمِينِي

دیار رستم

ای که
 درین
 روز
 در
 این
 روز
 در
 این
 روز

الدرجۃ العلیا من جناتك حق لا

بالا از من از بهشت من از بهشتی

یسأوی فی منزله ولا یكافأ فی مرتبه

برای او کند در منزلی و برابر کند او در مرتبه

ولا یوازنیه لدینک ملک مقرب ولا

و برابر کند او نزد دین تو را و هیچ

نفر منسل وعرفه فی الدنیا الطاهرین

نفر من منسل و معرفت او در دنیا پاکیزه

امیه المؤمنین من حسن الشفاعه

کردن مؤمنان من حسن شفاعت

اجل ما وعدته بانافذا لعدوه

بزرگتر آنچه او وعده داده ای روا کننده و وفا

و فی القول یا مبدل السیات یا صاعدا

و در گفتن کنایه ای بدل کننده به بهشت صاعدا

اهله

اکله

وفی

من الحسنات انک ذو الفضل العظیم

از بهشتی بهشتی که تو خداوند فضل بزرگ

و کان من دعا یرفع علیه السلام فی الصلوة

و باشد از دعا او بر او برسانم در درود

حمله العرش و کل ملک مقرب

حمله عرش و هر که نزد دین تو

اللهم وحله عرشک الذین لا یقرؤ

بارب و در شکر تو منسل و بر گرفته اند از بهشت

من تسبیحک ولا یسأمون من

از تسبیح تو بر نیایند از بهشت یا در کردن را

تقدیرک ولا یستحیرون عن

تقدیر تو و در نهانند

عبادتک ولا یورثون القصیر علی

پرستی و بر نرسند فقیر را بر

ت

من

لَجَدِي أَمْرَكَ وَلَا يَعْقِلُونَ عَنِ الْوَلَاءِ
 كوشش در فرمان تو و غافل نباشند از امر تو
 إِلَيْكَ وَإِسْرَافِيلُ صَاحِبُ الصُّورِ
 بنو و اسرافیل نداوند صور
 الَّذِي يَنْطِقُ مِنْكَ الْأَذْنَ وَحُلُولِ
 آنکه انفاخ فرمان تو میکند که فرود آید
 الْأَمْرِ فَيُبْدِيهِ بِالْفَتْحِ صَرَعِي مَرْهَاتِي
 فرمان تو میدار کند به در و میگردان افروخته کند
 الْقُبُورَ وَمِثْلُ ذُو الْجَاوِ عِنْدَكَ
 نگه میدارند و میگردانند و به بزرگتر زدیگرند
 وَالْمَكَانَ الرَّفِيعِ مِنْ أَهْلِ طَاعَتِكَ
 مکانی بلند از اهل طاعت تو
 جِبْرِيلُ الْأَمِينُ عَلَى وَحْيِكَ الْمَطَا
 جبرئیل الامین بر وحی تو

وَمِنْ رُوحِ الْقُدُّوسِ الَّذِي فِي يَمِينِكَ

وَمِنْ رُوحِ الْقُدُّوسِ

وَمِنْ رُوحِ الْقُدُّوسِ

وَمِنْ رُوحِ الْقُدُّوسِ

فِي أَهْلِ سَمَوَاتِكَ الْمَكِينِ لَدَيْكَ الْقَرِيبِ
 در اهل آسمانهای تو بی یاری تو نزد تو
 عِنْدَكَ وَالرُّوحُ الَّذِي هُوَ مِنْ أَمْرِ
 تو و روحی که از امر تو
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى آلِهِمُ الَّذِينَ
 ای رب صلوات فرست بر ایشان و بر فرستگاران
 دُونِهِمْ مِنْ سُكَّانِ سَمَوَاتِكَ وَأَهْلِ الْأَمَانَةِ
 زبیران به از ساکنان آسمانهای تو و اهل امانت
 عَلَى رِسَالَاتِكَ وَالَّذِينَ لَا تَدْخُلُهُمْ
 بر پیغامهای تو و آنکه در آنها نروند
 سَلَامَةٌ مِنْ دُوبٍ وَلَا عِيَاءٍ مِنْ لَعُونٍ
 سلامت از دزدی و دوری از لعنت
 وَلَا مُؤُورٍ وَلَا تَغْلَهُمْ عَنْ تَسْبِيحِكَ
 و زشتی و مشغول گشتن از تسبیح تو

وَمِنْ رُوحِ الْقُدُّوسِ الَّذِي فِي يَمِينِكَ

رِسَالَتِكَ سَامِعَةً

وَمِنْ رُوحِ الْقُدُّوسِ الَّذِي فِي يَمِينِكَ

لاه الشَّهَوَاتُ وَيَقْطَعُهُمْ عَنْ تَعْطِيكَ سَهْوِ
 ارزوه و به از بزرگان را از بزرگداشتن و فراموشی
 الْغَفْلَاتِ الْخَشَعِ الْأَبْصَارِ فَلَا يَرَوْنَ
 ففقدنا انما از سر پیشها و پیش افکند اندر کوه
 النَّظَرَ إِلَيْكَ التَّوَاكُلِ الْأَذْفَانِ الَّذِينَ قَدْ
 در زخمی انما که در سبب بکند با نگرانی و نگرانی
 طَلَتْ رَعِيَّتَهُمْ فِيمَا لَدَيْكَ السَّمِيرُونَ
 رعیت ایشان با کج زدن و کج زدن
 يَذْكُرُ الْأَيْكِ وَالْمُتَوَاضِعُونَ دُونَ
 بزرگ نمیشد و فروتنی کنند که ان پیش
 عَظِيمِكَ وَجَلَالِ كِبْرِيَاكَ وَالَّذِينَ
 بزرگ کرد و بزرگوار کرد و انما که
 يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ تَرَفُّوا عَلَى
 میکنند چنان که کنند به دین که بگویند که

و انما که در سبب بکند با نگرانی و نگرانی
 و انما که در سبب بکند با نگرانی و نگرانی

والذين

أَهْلَ مَعْصِيَتِكَ سُبْحَانَكَ مَا عَدَدْنَا
 اهل معصیت تو بکارهای که برستی و حاشین
 حَقَّ عِبَادَتِكَ فَصِيلَ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الْأَعْيُنِ
 و بر تو من پرستیدن است مدوات فرستادن ایشان را بر روی
 مِنْ مَلَأَتْكَ وَأَهْلَ الرَّفْعَةِ عِنْدَ
 از تو شکوه و اهل زدن و بزرگوار کردن
 جَمَالَ الْغَيْبِ الْمُرْسَلِ وَالْمُؤْمِنِينَ
 چنان که بر دارند غیب نویسی رسولان تو و انما که
 عَلَمُ وَحْيِكَ وَقَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ
 بر روی تو و کرده های فرشتگان انما که
 اخْتَصَصَهُمْ لِنَفْسِكَ وَأَعْيُنُهُمْ
 خاص کرد ایشان را از برای خود و بی نیاز کردن ایشان
 الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ بِتَقْدِيرِكَ وَ
 خوردن و آشامیدن به قدرت کردن تو

اسكتهم بطون اطبار سقوايك و
سكن كردن در بين طبعه آسماني
 الذين على ارجائها اذ انزل الامم
نمى كه ابدان بكنند بر پاي اسكن
 وعدك وخرار المطور واجرح السحاب
و خود و روانه فرستادان برانند درانند
 والذي يصوبت رجزه يجمع رجاله
و ان كه او از راندن او بشمارد او از رنده
 واذ اسجبت به حفيضة السحاب القعدة
و چون نشيبت بدو او از ميغها
 صواعق البروق ومشيبي الثلج والبر
مافقه و برقها و مي فراشيد كن برف و برف
 ولها بطين مع قطر المطر اذ انزلوا القوا
و فرو انداختن با قطره مي باران برين چون

مهم

تسبيح
تسبيح
تسبيح

تسبيح
تسبيح
تسبيح

تسبيح
تسبيح
تسبيح

على خرائن الرياح والموكبين بالجبنا
و ناله ايت دهاندر بر خرونها با و با و كانه
 فلا تروك والذين عرفهم متايقيل اليها
از جاي نبردند انا كراين زانست سكران
 وكيلا ما تحويه لواعج الامطار و
و نمودن اكله كردان در آيد و نمى ن بارانند
 عواجمها ورسلك من الملايكه الى اهل
برهم زوشت و رسوله ان نواز فرستگان كه باال
 الارض خيمكم ووما ينزل من البلاء
ان ايند كبراهيمت انهم و واده از بلا
 ومحبو الرخاء والسفر الكرام البررة
و راضى كه از او دست دارند و ان سايه جان مبرر
 الحفظه الكرام الكائين وملك الموت
لكه و انان كراين ندرستند كن و ملك الموت

تسبيح

تسبيح

تسبيح
تسبيح
تسبيح

وَمِنْهُمْ مَنْ يَكْفُرُ بِآيَاتِنَا

أَعْوَانِهِ وَمَنْ يَكْفُرُ بِآيَاتِنَا
وَالطَّائِفِينَ بِالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَمَا لَكُمْ
أَنْ تَكُونُوا فِي سَبْعَةِ مَجَادِجٍ
أَنْزَلْنَاهُ وَرِضْوَانٍ وَسَدَةِ الْجَنَّةِ وَالَّذِينَ
لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ
وَالَّذِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا
عَفَا اللَّهُ وَالتَّزْيِينَةِ الَّذِينَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ
خُذُوا زِينَتَكُمْ قَالُوا إِنَّ الْفُلَّ يَنْتَظِرُكُمْ فَهَارِبُونَ
وَالَّذِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا
عَفَا اللَّهُ وَالتَّزْيِينَةِ الَّذِينَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ
خُذُوا زِينَتَكُمْ قَالُوا إِنَّ الْفُلَّ يَنْتَظِرُكُمْ فَهَارِبُونَ

وَمِنْهُمْ مَنْ يَكْفُرُ بِآيَاتِنَا
وَالطَّائِفِينَ بِالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ
وَمَا لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا فِي سَبْعَةِ مَجَادِجٍ
أَنْزَلْنَاهُ وَرِضْوَانٍ وَسَدَةِ الْجَنَّةِ
وَالَّذِينَ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ
وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ
وَالَّذِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ
بِمَا عَفَا اللَّهُ وَالتَّزْيِينَةِ
الَّذِينَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ خُذُوا زِينَتَكُمْ
قَالُوا إِنَّ الْفُلَّ يَنْتَظِرُكُمْ فَهَارِبُونَ

صَبْرًا قَدِيمًا

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ
بِمَا عَفَا اللَّهُ وَالتَّزْيِينَةِ
الَّذِينَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ خُذُوا زِينَتَكُمْ
قَالُوا إِنَّ الْفُلَّ يَنْتَظِرُكُمْ فَهَارِبُونَ

سِرَاعًا وَلَمْ يُظِرُّوهُ وَلَمْ يَمْنُوا بِهِ
وَلَمْ يَعْلَمُوا مَكَانَ مَنَّا وَبِأَيِّ أَمْرٍ وَكَلَّمَهُ
وَسَكَّانِ الْهَوَاءِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهِ وَمَنْ فِيهَا
عَلَى الْخَلْقِ وَصَلَّ عَلَيْهِمْ يَوْمَ تَأْتِي خَاتَمُ مَعْمَا
فَأَتَمُّ وَشَهِيدٌ وَصَلَّ عَلَيْهِمْ صَلَوةٌ مِنْ رَبِّكَ
كَرَامَةً عَلَى كَرَامَتِهِمْ وَطَهَارَةً عَلَى طَهَارَتِهِمْ
اللَّهُمَّ وَإِذَا أَصَلَيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ وَرُسُلِكَ
يَا رَبِّ وَجْهِي هَذَا فِي دِيَارِ بَيْتِكَ وَفِي مَسْجِدِكَ

وَمِنْهُمْ مَنْ يَكْفُرُ بِآيَاتِنَا
وَالطَّائِفِينَ بِالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ
وَمَا لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا فِي سَبْعَةِ مَجَادِجٍ
أَنْزَلْنَاهُ وَرِضْوَانٍ وَسَدَةِ الْجَنَّةِ
وَالَّذِينَ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ
وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ
وَالَّذِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ
بِمَا عَفَا اللَّهُ وَالتَّزْيِينَةِ
الَّذِينَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ خُذُوا زِينَتَكُمْ
قَالُوا إِنَّ الْفُلَّ يَنْتَظِرُكُمْ فَهَارِبُونَ

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ
بِمَا عَفَا اللَّهُ وَالتَّزْيِينَةِ
الَّذِينَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ خُذُوا زِينَتَكُمْ
قَالُوا إِنَّ الْفُلَّ يَنْتَظِرُكُمْ فَهَارِبُونَ

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ
بِمَا عَفَا اللَّهُ وَالتَّزْيِينَةِ
الَّذِينَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ خُذُوا زِينَتَكُمْ
قَالُوا إِنَّ الْفُلَّ يَنْتَظِرُكُمْ فَهَارِبُونَ

وَبَلَّغْنَاهُ

وَبَلَّغْنَاهُ صَلَواتُ عَلَیْهِمْ فَصَلِّ عَلَیْهِمْ

در روزهای این صلاتها بر ایشان درود و تسبیح

فَحَسَنَّا مِنْ حَسَنِ الْقَوْلِ فِيهِمَا أَنْتَ

بکن ده ملا از نیک گفته در این

وَكَاغُرَ جَوَادِ كَرِيمٍ دُعَايِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

و به دعوای جواد کریم تم او بر او باد سلام

فِي الصَّلَاةِ عَلَى أَتْبَاعِ الرَّسُولِ وَمُصَافَقِهِمْ

در درود بر پیروان رسول و در استقامت ایشان

اللَّهُمَّ وَأَتْبَاعِ الرَّسُولِ وَمُصَدِّقِهِمْ

خدایا و ائمه بعد از رسولان و پیغمبرین و صدیقین

الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ عِنْدَ مُعَارَضَةِ الْمَغَارِ

زمین را به غیبت آنجا که در مقابل غار است

لَهُمْ بِالتَّكْذِيبِ وَالْإِسْتِثْقَاءِ إِلَى الْمُسْلِمِينَ

بر ایشان بکذب و در پی استقامت به مسلمانان

عَلَيْكَ

اللَّهُ بِأَمْرٍ خَصَّ مُحَمَّدًا وَآلَهُ الْكَرَامَةِ وَجَاهَهُ بِالرِّسَالَةِ وَخَصَّهُمُ بِالْوَسِيلَةِ وَجَعَلَهُمْ وَرَثَةَ الْأَنْبِيَاءِ وَخَتَمَهُمْ بِالْأَوْصِيَاءِ وَالْإِمَامَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا كَانَ وَتَمَاجِي وَجَعَلَ أَفْنَدَهُ مِنْ بَيْنِ مَمْنُونِ الْبُصْرِ صَلَّيْهِ مُحَمَّدٌ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَأَفْنَدُ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فِي الدِّينِ وَالْدُنْيَا وَالْآخِرَةِ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

الْبَاقِ

صلوة

مَحْفَافَتِ

فِيهِ

مَحْفَافَتِ الْإِيمَانِ فِي كُلِّ دَهْرٍ وَمَا نَزَلَ

در هر روز و هر روزی که نازل شد

فِيهِ رَسُولًا وَأَمَّتْ لَاهِلِهِ دَلِيلًا مِنْ

در او برای اهل ایمان و دلیلی از ایشان

أَدَمَ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّاهُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ آ

از آدم تا محمد که خداوند او را و آل او را

الْمُهْدَى وَقَادَةَ أَهْلِ التَّقَى عَلَى جَمِيعِهِمْ

را که هدایت و قادت اهل تقی بر جمیع ایشان

فَاذْكُرْهُمْ مِنْكَ بِمَغْفِرَةٍ وَرِضْوَانٍ

پس یاد کن ایشان را از تو با مغفرت و رضایت

وَأَصْحَابِ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْصَا

و صاحبان محمد را به خصوص آنکه نام برد

الْأَصْحَابُ وَالَّذِينَ ابْتُلُوا بِالْإِسْلَامِ

صاحبان و کسانی که امتحان شدند با اسلام

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

عَلَيْهِمُ

انصرت
بني اسرائيل
حيث

نصره وكافوه واسرعوا الي وفادته

كزمنه وبعده انما

وسايقوا الي دعويته واستجابوا للحيث

بهموت وسبقت واعداد ابيات مخدونه في كج
اسمعهم حجة رسالايه وفارقوا لاد

والاولاد في اظهار خليه وقابلوا

والابناء في تبيين نبويه وانتصروا به

من كانوا منطوبين على محبة يديون

تجارة كن تبور في مودته والدين

سودوي والي انشد در سواد او

بخر

بني اسرائيل
حيث

صلوات

بني اسرائيل

حيث

بني اسرائيل

بني اسرائيل

بني اسرائيل

بني اسرائيل

بني اسرائيل

بني اسرائيل

بني اسرائيل

بني اسرائيل

بني اسرائيل

بني اسرائيل

بني اسرائيل

بني اسرائيل

بني اسرائيل

بني اسرائيل

بني اسرائيل

بني اسرائيل

بني اسرائيل

بني اسرائيل

بني اسرائيل

بني اسرائيل

بني اسرائيل

بني اسرائيل

بني اسرائيل

بني اسرائيل

كثرت من سعة المعاش الى ضيقه ومن

وادمع من شدة الحزن والهم

كلوهم في اعزاز دينك من مظلومهم اللهم

سددت من الزمان ورفق

الى التابعين لهم يا حسان الذين يقولون

تابعين لهم كما مضت نكروا انما هم كسفت

ربنا اغفر لنا ولإخواننا الذين سبقونا

بالايمان خير جزائك الذي قصدوا

وخرروا وجوههم ومضوا على شاكلتهم

يذهب ريب في بصيرتهم وخلقهم شاك في

كروا بهت ان اذ بعث الله نبي من قبلك

مفرو

مفرو

مفرو

مفرو

مفرو

كثرت

كلوهم

كروا

مفرو

فقواتارهم والايام بساية منارهم

ومنع لشدة الحزن والهم

مكافئين ومواريرهم يدينون

صدق عقيقتكم بحسب ما كانت الدنيا

يدبرهم ويمسكهم ويهدوهم يقيمون عليهم

لا يهتمونهم فيما آذوا اليهم اللهم وفضل

على التابعين من يؤمنوا هذا الى يوم

نزلهم من ربهم

فعلوا ارجاءهم وعلى ذرياتهم وعلى

اطاعك منهم صلوة تعصمهم بها من

الطاعة كنهه عن الذنوب ان كان من

مفرو

مفرو

مفرو

مفرو

مفرو

مفرو

وَتَقْصِرْ لَمْ فِي رِيَاضِ جَنَّتِكَ وَتَمْنَعُهُمْ نِيَا

وفاقی که این را در روز آخری بهشت در مبارز داری

مِنْ كَيْدِ الشَّيْطَانِ وَيُعِينُهُمْ نِيَا عَلَى مَا

از این که بن از کید شیطان و یارین در

عَلَيْهِمْ مِنْ بَرٍّ وَفَقِيحِهِمْ طَوَارِقَ اللَّيْلِ وَ

بر او از تنگی و فتنه و در آن بهر دو فرقه پیش مردم که در

الْأَخَارَ قَائِمًا وَتَجَسَّسَ وَتَعَصَّدَ بِطَاعَةِ

که پیش آمده که پیش از بیکی و بر کمرش آن بان بر

اعْتِقَادِ حُسْنِ الرَّجَاءِ لَكَ وَالطَّمَعِ فِيهَا

اعتقاد که امید نیکو دارند بهر طمع در آن

عِنْدَكَ التَّهَمَةِ فَيَا تَحْوِي أَيْدِي الْجَائِ

که نزدیک است و می نمایند در آنچه جمع کرده است و شایسته

بها

از این که بن از کید شیطان و یارین در

وَنَزَكَ

إِلَيْكَ وَالرَّهْمِ لِيَرُدَّهُمْ إِلَى الرَّغْبَةِ مِنْكَ وَتَرْهَبُهُمْ

بوی و بویشان

فِي سَعَةِ الْعَاجِلِ وَتَحْبِبَ إِلَيْهِمُ الْعَمَلِ

در فراخی دنیا و دوستی بوی این عمل را

لِلْأَجَلِ وَالْإِسْتِعْدَادَ لِلْبَعْدِ لِلْوَيْ

برای آخرت و استعدادهای پس از آنک

تَمُوزَ عَلَيْهِمْ كُلَّ كَرِيحٍ يَحُلُّ يَوْمَ

آن که بر این در اندوهی را که فرو واید و آن روز

خُرُوجِ الْأَنْفُسِ مِنْ أَبْدَانِهَا وَتَعْلَمُهُمْ

که بیرون آمدن و نفسها از بدن جدا شود و بدانند آن

فَمَا تَقَعُ بِهِ الْقِسَّةُ مِنْ مَحْذُورَاتِنَا

از آنچه واقع شود و بدانند از مَحْذُورَاتِنَا

وَكَبَّةِ النَّارِ وَطُولِ الْخُلُودِ فِيهَا

و کباب و در آن و در آن

الْأَجَلِ

مَحْذُورَاتِنَا

از آنچه واقع شود و بدانند از مَحْذُورَاتِنَا

وَكَا فَرَسٌ دَعَا عَلَيْهِ التَّلَامِيذُ فَاَجَلَّ

وَلَا يَتَرُ يَا مَنْ لَا بَيْتَ لِمَا ض

تَقْضَى عَجَائِبُ عَظَمِيهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

اِحْبَسَا عَزَا لِحَادِي عَظَمِيكَ وَيَا مَنْ

لَا يَنْتَهِي مَدُّ مَلِكِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

اَعُوْزُ قَابَتَا مِنْ تَقْيِيكَ وَيَا مَنْ لَا يَنْتَهِي

خَرَايُ رَحْمَةٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْز

وَحِيكَ

لَنَا نَصِيْبًا فِي رَحْمَتِكَ وَيَا مَنْ تَقْطَعُ

رُؤْيِيهِ الْاَبْصَارُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْز

اَلْقُرْبِكَ وَيَا مَنْ تَصْعَقُ عِنْدَ خَطَرِهِ الْاَخْطَارُ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكِرْمًا عِلْدُ

وَيَا مَنْ تَطْهَرُ عِنْدَهُ بَوَاطِنُ الْاَخْيَارِ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَقْصُرْ اَلدِّينُكَ اَللّٰهُمَّ

اَعِزَّنَا عَنْ هَيْبَةِ الْوَهَّابِيْنَ بِهَيْبَتِكَ وَاجْز

وَحِيكَ

اَكُنَّا وَخَشَةَ الْقَاطِعِينَ بِصِلَتِكَ

کنایت کن یا را و خشنود کن بر بندگان خود

حَتَّى لَا نَرْغِبَ إِلَى أَحَدٍ مَعَ بَذَلِكَ وَ

تا رغبت نکنیم به کسی با بجز تو

لَا نَسْتَوْجِسُ مِنْ أَحَدٍ مَعَ فَضْلِكَ

از کسی با فضل تو

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكَذَلْنَا وَلَا

بار خدا یا صلوات ده بر محمد و آل او و کید کن بر او و بندگان

تَكْدَعَلِينَا وَامْكُرْنَا وَتَمْكُرْ بِنَا وَادِلْ

بر ما و مکر کن بر ما و مکر کن بر ما و دوست

لَنَا وَلَا تَدِلْ مِنَّا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

و ما را و دوست ما را یا صلوات ده بر محمد و آل او

وَقِيَامِنَا وَاحْفَظْنَا بِكَ وَاهْدِنَا

و نگاه دار ما را از خود و نگاه دار ما را بخود و راه ما را

یا

إِلَيْكَ وَلَا تَبَاعِدْنَا عَنْكَ إِنْ مَنْ يَقْرُبُ

از تو دور کن ما را از خود اگر کسی را که نزدیک

يَعْلَمُ وَمَنْ يَهْدِيهِ يَعْلَمُ وَمَنْ يَقْرُبُ إِلَيْكَ مِنْكَ

او را هدایت کند و هر که را که راه او را هدایت کند و هر که را که از تو دور

يَعْنِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ

یعنی یا صلوات ده بر محمد و آل او و

حَدِّثُوا أَيُّ الرِّمَازِ وَشَرِّ مَصَائِدِ النَّظَرِ

بخوانان ۱۲ روز کار شروع کن ای شیطان

وَمَرَّ آرَهُ صَوْلَةِ السُّلْطَانِ اللَّهُمَّ إِنَّمَا

و بگذر از او تسلط سلطان بر ما یا

يَكْفِي الْمَكْفُونِ بِفَضْلِ قُوَّتِكَ فَصِلْ عَلَى

کافی میکند بکسایتان بفضل و قوت تو پس صلوات

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْفِنَا وَإِنَّمَا يُعْطَى الْعَطْوَانِ

محمد و آل او و کفایت کن ما را و اگر میباید و بندگان

مُصَلِّ
مُصَلِّان

مِنْ فَضْلِ حَدِيثِكَ عَلَ مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ وَاعْطِنَا

از فضل تو که بر محمد و آل او و به ما

وَأَتَمَّا يَهْدِي الْمُهْدُونَ بِنُورِ وَجْهِكَ

و راه که به پیروان هدایت کند بنور چهره تو

مُصَلِّ عَلَ مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ وَاهْدِنَا اللَّهُمَّ

صراط ده بر محمد و آل او و راه نهای ما را بار خدا یا نبی

مَنْ وَالَيْتَ لَمْ يَضُرَّهُ خِذْلَانُ الْخَازِلِينَ

آن که تو را دوست دارد و دشمنی او را بر او بی اثر است

وَمَنْ أَعْطَيْتَ لَمْ يَنْقُصْهُ مَنَعَ الْمَانِعِينَ

و آن که تو بخشید تو را کم نمی کند مانعان

وَمَنْ هَدَيْتَ لَمْ يَعْزُوهُ اضْلالُ الْهَادِلِينَ

و آن که تو هدایت کردی تو را بازگردانند ضلالت گمراهان

فُضِّلَ عَلَ مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ وَامْنَعْنَا بَعْضَ الْبَعْضِ

صراط ده بر محمد و آل او و بپا زوار ما را بپا زواران

عَدَدُ

نصف

عِبَادِكَ وَأَعِزَّا غَيْرَ غَيْرِكَ بِإِرْفَادِكَ

بندهگان تو را با عزیز کردن و با افترا کردن غیر تو

وَأَسْلُكُ بِتَأْسِيلِ الْحَوَارِ شَارِكَ

و بر تو راه را به آسانی می رانم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَ مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ وَاجْعَلْ

بارب صلات ده بر محمد و آل او و بکن غ

سَلَامَةً تَكُونُ بِلَاذِكُمْ عَطِيَّةً وَمَرَا

سلامتی دهی که در تو بیاید عطا و مراد

أَبْدَانِي فِي شُكْرِكَ وَأَنْتَ أَهْلُ الْبَيْتِ

بدن مرا در شکر تو و تو ای اهل بیت

فِي وَصْفِ مَنْشِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَ مُحَمَّدٍ

در وصف من تو را بارب صلات ده بر محمد و آل او

إِلَيْهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ دُعَايِكَ الدَّاعِينَ

آل او و کن ما را از خوانندگان تو که می خوانند

دا

إِلَيْكَ وَهَذَاكَ التَّالِيَيْنِ عَلَيْكَ مِنْ

از راضی که کن تو که وسیع کنی هر دو

خَاصَّتِكَ الْخَاصِّينَ لَدَيْكَ يَا أَرْحَمَ

خاصان تو که خاص باشند نزدیکت یواختی خشنود

وَكَاثِلِ الرَّاحِمِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

وهر از دعی او نه او بود

عِنْدَ الصَّبَاحِ وَالْمَسَاءِ

در وقت صبح و شب

أَتَحْمَدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ يُقَوِّ

همین مفضل را به توید شب و روز را بنورش

وَمَيِّزَ بَيْنَهُمَا بِقُدْرَتِهِ وَجَعَلَ لِكُلِّ وَاحِدٍ

وتمیز کرد میان این دو کرد این هر یک

مِنْهُمَا حَتًّا مَحْدُودًا وَأَمَّا مَذُودٌ أَيْ قَوْ

از آن دو را حد کرده و مذبذبی را نیت به کرده در هر

کدام

بسم الله الرحمن الرحيم

موقوفه

كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي صَلَاحِهِ وَيُوجِّ

در هر یکی را از آن دو در مکارش و در بر

صَلَاحِهِ فِيهِ بِتَقْدِيرِ مَنْهُ لِلْعِبَادِ فِيمَا

در مکارش در و بقیه بری از او بر مکارش و در

يَعْزُومُ بِهِ وَيُنْشِئُ عَلَيْهِمْ خُلُوعَ

برودش بر آن وی رو بندگان بر او پس برودش

الَّيْلِ لِيَسْكُوَ فِيهِ مِنْ حَرَكَاتِ الْعَبِيدِ

شبانه بهرامند در او از حرکات بنده

وَنَهَضَاتِ النَّصَبِ وَجَعَلَ لِبَاسًا

و بر پوشیدن بانهگی و کرد از او پوشش

لِلْيَسْوَاءِ مِنْ رَاحَتِهِ وَمَنَامِهِ فَيَكُونُ

نماد برودش از راحش و خوابش باشد آن

ذَلِكَ كَمَنْ جَاءَ مَا وَقُوَّةٌ وَلَيْسَ الْوَابِقُ لَهُ

این را کسی و نه بود و نه بندگان

کدام

صباح و مساء

بَهْطَاتِ

وَسَهْوَةٍ وَخَلَقَ النَّهَارَ مُبْصِرًا لِّدَعْوَا

وَأَرْزَوِي وَيَا زِيَادُ اِنَّ رُوزِ رَجَبِ كُنْدَه نَامِ كُنْدَه
فِيهِ مِنْ فَضْلِهِ وَلَيْسَ يَسْبُو إِلَى رِزْقِهِ وَ

دُرُو از فضل او و سبب جویند برزخ
يَمْرَحُوا فِي أَرْضِهِ طَلَبًا لِّمَا فِيهِ نَيْلَ الْعَالَمِ

بِجَرْدِ دُرُوزِ نَيْلِ قَلْبِ كَرْدَنِ اِنْجَزَا كَرْدَنِ
مِنْ دُنْيَاهُمْ وَدَرْكَ الْاَجَلِ فِي آخِرِهَا

از پنداری اِنْ و در یافتن اِنْجَزَا خواهد بود و از زمان
بِكُلِّ ذِكْرٍ يَصْلَحُ شَأْنُهُمْ وَيَتَلَوُّوا

اِنْجَزَا نَيْلِ كُنْدَه كَرْدَنِ اِنْجَزَا كَرْدَنِ
اَخْبَارَهُمْ وَيَنْظُرُ كَيْفَ تَمَّ فِيْ اَوْقَاتِ طَلَبِ

خبر اِنْجَزَا و منتظر که چو نَد اِنْجَزَا در اوقات
وَمَنَازِلِ فُرُوضِهِ وَمَوْجِ احْكَامِ

و منزه های فُرُوضِ اِنْجَزَا و در با احکام اِنْجَزَا

وَيَسْتَبَوُوا

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ اسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ

نَامِ دَانِش دِهْدَنِ كُنْدَه رَا كِه بَد كَرْدَنَه بَا كِه كَرْدَنَه دِهْدَنِ
الَّذِي احْسَنَ اِلَى الْحَسَنِ اَللّٰهُ فَذَكَ

كُنْدَه زَا كِه نَيْلِ كَرْدَنِ بِنَيْلِ بَا رُفْدَا اِنْجَزَا
اَلْحَمْدُ عَلَى مَا قَلَقْتَنَا مِنْ الْاِصْبَاحِ وَ

سُتُورِ دِنِ بَا اِنْجَزَا كُنْدَه بَا اِنْجَزَا
مَعْنَاهُ مِنْ ضَوْءِ النَّهَارِ وَبَصَرَتَنَا بِهِ

بَرْزَخِ دَانِ دَاوِي دَاوِي اِنْجَزَا
مِنْ مَطَالِبِ الْاَقْوَاتِ وَوَقَيْتَانِيهِ

از جابه های كِه طَلَبِ كُنْدَه قَرْدَنِ اِنْجَزَا
مِنْ طَوَارِقِ الْاَلْفَاتِ اَصْحَنَّا وَاصْحَبِ

فَرُوزِ اَفْرِي بَا اِنْجَزَا كُنْدَه اِنْجَزَا
الْاَشْيَاءَ كُلَّهَا يَجْلِيْهَا لَكَ سَمَآوُهَا

چَرِه دِهْدَنِ اِنْجَزَا كُنْدَه اِنْجَزَا

مَعْنَاهُ

اَسْمَاءُ وَاَمِيَّتِ

مِنْ دَائِهِ
از عیبها

وَارْضَهَا وَمَا بَشَتْ فِي خَلٍّ وَاحِدٍ

و زینش و آنچه را که در هر یکی از آن دو ساکنه و متحرکه و مقیمه و شاخصه

بَطْنٍ عَلَنٍ وَمَا عَلَا فِي الْهَوَاءِ وَمَا كُنَّ خَتَّ الثَّرَا

و آنچه با کفره در هوا و آنچه نهان شده است در خاک

وَمَلَأَكَ جَوْنَا
سلطانانک

أَصْحَابِي قَبْضِكَ جَوْنِي مَمْلُوكٌ وَسُلْطَانِي

و منم که در قبضه تو و منم که در سلطنت تو

وَسَقَلْبِي تَذِيرُكَ لَيْسَ لَنَا مِنْ إِلَّا مَرَمٌ

و غلبه من از ترس تو نیست و ما را جز تو نیست

اللهم

و هذا هو ما

بصالحها

وَهَذَا يَوْمٌ حَادِثٌ جَدِيدٌ وَهُوَ عَلَيَّ

و این روز است چه تازه و چه نو و بر من

شَاهِدٌ عَيْدٍ زِيَادٍ أَحْسَنُ وَأَوْعَى عَمَّا جَدَّ

که شاهد است عید من از آنچه پیشتر و از آنچه بعد

أَسَانَا فَارْقَانِي دِمَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

و از من و از منم که با من است و خداوند صلوات بر محمد

مِنْ سَوْءٍ مُفَاقِهِ بِأَرْثَاكِ حَبْرَةٍ أَوْ

از بدی منم که با من است و از بدی منم که با من است

مِنْ الْخَسَائِفِ وَالْخَسَائِفِ مِنَ السَّيِّئَاتِ

اللهم صل على محمد و آل

اللهم

و هذا هو ما

وَأَمَّا لَنَا مَا بَيْنَ طَرْفَيْهِ حَمْدًا وَشُكْرًا
وهرکن برای آنچه میان دو طرفه سپاس و شکر

وَأَجْرًا وَذَخْرًا وَفَضْلًا وَإِحْسَانًا اللَّهُمَّ
وآجر و ذخیره و فضل و احسان یا خداوند

يُمَيِّرْ عَلَيَّ الْكِرَامَ الْخَالِيَةَ مُؤْنِنًا وَأَمَلًا
بر من بگردان برترین کرامت را و مؤید و امید

مِنْ حَسَابَاتٍ صَحَائِفًا وَلَا خَيْرَ نَا عِنْدَ جَبَرُوتٍ
از حسابها و دفترهای و سرور و برتری

أَعْمَالِنَا اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِي كُلِّ سَاعَةٍ
اعمال ما یا خداوند بگردان بگردان برای در هر ساعتی

سَاعَاتِهِ خَطًّا مِنْ عِبَادِكَ وَنَصِيبًا مِنْ
ساعات او بگردان بگردان از پرستش تو و نصیبی از

شُكْرِكَ وَشَاهِدَ صِدْقٍ مِنْ مَلَائِكَتِكَ
شکر تو و گواهی راستی از فرشتگان تو

اللَّهُمَّ

وَأَمَّا لَنَا مَا بَيْنَ طَرْفَيْهِ حَمْدًا وَشُكْرًا

عِبَادِكَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحْفَظْنَا مِنْ
یا خداوند صلوات بر محمد و آل او و نگاهدار ما را از

بِئْرَائِدِنَا وَمِنْ خَلْقِنَا وَغَدَائِمِنَا وَ
بیزایدن ما و از خلق ما و غداهای ما و

عِشْمَانِنَا وَمِنْ جَمِيعِ نَوَاحِينَا حَفِظًا
از بیم و از جمیع نواهی ما حفظ

عَاصِمًا مِنْ مَعْصِيَتِكَ هَادِيًا إِلَى طَاعَتِكَ
بازدارنده از نافرمانی ما و راهنما به طاعت تو

مُسْتَعِلاً لِحَبِيبِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
مستعلا بر دوستی تو یا خداوند صلوات بر محمد و آل او

وَوَفِّقْنِي يَوْمَ مَنَاسِكَتِنَا وَلَيْلَتِنَا هَذَا
و تو فریق ده ما را در روزگاری این روز و شب و این

وَفِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا لِاسْتِعْمَالِ الْحَيْرِ
و در همه روزهای ما بگردان بگردان برای استفاده از خیر

وَلْيَا لَيْلَا

و در همه روزهای ما بگردان بگردان برای استفاده از خیر

بریدن از پیر و لشکر کردن پیر و پروی کردن پیر

مُجَانِبَةُ الْبِدْعِ وَالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ النَّحْوِي

بکنند به بدو از جهنم و فرمود: ای کافر ایستاده و مرا

عز الملة فحاطة الى

وَأَيْضًا

الطاهر بن محمد - ١٠٩٨ هـ

بِإِذْنِهِ وَبِصَرِّهِ الْحَقِّ وَاعْلَمُوا

کمال و عجز از زبان این دیوانه و بی ادب من و دیگر

الرَّسَائِدُ الْقَصَالِ وَمُعَاوَنَةُ الضَّعِيفِ الَّتِي

نام محمد و ملازم و پادشاهی کرمان مصطفی: مظفر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ہوئے بعد ازاں ویکر داری اورا جھڑپ

مَدَنَاهُ وَأَفْصَحَ صَحَابَةُ

عالم وادرم و با صفتی که گویید کرده ام

三

مِنْهُ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ وَإِنَّكَ عَلِيمٌ خَفِيٍّ

وَجَعَلْنَا فِيهَا رِجَالًا مُّسَبِّحِينَ رَبَّهُمْ
وَيُكِنُّونَ فِيهَا لَيلًا وَنَهَارًا

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
الذي كنا لنهتدي لاه
بغيره

من من عليه الليل والنهار من محبة

الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

اشْكُرْهُمْ يَا اُولِيْئِمْ مِنْ بَعْدِكَ وَافُوهُمْ

شكر زين الدين النجف الموداد دوازعت

يَا شَرَعْتَ مِنْ شَرَائِعِكَ وَأَوْفَقَهُمَا

بدانچه نرسد و از راههای شریع نه و باز استیلا

[illegible]

از این زمان فقه و از این زمان

مَكَانَهُ فَمَنْ أَسْفَدَ سَمَاءَكَ

وَقَدْ بَكَ سَيِّدَا
وَكُوْنَا مَكْمَلَا

وہی کہ جس نے اسے لکھا ہے

ارمك و من اسلمها من ماله

نہیں زامر کہ راہ دوری دونوں سدا ہم

وَسَائِرِ خَلْقِكَ فِي يَوْمِي هَذَا وَسَائِرِ
و دیگر خلقان تو در این روز و در این سال
هَذِهِ وَلِيْلِي هَذِهِ وَمُسْتَقَرِّي هَذَا
من و شب من نیست و جای آرامی و مستقر من نیست که
أَشْهَدُ أَنْكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا
من گواهی میدهم که تویی الهی که نیستی مطلق
أَنْتَ قَائِمٌ بِالْقِسْطِ عَدْلٌ فِي الْحُكْمِ رُؤُوفٌ
تو که ایستاده ای به عدل و دادگر در حکم مهربان
بِالْعِبَادِ مَا لَكَ لِلْمَلِكِ رَحِيمٌ يَخْلُقُ
بر خلق بزرگواری و رحمت
أَنْ مُحَمَّدٌ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَخَيْرُكَ
آنکه محمد بنده تو و رسول است و برتر بنده تو
مِنْ خَلْقِكَ حَمَلَتْهُ رِسَالَتُكَ فَأَدَّاهَا
از خلقان تو بر او مقرر کردی رسالت خود را پس انجام داد

مَلِكًا عَلَيْهِ وَالَّة

وَأَمْرَتُهُ بِالنُّجْحِ لِأَمْنِيَةٍ فَصَحَّحَهَا اللَّهُ تَعَالَى
و امر او را به نصرت کردن است و ایمنی بر او است و خداوند تعالی
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَكْرَمًا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ
بر محمد و آل او
مِنْ خَلْقِكَ وَلَيْتَهُ أَفْضَلُ مَا آتَيْتَ أَحَدًا
از خلق تو و لیت او بهترین است از آنچه دادی
عِبَادِكَ وَآجِرُهُ عَنَّا أَفْضَلُ وَأَكْرَمُ مَا
بنده کن خود و پادشاه من و ده او را از ما بهترین و برتر آنچه
جَرَيْتَ أَحَدًا مِنْ أَنْبِيَائِكَ عَنْ أَمْرِهِ
پادشاه را از پیغمبران از امر او که تو
أَنْتَ الْمَنَّانُ يَا حَسْبِيَ الْعَافِرُ لِلْعَظِيمِ
تو بخشنده نعمت و بخششگر از زنده کننده بزرگوار
أَنْتَ أَرْحَمُ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ فَصَلِّ عَلَى
تو بخشنده تر از هر بخششنده

عَنْ أَنَلَهُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مُحَمَّدٌ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الظَّاهِرِينَ الْأَخْيَارَ
 عَمَدُ الْإِيمَانِ وَبُكَارَةُ كَوْنِ
 وَكَانَ الْأَخْيَارِ دُعَايَهُ عَلَيْهِ
 وَبِرْوَاقِهِ
 السَّلَامُ إِذَا عَرَضَتْ لَكَ مَمْنَعَةٌ أَوْ مَرَّتْ
 سَلَامٌ بِكَ وَفِيهِ دُعَايُ الْغُيُوبِ مِنْهُ
 بِرُحْمَةٍ يَا مَنْ تَحْلِيهِ عَذَابُ الْكَرْبِ
 يَا مَنْ تَحْلِيهِ عَذَابُ الْكَرْبِ
 عَقْلُ الْكَارِ وَبِأَمْنٍ يُفْثَى بِهِ حَدُّ
 جَدَمٍ وَبِأَمْنٍ يُفْثَى بِهِ حَدُّ
 الشَّدَاكِدِ وَبِأَمْنٍ يُلْمَسُ مِنْهُ رَاحُ
 رَحْمَتِهِ
 لِيَرْفُجَ الْفَرْجَ ذَلِكَ لِقُدْرَتِكَ
 بِرَأْسِهِ

وكان

السلام

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على
 سيدنا محمد وآله
 وبعد

لِحُجَّةِ الْغُيُوبِ وَبِأَمْنٍ يُفْثَى بِهِ حَدُّ
 الْمَصْطَفَى وَالْمَوْضِعُ وَالْبَاهِيَّةُ
 وَالْفَاطِمَةُ

وَتَسَبَّتَ بِطُفِكَ الْأَسْبَابُ وَ
 تَسَبَّتَ بِطُفِكَ الْأَسْبَابِ
 جَرَى بِقُدْرَتِكَ الْقَصَاءُ وَمَصَّتْ عِلَّةُ
 بِرَأْسِهِ
 أَرَادَيْكَ الْأَشْيَاءَ فَهُوَ عَيْشَتِكَ دُونَ
 وَبِأَمْنٍ يُفْثَى بِهِ حَدُّ
 قَوْلِكَ مُؤَمَّرَةٌ وَبِأَرَادَيْكَ دُونَكَ
 بِرَأْسِهِ
 تَهَيَّكَ مَدْرَجَةٌ أَنْتَ الْمَدْعُو لِلْهِمَامَاتِ
 وَبِأَمْنٍ يُفْثَى بِهِ حَدُّ
 وَأَنْتَ الْمَقَرُّ فِي الْمَلَمَاتِ لَا يَنْدَمُ
 وَبِأَمْنٍ يُفْثَى بِهِ حَدُّ
 الْأَمَامَ دَفَعْتَ وَلَا يَنْكُفُ مِنْهَا إِلَّا مَا
 وَبِأَمْنٍ يُفْثَى بِهِ حَدُّ

بسم الله الرحمن الرحيم

لِحُجَّةِ الْغُيُوبِ وَبِأَمْنٍ يُفْثَى بِهِ حَدُّ
 الْمَصْطَفَى وَالْمَوْضِعُ وَالْبَاهِيَّةُ
 وَالْفَاطِمَةُ

بسم الله الرحمن الرحيم

لِحُجَّةِ الْغُيُوبِ وَبِأَمْنٍ يُفْثَى بِهِ حَدُّ
 الْمَصْطَفَى وَالْمَوْضِعُ وَالْبَاهِيَّةُ
 وَالْفَاطِمَةُ

كُشِفَتْ وَقَدْ نَزَلَنِي يَا رَبِّ مَا قَدْ تَكَادَنِي
 تَوَلَّى زِيَارَتِي وَفِيهِ أَمْرٌ مِنْ أَيْ يَدُوكِ لِي كَمَا تَكُونُ
 ثِقْلُهُ وَالْمَرْبِي مَا قَدْ بَهْطَ حَلْمِي وَبَقِيَ
 كَرَانِي لَوْ وَفَّقَهُ أَمْرٌ مِنْ أَيْ يَدُوكِ لِي كَمَا تَكُونُ
 أَوْرَدَنِي عَلَى وَبِطَانِكَ وَجَمْعِهِ إِلَيَّ
 وَأَمْرٌ مِنْ أَيْ يَدُوكِ لِي كَمَا تَكُونُ
 فَلَا مَصْدِرَ لِي أَوْرَدْتَ وَلَا صَارِفَ لِي
 وَأَمْرٌ مِنْ أَيْ يَدُوكِ لِي كَمَا تَكُونُ
 وَجَهْتِ وَلَا فَلَاحَ لِي أَغْلَقْتَ وَمُغْلَقَ لِي
 وَأَمْرٌ مِنْ أَيْ يَدُوكِ لِي كَمَا تَكُونُ
 مَحْتُ وَلَا مَيْسِرَ لِي أَعْسَرْتَ وَلَا نَاجِي لِي
 وَأَمْرٌ مِنْ أَيْ يَدُوكِ لِي كَمَا تَكُونُ
 خَذَلْتَ فَصِلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْخْ لِي
 وَأَمْرٌ مِنْ أَيْ يَدُوكِ لِي كَمَا تَكُونُ

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على سيدنا محمد
 وآله الطيبين الطاهرين
 أجمعين

لا

در

رَبِّ بَابَ الْفَرْجِ بِطَوْلِكَ وَأَكْسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ
 أَيْ يَدُوكِ لِي كَمَا تَكُونُ
 أَهْلِي بِخَوْلِكَ وَأَنْلِ حُسْنَ الظَّرْفِيَا
 أَيْ يَدُوكِ لِي كَمَا تَكُونُ
 وَأَذِقْ حَلَاوَةَ الصَّبْعِ فَيَا سَالَتْ
 وَأَمْرٌ مِنْ أَيْ يَدُوكِ لِي كَمَا تَكُونُ
 مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَفَرَجًا هَيِّئْ وَأَجْزِ
 أَيْ يَدُوكِ لِي كَمَا تَكُونُ
 لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجًا وَحَيًّا وَلَا تَشْغَلْنِي
 أَيْ يَدُوكِ لِي كَمَا تَكُونُ
 يَا أَهْلِي مَا عَزَّ عَاهِدُ فُرُوصِكَ وَ
 أَيْ يَدُوكِ لِي كَمَا تَكُونُ
 اسْتَعْمَالِ سَيْتِكَ فَقَدْ ضَيَّقْتَ لِي نَزْلَ
 أَيْ يَدُوكِ لِي كَمَا تَكُونُ

قرينك

وَمِنْ أَيْ يَدُوكِ لِي كَمَا تَكُونُ
 وَمِنْ أَيْ يَدُوكِ لِي كَمَا تَكُونُ

الْكَثِيرِ وَالْأَزْدَاءِ بِالْمُعْلَنِ وَسُوءِ
 الْوَلَايَةِ لِيَنْتَحِثَ أَيْدِيَنَا وَتَرْكِ الشُّكْرِ
 لِيَنْصَطَعَ الْعَارِفَةُ عِنْدَنَا وَأَنْ نَعُودَ
 ظَالِمًا أَوْ نَحْذِلَ مَا هُوَ فَاؤُنْزِرُوا مَا لَيْسَ
 لَنَا بِحَيَاةٍ وَنَقُولُ فِي الْعِلْمِ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ
 بَلَى أَنْ تَطْوِي عَلَى غَيْشٍ أَحَدٍ وَأَنْ
 نَحْبِ بِلَاغِ الْبَلَاءِ وَنَمُدَّ فِي مَا لَنَا وَنَعُودَ

بَلَى مِنْ سُوءِ السَّرِيرَةِ وَاحْتِفَا الصَّغِيرَةِ
 وَأَنْ يَسْجُودَ عَلَيَا الشَّيْطَانُ أَوْ يَنْكَبُ
 أَوْ يَمْضِيَ السُّلْطَانُ وَنَعُودُ بِكَ مِنْ
 الْأَسْرَافِ وَمِنْ فَقْدَانِ الْكَفَافِ
 بَلَى مِنْ شِمَاتِهِ الْأَعْدَاءِ وَمِنْ الْفَقْرِ
 الْأَكْثَاءِ وَمِنْ مَعِيشَةٍ فِي شِدَّةٍ وَهَيْئَةٍ
 عَلَى غَيْرِ عُدَّةٍ وَنَعُودُ بِكَ مِنَ الْخُسْرِ

اینها در این کتاب است

الشفاعة
محمداً

الْعُظْمَى وَالْمُصِيبَةَ الْكُبْرَى وَاشْقَى

هر گز نبی و مصیبت بزرگترین و بدترین

وَسُوءِ الْمَأْيُوحَرِّمَانِ الثَّوَابِ حَلَوِ

و بدترین که هر دو یافتن ثواب و لذت

الْعِقَابِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَدِّ

عقوبت یا رب صوات را بر محمد و آل او و عد

مِنْ كُلِّ ذَلِكَ بِرَحْمَتِكَ وَجَمِيعِ

ازین همه بدترینها و جمیع

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَا أَرْحَمَ

مردان مؤمن و زنان مؤمن را ای بخشندهترین

وَكَانَ قَائِلًا الرَّاحِمِينَ فِي الْأَمْتِيَاقِ إِلَى

و بود از دعا و برادران و سابق بران سخن گویند

مِنْ اللَّهِ تَعَالَى جَلَّ جَلَالُهُ

از خدا ای بزرگوار

و

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَلِّ

بر محمد و صوات او بر محمد و آل او بزرگواران و را

إِلَى مَجْزُوكِ مِنَ التَّوْبَةِ وَأَزِلْنَا عَنْكَ كُفْرَ

بوی آنچه دوست داشت از توبه و دور کن از ما کفر

مِنَ الْإِضْطِرَارِ اللَّهُمَّ وَمَتَّى وَقَفْنَا بَيْنَ

از سخت شدن بر کن و در میان ما و تو ایستادیم

تَقْصِيرٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَأَوْجِعْ

دو نقصان در دین یا در دنیا و در نقصان

يَا سَرَّ عَمَّا قَاءَ وَاجْعَلِ التَّوْبَةَ فِي

ایان دو که زودتر باشد و بگردان توبت ضیك

أَطْوَلَ مَا بَقَاءَ وَإِذْ لَهْمَا بَعِيدِينَ

در از ترس آن دو که بی بین و چون قصه کنیم و هر دو دور

لَحْدَهُمَا عَنَّا وَبُخْطُكَ الْآخِرَ عَلَيْنَا

تراهی از آن دو از ما و خشم آخره را بر ما بگردان

تقصیر

در این دعا

فَعَلَّيْنَا إِلَى مَا يَرْصِيكَ عَنَاوًا وَوَهَّبْنَا
پس بپس ده ما را بسوی آنچه خستد کمر ترا و دست کن بپس

عَايِنُحُطَّكَ عَلَيْنَا وَلَا تَحِلْ فِي ذَلِكَ بَيْنَ

از آنچه بخشتم گرد ترا بر ما و نگذار در این میان چل

نُوسِنَا وَاخْتِيَارَهَا فَإِنَّا نَحْنُ مُرَاهِنُونَ

نفس ما را به آنستار او که نفس مبارک کنده با بیست

الْأَمَّا وَقَفْتَ مَتَارَهُ بِالْأَمَارِ

ترا ای که ایستاده داری که در بند و بسته ای ترا ای که در بند

اللَّهُمَّ وَإِنَّكَ مِنَ الضَّعِيفِ خَلَقْتَنَا وَطَلَّ

بار خدا یا پروردگاری که تو از ضعیفی آفریده ما را و در

الْوَهْدِ بَيْنَنَا وَفَرَمَانٍ مَهْدٍ أَبَدَانَا

سستی با گروه ما و از آبی تو از ابتدا کرده ما را
فَلَا حَوْلَ لَنَا إِلَّا بِقُوَّتِكَ وَلَا قُوَّةَ لَنَا
پس قوت نیست ما را مگر بقوت تو و قوت نیست ما را

اللَّهُ

بِعِزَّتِكَ

الْأَجْوَدُ فَاتَيْنَا بِتَوْفِيقِكَ وَسَدَدْنَا

که بجزای تو پس زنده ما را بتوفیق خود و راست گردان

بِقُدْرَتِكَ وَأَعْمِ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا عَمَّا

در است داشتن خود و گوگرد کن چشمها دل ما را از آنچه

خَالَفَ حُبَّكَ وَلَا تَجْعَلْ لَشَيْءٍ مِثْنًا

مخالف دوستی تو بود و گردان بر چیز بر این

جَوَارِحًا نَقُودًا فِي مَعْصِيَتِكَ اللَّهُمَّ

ای که ما را در معصیت تو در بند و بسته ای تو بار خدا

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ مَسَائِدَ

صدا ده بر محمد و آل او و بمن بختی از

قُلُوبِنَا وَحَرَكَاتِ أَعْضَائِنَا وَ

دلهای ما را و حرکات اندامهای ما را و
لَحَائِ أَعْيُنِنَا فِي مُوجِبَاتِ ثَوَابِكَ
نکته لبین چشمهای ما را در جزای که واجب کن از ثواب

لِحَاثِ السِّنَةِ

لَا تَقُوْا حَسَنَةً تَحِثُّوْهَا جَزَاءُ لَكُمْ وَلَا
تَقُوْا كَسْرًا يَكُوْنُ كَسْرًا وَارْتَدًّا بِسَمْعٍ وَبَصَرٍ وَفَرْقَةٍ
تَقُوْا نَاسِيَةً تَسُوْجِبُ بِهَا عِقَابُكُمْ
مَا جِيءَ بِهِ كَمَا سَمِعْتُمْ مِنْ بَيْنِ يَدَيْكُمْ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ إِنَّا تَقَرَّرْنَا بِفَضْلِكَ وَإِنْ
بَارَكْتَ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُ مَنْ كُنْ أَزْمًا بِفَضْلِكَ وَارْكَرْ
تَسَاءَلْنَا بِفَضْلِكَ فَهَلْ نَأْخُفُ
وَلَا يُمْرَأُ بَيْنَ يَدَيْكَ مَنْ يَجْعَلُ فَمَوْ
بَيْنَكَ وَجَزَاءُ مِنْ عَذَابِكَ يَتَجَاوَزُكَ فَإِنْ
بَسْمُكَ وَبَسْمُكَ رَدَّ مَا رَأَى مِنْكَ وَبَسْمُكَ كَرَّمَكَ وَبَسْمُكَ
لَا حَافَةَ لَنَا بِعَذَابِكَ وَلَا نَجَاةَ لَنَا مِنْكَ
فَاتَّقِ بَيْنَ يَدَيْكَ مَنْ يَجْعَلُ فَمَوْ وَبَسْمُكَ كَرَّمَكَ وَبَسْمُكَ

دُونَ عَفْوِكَ يَا عَنَى الْأَغْنِيَاءَ مَا
بِهِمْ مِنْ شَيْءٍ أَيْ تَوَكَّرُوا مِنْ تَوَكَّرُوا مِنْ تَوَكَّرُوا
عِبَادُكَ يَزِيدُكَ وَأَنَا أَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ
مَنْ كَانَ تَوَكَّرُوا مِنْ تَوَكَّرُوا
إِلَيْكَ فَاجْبُرْ قَاتِلًا يُوسِعُكَ وَلَا
تَقْطَعْ رَجَاءَ نَائِمٍ بِكَ فَتَكُونَ قَدْ
مَبْرُورًا مِنْ دُونَ تَوَكَّرُوا مِنْ تَوَكَّرُوا
مِنْ أَسْتَعْدِدْكَ وَحَرَمْتَ مِنْ
فَضْلِكَ فَالْمِنْ جِئْنَا مِنْ قُلُوبِنَا عَذَابَ
إِلَى أَيْنَ مَذْهَبًا غَرَّابِيكَ سُبْحَانَكَ
تَوَكَّرُوا مِنْ تَوَكَّرُوا

الْمُضْطَرُّونَ الَّذِينَ أَوْجِبَتْ لِجَانِبِهِمْ
 أَهْلُ السُّوءِ الَّذِينَ وَعَدْتَ الْكَشْفَ عَنْهُمْ
 وَأَشْبَهَ الْأَشْيَاءِ بِمِثْلِكَ وَأَوْفَى
 الْأُمُورِ بِكَ فِعْظَمِيكَ رَحْمَةً مِنْ سَائِرِ
 رَحْمَتِكَ فَارْحَمْ نَصْرًا
 إِلَيْكَ وَأَعْيَا أَدْرَحْنَا أَنْفُسَنَا بِرَبِّكَ
 اللَّهُمَّ ارْشِدْ الشَّيْطَانَ قَدْ شِئْتَ بِنَا إِذْ شِئْتَ

سَنَتِكَ

أَعْنِي

یا خدا یا پروردگاری که در بر حقیقت غری میکنی با چون
 از من

عَلَى مَعْصِيَتِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 تَقِيَهُ بِنَا بَعْدَ تَرْكِ آيَاتِكَ وَرَغْبِنَا
 عَنْكَ يَا إِلَهَ الْوَسْطَى
 كَانَ الْيَوْمَ يَوْمَ الْيَوْمِ
 يَا مَنْ فِي كُرْهِ شَرِّهِ لِلدَّائِرِينَ وَبِأَيِّ
 شُكْرِهِ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ يَا مَنْ طَاعَتُهُ
 نَجَاةٌ لِلْمُطِيعِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 اشْغَلْ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ عَنْ كُلِّ شَيْءٍ

و از دعای او بزرگوار شد
 و از دعای او بزرگوار شد
 و از دعای او بزرگوار شد

این صدقات ده بر محمد و آل او
 و از این صدقات ده بر محمد و آل او
 و از این صدقات ده بر محمد و آل او

و از این صدقات ده بر محمد و آل او
 و از این صدقات ده بر محمد و آل او
 و از این صدقات ده بر محمد و آل او

وَالسِّنَاءُ بِشُكْرِكَ عَنْ كُلِّ شَيْءٍ وَجُودًا
و ازین ای در البکر خود از هر شکر و دانه ای که

يُطَاعُكَ عَنْ كُلِّ طَاعَةٍ فَإِنْ قَدَرْتَ
بقامت خود از هر طاعتی بر اگر اندر قدر کردی

لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامٍ
ما را بر داری از کار و شغل بگردان از دور و دانه

لَا تُذِرْ كَافِيَهِ تَبِعَهُ وَلَا تُلْهِمْنَا فِيهِ شَأْنًا
که در پی به ما در آن بگذرد و در پی ما او را

حَتَّى يَنْصَرِفَ عَنَّا كِتَابُ السَّيِّئَاتِ بِصَفِيَّةٍ
تا بگرداند از ما نویسنده بد را به صاف

خَالِيَةٍ مِنْ دُكْمِ سَيِّئَاتِنَا وَتَوَلَّيْنَا
تو ای از یاد گردان به چپ ما را از بد و گناه

الْحَسَنَاتِ عَنَّا مَسْرُورِينَ يَجْعَلُ لَنَا
بیکسای از ما شادمان و دانه

مِنْ حَسَنَاتِنَا وَإِذَا انْقَضَتْ أَيَّامُ حَيَاتِنَا
از نیکوهای ما پس چون بگذرد روزگار از ما

وَتَصَرَّمَتْ مَدَدُ أَعْمَارِنَا وَاسْتَحْضَرْتَنَا
و برود مدد ای عمرهای ما را حاضر آمدن ما را

دَعْوَتُكَ الْتَوَلَّيْنَا مِنْهَا وَمِنْ لِحَابَتِهَا
دعوت تو انکار ما را نیست از آن و از اجابت آن

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ خَاتَمًا مَا
صلوات ده بر محمد و آل او و بکن در آن بر او

تُحْصَى عَلَيْنَا كِبَرُ أَعْمَالِنَا تَوْبَةً مَقْبُولَةً
بشمارد بر ما نویسنده بزرگ کردارهای ما توبه پذیر

لَا تُؤَيِّسُنَا بَعْدَهَا عَلَٰ ذُنُوبِنَا حِجْرًا
و مدار ما را دل از آن بکن ای که اندوخته ایم از ما

وَلَا مَعْصِيَةً أَفْتَرَفْنَاهَا وَتَكْتَفِ عَنَّا
و نه فرمای که کتب کردیم ایم از ما و مدار از ما

شَرَّ اسْتَرْتَهُ عَلِيٌّ وَسِ الْأَشْهَادِ
 پوشش که پوشیده از او بر سر می که امان از او
 تَبَلَّوْا الْخَبَارَ عِبَادَكَ أَنْكَرَ رَحِيمٍ
 که باز بای بندگان خود که نو بنی بنده
 مَبْذُوعًاكَ وَمُسْتَجِيبًا لِمَنْ نَادَاكَ
 بان کس که بخواند از امانت کننده از او که کند
 وَكَانَ مِنْ عَامِلِيهِ السَّامِعِ فِي الْأَخْيَارِ قُلُوبُ
 و بود از او که او را و سلام در مغفولون که بخواند
 اللَّهُمَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَنَّهُ يُجِيبُ عَنْكَ
 بار خدا یا از خدا ی غزویل بر کسی که باز می آید
 خَلَالَ ثَلَاثٍ وَتَحَدُّوْنَ عَلَيْهَا خَلَّةً وَاحِدَةً
 سه فصلت و میبارد و مرا بران یک فصلت
 يُجِيبُ أَمْرًا أَعْرَبَ بِهِ فَأَبْطَأَتْ عَنْهُ وَ
 باز میبارد و مرا فرمان که در هر دو زبان و من در هر دو
 دَعَا

نوشته است

امر بنی

نَهَى نَهَيْتَنِي عَنْهُ فَأَسْرَعْتُ إِلَيْهِ وَبِعَمَلٍ
 نهی که بازداشتنم از او نهیست و ام بران
 أَنْعَمْتُ بِهَا عَلَى قَصْرَتٍ فِي شُكْرِهَا
 تو نعمت کرده بلان بر من تو تقصیر کرده ام در شکران
 يَحْذُوْنِي عَلَى مَا لَيْكَ بِفَضْلِكَ عَلَى
 میبارد و مرا بر سوال کردن از تو تقصیر تو بران
 أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَيْكَ وَوَفَّقَ بِحُسْنِ ظَنِّهِ
 کسی که روی از تو که و بیاید به پیش تو
 إِلَيْكَ أَذْجَمَ إِحْسَانِكَ تَفَضُّلاً وَادْكُلْ
 سوی تو چون نهی تو تقصیر است و همه
 نَعَيْكَ ابْتِدَاءً فَهَذَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي وَاقِفٌ بَيْنَا
 نهیست تو ابتدا پس من خاتم ای خدا ای من ابتدا
 عَزَّكَ وَقُوفُ الْمُسْتَسْلِمِ الدَّلِيلِ وَسَا
 عزت تو ایستاده من سپرده ذلیل و خواننده

عن

عَلَيْكَ

فلم يزل يلازمه وروى عنه

وَمَا يَزِيدُهُ إِلَّا لِبِرٍّ لَهُ وَيُفَعِّلُ بِهِ مَا يَشَاءُ

مفسر

لَا يَخْصُصُ لَكَ مِنْكَ وَلَا مَهْرَبَ لَكَ مِنْكَ
 باز خواستن نیست مرا و از تو و بی که بگویی
 نَلْقَاكَ بِالْإِنَابَةِ وَأَخْلَصَ لَكَ التَّوْبَةَ
 ما پیش تو آمده بیاگشتن و فدا نص کرد از بر التوبه
 فَقَامَ إِلَيْكَ بِقَلْبٍ ظَاهِرٍ نَفِيٍّ تَعَرَّعًا
 من برخاستم بسوی تو جل پاک پاکیزه پس ای
 بِصَوْتٍ حَائِلٍ خَفِيٍّ قَدْ تَطَاوَلَ لَكَ فَابْرَ
 عوازی افاده پنهان فرو می کرد و بلند
 وَتَكَرَّرَ أَسَدُ فَانْتَفَتْ دَارُ عَسْتِ
 و در پیش آمدند سرخوش را و و نه شده بوزان برگی
 يَجْلِيهِ وَغَرَّقَتْ دُمُوعُهُ حَذَمَ
 ده پا خود را و غرق کرد ایند اشکهای دور
 يَدْعُوكَ يَا أَرْحَمَ الرَّحِمِينَ وَيَا أَرْحَمَ
 او را بخواند زای بخشنده ترین بخشندگان

مِنْ آثَابِهِ الْمُسْتَرْحِمُونَ وَيَا أَعْظَفَ
 پس در برابر او شود نه رحمت خواهان و ای
 مِنْ أَطَافٍ بِهِ لِلْمُسْتَغْفِرِينَ وَيَا مَنْ غَفَوَهُ
 هر که کرد او بر گریه آمرزش خواهان و ای که غفود
 أَكْثَرَ مِنْ نِقْمَتِهِ وَيَا مَنْ رَضَاهُ
 بیشتر از کیسه او و ای که خوشتر دین
 أَوْ مِنْ سَخَطِهِ وَيَا مَنْ عَمِدَ إِلَى خَلْفِهِ
 بیشتر است از خشنودن ای که استودنی نه است
 بِحَسْرِ الْجَاوِرِ وَيَا مَنْ عَوَدَ عِبَادَهُ
 بمغفودن ای که فرود آورده استندگان
 قَبُولَ الْإِنَابَةِ وَيَا مَنْ اسْتَصْلَحَ فَاسِدَهُمْ
 پذیرفتن و بازگشتن یار و ای که اصلاح آورده است
 بِالْتَّوْبَةِ وَيَا مَنْ رَخَّصَ مِنْ عِلْمِهِمْ يَا
 بخوبی و ای که غفود شده است از کار ایشان

مرکاه
ای که

وَيَا قِيَّ قَلِيلَهُم بِالْكَثِيرِ وَيَا مَنْ ضَمِنَ

و محضت کرد اندک بسیار و ای که ضمانت کرد

لَهُمْ أَجَابَهُ الدُّعَاءُ وَيَا مَنْ وَعَدَهُمْ عَلَى

در ای که اجابت داد و ای که وعده داد و ای که

نَفْسِهِ بِتَفَضُّلِهِ حَسَرَ الْجَزَاءُ مَا أَنَا يَا

خود بفضولش بر نیوی داشتیم من را

مَرْغَصَاكَ فَغَفَرْتَ لَهُ وَمَا أَنَا يَا ظَلَمَ

بردار از آنکه فرمود که تو کردی و منم من ظلمت

مَرَّاعْتَدَرَالِيكَ فَقِيلَتْ مِنْهُ وَمَا

از کسی که عذر خواست که تو بودی و نه منی از و علیه

أَنَا يَا ظَلَمَ مَرَّابَالِيكَ فَغَدَتِ

من به او که ترا از آنکس که تو کردی و نه منی

أَتُوبُ إِلَيْكَ فِيمَقَامِي هَذَا تَوْبَةً

و توبه میکنم بهی تو در این جایگاه توبه

نَادِمٌ عَلَى مَا فَرَطَ مِنْهُ مُشْعَوِّمًا

پشیمان شود بر آنچه از او گذشت و از آنچه کرد

عَلَيْهِ خَالِصُ الْحَيَاءِ مَا وَقَعَ فِيهِ

بر و خالص شرم از آنچه افتاد و افتد در

عَالِمِي يَا زَالِعُ الْغَفْوَةِ عَنِ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ

دن بفرودان ترا از گناه بگشت گناه

يَتَعَاظَمُكَ وَأَنَّ الْجَاوِزَ عَنِ الْأَثَمِ

بزرگتر از تو و مایل از گناه و بزرگتر از گناه

الْجَلِيلِ لَا يَسْتَصْعِبُكَ وَأَنَّ أَحْمَالَ

الْجَنَائِيَاتِ الْفَاحِشَةَ لَا يَسْكَادُكَ وَأَنَّ

کدام بزرگوار است بر بزرگوار و بزرگوار

أَحَبَّ عِبَادِكَ إِلَيْكَ مَرَّتَكَ الْأَزَلِ

دوست داشتن تو نزد تو از هر کس که دوست داشته

سَتَغْفِرُ
 عَلَيْكَ وَجَانِبَ الْأَرْضِ أَرْوَاهُ وَلَا
 كَرْدَانِ بَرْدِ وَبَارِدِ مَسْكِ الْأَرْضِ وَدَرْ
 وَأَنَا بَرُّ إِلَيْكَ مِزَانِ اسْتِكْبَرُ وَأَعُوذُ
 غُفْرَتِ مَنْ بَرَّادِ مِلْهُمُ لَمْ يَكُنْ إِذْ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ
 بِلَيْكَ مِنْ أَرْضِ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا قَصُرْتُ
 بِنُو إِذْ كَرْدِ كَرْدِ سَتَغْفِرُكَ لِمَا قَصُرْتُ
 فِيهِ وَأَسْتَغْفِرُكَ عَلَى مَا جَرَّتْ عَنْهُ
 دَرْ وَبَارِدِ مِلْهُمُ بَرَّادِ مِلْهُمُ بَرَّادِ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَهَبْ
 بَارِدِ مِلْهُمُ بَرَّادِ مِلْهُمُ بَرَّادِ
 مَا يَحِبُّ عَلَى لَكَ وَخَافِي مَا اسْتَحْبَبْتُ
 اسْتَحْبَبْتُ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ
 مِنْكَ وَاجْرِنِي مِمَّا يَخَافُهُ أَهْلُ الْأَسَاءِ
 إِذْ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ

فَإِنَّكَ مَلِكٌ بِالْغَفْرِ مَرْجُوٌّ لِلْغَفْرِ مَعْرُوفٌ
 بِرِسْنِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ
 بِالْجَاوِزِ لَيْسَ لِحَاجَتِي مَطْلَبُ سَوْأِ
 بِرِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ
 وَلَا لِذَنْبِي غَافِرٌ غَيْرُكَ حَلْشَاكَ وَلَا
 دَرْ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ
 أَخَافُ عَلَى نَفْسِي إِلَّا إِيَّاكَ إِنَّكَ أَهْلُ
 نَرْسِ نَرْسِ نَرْسِ نَرْسِ نَرْسِ
 الْمَغْفِرَةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَقِصْ
 لَدَرْشِ مِلْهُمُ بَرَّادِ مِلْهُمُ بَرَّادِ
 حَاجَتِي وَاشْفِ طَلِبِي وَاعْفِ ذَنْبِي وَ
 إِذْ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ
 مِنْ خَوْفِ نَفْسِي إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 بِرِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ كَرْدِ

التَّوْحِيدُ وَأَهْلُهُ
 اَوَّلُ

وَذَلِكَ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 وَأَنْ تَرَوْنَ نَوَاسِثَ بَشَرٍ وَابْتِهَاجَ بَشَرٍ
 وَكَأَنَّ عَلَيْنَا وَطَلَبَ الْحَوَائِجِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى
 ودر روز دهمی خبر او باد سلام در طرح ایج بخدای عزوجل
 اللَّهُمَّ يَا مُسْتَهْطِ الْمَطْلُوبَاتِ وَ
 بادر خدا با ای ستمگر من حاجت
 يَا مَنْ عِنْدَهُ نَيْلُ الطَّلِبَاتِ وَيَا مَنْ لَا
 ای آنکه نزدیک است یافتن طلبها و ای آنکه
 يَبْلُغُ بِعَمَلِ الْإِيمَانِ وَيَا مَنْ لَا يَكْدِرُ عَظَا
 فرماید خدای عزوجل و ای آنکه ببرد عظمای
 بِالْإِيمَانِ وَيَا مَنْ يَسْغِي بِهِ وَ
 بخت نماید و ای آنکه نیازمند باد و بی
 يَسْغِي عَنْهُ وَيَا يَرْغَبُ إِلَيْهِ وَلَا
 نیازمند او و ای ستمگر او را

عَنْ خَلِيفَتِهِ
الْثَّالِثِ

من
ان

وَلَا يَرْغَبُ عَنْهُ وَيَا مَنْ لَا يَقْبَحُ خِلَافَهُ
 و نیست بخود او از او و ای آنکه نیست خدای
 الْمَسَائِلِ وَيَا مَنْ لَا يَبْدُلُ حِكْمَتَهُ
 در مسایل و ای آنکه نگردد حکم او را
 الْوَسَائِلِ وَيَا مَنْ لَا يَقْطَعُ عَنْهُ
 و وسایل و ای آنکه برود از او
 حَوَائِجَ الْمَحْتَاجِينَ وَيَا مَنْ لَا يُغْنِيهِ
 و فوائدهای نیازمندان و ای آنکه در مانده غنیان
 الدَّاعِينَ مَدَحْتَ بِالْعَمَلِ عَنْ خَلْقِكَ
 و کسی که مانده است از تو مدح است بکار تو از خلق تو
 وَأَنْتَ أَهْلُ الْغِنَى عَنْهُمْ وَ
 و تو بختی اهل فقری از ایشان و تو بختی
 إِلَى الْفَقَرِ وَهُمْ أَهْلُ الْفَقْرِ لَيْدٌ مَنْ
 ببرد بختی و اهل فقر از اهل فقر ببرد بختی

سَدَّ خَلِيقَةً مِنْ عِنْدِكَ وَرَأَى صَرْفَ الْقُوَّةِ

بازنده در روی خود را از روی تو و بگوید که در این دنیا

عَرَفْتُ نَفْسِي فَقَدْ طَلَبَ حَاجَتَهُ فِي مَقَالَتِنَا

از نفس خود بمنو بدستی منست باشد ما حاجت از یکدیگر

وَأَتَى طَلِبَتَهُ مِنْ وَجْهِهَا وَمِنْ نَوَاحِي

و آمده باشد به یک وجه باشد از روی او که روی او

يَحَاجُّهُ إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ أَوْ جَعَلَهُ

بجست خویش یکی از خلق تو یا کرده او را

سَبَبَ مَجْهَادٍ وَنَكَ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْمُحَارَبَةِ

سبب روا با قتل کند تعرض کرده باشد از تو

وَاسْتَحَقَّ مِنْ عِنْدِكَ قَوَاتٍ لِأَخِيَانِ

و استا کرده باشد از تو دین تو در کشتن تو را

اللَّهُمَّ وَاللَّيْلَ حَاجَتَهُ قَدْ قَصَّرَ عَنْهَا

یا خداوند و شب حاجت او قصور کرده از آن

جمع کرد

جَهْدِي وَتَقَطَّعَتْ دُونَهَا حِيلِي وَ

کوشش من و باز بریده است از آن حیل من و

سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي رَفَعَهَا إِلَى مَنْ يَرْفَعُ

بدرست من را من برداشتن آن را و برافرازد

حَوَائِجِي إِلَيْكَ وَلَا يَسْبَغُنِي فِي طَلِبَاتِي

و بمنو خود را و نی نیاز من در حاجت من

عَنْكَ وَهِيَ زَلَّةٌ مِثْلُ الْخَاطِئِينَ وَ

آن از تو و آن گناه است از گناه خطاکاران و

عَشْرَةَ مِنْ عَشْرَاتِ الْمَذْنُوبِينَ ثُمَّ انْبَهَتْ

پس بیدار شد از سر دامن گناهان پس بیدار شد

بِتَذَكُّيرِكَ لِي مِنْ غَفْلَتِي وَ

بباز آید از تو مرا از غفلت من و بفرماستم

بِتَوْفِيقِكَ مِنْ زَلَّتِي وَنَكَصْتُ بِسَبَبِ

بنو فیت تو از من و برگشتم به سبب

عَنْ عَشْرَةٍ وَقُلْتُ سُبْحَانَ رَبِّي كَيْفَ
از پسر در آمدن من و گفتیم بگو در دایره من بگو
يَسْأَلُ مُحْتَاجٌ مُحْتَاجًا وَآلِي رَغْبَةٍ
فراهد و بستمندی از دست من و بگو در دست من بگو
الْمُعْطِي فَقَصِدْتُكَ يَا إِلَهِي بِالرَّغْبَةِ
بر روی من قصد تو کردم ای معبود من
أَوْفَدْتُ عَلَيْكَ رَجَائِي بِالْقَدِيرِ
خود را آوردم بر تو امید خود را به ستواران
وَعَلَيْتُ أَزْكَى كَثِيرٍ مَا أَسْأَلُكَ كَثِيرَ
در آنچه از تو بسیار می خواهم از تو بگو
فِي وَجْدِكَ وَأَنْ خَطِرَ مَا أَسْتَوْجِبُكَ
در تو ای عزیز من و بگو در تو ای عزیز من
حَقِيرٌ فِي وَسْعِكَ وَأَنْ كَرَمَكَ لَا
حقیر است از فراخی عطای تو ای عزیز من

يُرْغَبُ
الْبَرَاءُ

يُصْبِقُ

يُصْبِقُ عَنْ سُؤْلِ الْإِحْدِ وَأَرِيدُكَ يَا عَلَّامُ
بخت باشد از تو هستن کسی و بدستی که از تو بگو
أَعْلَى مِنْ كُلِّ يَدٍ اللَّهُمَّ فَضِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ
بلندتر از هر دلی بگو یا خداوند فضل بگو
وَأَحْلِلْ لِي بِكَ مِدَّةَ عَلَى التَّفَضُّلِ وَلَا
برادر بگو بگو بگو بر تفاضل و برادر
بِعَدْلِكَ عَلَى الْإِسْتِحْقَاقِ فَمَا أَنَا يَا
بعل خود بر سر اداری که بگو من بگو
رَاغِبٍ رَغْبًا إِلَيْكَ فَأَعْطِيهِ وَهُوَ
در بخت بگو که بگو بگو بگو بگو
يَسْتَحِقُّ الْمُسْعَ وَلَا يَأُولُ مِنْهَا لِسَانُكَ
سر او را بگو بگو بگو بگو بگو
فَأَفْضَلْتُ عَلَيْهِ وَهُوَ لَيْسَ وَجِبٌ
و تو فضل کردی بر او و او سر او را بگو

بِالْفَتْحِ يَا إِلَهِي

الْبَرَاءُ

بَلِّغْهُ إِلَى

الْحَمْدُ لِلَّهِ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ
 كُنْ لِدُعَائِي مُجِيبًا وَمِنْ فَنَائِي قَرِيبًا
 لِيَصْرِي رَاحًا وَلِصَوْتِي سَامِعًا وَلَا
 تَقْطَعْ رَجَائِي عَنْكَ وَلَا تَبْ سَبِيلِي
 وَلَا تُوجِّهْهُ فِي حَاجَتِي هَلَاكًا وَغَيْرَهَا
 حَاجَتِي وَنَبِيلِ سُوْلِي عَنْ مَوْفِقِي هَذَا
 كُنْ لِدُعَائِي مُجِيبًا وَمِنْ فَنَائِي قَرِيبًا

تَدْبِيرُكَ

مُلَحَّحَات

تَدْبِيرُكَ فِي الْعُسْرِ وَحَسْبُ تَقْدِيرُكَ
 لِي فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 صَلَوةً دَائِمَةً نَامِيَةً لَا انْقِطَاعَ لَهَا
 وَلَا مُسْكَنَ لِمَدَامِهَا وَاجْعَلْ ذَلِكَ عَوْنًا
 وَسَبَبًا لِلنَّجَاحِ طَلِبِي إِنَّكَ وَاسِعُ كَرَمٍ
 وَمِنْ حَاجَتِي يَا رَبِّ كُنَّا وَكُنَّا وَتَذَكَّرْ
 حَاجَتَكَ ثُمَّ تَجَدَّدْ وَقُولْ فِي سَجُودِكَ
 حَاجَتُ خُذْ أَيْ سَجْدَةً وَكَبِيرَةً وَكَبِيرَةً خُذْ

فَصَلِّ اَنْتَ وَارْحَمْنَاكَ دَلْنِي فَاسْأَلْكَ
 اَفْضَلُ نَافِلَةٍ اَوْ مَرَّةً وَتَكُونُ نِزَارَةً مَعَهُ
 بِكَ وَمُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوَاتُكَ عَلَيَّمْ اَنْ لَا
 تَرُدَّنِي خَائِبًا اِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ قَرِيبُ
 وَتَحَانٍ مَحْيٍ دَعَا عَلَيْهِ السَّلَامُ
 اِذَا اَعْدَى عَلَيْهِ رَاى الظَّالِمِينَ
 يَامَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ اَنْبَاءُ الْمُظْلِمِينَ وَبِأَيِّ
 مِنْ لَاحِجَاتٍ فِي قَصَصِهِمْ اِلَى شَهَادَاتٍ
 اَيُّكُمْ يَهْدِي بِنَاتٍ بَرٍّ وَخَيْرٍ بِأَيِّ نَظْمٍ كُنْتُمْ كَانِ

يَا كَرِيمُ
 اِنَّكَ عَلَيَّ حَكِيمٌ
 رَقِيبٌ

الشَّاهِدِينَ وَيَا مَنْ قَرِيبُ نَصْرَتِهِ
 الْمَظْلُومِينَ وَيَا مَنْ بَعْدَ دَعْوَتِهِ عَنِ الظَّالِمِينَ
 قَدْ عَلِمْتَ يَا اَلْهُمَّ اَنَا الَّذِي مِنْ فُلَانِ بْنِ
 فُلَانٍ مَنَاحَظْتُ عَلَيْهِ وَاسْتَهْلَكْتُ
 مَعَهُ مَا خَرَجْتُ عَلَيْهِ بِطَرَأَتِي
 عِنْدَهُ وَاعْتَرَا اَنْبِيَائَكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 وَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخَذَ ظِلِّي وَعَدَّ
 نَصْرَتَهُ بِحُجَّةِ اَلْاَوَّلِ وَكَمِيرِهِ اَوَّلِ اَمْرِ

عَنْ ظُلْمِي بِقُوَّتِكَ وَأَفْضَلِ حُدَّةٍ عَنِّي
از پندار من بقوت تو و بهترین کناره را از من
بِقُدْرَتِكَ وَأَجْعَلْهُ سَعْلًا فِيمَا بَيْنِي
بقدرت تو و بکن او را شعله در آنچه بین من و تو
وَعَجْرًا عَمَّا يَأْوِيهِ اللَّهُمَّ وَصِلْ عَلَى
و عجز را از آنکه پناه دهد او را خداوند یارب صلوات بر او
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَسُوْغْ لَهُ ظُلْمِي وَآخِرُ
محمد و آل او را و مکن از غنای من در آنچه بین من و تو
عَوْدٍ وَأَخْصِمْ مِنْ مِثْلِ أَعْمَالِهِ وَ
بازی من و نگاه دار از مثل او را و بکن او را را از من
جَعَلَنِي فِي مِثْلِ حَالِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ
مرا در بند حال او یارب صلوات بر او
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِزَّنِي عَلَيْهِ عَدُوِّ
و آل او را و عزیز کن مرا بر دشمن من یارب

صَاحِبَهُ تَكُوْرُ مِنْ غِيْطِي بِهِ سَعَاءُ وَ
صاحب او را که تگور من غیطی به سعاد و
مِنْ حَبِيٍّ عَلَيْهِ وَفَاءُ اللَّهُمَّ صَلِّ
از من پس بر او وفای یارب صلوات بر او
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَوِّضْنِي مِنْ ظُلْمِهِ
و عجز مرا را از او و عوض کن مرا از ظلم او
عَفْوِكَ وَأَبْدِلْهُ بِسَوْءِ صَدِيقِي بِي
عفو تو را و بدل ده مرا از بد دوستی من را
فَكُلُّ مَكْرُوفٍ جَلْدٌ دُونَ سَخَطِكَ وَ
همه مکر و فریبکاری که بکنی بر من خصلت تو و عجز من است
مُرِيدٌ سِوَاكَ مَعَ مُوجِدِكَ اللَّهُمَّ
مردی را سوا تو را با کسی که تو را پیدا کردی یارب
فَكَأَزَمْتَ إِلَيَّ أَظْلَمَ اللَّهُمَّ
پس تو مرا را نزدیکتر کردی به کسی که تو را پیدا کردی یارب

حَفِي

لَيْسَ

شَوِي

فَقِي مِنْ أَنْ أَظْلَمَ
پس من را از آنکه تو مرا را نزدیکتر کردی به کسی که تو را پیدا کردی یارب

لَا أَشْكُو إِلَّا أَحَدِيكَ وَلَا أَشْتَعِينُ

نالم بهیچ کس من را تو نیست و بهر کس را

بجای غیرت حاشاک فصل علی محمد

بجای کسی بر روین تو صدای زده محمد

وَالله وَصَلَ عَلَيَّ بِالْإِجَابَةِ وَأَقْرَنَ

وال آرد و پیوند دین من با بابت و معزین کرد آن

شكايي بالتغير اللهم لا تعيبي

نه من من بگردانم یا رب و فتنه نده مرا

مِنْ أَنْصَافِكَ وَلَا تَقْتِلهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

از نصف تو و فتنه نده مرا و ای پسر ائمه

مِصْرَ عَلَى ظُلْمِي وَجَاذِرْنِي بِحُجَّتِي وَعِزِّي

مصر من را بر ظلم من و مدافع من را و عز من را

عَمَّا قَلِيلٍ مَا أَوْعَدْتَ الظَّالِمِينَ وَعِزَّنِي

از اندک آنچه وعده کردی ظالمین و عز من را

ما وعدت

مَا أَوْعَدْتَ فِي إِجَابَةِ الْمُضْطَرِّينَ اللَّهُمَّ

آنچه وعده کردی در اجابت کردن چاره گران برضای

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَوَفِّقْنِي لِقَبُولِهَا

صلوات ده بر محمد و آل او و توفیق مرا بپذیرفتن آنچه روا

قَصِدْتُ لِي وَعَلَى رَضَائِي بِمَا أَخَذْتُ

بسوی من و هر من و خوشنودن مرا بآنچه خواهم

لِي وَمَنِّي وَاهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَأَكْبَرُ

بسوی من و از من راه نهای مرا بآنچه او راست است

بِمَا هُوَ أَسْلَمُ اللَّهُمَّ وَإِنْ كَانَتْ الْحَيَّةُ

بآنچه او بسودمند است راست رفته اند اگر بسودمند است

لِعِنْدِكَ فَيُتَأَخَّرُ الْخَيْلُ وَتَرْكُ

زیردین کند در باز پس و آتش کنش کند و دست

الْإِسْقَامُ مِمَّنْ ظَلَمَ لِي الْيَوْمَ الْفَصْلُ

در آسایشی کینه کشیدن را از آنکس که بر من ظلم کرد و فصل

الحکم

مجمع الحکم فصل علی محمد و آله و ایدی
 جای حج ابدان هم بر شهادت او بر می و آید و زود
 منک پدید صادق و صبر دایم و اعد
 منسوب الرعبه و ملع اهل الجرح و
 فی قلبی مثال ما الدخرت لی من ثوابک
 واعدت لخصمی من جرأیک و عطا
 و اجعل ذلک سببا لقناعی عما قصت
 و ثقی بملاحیرت آمین رب العالمین
 و استغفری من بکجه افتر کرده بشنو و ایت ستمی

انک ذو الفضل العظیم و انت علی کل
 و کان شیء قدیر دعا علیک السلام
 انما عرض انزلت کرب ایلین
 اللهم اوف امانتک لک الحمد علی ما لم
 ازل اتصرف فیہ من سلامه بدک
 و لک الحمد علی ما احدثت بی من علی
 فحسب فیما ادری یا الهی ای الخا لین
 فی دایم ای مجبور من بک که ام کی برین دوسل

الحکم

أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ وَأَيُّ الْوَفِيِّينَ أَوْلَى
ترا وادخواست بگردن ترا و کدام یکی از دو وقت
 بِأَحْمَدِكَ أَوْ قَدْ صَحَّهَ إِلَى هُنَا
بسیار در از بوقت بن درستی آنکه گوارنده
 فِيهَا طَيِّبَاتٌ رِزْقُكَ وَخُطْبَتِي بِهَا
در آن پاکیزه و روزی تو و بکشد این
 لِابْتِغَاءِ مَرْضَاتِكَ وَمُصْلِحِكَ وَ
جستن رضای تو و فضل تو و بر و منه
 مَعَهَا عَلَى مَا وَفَّقَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ
با آن بر آنچه تو رفیق دادی مرا از اطاعتت
 أَمْرٌ وَمِنْ الْعِلَّةِ الَّتِي مَحَصَدَ بِهَا وَ
یا و علتست و نه از آنکه پاک کردی مرا بآن
 الْبَيْعِ الَّتِي أَحَقَقْتَنِي بِهَا خَفِيفًا لِأَنْتَ بِلَا
ای نعمت که بختی دادی مرا باینچه سبک کردی باینچه

عَلَى طَهْرٍ مِنَ الْخَطِيئَاتِ وَتَطَهَّرَ لَهَا
بر طهرت من از خطاها و پاک کردن گناه
 أَنْغَسَتْ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ وَتَبَيَّنَا
که در شدم درو از بدیها و سپید کردن
 لِنَسْأَلَ التَّوْبَةَ وَتَذَكُّرَ الْحَوَالِ الْخَوْبَةِ
از برای ای گرفتن توبه را و بیا و دادن سرزدن
 بِقَدْرِ النِّعَمَةِ وَفِي خِلَالِ ذَلِكَ مَا كُنْتُ
بفهم نعمت و در میان آن آنچه بنزد نشسته
 لِي الْخَاتِبَاتِ مِنْ زَكَاةِ الْأَعْمَالِ مَلَا
مرا آن روز نشسته از پیکر اعمال آنچه بختی
 فَكُفْرِيهِ وَلَا لِسَانٍ نَطْوِيهِ وَلَا جَا
اندیشه کرد و دانست درو و نه زبان که سخن گفتن
 تَكَلَّفْتَهُ بَلْ أَفْصَلًا مِنْكَ عَلَى وَ
که بختی آن که سبک است بگو فضل کردن است بر تو

و نه از آنکه پاک کردی مرا بآن

اللهم

مِنْ صَدِيقِكَ إِلَى فَصْلٍ عَلَى مُحَمَّدٍ

کردن از کردار تو با من بارندایا صلوات بر محمد و آل

وَحَبِيبِ الْوَمَارِ صَدِيقِي وَبَيْتِي لِي

و دوست کن لبوی من آنچه بنده ای لبوی من

أَحَلَّتْ لِي وَطَهَّرَتْ لِي مِنْ دَنَسَاتِي

آنچه فرود آوردی بمن و پاک کن مرا از پلوس آنچه

وَأَمْحَ غَوْثِي مَا قَدَمْتُ وَأَوْحَدْتَنِي

و پسر از من بی آنچه در پیش فرستادم و یگانه کن مرا

حَلَاوَةَ الْعَافِيَةِ وَأَذْفَى بَرْدِ السَّلَاةِ

سیرینی عافیت را و بیکدین را خنک کن مرا

وَأَجْعَلْ مَخْرَجِي عَنْ عِلْمِي إِلَى عَفْوِكَ

و بگردان بر من سلسله از عفت من با عفو تو

مَحْجُوزِي عَصْرِي إِلَى تَجَاوُزِكَ

بگردان من از افسوس من با در گذشتن تو

اللهم

وَحَلِّهِ مِنْ كَرْبِي إِلَى رَوْحِكَ

و غافل کن از اندوه من با راحت تو

وَسَلِّمْ لِي مِنْ هَذِهِ الشَّدَةِ إِلَى فَرْجِكَ

و سلامت کن مرا از این سختی با فرج تو

إِنَّمَا لَكَ الْفَضْلُ بِالْإِحْسَانِ لِلتَّطَوُّلِ

و تو فضل کنست با بزرگوئی کردن نعمت کننده

بِالْأَمِينِ زَالِ الْوَقَابِ الْكَرِيمِ دَوِّ الْجَلَالِ

بمستند دان بخت کننده کریمی خداوند بزرگواری

وَكُنْ لِي وَالْأَكْرَامِ دُعَا عَلِيٍّ

و بود از و بزرگواران دعای علی

إِذَا اسْتَسْقَا مِنْ دُنُوِّ بَرٍّ أَوْ تَضَعُ فِي

چون طلب آب از من بزرگواران من شود و نهد در

الْعَفْوِ اللَّهُمَّ يَا مَنْ عَزَّ عِيُوبِي

عفو خداوند ای آنکه بزرگوار ای آنکه از عیبهای خود

اللهم

بِرَحْمَةٍ يَسْعِيَتُ الْمَذِينُونَ وَيَا مَنْ
 بِرَحْمَتِ اَوْ دُرُو اِنْ كُنْ هَكَرَانِ دَاي اَنْك
 الْحَذَرَ احْسَانِهِ يَفْرِغُ الْمَصْطَرُونَ
 يَا بَاوَر دُر اَوْ زَارِي كُنْدِي رَه كَان
 وَيَا مَنْ حَقِيقَتُهُ يَنْجِبُ الْخَاطِئُونَ يَا
 دَاي اَنْك اَز رَس اَوْ بَا لَنْد فَطَا كِي رَا ن اِي اَنْك
 كُلُّ مَسْجُوحٍ حَيْشٍ غَرِيبٍ وَيَا مَنْ جَلَّ
 مَكْرُوبٍ كَيْبٍ وَيَا غَوْثَ كُلِّ خَدَّوَلٍ
 دُر مَانْدِه اَنْدُو تَكِي دَاي بَاوَر مَرْفُو كَنْد
 فَرِيدٍ وَيَا عَصْدَ كُلِّ شَيْءٍ رَحْمَةً
 شَهَادَتِي بَا زِهِي قُوَّتِ هَر مَابَتِ مَقْدِي مَخْلُوعِ
 عَلَا وَأَنْتَ الَّذِي جَعَلْتَ لِكُلِّ
 عَمَلٍ وَتَوْبَةٍ اَنْك بَر بَر كَرْدِي مَه اَكْرَمِي

الشَّاهِدُونَ
 شَاهِدِ كُنْ لِي فِي سَهْرِ شَهْرِ
 شَاهِدِ كُنْ لِي فِي سَهْرِ شَهْرِ

فِي عَمَلِكَ سَهْمًا وَأَنْتَ الَّذِي تَسْعِيَتُ
 اَز مَعْرِفَتِ مَعْرِفَتِي وَتَوْبَتِي اَنْك بَر بَر كَرْدِي
 أَمَامَ عَصِيهِ وَأَنْتَ الَّذِي عَطَاؤُهُ
 دُر مَانْدِه اَنْدُو تَكِي دَاي بَاوَر مَرْفُو كَنْد
 مَرْمُوعُهُ وَأَنْتَ الَّذِي أَسْعَى الْخَلَا
 اَز دَاوَن اَوْ دُر مَانْدِه اَنْدُو تَكِي دَاي بَاوَر مَرْفُو كَنْد
 تَخَصُّمٍ فِي وَسْعِهِ وَأَنْتَ الَّذِي لَا
 اَمَّا اِيْتَن دُر مَانْدِه اَنْدُو تَكِي دَاي بَاوَر مَرْفُو كَنْد
 فِي جَزَاءٍ مَنْ أَعْطَاهُ وَأَنْتَ الَّذِي
 دُر مَانْدِه اَنْدُو تَكِي دَاي بَاوَر مَرْفُو كَنْد
 تَفَرِّطُ فِي عِقَابِ مَعْصِيَةٍ وَأَنَا يَا
 اَز مَعْرِفَتِ مَعْرِفَتِي وَتَوْبَتِي اَنْك بَر بَر كَرْدِي
 عَبْدُكَ الَّذِي أَمَرْتَهُ بِالْإِعْلَاءِ فَقَالَ
 مَانْدِه تَوَام اَنْك مَرْفُو دُر اَوْ رَا بَر بَر كَرْدِي

وَأَنْتَ الَّذِي عَفْوُهُ
 اَعْلَى مِنْ عِقَابِهِ

بِرَحْمَةٍ يَسْعِيَتُ الْمَذِينُونَ

لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ هَا أَنَا ذَا يَا رَبِّ مَطْرُوقٌ

بَيْتِكَ *وحدیك اینک منم این دی برده ای* بَيْنَ يَدَيْكَ أَنَا الَّذِي أَقْرَبْتُ لِحَطَايَا

ظَهَرَةٍ وَأَنَا الَّذِي أَقْبَسْتُ الذُّنُوبَ عَمْرَةً *مبشیر تو منم الخسی که گران (دهست خطا)*

وَأَنَا الَّذِي يَحْصِلُهُ عَصَاكَ وَلَمْ تَكُنْ *بیت اورا منم ان کسی که بی باک دهن گناهان غمناک*

أَهْلًا مِثْلَهُ لِنَاكَ هَلْ أَنْتَ يَا أَلْهِی *و منم الخسی که بسبب ندامتی خود را بی گناه می گردانم*

مَرْدَعَاكَ فَأَبْلِغْ فِي الدُّعَاءِ أَمَّ أَنْتَ *اگرچه بنوا بی هم اولاد است یعنی از او ایات و ابرقاری می آید*

غَافِلٌ لَمْ يَبْكَاكَ فَاسْرِعْ فِي الْبُكَاءِ أَمَّ أَنْتَ *کسی را که خوانده ترا پس سباحت کنم بدو خواندن ایات تو*

از روی الخسی را که برست بین تو بنامتیم که گناه ایات تو

اَمْتُ

مُجَاوِزٌ عَمَّنْ عَمَّرَكَ وَجْهَهُ تَذَلُّلاً

أَمَّ أَنْتَ مَعْرِضٌ مِّنْ شَكَالِيكَ مَقْرَعَةٌ *در گذرنده ای که مرا که امید برای تو روی خود را از شکلا*

الْهَلَاكِيَّةِ مِّنْ لَّيْجِدُ مَعْطِيَا غَيْرَكَ *ایستادگی منم که از تو که مرا که از شکلا*

وَلَا تَخْذَلْ مَنَّا لَا تَسْتَفِي عِنْدَكَ يَأْخُذُ *و منم الخسی که بسبب ندامتی خود را بی گناه می گردانم*

دُونَكَ الْهَي فَصِلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ وَلَا *دوین تو ای فصل کن بر محمد و به او*

تَعْرِضْ عَنِّي وَقَدْ أَقْبَلْتُ إِلَيْكَ وَلَا *تعرض کن از منم که از تو که مرا که از شکلا*

تَحْرِمُنِي وَقَدْ رَغِبْتُ إِلَيْكَ وَلَا *و منم الخسی را که برست بین تو بنامتیم که گناه ایات تو*

عَلَيْكَ

تَجَهَّيْ بِالرَّدِّ وَقَدْ انْصَبَتْ بَيْنَ يَدَيْكَ
وَرَنْجَنِ بَرِيذَانِ زَمَنِ رَدِّ دَعَا لِكُلِّ الْبَيْتِ دَهْ بِهَيْشَانِ وَ حَمِيَّةِ
أَنْتَ الَّذِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِالرَّدِّ
تَوَدَّ الْكَلِمَةَ وَصَفَتْ رَدِّهِ نَفْسِي حَمْدًا وَ رَحْمَةً
فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْحَمْنِي وَأَنْتَ
الَّذِي سَمَّيْتَ نَفْسَكَ بِالْعَفْوِ فَأَعْفُ
نَامُ نَادُوهُ نَفْسِي حَمْدًا وَ رَحْمَةً بِرَحْمَتِكَ
قَدْ تَرَى يَا إِلَهِي فَيْضَ دَمْعِي مِنْ خَفَايَا
وَوَجِبَ قَلْبِي مِنْ خَشْيَتِكَ وَاتِّقَا
جَوَارِحِي مِنْ هَيْبَتِكَ كُلَّ ذَلِكَ جَبَّارًا
وَأَعْلَانًا مِنْ رَوْحِ بَرِيذَانِ زَمَنِ رَدِّ دَعَا لِكُلِّ الْبَيْتِ دَهْ بِهَيْشَانِ وَ حَمِيَّةِ

مِنْ بَيْتِ بَرِيذَانِ زَمَنِ رَدِّ دَعَا لِكُلِّ الْبَيْتِ دَهْ بِهَيْشَانِ وَ حَمِيَّةِ
عَرَّ الْجَارِ إِلَيْكَ وَكُلَّ لِسَانِي عَنْ مَنَاجَا
يَا إِلَهِي فَلِكَ الْحَمْدُ فَمِنْ عَائِبَةٍ سَتَرْتَهَا
عَلَى قَلَمِ تَقْصِيرِي وَكَمْ مِنْ ذَنْبٍ غَطَّيْتَهُ
عَلَى قَلَمِ تَقْصِيرِي وَكَمْ مِنْ شَائِبَةٍ
الْمَتِّ بِمَا فَلَاحَ تَهْنِئَتِكَ عَنْ سِتْرِهَا
لَمْ يَقْلُدْ مِنْ مَكْرُوهٍ شَرَّهَا وَلَمْ يَتَذَكَّرْ
وَدَّ الْكَلِمَةَ وَصَفَتْ رَدِّهِ نَفْسِي حَمْدًا وَ رَحْمَةً

طبع

سَوَاءٌ لَهَا مِنَ الْيَمِّ مَعَارِي مِنْ حَرْبٍ

به یوی از برای کسی که بجو بکشد بیهوشی را از این کجاست

وَحَسْبُكَ نَعْمُكَ عِنْدِي نَعْمُ لَمْ يَهْنُ

درست بر من نعمت تو نزد من پس باز نه نشسته

عَنْ أَنْ جَرَيْتَ إِلَى سُوءٍ مَا عَهَدْتَ

از روی سعادتم بوی بدی آنچه وعده داده بودی

مَنْ مِنْ أَجْهَلٍ مِنِّي يَا إِلَهِي بِرِسْدِهِ وَ

از من بجهلش از من بدتر ای خدای من بپندش و

مَنْ أَغْفَلَ مِنِّي عَنْ حَظِّهِ وَمَنْ أَبْعَدَ

کس غافلتر از من از نصیب خود و کس دورتر از من

مَنْ اسْتَصْلَحَ نَفْسَهُ حَيْرَانُفُو مَا

از آنکه اصلاح او را در غمی خود منظر که حرف میگویم

أَجْرِي عَلَى مِزْزِقِكَ فِيمَا نَبِيَّتِي

جاریه را ختم بر من از زرق خود و در آنچه نبی مرا

مَنْ

مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَمَنْ أَبْعَدُ عَوْرًا فِي الْبَاءِ طِل

از معصیت تو و کس دورتر عود و در باطن

وَأَسَدُ أَقْدَامًا عَلَى السُّوءِ مِنْ حَيْرَانُفُو

بهرتر بر کفایت بر بدی از من و غمی که است

يَنْ دَعْوَتِكَ وَدَعْوَةُ الشَّيْطَانِ أَتَابِعُ

بیا دعوت تو را دعوت شیطان مرا بپای

دَعْوَتَهُ عَلَى غَيْرِ عَمِيٍّ مِنِّي فِي مَعْرِفَتِهِ وَ

دعوت او را بر غیر من در معرفت او

لَا يُشَيِّانِ مِنْ حِفْظِي لَهُ وَأَنَا حَيْدُ

و نه فرود نمی آید از نگاه من و من حیدر

يَا مَنْ مَشَهُ دَعْوَتِكَ إِلَى الْخَيْرِ وَ

ای من که مشی دعوت تو را به خیر و

مَشَهُ دَعْوَتِهِ إِلَى التَّارِ سَحَابَكَ

مشی دعوت او را به تاری و ابر تو را

مَنْ

مَا عَجَبُ مَا اشْهَدُ بِكَ عَلَى نَفْسِي وَاعِدُهُ
مِنْ مَكْتُومٍ أَمْرٍ وَعَجَبٌ مِنْ ذَلِكَ

چه عجب است آنچه که ابراهیم علیه السلام بر نفس خود و عهد خود

أَنَا نَاثِقٌ عَمِّي وَأَبَاؤُكَ عَنْ مُعَاجِلَتِي وَ

بر دربار من و بر من و پدران تو از معجل کردن من

لَيْسَ ذَلِكَ مِنْ كَرَمِي عَلَيْكَ بَلْ نَائِيًا

و نه از آنکه من از تو بزرگویم بلی نایب

مِنْكَ لِحُبِّهِ وَفَضْلًا مِنْكَ عَلَيَّ لِأَنَّ

من را به خاطر محبت او و فضل او بر من

أَرْتَدُّ عَنْ مَعْصِيَتِكَ الْمُسْحَطَةِ وَكُلِّعَ

از عزم من از پیروی تو که محض است و کلاه

عَنْ سَبِيلِي إِلَى الْخَلْقَةِ وَلِأَنَّ عَفْوَكَ عَمِّي

از راه من از خلق و برای آنکه عفو تو از من

است

لَحَبُ الْبَيْتِ مِنْ عَقُوبَتِي بَلْ نَائِيًا إِلَهُي كَثِيرُ

و بر من است از عاقبت من بلی نایب الهی بسیار

ذُنُوبًا وَأَقْبَحُ أَثَارًا وَأَشْنَعُ أَعْمَالًا وَلَسْتُ

کمترین گناهان و زشتترین آثار و بدترین اعمال و نیستم

فِي الْبَاطِلِ تَمُورًا وَأَصْعَفُ عِنْدَ طَا

در باطل تهور و ضعیفتر در حق

تَقِطًا وَأَقْلُ لَوْ عِيدِكَ نَائِيًا هَا وَارْتَقَا

بهره گیری و کمترین اگر عید تو بلی نایب ها و ارتقا

مِنْ أَرْحَمَ لَكَ عِيُونِي وَأَقْدِرُ عَلَى

از مهربانترین تو و قادرتر

ذِكْرِكَ تَوْفِي وَإِنَّمَا أَوْجِبُ بِهَذَا نَفْسِي

ذکر تو را و تنها باینکه من را

طَمَعًا فِي رَأْفَتِكَ الَّتِي بِهَا صَالِحُ الْعَمَلِ

طمع در مهربانی تو که به واسطه آن صالح اعمال

الْمُذْنِبِينَ وَرَجَاءَ لِرَحْمِكَ الَّتِي بِهَا

و از روی سبب رحمت تو که بستی

فَكَانَ رِقَابَ الْخَاطِئِينَ اللَّهُمَّ وَهَذَا رَجَاءُ

و این دعا است از روی سبب رحمت تو که بستی

قَدَارَقَتِهَا الذُّنُوبُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

و بخوان بر محمد و آل او که از گناهان

وَأَعِظْهَا بِعَفْوِكَ وَهَذَا ظَهْرِي قَدَّ

و در این دعا از روی سبب رحمت تو که بستی

أَقْلَمْتُ الْخَطَايَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

که گناهان را در این دعا از روی سبب رحمت تو که بستی

خَفِيفٌ عَنْهُ يَمِينُكَ يَا إِلَهِي لَوْ بَكَتُ إِلَيْكَ

و این دعا است از روی سبب رحمت تو که بستی

حَتَّى تَسْقُطَ أَشْفَارُ عَيْنِي وَأَنْجِئْتِ

و این دعا است از روی سبب رحمت تو که بستی

و این دعا است از روی سبب رحمت تو که بستی

يَنْقُطُ صَوْتِي وَمَنْتَ لَكَ تَنْقِصُ

و این دعا است از روی سبب رحمت تو که بستی

قَدَمَايَ وَرَكَعْتَ لَكَ حَتَّى يَجْلُعَ صَلِّي

و این دعا است از روی سبب رحمت تو که بستی

وَسَجَدْتُ لَكَ حَتَّى تَنْفَقَ أَحَدُ قَتَايَ وَ

و این دعا است از روی سبب رحمت تو که بستی

أَكَلْتُ تَرَابَ الْأَرْضِ طَوْلَ عَمْرِي وَتَرَبُّثُ

و این دعا است از روی سبب رحمت تو که بستی

مَاءِ الرِّمَادِ آخِرَ عَمْرِي وَذَكَرْتُكَ

و این دعا است از روی سبب رحمت تو که بستی

فَخَلَّلْتُ ذَلِكَ حَتَّى يَكِلَ لِسَانِي ثُمَّ لَمْ

و این دعا است از روی سبب رحمت تو که بستی

أَرْفَعُ طَرْفِي إِلَى آفَاقِ السَّمَاءِ اسْتَحْيَا

و این دعا است از روی سبب رحمت تو که بستی

و این دعا است از روی سبب رحمت تو که بستی

و این دعا است از روی سبب رحمت تو که بستی

و این دعا است از روی سبب رحمت تو که بستی

مِنْكَ مَا اسْتَوْجِبْتَ بِذَلِكَ مَحْسِنَةً

رزق از او در این روز بابت عبادت که

وَلِحِدَّةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي وَإِنْ كُنْتُ غَفُورًا

لذات من خود و اگر تو بخوانی

حِينَ اسْتَوْجِبْتَ مَغْفِرَتَكَ وَتَعْفُو

و غفر که بزرگوار باشم از روی تو را و عفو

حِينَ اسْتَوْجِبْتَ عَفْوَكَ فَإِنَّ ذَلِكَ غَيْرُ

مغفرت که من حق تو را عفو ای بزرگوار است

لِيَأْتِيَنِي حَقُّكَ وَلَا أَنَا أَهْلُ لَهُ بَلْ

برای من به سبب عفو تو من را آن روز که

إِذْ كَانَ جَزَاءُ مِنْكَ فِي أَوَّلِ مَا

بزرگوارم جزای من از تو در اول آنکه

النَّارُ فَإِنْ تَعَذَّبْتَنِي فَانْتَ غَيْرُ ظَالِمٍ

اگر تو بدی به من عذاب کنی پس تو ظالم نیستی

الحی

الْحَيُّ فَإِذَا قَدْ تَعَذَّبْتُ بِسِتْرِكَ فَلَمْ تَقْضِ

از من بپوشش تو ای پروردگار پس روا نکردی

تَأْنِيَتِي بِكَرَمِكَ فَلَمْ تُعَاجِلْنِي وَحَلَّتْ

تأخیر تو ای بزرگواری پس شتاب نکردی در عتاب من

عَنِّي بِفَضْلِكَ فَلَمْ تُغَيِّرْ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ وَكَمْ

بیش از بخت تو ای بزرگواری پس نگذاشتی نعمت خود را بر من و

تَكَدَّرَ مَعْرُوفُكَ عِنْدِي فَأَرْحَمَ

تکبر نمود معرفت تو نزد من پس بزرگواری

طَوْلُ تَضَرُّعِي وَشِدَّةُ مَسْكِنَتِي وَسَوْ

در انداز زاری مرا و شدتی فقری و باری و

مَوْفِقِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

و ای خداوند صلوات بر محمد و آل او

قَوْمِينَ الْمَعَاصِي وَاسْتَغْلِظْ بِالطَّاعَةِ

و سخت گیر از معاصیان و استغنی از طاعت

وَأَرْسَلْنَا فِي الْأَنْبِيَاءِ وَطَهَّرْنَا

در دوزخ را خنود بازگشت

وَأَيَّدْنَا بِالْعِصْمَةِ وَأَسْتَصِلِحْنَا بِهَا الْعَالَمِينَ

دوت دهر را بنظم در شما و به صلح او را به طبع

وَأَرْفَعْنَا حَالَهُمُ الْعَقَبَةَ وَاجْعَلِي

بچنان را بر سر بنی از دشت و بگردان او را

عَفْوَكَ وَعِيقُورَ حِمْلِكَ وَالْكِبَالَ

عفو خود و ازاد کرده رحمت خود و بنی بر کمال

أَمَّا نَا مِنْ سَخَطِكَ وَبَثِّرْ فِي بَدَنِكَ فِي

براهه ایست از غضب خود و ببارت دهر را باین در

الْعَالِجِ دُونَ الْأَجْلِ بَشْرِي أَعْرِفْهَا

خاطر من در سینه ببارت که بنام من

وَعَرَفْتِي فِيهِ عَلَامَةُ آمَنِيهَا إِنَّ ذَلِكَ

و بشناسان را در خط من که ظاهر من از اجابت من است

لَا يَصِيحُ عَلَيْكَ فِي وَسْعِكَ وَلَا

نقبت بر تو در حجب ده تو

وَلَا يَكَادُكَ فِي قُدْرَتِكَ إِنَّكَ عَلَى

و نه از تنه بر تو در بخت تو بیدر تو

وَكُلَّ مَرَدٍّ حَقَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ

همه مرد را توانا

إِذَا ذَكَرَ الشَّيْطَانُ وَاسْتَعَاذَ فِرَارًا

اذا ذكر الشيطان واستعاذ فرياراً

وَمِنْ عَدَاوَةِ اللَّهِ إِنْ نَا وَكَيدِهِ

و من عداوت خدا و کید او

تَعُوذُ بِكَ مِنْ زَغَايِ الشَّيْطَانِ الْكَذِبِ

که پناه بچشم بر از زغای شیطان کاذب

وَكَيْدِهِ وَمَكَائِدِهِ وَمِنْ الثَّقَةِ يَا

و کید او و کید او و از اعتماد

مَا يَنْبَغِي وَمَوَاعِيدِهِ وَغُرُورِهِ

بدون وعده های او و دود و غرور او و فریبکاری او

مَصَانِدِهِ وَأَنْ يُطِيعَ نَفْسَهُ فِي

و ادعای او و او میسر بطبع اندر ز خود را

إِضْلَالِنَا غَرَضًا طَاعَتِكَ وَأَمْنًا

گمراه کردن ما از راه عبادت تو و خوف از تو

بِمَعْصِيَتِكَ وَأَنْ يُحْسِنَ عِنْدَنَا

بسیب فرمان تو نزد ما و نیکی تو نزد ما

مَا حَزَنَّا وَأَنْ يُثْقَلَ عَلَيْنَا مَا كَدَّ

آنچه غمنازدانیده بر ما و آنچه بر ما دشوار است

إِلَيْنَا اللَّهُمَّ أَخَاهُ عَنَّا بِعِبَادَتِكَ

بر ما ای خداوند ما را بر ما بر عبادت تو

وَأَكْمَيْتَهُ بِدُؤُنِي فِي مَحَبَّتِكَ وَ

و بزرگوار گردانی او را در محبت تو

بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ سِرًّا لَا يَهْتِكُهُ وَرَوْفًا

بین ما و میان او پستی که نه از او برون و روفت

مَصْنَعًا لَا يَفْتَقِرُ إِلَيْهِ مَصِلَ عَلِيٍّ

نقش کرده که به او نیازی نیست و رسیدن علی

وَالِهِ وَاشْغَلَهُ عَنَّا بِعِزِّ أَعْدَائِكَ وَ

وال او و مشغول کن او را از بهر عی از دشمنان تو

وَأَعِصْنَا مِنْهُ بِحُسْنِ رِعَايَتِكَ وَكُنَّا

نگاه دار ما را از او به بهترین نگاه داشتن تو

خَيْرَهُ وَوَلِنَا ظَهْرَهُ وَاقْطَعْ عَنَّا شَرَّهُ

خیر او و بر ما گردان پشت و بر ما از شر او

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَمَتِّعْنَا

ای خداوند صلوات بر محمد و آل او و بزرگوار گردانی ما را

مِنْ أَلْهَادِي بِمِثْلِ ضَلَالَتِهِ وَزَوِّدْنَا

از ما از هدایت به مانند گمراهی او و بزرگوار گردانی ما را

خَطَرَهُ

امتیعنا

مِنَ التَّقْوَى حَيْدَ غَوَايِهِ وَاسْتَدْنَانَا
از برین کار می خد پادشاهی او
اللهم
مِنَ النَّفْيِ خِلَافَ سَبِيلِهِ مِنَ الرَّدَى
از برین کار می خلاف راه او از هلاکت باز گردان
لَا تَجْعَلْ لَهُ فِي قُلُوبِنَا مَدْخَلًا وَلَا تَوْطِينَ
نگردان مرا و او را در دل ما جایی در آمدن و پای
لَهُ فِيهَا الدِّينَ امْرًا اللَّهُمَّ وَمَا سَوَّاهُ
مرا و او را آنچه تو بیک سمت می گردانی به ما و آنچه به ما
لَنَا مِنْ بَاطِلٍ فَغَرِّفْنَاهُ وَإِذَا عَرِّفْنَا
ما از باطل را بشناسان ما از آن و چون بشناسی
فَقِنَاهُ وَبَصِّرْنَا مَا نَكَايِدُهُ وَالْهَيْسَامَ
از آن نگاه دار تا از آنچه که می کشد از ما جان و دودمان
نُعْذِرْهُ لَهُ وَأَيُّقِطْنا غَرَسِيَّةَ الْعَقْلَةِ
او را که کنیم از او عذر و چه کار کنیم ما را از خراب عفت

بَارَكَ

بَارَكَ كُنْ بِاللَّيَةِ وَآخِرِ تَوْفِيقِكَ
بیک کردن بهوی تو و بیک کن به توفیق خودت
عَوْنًا عَلَيْهِ اللَّهُمَّ وَأَشْرِبْ قُلُوبَنَا
یاری بر او و در صدای او و در لایه های ما
إِنْكَارَ عَلَيْهِ وَالطُّفْلَ لَنَا فِي نَقْصِ حِيلِهِ
بیکار کردن او و طفل ما را در نقصن حیل او
اللهم صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحَوْلِهِ
در نماز بر محمد و آل او و بر حوله و در گردان سلطان
عَنَا وَاقْطَعْ رَجَاءَهُ مِنَّا وَادْرَأَهُ عَنِ
از ما و بر امید او را از ما و دفع کن از
الْوَلُوعِ بِنَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
سختی ما با بر نماز بر محمد و آل او
وَلْجَعْلَ آبَاءَنَا وَأُمَّهَاتِنَا وَأَوْلَادَنَا
و بیکار کن پدران ما و مادران ما و فرزندان ما

سُبْحَانَ

وَأَهْلَيْنَا وَذَوِي أَرْحَامِنَا وَقَرَابَتِنَا

وَجِيرَانِنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

فَخَرَجَ خَارِجًا وَحَصِرَ حَاطِقًا وَكُفِيَ

وَالْبِسْمُ مِنْهُ جَنًّا وَاقِيَةً وَأَعْطَاهُمْ

أَسْلِحَهُ مَا خَصِيَهُ اللَّهُ وَأَعْنَمَ بَذَلِكَ

مَنْ شَهِدَ لَكَ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَأَخْلَصَ

لَكَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ وَعَادَاهُ لَكَ

الْحَمْدُ

الْعَبُودِيَّةِ وَأَسْتَظْهِرُكَ عَلَيْهِ

مَعْرِفَةِ الْعُلُومِ الرَّيَاسِيَّةِ اللَّهُمَّ

مَا عَقَدَ أَقْسَمًا رَتَقَ وَأَفْشَعَ مَا دَرَسَ

وَبَيَّطَهُ إِذَا عَزَمَ وَأَنْقَضَ مَا أَبْرَمَ

اللَّهُمَّ وَأَهْرَ مَجْنَدَهُ وَأَبْطَلَ كَيْدَهُ

وَأَهْدَمَ كَهْفَهُ وَأَرْغَمَ أَتْفَهُ اللَّهُمَّ

فِي تَرْغَمِ أَعْدَائِهِ وَأَعْرِئْنَا عَنْ عِدَائِهِ

الْحَمْدُ

أُولَئِكَ لَا نُنَافِعُ لَهُ إِذَا اسْتَهْوَانَا

درست که او را طاعت نمی آید هرگاه که فریب دهد

وَلَا نُنَجِّيْهِ إِذَا دَعَانَا مَرْمُونًا

و اجابت نمی آید او را هرگاه بخواند ما را امر کنیم به نفعی او

مَنْ أَطَاعَ أَمْرَنَا وَنَعُظَ مَتَابِعِهِ

کسی را که اطاعت کند امر ما را و بپندد هم از بهر و در پی او

مَنْ اتَّبَعَ زَجْرًا لِلَّهِمْ صِلَا

که هر که پی کند زجر خداوند

مُحَمَّدٌ وَآلِهِ خَاتِمُ النَّبِيِّينَ وَسَيِّدُ

محمد و آل او خاتم انبیا و سرور

الرَّسُولِينَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ

بر سران و بر اهل بیت او

الظَّاهِرِينَ وَاعْتَدْنَا وَآهْلَ الْبُيَا وَخَوْنِ

و ظاهرین و عتدنا و اهل بیوت و خون

مُتَنَافِئِهِ

وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ تَمَامًا

و جمیع المؤمنین و المؤمنات تمام

أَسْعَدْنَا مِنْهُ وَاجْرْنَا مِمَّا اسْتَجْرْنَا بِكَ

خداستیم ما را از او و در آوری ما را از آنچه استجرتیم به تو

مِنْ خَوْفٍ وَاسْمَعْ لَنَا مَا دَعَوْنَا بِهِ

از ترس و بشنود برای ما آنچه دعا کردیم بآن

أَعْطَانَا مَا أَعْفَلْنَا وَاحْفَظْنَا

عطا کرد ما را آنچه فراموش کردیم و نگاهدار ما را

مَا نَسِيْنَا وَصَيِّرْنَا بِذَلِكَ فِي دَرَجَاتٍ

آنچه فراموش کردیم و در درجات و درجه های

الصَّالِحِينَ وَمَرَاتِبِ الْمُؤْمِنِينَ

مقامات و مراتب مؤمنین

وَكَلَّمَ رَبِّ الْعَالَمِينَ دُعَايَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

و سخن گفت خداوند را با عالمین و دعا کرد بر او صلوات

و کلام

اِذَا دَفَعْنَا عَنْكَ مَا يَجْذُرُ اَوْ عَمَلًا مُطْبَرًا

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حَسَنِ قَضَائِكَ

خداوند ابراهیم بر من و بر همه بندگان تو

وَمَا صَوَّرْتَ عَنِّي مِنْ بَلَاءٍ لَكَ فَلَا

وَبِئْسَ الْبَلَاءُ الَّذِي ارْتَدَى رُفْعِي

تَجْعَلْ حَظِّي مِنْ رَحْمَتِكَ مَا عِلَّتْ

لِي مِنْ عَافِيَتِكَ فَافُكِّرْ قَدْ شَفِيتُ

بِأَعْيُنِي خُذْ بِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ

بِمَا أَحْبَبْتَ وَسَعِدَ غَيْرِي بِمَا كَرِهْتَ

وَإِنْ يَكُنْ مَا ظَلَمْتُ فِيهِ مِنْ هَذَا

وَأَكْرَمِيهِ وَاجْعَلْهُ لِي رِزْقًا وَارزُقْهُ

وَأَكْرَمِيهِ وَاجْعَلْهُ لِي رِزْقًا وَارزُقْهُ

وَأَكْرَمِيهِ وَاجْعَلْهُ لِي رِزْقًا وَارزُقْهُ

وَأَكْرَمِيهِ وَاجْعَلْهُ لِي رِزْقًا وَارزُقْهُ

وَأَكْرَمِيهِ وَاجْعَلْهُ لِي رِزْقًا وَارزُقْهُ

الْعَافِيَةِ يَنْزِلُ بِكَ بَلَاءٌ لَا يَنْقَطِعُ

وَنَزَلَ لَكَ بِرَفْعِ بَلَاءِ رُفْعِي

وَوَزَلَ لَكَ بِرَفْعِ بَلَاءِ رُفْعِي

وَأَخْرَجَ مَا قَدِمْتَ فَعَيَّرَ كَثِيرًا

الْقَاءُ وَغَيْرَ قَلِيلٍ مَا عَافَيْتَهُ الْبَقَا

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

اسْتَقْنَا سَقِيًّا فَنَسِيلٌ مِنْهُ الظَّرَابُ وَ

بره در آبی که رودان سازد از آن که همدار

تَمْلَأُ مِنْهُ الْجِبَابُ وَتُفَجِّرُ بِهِ الْأَنْهَارُ

و پر شود از آن جامه و بتو آب است که نهرها

و تُثَبِّتُ بِهِ الْأَشْجَارُ وَتُرْخِصُ بِهِ الْأَنْهَارُ

و برودنی بآن درختان را و در آن کنایه

فِي جَمِيعِ الْأَمْصَارِ وَتَغْشَى بِهِ الْبَهَائِمُ

در همه شهرها و تشنهش بفره آب است که به

وَالْخَلْقُ وَتُكْمِلُ لَنَايِهِ طَيِّبَاتُ

و خلق را و کامل گردانی برای ما بابت پاکیزه

الرِّزْقِ وَتُثَبِّتُ لَنَايِهِ الزَّرْعَ وَتُدَبِّرُ

روزنه را و برودنی برای ما بابت زرع را و دگر

الضَّرْعَ وَتَرِيدُ نَايِهِ قُوَّةَ الْقُوَى اللَّهُ

بهر آب بهار و نیزه را برای ما بابت قوه قوت را

لا

لَا تَجْعَلْ ظِلَّهُ عَلَيْنَا سَمُومًا وَلَا

نمودن سایه از آن بر ما سموم و مکران

بَرْدَهُ عَلَيْنَا حَسُومًا وَلَا تَجْعَلْ وَجْهَ

روئی از آن بر ما شوم و مکران احدی را

عَلَيْنَا رُجُومًا وَلَا تَجْعَلْ مَاءَهُ عَلَيْنَا

بر ما رجم و مکران آب از آن بر ما

أُجَا لَآلَهُمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

و درود کن بر محمد و آل او

مُزَيَّرَاتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّكَ

نزدیک کننده ای آسمانها و زمین بر حق گوئی

وَكَانَ كُلُّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ

و هر چه بود بر حق است بر او که بر او سلام

فِي مَقَامِ الْإِخْلَاقِ وَرَضَى الْأَفْعَالِ

در مقام اخلاق و راضی است از اعمال

وَالْبَلَّغُ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَبَلِّغْ بَيَانًا

خداوند رحمت بفرست بر محمد و آل او در بیان ایمان

أَكْمَلَ الْأَيْمَانِ وَاجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ

کاملترین ایمان در بر دهن بفرما و خیرترین یقین

وَأَنْتَ بَلِّغْتَنِي إِلَى أَحْسَنِ النِّيَابِ

و تو مرا به بهترین نبوت رسانیدی

أَحْسِنِ الْأَعْمَالِ اللَّهُمَّ وَقَوِّ بِطُغْكَ

به بهترین عملها خداوند او بر سر کن بجفت غرور

وَصَحِّحْ بِمَا عِنْدَكَ يَقِينِي وَاسْتَصْلِحْ

در دین من آنچه نزد تو یقین مرا در صواب و درست

بِقُدْرَتِكَ مَا فَسَدَ مِنِّي اللَّهُمَّ صَلِّ

بقدرت خود آنچه تباها شده است از من خداوند

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ مَا يَنْعَلُ الْأَعْمَالِ

و آنچه است از من آنچه خیر است از اعمال

وَقَرِّبْ

يَوْمَ وَاسْتَعَايَ عَمَّا تَسْأَلُ غَدَاةً

بمکالمه و استعاضه از آنکه می پرسی در روزان

اسْتَفْرِغْ أَبَايَ فَمَا خَلَقَنِي لَهُ وَأَغْنِ

و فرست از پدرم و آنچه مرا آفرید و بفرما

أَوْسَعُ عِلْمِي رِزْقَكَ وَلَا تَقْنِي بِالْطَّرِيقِ

و وسیعترین علم مرا روزی خود را و نترسان مرا براه

أَعْرَجِي وَتَبَسَّلِي بِالْكِبَرِ وَعَبْدِي لَكَ خَيْرُ نَبِي

در راه مرا و در راه من بزرگی را و بنده مرا بفرست از من

وَلَا تَقْنِدْ عِبَادَتِي بِالْعَجَبِ وَآخِرُ النَّاسِ

و نترسان مرا عبادت مرا بفرست از من و آخرت

عَلَى يَدَيِ الْخَيْرِ وَلَا تَحْقُقْهُ بِالْمَنِّ

بر دست خیر و نترسان مرا بفرست از من

وَهَبْ لِي مَعَ الْإِحْلَاقِ وَأَعْصِمْنِي

و بفرست مرا بفرست از من و بفرست مرا

مِنْ الْفَخْرِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَخْزِهِمْ
از خوار شدن

تَرْفَعَنِي فِي النَّاسِ رَجَةً الْأَاطَمَةِ
و من بلند کند مرا در میان مردم یک پندارند که من در نزد

نَفْسِي مِثْلَهَا وَلَا تَحْدِثْ لِي غَرَابًا
نفس خود من را مانند آن و بر من غریبی را برپا نماند

إِلَّا أَهْدَتْ لِي ذِلَّةً بِالْحِنَّةِ عِنْدَ
مگر هدایت کند مرا برای خواری خوار شدن را نزد

بِقَدْرِهَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
بقدرت او عزت

وَمَنْعَنِي يَهْدِي صَالِحًا لَا أَسْتَبِيدُ
و من مانع کند مرا براهی هدایت کننده را که من را برده نماند

بِهِ وَطَرِيقَهُ حَتَّى لَا أَرْبِغَ عَنْهَا
از او و طریقه حق که من از او غافل نمانم

بِتَّة

بِتَّة رَشْدٍ لَا أَسْتَكْ فِيهَا وَعَمِّي
بیت را من که در شکم من در نزد او

مَا كَانَ عَمِّي بِذِلَّةٍ فِي طَاعَتِكَ فَإِذَا
آنچه که من در نزد تو در طاعت تو

كَانَ عَمِّي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَاقْبَضْ
آنچه که من را برای شیطان را بجزایر

قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ مَقِيلَكَ إِلَى أَوَّلِهَا
پیش از آنکه من را پیش از تو ببرد به اول آن

عَضْبِكَ عَلَى اللَّهِ لَا تَدْعُ عَمِّي
عصبه بر من خداوند را که مرا در خود

تَغَابُ مِنِّي إِهْصَانُهَا وَلَا عَمِّي
که من را در نزد تو ایمنی کن از او و من

أَوْثَقُ بِهَا الْإِحْسَانُ وَلَا أَرْوِي
که من را در نزد تو ایمنی کن از او و من

وَتَأْقِصُهُ إِلَّا أَتَمَّتْهَا اللَّهُمَّ صَلَاحًا
 كد و زحمت و زحمته را تمام کند
 مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ أَبَدًا لِي مِنْ بَعْضَةِ أَهْلِ
 و بعد از آن برای من شدت و سختی
 الشَّانِ الْحَبَّةَ وَمِنْ حَسَدِ أَهْلِ
 عداوت و بغض و حسد از اهل
 الْمَوَدَّةِ وَمِنْ ظَنَّةِ أَهْلِ الصَّالِحِ
 و از ظن و گمان از اهل صالح و پرهیز
 وَمِنْ ضَلَاةِ الْأَدْنِيِّينَ الْوَلَايَةِ وَمِنْ
 و از ضلالت و گمراهی از ادنی و ولایت و از
 عُقُوقِ ذَوِي الْأَرْحَامِ لِلْبَرَّةِ
 و از عقوق و بدرفتاری از خویشان برای بربط
 مِنْ خِلَالِ الْأَقْرَبِينَ النَّصْرَةَ وَثَمًا
 و از میان اقربان نصرت و ثمره
 حَزْر

حُبِّ الْمُدَّارِينَ تَصَحَّحَ الْمَقْدَرِ وَمِنْ رَدِّ
 و از محبت و دوستی از مدد و از تصحیح و درست کردن
 الْمَلَابِيسِ كَرِيمِ الْعِشْرَةِ وَمِنْ مَرَارَةِ
 و از بیهوشی و غفلت از عیادت و از مرارت
 خَوْفِ الظَّالِمِينَ حَلَاوَةِ الْأَلَمِ
 و از ترس و بیم از ستم و از شیرینی و لذت
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَآلِهِ
 و صلوات و سلام و تحنن بر محمد و آل و آل
 لِي يُلْغَا عَنِّي مِنْ ظُلْمَتِي وَلِسَانًا عَلَى مَنْ جَاءَ
 و از این دعا و از این دعا و از این دعا
 وَظَفَرَ أَعْلَى مَنْ كَانَتْ يَدِي وَفُتْرَةً
 و از این دعا و از این دعا و از این دعا
 عَلَيَّ مِنْ أَضْطِهْدِي وَتَكْذِيبِي الْمُنْ
 و از این دعا و از این دعا و از این دعا

العشيرة

مِنْ غَائِبِي وَهَبْ
 و از این دعا و از این دعا و از این دعا
 مَكْرًا
 و از این دعا و از این دعا و از این دعا

قَصَبِي وَسَلَامَةً مِّنْ تَوَعَّدَنِي وَ

که بیاوردند و سلامتی از کسی که وعده داده است مرا

وَفَقِي لَطَاعَةً مِّنْ سَدَّدَنِي وَمَنَّا

و رفیق بی برای من بود از آنکه مرا درست کرد و من را

مَنَّا شَدِيدِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

ما را شدیدی اللهم صل علی محمد و آل او

سَدَّدَنِي لِأَنِّ أَعَارِضُ مِنْ غَشِيَتِي

و درست کرد مرا برای آنکه مرا از غشای من دور کند

وَأَجْرِي مِنْ هَجْرِي بِالْبِرِّ وَالثَّبَرِ

و پاداش من از دوری من با تو است با نیکوئی و پایداری

يَا بَذِلًا وَكَافِيًا مِّنْ قَطْعِي يَا جَدُّ

ای بختیاری و کافی از قطع من ای جد من

مِنَّا غَثَائِي إِلَى الْحُسَيْنِ الذِّكْرِ وَأَنْ أَشْكُرَ

ما را غریبی من را به حسین یادگار و آنکه تشکر کنم

الحسنة

الْحَسَنَةِ وَأُغْنِي عَنِ السَّيِّئَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ

بر حسن را و از بدی من دور کن اللهم صل

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحَلِّ مَجْلِيَةِ الصَّاحِبِ

علی محمد و آل او و حل من از صاحب

وَالْبَيْتِ زَيْنَةَ الْمُتَّقِينَ فِي سَبْطِ الْعَدَدِ

و بیت من زینت منزهان در سبط عدل

وَكَلِمِ الْغَيْطِ وَأَطْفَاءِ النَّائِرَةِ وَخَمِّ

و کلمه غیض و آتشی و خیم

أَهْلِ الْفِرْقَةِ وَإِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ

اهل فرقه و اصلاح ذات بین

أَنْشَاءِ الْعَارِفَةِ وَسُتْرِ الْعَالِيَةِ وَ

آغاز آشنایان و پرده عالیه

لِزِيَارَةِ الْعَرِيكَ وَخَفِضِ الْجَنَاحِ وَ

برای زیارت عریک و خف کردن بال

حُسْنُ السَّيَرَةِ وَسُكُونُ الرَّجْحِ وَطَبِ

و طوبى سيرة رجاكن به دوى باد بر خوش طاق

الْمَخَالَقَةِ وَالسَّبْوِ إِلَى الْفَصِيلَةِ وَلَيْثًا

بهر دم بهنجى كرفت به نصبت

التَّفْضِيلِ وَتَرْكِ التَّعْيِيرِ وَالْإِفْضَالِ

تفضیل ترک برزنى بر ذمام و افضل

غَيْرِ الْمُسْحُوِّ وَالْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَإِنْ عَزَا

غير مسحق و گفت حق مدار هم اندك بانه

وَأَسْقِلَالِ الْخَيْرِ وَإِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي

و انك نمون خير دارم بهر بهر اندك بانه

وَفَعَلِي وَاسْتِكْثَارِ الشَّرِّ وَإِنْ قُلْتُ مِنْ فَعَلِي

و كدر من بهر كردن شر و كدر اندك بانه

وَإِكْمَالِ ذَلِكَ لِي يَدَّوَامَ الطَّاعَةِ وَتَزَوُّ

و كمال كردن اى صفت را بر من بهر كردن طاعت و تزداد

لِخَالِ

التَّقْيِيرِ

وَالصَّمِّ غَيْرَ الْبَاطِلِ وَإِنْ تَقَعَّ

قَوْلِي

كفتم

الْجَمَاعَةِ وَرَفْضِ أَهْلِ الْبِدْعِ مُسْتَعْلَى

بهر است بر سر استاذ فكر امر و رخت و بجز بر من

الرَّأْيِ الْخَرِجِ اللَّهُمَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

و ابراهیم از من بر من

اجْعَلْ أَوْسَعَ زِينَتِكَ عَلَيَّ إِذَا

و بگردان نفی تو بر من و زینت تو بر من و بگردان

وَأَقْوَى قُوَّتِكَ إِذَا انْصَبْتُ وَلَا

و اقوی قوت تو در من هر گاه که بر من انصب و

تَبْدِيلِي بِالْكَسَالِ عَنْ عِبَادَتِكَ

تبدیل من را به کسالت از عبادت تو

وَلَا الْعَمَى غَرْبِي لِكَ وَلَا يَلْعَمُ

و نه از غایت و نه از غربی من را و نه از غایت

مَحَبَّتِكَ وَلَا جَمَاعَةٍ مَزْتَقَةٍ

و نه از محبت تو و نه از جماعتی که از تو

۱۴

تَبْدِيلِي

ضَرْفِي

وَلَا مُفَارَقَةً مِّنْ أَجْمَعٍ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ

او نه بفرقه از هم جدا نشویم به تو ای خداوند

اجْعَلْهُ أَصُولَ بَيْتِكَ عِنْدَ الصُّرُورَةِ

بگردان او را به بنیاد خانه تو نزد غلغل

وَأَسْأَلُكَ عِنْدَ الْحَاجَةِ وَاتِّصِرَ

و من سوال کنم از تو نزد حاجت و درازنی کنم

إِلَيْكَ عِنْدَ الْمُسْكَةِ وَلَا تَقْشِرْ يَدَايَ

به سوی تو نزد مشک و دستهای مرا از میان

بَعِيرِكَ إِذَا اضْطَرَرْتُ وَلَا بِالْخَصْوِ

بفرقه تو اگر مجبور شوم و نه بفرقه خر

لِسُؤَالِ غَيْرِكَ إِذَا افْتَقَرْتُ وَلَا

بر سوال از غیر تو چون محتاج شوم و نه

بِالتَّضَرُّعِ إِلَى مَنْ دُونِكَ إِذَا هَبْتُ

بزداری کردن به کسی که در مرتبه تو نیست اگر

فَا

فَأَسْأَلُكَ بِذَلِكَ خِدْلَكَ وَمَنْعَكَ

پس من سوال کنم به آنکه خوار گردانی و منع کنی مرا

اعْرِضْكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ

در برابر من را از مهربانان و ای خداوند

اجْعَلْ مَا إِلَيْكَ الشَّيْطَانُ فِي رُوحِي

بگردان آنچه را که شیطان در روح من

الْقَمِي وَالنَّطِي وَالْحَسِيذُ كُرْ لَأَسْأَلُكَ

از تو و دکان و محتاج را من سوال کنم

وَتَفَكَّرْ فِي قُدْرَتِكَ وَتَدَبَّرْ

و تفکر کن در قدرت تو و تدبیر کن

عَدْوِكَ وَمَا أَجْرِي عَلَى لِسَانِي

دشمنی تو و آنچه را که بر زبان من

فُحْشًا وَهَجْرًا أَوْ سَتْمَ عَرَضٍ أَوْ سَهْمًا

کفر و بدرفتاری یا سهمی که در معرض است یا سهمی که

درست در کرد و با بنی ایچچه نزاره در رسوم

عفو تو را
خفت را بیدار زنی که حکم از

پرفتن خود در قفس تو

تغییر کی بنا

در این کتاب از افغانی و پهلوی و کورس

عربی و لاتین تری در علم و ادب و معانی و در کتب و کتب و کتب

1202

۱۰۰

ببروان را چند بخت بردی تو. میرم و نرفته باشم

دہلی ہندوستان

بلیانہ روپ دیوان اور ازاد خیر خاں

والله اعلم بالصواب

و در نزدیکی او استغفار و توبه و مسکن و صراط

ماتوا بجزایر و بلاد و در قس م
و بجزایر و بلاد و در قس م

والمعنى هو انما يتركز له بوابه مفتوحه
والله اعلم بالصواب

الميك

نَفْسِي هَالِكَةً وَتَعَصُّمًا اللَّهُمَّ أَنْتَ عَدَدِي
 كَمَنْفِي مِنْ دُونِي *بِكَرَامَتِكَ وَتَعَصُّمًا*

إِنْ جَرَيْتَ وَأَنْتَ مُتَّجِعٌ أَنْ جُرِمْتَ وَ
مَكْرُوهٌ وَتَعَصُّمًا بِكَ رَدُّ مَنَاجِيهِ مَرْكَاهِ عَوْدِ نَفْسِي

بِكَ اسْتِغَاثَتِي أَنْ كُرِّثُ وَعِنْدَكَ مِمَّا فَالَا
وَبِزَوَاتِ عِلْمٍ فَرِيدَةٍ بِرَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى تَعَصُّمًا

خَلْفٌ وَلِمَا قَدْ صَاحَ وَفِيَا أَنْ كُرِّثَ
عَوْنِي دِيَارِيَا كَرَّمَ تَجَا كَرَّمَ بَرَّ عِلْمٍ وَدَرَجَاتٍ بَدَوَاتٍ

تَغْيِيرٌ قَامُنٍ عَلَى قَبْلِ الْبَلَاءِ بِالْعَافِيَةِ
تَغْيِيرَانِ هِيَ الْفَتْحُ كِي بَرَّ مَنَاجِيهِ رَزَقًا بَعْدَ بَرِّ

وَقَبْلَ الطَّلَبِ بِالْجِدَّةِ وَقَبْلَ الضَّلَالَةِ
بِهِمْ عَزَّ وَجَلَّ بِرَأْسِهِ بِرَأْسِهِ بِرَأْسِهِ بِرَأْسِهِ

وَأَكْفَى فَوْقَ مَعْرِةِ الْعِبَادِ وَهَبْ لِي
وَكُنْتُ بِرَأْسِهِ بِرَأْسِهِ بِرَأْسِهِ بِرَأْسِهِ

المعاد

الْمَعَادِ وَأَمْنِي حَسَنَ الْأَرْشَادِ اللَّهُمَّ
بِرَأْسِهِ وَتَعَصُّمًا بِرَأْسِهِ بِرَأْسِهِ بِرَأْسِهِ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَادْرَأ عَنِّي بَطْنِي
وَمَنْفِي كِي تَزِيحُ مَبْطُونِ

وَاعْزِزْ سَعْيِيكَ وَأَصْلِحْ نِيَّتِي
وَبِرَأْسِهِ بِرَأْسِهِ بِرَأْسِهِ بِرَأْسِهِ

دَاوِي بَصِيْعَكَ وَاطْلُبْ فِي ذَرَاكَ
وَدَاوِي بِرَأْسِهِ بِرَأْسِهِ بِرَأْسِهِ بِرَأْسِهِ

وَجَلِّلْنِي رِضَاكَ وَوَقِّفْنِي زِيَارَتِكَ
وَبِرَأْسِهِ بِرَأْسِهِ بِرَأْسِهِ بِرَأْسِهِ

عَلَى الْأُمُورِ لِأَهْلِهَا وَإِذَا تَشَاءَ
بِرَأْسِهِ بِرَأْسِهِ بِرَأْسِهِ بِرَأْسِهِ

الْأَعْمَالِ لِأَزْكَاهَا وَإِذَا تَقَابَصَتْ
بِرَأْسِهِ بِرَأْسِهِ بِرَأْسِهِ بِرَأْسِهِ

المعاد

لَيْلٍ لَّارِضًا هَاجِلًا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

مؤید برادر علی بن ابی طالب

وَتَوَجَّعِي بِالْكَفَايَةِ وَسَمِعِي حَسَنَ الْوَلَايَةِ

دوستان را با کفایت و درود بر خاندان نبوت و ولایت

وَهَبِي صِدْقَ الْغَدَايَةِ وَلَا تَقْشِي بِلَايَةِ

بخشش مرا صدق صبح و از غم دور نگه دار

وَأَمِجِي حَسَنَ الدَّعَايَةِ وَلَا تَجْعَلِي فِي

و در دعاها حسن را و نگذار در

كُنَاكِنَا وَلَا تَرُدِّي عَلَيَّ رَدًّا فَإِنِّي

منمخت و مکران و عاری از برگشت بر من پس اگر برگردی بر من

أَجْعَلُ لَكَ صِدْقًا وَلَا أَدْعُوكَ مَعَكَ نِيًّا

که من بخیر تو را و مرا را با تو ندانم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَمْنَعِي مِنَ

خدایا درود بفرست بر محمد و آل او و مرا از

السرور

وَنُوحِدِي

السَّرَفِ وَحَسِّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلَفِ

از اسراف و درگاه من را از زیان رزق من

وَوَقِّرْ مَلَكَتِي بِالْبَرَكَاتِ وَأَدِّمِي

و برادر من را با برکت و درگاه من را

بِسَبِيلِ الْهَدَايَةِ لِلْبِرِّ فِيمَا أَتَقَرَّبُ

برای هدایت من به برادریت در آنچه من نزدیک

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ

خدایا درود بفرست بر محمد و آل او و

مُؤْنَةً إِلَّا كَسَابًا وَارْزُقِي

کمک را مگر کار و رزق من

غَيْرَ احْتِسَابٍ فَلَا أَشْعَلُنِي

بدون احتساب پس مرا را

عِبَادَتِكَ بِالطَّلَبِ وَلَا أَحْمِلْ حَرَّ

عبادت تو را با طلب و مرا را از گرمی

عبدت

المكتسب

بِعَاثِ الْمَكْسَبِ اللَّهُمَّ فَاطِمَةُ

کوفه وایله کبیران - بن برادر بقدیر

مَا أَطْلُبُ وَأَجْرِي بِغَيْرِكَ مِمَّا أَرَاكَ

الکرم بی طلبم - و نهاده مرا - بجزست خود از دیگر چیزم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَلِّ

و علی محمد و آلش

بِالْيَسَارِ وَلَا تَبْدِلْ جَاهِي بِالْإِمْتِلَاءِ

ببیت و یسار - و غایتی - منزلت مرا بدین در

فَأَسْتَرْزِقَ أَهْلَ رِزْقِكَ وَأَسْتَغِيظَ

بطلب از رزق من - از اهل رزق تو - و خواهم استغیظ

بِشَرِّ خَلْقِكَ وَأَمْسِنَ بِحِمْدِكَ مِنْ

از بدترین خلق تو - بن کوفه از شوم سپاه کربان

وَأَسْلِي بِذِمِّكَ مِنْ مَنِّعَةٍ وَأَنْتَ مَنِ

که خواهم بگذرانم از بیمت - بن کوفه از بیمت - و تو مانع

فَأَمْسِنَ

دو نیم

مكتسب

دُعَايِهِمْ وَلِي الْأَعْطَاءِ وَالْمَنْعِ اللَّهُمَّ

دوایان - بن برادر بقدیر - و منع نمودن

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقِي صِحَّةً

و رزق کن مرا صحت

فِي عِبَادَةٍ وَفِرَاقًا فِي زَهَادَةٍ وَعِلْمًا

در عبادت - و فراقی - که بترک دنیا - و علمی

فِي اسْتِعْمَالِهِ وَرَعَا فِي إِجْمَالِ اللَّهِ

باعتبار - در هر یک از امور - که بترک دنیا - و علمی

اخْتِمُ بِعَفْوِكَ أَجَلِي وَحَقَّقْ فِي رَجَائِي

بخت من بعتق تو - از اهل رزق تو - و حققت در رجای من

رَحْمَتِكَ أَمْلِي وَسَهِّلْ لِي الْبُلُوغَ

رحمت خود از روی در و سهل گردان - ببلوغ

سَبِيلِي وَحَسِّنْ لِي جَمِيعَ أَحْوَالِي عَمَلِي

و سهولت - بگذرانم از بیمت - بن کوفه از بیمت - و تو مانع

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَجَنَّبْ

لَذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْعِفْلَةِ وَأَتَمِّمْ

رِجَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمَهَلَةِ وَأَنْجِمْ

إِلَى مَجْسَدِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً أَتَمِّمْ

بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى

مَنْ خَلَقْتَ قَبْلَهُ وَأَنْتَ مُصِلٌ

أحد

أَحَدٍ بَعْدَهُ وَإِنَّا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ

وَقِنِّي بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى

اللَّهُمَّ يَا كَافِيَ الْفَرْدِ الضَّعِيفِ

وَوَائِي الْأَمِيرِ الْمَخُوفِ أَفْرِدْنِي الْخَطَا

فَلَا صَاحِبَ مَعِيَ وَضَعْتَ عَنِّي غَضَبَكَ

فَلَا مُؤَيِّدِي وَأَشْرَفْتَ عَلَى خَوْفِ لِقَائِكَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى

وَقِي الْآخِرَةَ حَسَنَةً

عَنْ

لَا تُسْكِنُ لِرَوْعَتِي وَمَنْ يُؤْمِنِي مِنْكَ وَشَا

پس نیست که از آنکه مرا بر او و کس که ایمان تواند کرد نیز از تو

أَخَفَّنِي وَمَنْ يُسَاعِدُنِي وَأَنْتَ أَفْرَدْتَنِي

تو مرا تنهایی را و کس که یاری تواند داد و اصل آنکه تو تنها را

وَمَنْ يُقَوِّبُنِي وَأَنْتَ أضعفْتَنِي لَا يُجِيرُنِي إِلَّا

و توست تواند داد و حال آنکه تو ضعیف ساختی مرا این و غیره تا در آخر

الْأَرْبَ عَلَى مَرْبُوبٍ وَلَا يُؤْمِنُ إِلَّا غَالِبٌ

که در درگاه پرورش یافته را و ایمان نمیشود داد و مگر غلبه کننده

عَلَى مُغْلُوبٍ وَلَا يُعِينُ إِلَّا الظَّالِمُ عَلَى مَظْلُومٍ

غلبه کرده شده را و یاری نمیشود داد و مگر ظالم کننده و ظلم کرده شده را

وَيَسِّرُكَ يَا إِلَهِي جَمِيعُ ذَلِكَ السَّبَبُ وَالنِّسَبُ

و آسان سازد تو ای خدای من همه این سبب و نسبت

الْقَرَوِ الْأَهْرَبُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجِرُ

فرار و گریز

هَرَبِي وَأَنْخِ مَطْلَبِي اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْ

گریز مرا و در دهان مطلب مرا خداوند بسیار گریز تو اگر

صَرَفْتَ عَنِّي وَجْهَكَ الْكَرِيمَ أَوْ مَنَعْتَنِي

گردانی از من روی تو یی خود را یا باز داری مرا

فَضْلَكَ الْجَسِيمَ أَوْ حَظَرْتَ عَلَيَّ رِزْقَكَ أَوْ

فضل حقیم خود را و منع کنی مرا رزق تو خود را

قَطَعْتَ عَنِّي سَبِيلَكَ لَمْ أَحِدِ السَّبِيلَ إِلَيْكَ

پس بری و سید از من که بوی تو را به من نرسانم راه بوی تو را

مِنْ أَمَلِي غَيْرَكَ وَلَمْ أَفِدِرْ عَلَى مَا عِنْدَكَ

از آرزوی خود غیر از تو و نگذاشتم بر آنچه نزد است

بِمَعُونَتِهِ سُؤَالَكَ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَفِي قَبْضِكَ

بیارای تو هست پس بدستی که نمیشود از او و در قبضه تو

نَاصِيَتِي بِبَدِّكَ لَا أَمْرِي مَعَ أَمْرِكَ مَا خِصَّ

نصیب من بدست تو نیست امری را با امر تو تا نفس من

سَبِيلَكَ

حُكْمَكَ عَدْلٌ فِي فَضَائِكَ وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَى خُرُوجِ

معلم تو عدالت در باب افضای تو و نیست قوه مرا بر بردن رفتی

مِنْ سُلْطَانِكَ وَلَا اسْتَطِيعُ مَجَاوَزَةَ قُدْرَتِكَ

از سلطان تو و ندارم برآی تجاوز کردن از قدرت تو

وَلَا اسْتَمِيلُ هَوَاكَ وَلَا أَبْلُغُ رِضَاكَ وَلَا آفَالَ

و نمی توانم میرسانم بهجت تو را بوی خودم و نمی رسد به رغبت تو و درین بار

مَا عِنْدَكَ إِلَّا بَطَاعَتُكَ وَبِفَضْلِكَ نَالُ الْجَنَّةِ

آنچه نزد است که بطاعت تو و بفضلت تو از حدی

أَصْحَابُكَ وَأَمْسَيْتَ عَبْدًا لِرِجَالِكَ لَا أَمَلُكَ

با صاحب تو و شام شدم وصال که بنده خواهم به پادشاه تو که هیچ

لِغَفْوَتِي تَغْفَا وَلَا خُزَا الْإِلَهِكَ أَشْهَدُ بِذَلِكَ عَلَى نَفْسِي

برای خودم غفای تو غفرا و خدای تو را گواهی میدهم بن غفلت من خود

وَأَعْرِفُ بِضَعْفِ قُوَّتِي وَفِلْهِ خِيَاكُنِي فَأَجْزِلُ

و می دانم بضعف نسبت تو من و کم می چاره دارم پس ناگوار

سَوَاكَ كُنْ

مادعای

مَا وَعَدْتَنِي وَتَمِّمْ لِي مَا أَيْسَرْتَنِي فَلَا يَنْبَغُ

آنچه وعده کرده مرا و تمام کن بر آسانی آنچه آسان کردی من پس بجز

عَبْدُكَ الْمَسْكِينُ الْمُسْكِينُ الضَّعِيفُ

بنده مسکین و فروغی کننده است

الضَّرِيرُ الْخَفِيرُ الْمُهَيَّبُ الْفَقِيرُ الْخَائِفُ

بمصل خواره به هیبت فقیر ترسناک

السُّجَّيرُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا

آن خوارانم

تَجْعَلَنِي نَاسِيًا لِدُكْرِكَ فِيمَا أَوْلَيْتَنِي وَلَا

دگر دان مرا فراموش کننده مرا در آنچه اولاد تو در آنچه عطا کردی من و

غَافِلًا لِإِحْسَانِكَ فِيمَا أَوْلَيْتَنِي وَلَا آيَا

غفلت از نهدن تو مرا در آنچه انعام دادی من و نشانه تو

مِنْ إِجَابَتِكَ لِي وَإِنْ أَبْنَأْتُ عَيْتِي فِي

از اجابت تو مرا و اگر چه در گستره اجابت تو

الذَّلِيلُ

أَبْلَيْتَنِي

نوعی بودیم یادداشتی یادداشتی یادداشتی

یا در حقیقت یا در عین

ارادت یا در غنی حینت یا در فقر یا در توانگری

100

ستون ازین

لیکے خوشحال قوم دیکھو کہ وہ کس قدر خوش حال ہیں

وہی تو ہے جو کہ

11

دل ۱۱۱ بر منبر نصیر خود بکشد در در بدن مرا در آن

معی خیزی اندازد از مرغ و مشغول سازد بخدمت خود نفس

ازینکه در این روز پنجشنبه در این روز

عن ابن خلدون: وناخوشند به بجزی را

(Faint handwritten notes)

وہی ہے جس نے اسے

[Faint handwritten notes at the bottom of the page]

وَلَا تَقْرَأُ الْكِتَابَ طَرَفًا مِّنْهُ
وَلَا تَقْرَأُ الْكِتَابَ طَرَفًا مِّنْهُ

مفضل

مَحْمَدٍ وَالِدٍ وَاجْعَلْ لَهُمْ قُرْبًا وَاجْعَلْ لَهُمْ

و بگو آن را برای آید و بگو آن

نَصِيرًا وَامْنًا عَلَى شَوْقِ إِلَيْكَ وَبِالْعِلَّاكَ

نیازمند و امان کن بر شوق بوی تو و بعلت آن

يُحِبُّ وَرَضَا نَكَ عَلَى شَيْءٍ

با محبت و راضی است به هر چیزی

وَذَلِكَ عَلَيْكَ وَكَانَ مِنْ عَالِيَةِ سِيرِ

و آن بر تو و بود از حدی او بر او و بود

عِنْدَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ وَتَعَسَّرَ الْأَمْرُ

بوقت سختی و دشواری کار

اللَّهُمَّ أَنْتَ كَلَفْتَنِي مِنْ نَفْسِي مَا أَنْتَ تَمْلِكُ

خدایا چه هست که تو توانی از نفس من آنچه که تو توانی

مِنْهُ وَقَدْ دَنَيْتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى أَغْلَبَ مِنْ قُدْرَتِي

از من و قدر تو بر من و بر من غالب است از قدرت من

نظیر آن

الجهد

انتهی بخشین

فَاغْنِيْ مِنْ نَفْسِي مَا يُرْضِيكَ عَنِّي وَخُذْ

پس غنی کن مرا از نفس من آنچه خوشتر است به تو از من و بگیر

لِنَفْسِكَ رِضًا مَا مِنْ نَفْسِي فِي عَافِيَةٍ

برای نفس خود رضای را از نفس من در سلامت و خوشی

لَا طَاقَةَ لِي بِالْجُحْدِ وَلَا صَبْرًا عَلَى الْبَلَاءِ

نیست قوت برای سختی و نیست صبر بر آزار

وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَى الْفَقْرِ وَلَا تَخْطِرْ عَلَى رِزْقِي

و نیست قوت مرا بر فقر و پس نترس از رزق من

وَلَا تُكَلِّبْنِي إِلَى خَلْقِكَ بَلْ تَقَرِّبْنِي إِلَيْهَا

و مقرر نکن مرا به خلق خود بلکه به نزدیکی او

وَوَلِّ كَهَابِي وَانْظُرْ إِلَيَّ فِي جَمِيعِ أُمُورِي

و مقرر کن مرا و نگاه کن مرا در همه امور من

فَإِنَّكَ إِذَا وَكَلْتَنِي إِلَى نَفْسِي عَجَزْتُ عَنْهَا

پس چون مرا به خود کنی مرا بوی نفس من ناتوانم از آن

و انظر الي اس

وَلَمْ أَقْمِمْ مَا فِيهِ مَصْلَحَتُهُمْ وَإِنْ وَكَلْتَنِي إِلَهُ

و بهای منی تو ام داشت آنچه را که در او صلاح است و اگر خواستی مرا

خَلَقْتَ بَحْثَهُمْ مَوْنِي وَإِنْ الْجَائِيَتِي إِلَى الْقُرْآنِ

ای منی خلق نمود و اگر خواستی مرا برهنه نمودی

حَرَمُونِي وَإِنْ أَعْطُوا أَعْطُوا لِي لَكَ كَمَا

محرمان من را و اگر عطا کنند از آنکه از آنکه الله

مَنْ أَعْلَى طَوْلِي لَأَوْذَمُ أَكْبَرُ أَفِيضُ ضَيْكَ

منست که بلند تر از من است و بزرگتر از من است

فَأَغْنِي وَبِعَظْمِكَ فَأَنْفُسِي وَبِعَبْرِكَ

پس غنی از تو باشم و به استخوان تو باشم و به پل تو باشم

فَأَبْطِئِي وَيَمَّا عِنْدَكَ فَأَكْفِي اللَّهُمَّ

پس کند تر باشم و آنجا که هستی ای خداوند

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخَلِصْهُ مِنَ الْجَدِّ

صلوات بر محمد و آل او و خلاصش کن از جد

بِعَظْمِكَ

الْحَابِ

وَأَحْصِي عَنِ الذَّنْبِ وَوَرَعِي

و بشمارم از گناه و ورع من

الْمُجَارِمِ وَلَا تَجْرُئْنِي عَلَى الْمَعَاجِزِ

مجرمان و مرا بر سر معجزات

هَوَايَ عِنْدَكَ وَرِضَايَ فِيمَا لِي

هوس من نزد تو و رضای من در آنچه

عَلَيَّ مِنْكَ وَبَارِكْ لِي فِيمَا رَزَقْتَنِي

بر من از تو و بخت ده مرا در آنچه روزی مرا

فِيمَا خَوَّلْتَنِي وَفِيمَا أَعْمَتَ بِي عَلَى وَكَلْتَنِي

در آنچه پنهان نمودی مرا و در آنچه پنهان نمودی مرا

فَحَالًا لِي مَحْفُوظًا مَكْلُوفًا مَسْتُورًا

پس حال من محفوظ و مملوک و مستور

مُؤَادًا لِمُجَارَاتِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

مساعدت برای مجاریت خداوند عز و جل

عَلَى

فِيمَا

عَلَى

وَاقْضَ عَنِّي كُلَّ مَالٍ الرِّمْدِيَّةِ وَفَرَضْتَهُ

و بجا ندهم من همه آنچه لازم گردیده از من و فرموده

عَلَى لَكَ فِي وَجْهِهِ مِنْ وَجْهِهِ طَاعَتِكَ

از او بجا ندهم از وجهی از جهت طاعت خود

لِخَلْقٍ مِنْ خَلْقِكَ إِنْ ضَعُفَ عَنِ لَكَ

و برای خلقی از خلق تو در کوه ضعیف باشد

بَلَدِي وَ هُنْتُ عَنْهُ قَوِيٌّ وَ كَمَثَلُهُ

بمن من و من در آن قوت من و در حدی

وَ كَمَثَلُهُ مَا لِي وَلَا ذَاتِي يَذْكُرُهُ

و کما مثل من باشد از اهل من و در حدی

أَوْ تَسِيْدُهُ هُوَ يَا رَبِّ مِمَّا تَدْلَحِيصُهُ

و در حدی او را ای پروردگار من از آنچه که تخیل من از او

عَلَى وَاعْفُ عَنِّي أَنَا مِنْ نَفْسِي فَأَرْوِي عَنِّي

بر من و عفو کن از من از خود من پس بیاورد از من

مِنْ جَزِيلٍ عَطِيَّتِكَ وَ كَثِيرٍ مَا عِنْدَكَ فَكَ

از بزرگی عطا کنی خود و آنچه نزد تو که بزرگ است پس بزرگی

وَاسِعٌ كَرَمٌ حَتَّى لَا يَفْقِيَ عَلَى شَيْءٍ مِنْهُ

و وسیع گریه من تا بهیچ چیز از او نماند

تُرِيدُ أَنْ تَقَاصِي بِهِ مِنْ حَسَنَاتِي أَتَمَّا

که خواهی تقدیر کنی از من از حسنات من

مِنْ سَيِّئَاتِي يَوْمَ الْقَالِ يَا رَبِّ اللَّهُمَّ

از بدی من روزی که حساب کنی ای پروردگار من

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنِي الرَّعْبَةَ

در روزی که در رزق من بر علی و آل او

لَا خَيْرَ فِي حَتَّى أَعْرِفَ صِدْقَ ذَلِكَ مِنْ

و در حدی آنوقت پس بگویند صدق این سخن را در

قَلْبِي وَ حَتَّى يَكُونَ الْغَالِبُ عَلَى الزُّهْدِ

در من و تا بهیچ چیز غلبه من بر زهد

حجاء کف

فِي دُنْيَايَ وَحَتَّى أَعْمَلَ الْحَسَنَاتِ وَشَقًّا

در دنیا من و تا آنکه کنم حسنات را از روی خوف

وَأَمِنْ مِزَ السَّيِّئَاتِ فَرَقًا وَخَوْفًا وَهَيْلًا

از این بستم از سیئات از روی خوف و بختن را

نُورًا أَسْتَيْدِيهِ فِي النَّاسِ وَأَهْدِي بِهِ

نوری که مرا در مردم بان در میان آورد و راه بهم ببرد

الظُّلُمَاتِ وَأَسْتَصِي بِهٍ مِنَ الشُّكُوفِ

در تاریکی و در روشنایی بهم ببرد از تاریکی

السُّبُهَاتِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

و سبحات

خَوْفَ غَمِّ الْوَعِيدِ وَشَوْقِ ثَوَابِ الْمُؤْمِنِ

ترس از غم وعده و شوق ثواب مؤمنان

حَتَّى أَجِدَ لَدُنْهُ مَا أَذْعَوْكَ لَهُ وَكَابَتَهُ مَا

تا آنکه در نزد او آنچه را که تو را آذیند و بکشد و آنچه را که

بیه

أَسْتَجِيرُكَ مِنْهُ اللَّهُمَّ قَدْ تَعْلَمُ مَا نَحْنُ فِيهِ

پناه میجویم به تو از آن خدایم که میدانی ما در چیست

مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي فَكُنْ مُجَوِّدًا

از امر دنیا من و آخرت من و تو را ستایان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي

خدایم صلوات بر محمد و آل محمد و روزی مرا

عِنْدَ تَقْصِيرِي فِي الشُّكْرِ لَكَ يَا مُلْكُ

نزد آنکه در کوتاهی من در شکر تو ای پادشاه

عَلَيَّ فِي الْيُسْرِ وَالْعُسْرِ وَالصَّحَّةِ وَالسَّهْلِ

بر من در آسانی و سختی و در سلامتی و آسانی

حَتَّى تَعْرِفَ مِنْ نَفْسِي رُوحَ الرِّضَا

تا آنکه بدانی از من روح رضا

طَمَئِنَةِ النَّفْسِ مِنْ بِلَاغِكَ يَا مُلْكُ

و آرامش نفس من از تو ای پادشاه

لی

فِي حَالِ الْخَوْفِ وَالْأَمْنِ وَالرِّضَا

وَالْخَوْفُ وَهُوَ خَوْفُ اللَّهِ وَخَوْفُ النَّاسِ وَخَوْفُ الْمَوْتِ وَخَوْفُ النَّارِ

وَالْقَرَّةُ وَالتَّنْفِيعُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ

وَصَلِّ عَلَى مَنْ فِي رَحْمَتِكَ

ارزوقي سلامة الصدر من الحسد

وهرقك من سكر سبب از رشك

حَقًّا أَحَدًا أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ عَلَى

ما ركبتم لسموا از غفان برهمن

مِنْ فَضْلِكَ وَحَتَّى لَا أَرَى غَمًّا

از غم و غم از غم از غم از غم

عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا

یا کسی از خلق تو در دین یا دنیا

أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ تَقْوَى أَوْ سَعَةٍ أَوْ رَحَاءٍ

یا عافیت یا تقوی یا سعادت یا رحمت

اللَّهُ

الْأَرْحَمَ أَنْفُسًا أَفْضَلَ ذَلِكَ بِكَ

یا ارحم الراحمین یا ارحم الراحمین یا ارحم الراحمین

وَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ اللَّهُمَّ

یا ارحم الراحمین یا ارحم الراحمین یا ارحم الراحمین

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنِي التَّحْفَةَ

در روزی که را می خواهی

مِنْ الْخَطَايَا وَالْأَجْرَ اسْمِ الزَّلَّيْ

از خطایا و اجری اسمی از زلای

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي حَالِ الرِّضَا

دنیایا و آخرت در حال رضایت

أَكُونُ بِمَا يَرُدُّ عَلَى مِنْهُمَا بِمِثْلِهِ

تا به چه باشد آنچه درویند بر من از این از آن را به

عَامِلًا لِيُطَاعَتِكَ مُؤْتِرًا لِرِضَاكَ

عاملی برای اطاعتت مؤثری برای رضایتت

اللَّهُ

مَا سِوَاهُمَا فِي الْأَوَّلِيَّاتِ وَالْآخِرَاتِ

انچه ما وای قافله طهارت در حق و حق در شان و در شان

يَا مَنْ عَلَّمَكَ مَنْ ظَلَمَ وَجُورِي وَيَا مَنْ

دشمن من از غم من از غم من از غم من از غم من

وَلَيْسَ مِنْ مِيلٍ وَلَنْخَطَّ طَهْوَايَ وَنَا

و است از منبر من به باقی امان غرض من از منبر من

مَنْ يَدْعُوكَ فِي الرَّخَاءِ دَعَاءَ الْمُحْلِسِينَ

از منبری که بخواهد ترا بدو بر افندی در حال ایستادن و در حال ایستادن

لِلصُّطْرِ نَزَلَكَ فِي الدُّعَاءِ أَنْتَ حَمِيدٌ

انچه در روز روز در حالت ایستادن و در حالت ایستادن

وَكَانَ دُعَاؤُهُ عَلَيْهِ إِذَا سَأَلَ اللَّهَ

و است از منبر من به باقی امان غرض من از منبر من

الْعَافِيَةُ اللَّهُمَّ صَلِّ وَشَكَرْهَا

و است از منبر من به باقی امان غرض من از منبر من

بسم الله الرحمن الرحيم

مُخْلِصًا

الْبَلَاءِ

الحمد لله رب العالمين

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَالْبَيْتِ عَافِيَتِكَ وَجَلَّتْ

بر تو ای امان در بر من مرا عافیت تو در امان

عَافِيَتِكَ وَحَصْنِ عَافِيَتِكَ وَأَكْرَمِي عَافِيَتِكَ

عافیت تو و قلعه امان مرا عافیت تو و امان مرا عافیت تو

وَاعْنِي عَافِيَتِكَ وَتَصَدَّقِي عَافِيَتِكَ

و ای منبر من و ای امان مرا عافیت تو و امان مرا عافیت تو

وَهَبْ لِي عَافِيَتِكَ وَأَفْرِشِي عَافِيَتِكَ وَ

بخش مرا عافیت تو و بستر مرا عافیت تو و بستر مرا عافیت تو

اصْلَحِي عَافِيَتِكَ وَتَفَرَّقِي بَيْنِي وَبَيْنَ

و اصلاح مرا عافیت تو و جدا کن میان من و میان من

عَافِيَتِكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ

عافیت تو در دنیا و آخرت و است از منبر من به باقی امان غرض من از منبر من

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَافِي عَافِيَةٍ كَافِيَةٍ

و است از منبر من به باقی امان غرض من از منبر من

اصْلَحِي

عَالِيَةً نَامِيَةً عَافِيَةً تَوَلَّدَ فِي بَدَنِي

بمذوقه من ذوق الله عافيه

الْعَافِيَةَ عَافِيَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَآلِهَاتِهَا

وآلها

عَلَى بِالصَّحَّةِ وَالْأَمْرِ وَالسَّلَامَةِ فِي بَدَنِي

بمنه

وَبَدَنِي وَالْبَصِيرَةِ فِي قَلْبِي وَالنَّفَادِ

والبصيرة

أُمُورِي وَالْحَسْبِ لَكَ وَالْخَوْفِ لَكَ

والخوف

وَالْقُوَّةَ عَلَى مَا أَمَرَنِي بِهِ مِنْ طَائِفَاتِ

الطوائف

الْأَجْنَابِ لِأَنْصِتَ عَنْهُ مِنْ كَلَامِ

الاجنباء

اللهم

اللهم صل على محمد وآل محمد

اللَّهُمَّ وَأَمِّنْ عَلَى بَالِحِ وَالْعُمْرَةِ وَزِيَارَةِ

الزيارة

قَبْرِ رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ وَرَحْمَتُكَ وَ

عليه

بَرَكَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَآلِ رَسُولِكَ

عليهم

السَّلَامُ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَ فِي عَالَمِي هَذَا

السلام

كُلَّ عِلْمٍ وَأَجْعَلْ ذَلِكَ مَقْبُولًا مَشْكُورًا

المشكور

مَذْكُورًا لَدَيْكَ مَدْخُورًا عِنْدَكَ

المذكور

وَشَكَرَكَ وَذَكَرَكَ وَحَسَنَ

الحسن

اللهم

عليه

الشَّاءَ عَلَيْكَ لِسَانِي وَاشْرَحْ لِي

بِرَأْيِ زَبَانِهَا وَتَفَاهُوتِهَا

دِينِكَ قَلْبِي وَأَعِزَّنِي وَذَرِّبْنِي

بِأَمْرِ تَقْوَاهَا وَتَفَاهُوتِهَا وَتَفَاهُوتِهَا

الرَّحِيمِ وَمِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَالْهَامَةِ وَ

رَأْسِهَا وَتَفَاهُوتِهَا وَتَفَاهُوتِهَا

الْعَامَةِ وَاللَّامَةِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ

مُرِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ عَيْنِدِ

مُرِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ عَيْنِدِ

مُرِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ عَيْنِدِ

مُرِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ عَيْنِدِ

مُرِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ عَيْنِدِ

مُرِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ عَيْنِدِ

مُرِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ عَيْنِدِ

مُرِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ عَيْنِدِ

مُرِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ عَيْنِدِ

مُرِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ عَيْنِدِ

حَقَّقْ

وَمِنْ شَرِّ كُلِّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ وَمِنْ شَرِّ

كُلِّ قَرِيبٍ وَبَعِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ مَنْ

لِرَسُولِكَ وَلَا أَهْلَ بَيْتِهِ حَرَامٍ

لِحُجَّتِهِ وَلَا لِحُجَّتِهِ وَلَا لِحُجَّتِهِ

لِحُجَّتِهِ وَلَا لِحُجَّتِهِ وَلَا لِحُجَّتِهِ

لِحُجَّتِهِ وَلَا لِحُجَّتِهِ وَلَا لِحُجَّتِهِ

لِحُجَّتِهِ وَلَا لِحُجَّتِهِ وَلَا لِحُجَّتِهِ

لِحُجَّتِهِ وَلَا لِحُجَّتِهِ وَلَا لِحُجَّتِهِ

لِحُجَّتِهِ وَلَا لِحُجَّتِهِ وَلَا لِحُجَّتِهِ

لِحُجَّتِهِ وَلَا لِحُجَّتِهِ وَلَا لِحُجَّتِهِ

لِحُجَّتِهِ وَلَا لِحُجَّتِهِ وَلَا لِحُجَّتِهِ

لِحُجَّتِهِ وَلَا لِحُجَّتِهِ وَلَا لِحُجَّتِهِ

لِحُجَّتِهِ وَلَا لِحُجَّتِهِ وَلَا لِحُجَّتِهِ

لِحُجَّتِهِ وَلَا لِحُجَّتِهِ وَلَا لِحُجَّتِهِ

لِحُجَّتِهِ وَلَا لِحُجَّتِهِ وَلَا لِحُجَّتِهِ

لِحُجَّتِهِ وَلَا لِحُجَّتِهِ وَلَا لِحُجَّتِهِ

لِحُجَّتِهِ وَلَا لِحُجَّتِهِ وَلَا لِحُجَّتِهِ

لِحُجَّتِهِ وَلَا لِحُجَّتِهِ وَلَا لِحُجَّتِهِ

لِحُجَّتِهِ وَلَا لِحُجَّتِهِ وَلَا لِحُجَّتِهِ

وَأَذْنُ

فَاُصْرِعْ عَنِّي وَادْحَرْ عَنِّي مَكْرَهُ

وَأَذْنُ

وَأَذْنُ

عَنْ شَرِّهِ وَرُدِّكِيهِ فِي خَيْرِهِ وَلَا تَكُنْ

از شر او و بازگردان او را در کار او و در روز

پایین بدید سداحق یعنی عیصره

چون او سستی تا که در روزی از روز جمعه او را

وَصِمَّ عَنْ ذِكْرِ هِي سَمْعُهُ وَتَقَعُ

و گزیند از شنیدن کلام او و تفتند

دُونَ إِحْطَارِ قَلْبِهِ وَخَرَسَ عَنِ

زود و بفرمان او در هر روز و گفتند

لِسَانَهُ وَتَقَعُ رَأْسُهُ وَتَذَلُّ عِزُّهُ وَ

زبان او را در بوی سر او و خوار گشت عزت او

تَكْرَجُ جَبْرُوتُهُ وَتَذَلُّ رَقَبَتُهُ وَتَفْشَحُ

درم کشد بجز او را و نرم کند گردن او را و بپوشد

وَلَوْ مَنِّي مِنْ جَمِيعِ خَرُّهِ وَشَرِّهِ وَغَمِّهِ

و اگر منم از همه خوار گشتن او و بدی او و غم او

تضع

وَقَهْرِهِ وَكَمَرِهِ وَحَسَدِهِ وَعَلَاوَتِهِ وَحَالِهِ

و قهر او و کمزاری او و حسد او و غمزه او و درگاه او

وَمَصَانِدِهِ وَرَجْلِهِ وَخَيْلِهِ أَنْكَرُ غَيْرِهِ

و مصلحت او و پادشاه او و سپاه او بدید که تو را

وَكُنْ مِنْ قَدِيرٍ دَعَايِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

و باش از قدر دعا او را علیه السلام

اللَّهُمَّ لَا تُبَوِّسْ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ مِيلًا

ای خداوند که بر او نبوی سلام مایل

مُحَمَّدٌ وَآلُهُ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَاهْلُ بَيْتِكَ

محمد و آل او را بنده تو و رسول تو و اهل خانه تو

الظَّاهِرِينَ وَاحْصِصْهُمْ بِأَفْضَلِ مَا

ظاهرین را و اختصاص ده به بهترین چیزی

وَرَحْمَتِكَ وَبِرَّكَائِكَ وَسَلَامِكَ

و رحمت تو و برکت تو و سلام تو

تضع

وَاخْصُصْ اللَّهُمَّ وَالِدِي بِالْكَرَامَةِ

والمعنى خاص به و در این دعا هر روز را بخوان

لَدَيْكَ وَالصَّلَاةُ مِنْكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

نزد و در وقت نماز هر روز بخوان و در هر روز

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَالْهَمِّيْ عِلْمَ مَا

در هر روز و در هر روز

لَهُمَا عَلَى الْإِمَامِ واجْعَلْ لِي عِلْمَ ذَلِكَ

برای من و در هر روز و در هر روز

كُلِّهِ تَمَامًا ثُمَّ اسْعِلْهُ بِمَا تَلْصِقُ مِنْهُ

تمام پس بخوان و در هر روز و در هر روز

وَوَفِّقْهُ لِلتَّفْوِذِ فَيَا بَصِيرِيْ مَنْ عَمَّا

و در هر روز و در هر روز و در هر روز

حَقِّ الْيَقُوْنِ اسْتَعْمَلْ شَيْئًا مِنْهُ

و در هر روز و در هر روز و در هر روز

و در هر روز و در هر روز و در هر روز

الخوف

وَلَا تُفْلَ أَرْكَانِيْ عَنِ الْخُفُوفِ فِيمَا تَنْفَعُ

و در این دعا هر روز را بخوان و در هر روز

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا شَرَفْنَا

بجای آنکه شرف داده

بِهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا أَوْجَبْتَ

بجای آنکه واجب

لَنَا أَنْ نَحْوَى عَلَى الْخَلْقِ بِسَبَبِ اللَّهِ أُمَّ

بجای آنکه حق بر خلق بسبب خداوند برود

أَهْلِيْهِمَا هَيْبَةُ السَّاطِرِ الْعُفُوفِ

بجای آنکه بجزم نهی از برون است

وَأَبْرَهُمَا بَرَّالْأُمِّ الرَّؤُوفِ وَاجْعَلْ

و بجای آنکه برتر از مادر مهربان و در هر روز

طَاعَتِيْ لَوْ الْإِدْيِ وَيَبْرِيْ هَيْمَا أَقَرَّ

طاعت را برای پدر و در هر روز و در هر روز

و در هر روز و در هر روز و در هر روز

لَعَبَقٍ مِنْ رَقَدَةِ الْوَسَّانِ وَأَنْجِلْ لِي صَدْرِي
 تهم را از خواب و سنان و درم و دهن و سر و سینه را
 مِنْ شَرِّ بَيْتِ الظُّلَمَانِ حَتَّى أُوْتِرَ عَلَى هَوَايَ هَؤُلَاءِ
 از شر بیدار شدن و به سینه برآوردن برآوردن خود و دهن
 وَأَقْدِمْ عَلَيَّ رِضَايَ رِضَاهُمَا وَأَسْتَكَرْهُمَا
 و قدم سز بر روی خود و روضه ای بسیار و بسیار و بسیار
 بِي وَإِنْ قَلَّ وَأَسْتَفِلْ بِرَقِي بِهِمَا وَإِنْ كَثُرَ
 بجز و اگر کم باشد و کم و اگر زیاد باشد و اگر بسیار باشد
 اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا صَوْنِي وَأَطِيبْ لَهُمَا كَلَامِي
 بر خداوند و بر زبان ایشان و در دهن و دهن و دهن
 وَالزَّهْمَا عَرِّبْنِي وَأَعْطِفْ عَلَيَّ مَا قَلْبِي وَصَبْرِي
 و زهم کن بر زبان خود را و صبر کن بر زبان خود را و صبر کن
 بِهِمَا رَفِيقًا وَعَلَيْهِمَا سَفِيقًا اللَّهُمَّ اشْكُرْ
 به ایشان و بر ایشان و بر ایشان و بر ایشان و بر ایشان

لَهُمَا نَزِيَّتِي وَأَنْتَهُمَا عَلَى نَكْرَمَتِي وَلِحَفَظَتَهُمَا
 برای آنها و در تربیت من و خواب و بلای را بر من و دهن و دهن و دهن
 مَا حَفِظَاهُ مِنِّي فِي حِجْرِي اللَّهُمَّ وَمَا مَسَّهُمَا
 آنچه نگاه داشتی از من در دهن و دهن و دهن و دهن و دهن
 مِنِّي مِنْ أَذَى أَوْ خَلَصَ إِلَيَّ مَا عَنِّي مِنْ مَكْرُوهٍ
 از من از آزار دهن و از سینه به سینه و از سینه به سینه
 أَوْ ضَاعَ قَبْلِي لَهُمَا مِنْ حَقٍّ فَلْجَعَلْ حِطَّةً
 یا ضایع شد و از من برایشان و از حق پس برآوردن از سینه
 لِدُنُوِّهِمَا وَعُلُوِّ آفِي دَرَجَاتِهِمَا وَزِيَادَةِ
 نزدیکی ایشان و علو و برتری و در درجات ایشان و زیاده و
 حَسَنَاتِهِمَا يَا مُبْدِلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا
 حسنات ایشان و بدست دهن و بدست دهن و بدست دهن و بدست دهن
 مِنَ الْحَسَنَاتِ اللَّهُمَّ وَمَا تَعَدَّى عَلَيَّ فِيهِ مِنْ
 از حسنات و از حسنات و از حسنات و از حسنات و از حسنات

کربن

قَوْلِ اَوْ اَسْرَفَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ فِعْلٍ اَوْ ضِعَا هُ لِي
از گفتن من تا آن حد که من در آن بجز آن که در آن بودم
مِنْ حَقِّ اَوْ قَصَرَ اَنِي عَنْهُ مِنْ وَاجِبٍ فَقَدْ هَسْتَهُ
از حق من که من از آن بجز آن که در آن بودم
لَهُمَا وَجَدْتُ بِهِ عَلَيْهِمَا وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فِي
بر این دو من در آن با آن بر این دو رغبت کردم به تو
وَضَعْتُ بَعِيْتهُ عَنْهُمَا فَإِنِّي لَا اَتَمُّهُمَا عَلَيَّ نَفْسِي
انداختن و بآن که از آن بجز آن که در آن بودم
وَلَا اَسْتَبِيْطُهُمَا فِي بَرِيٍّ وَلَا اَكْرَهُ مَا تَوَلَّيْتَهُ
و در آن که من نمی توانم آن را در آن بجز آن که در آن بودم
مِنْ اَعْرَبِيٍّ يَا رَبِّ فَهُمَا اَوْجِبُ حَقَّ عَلَيَّ وَاقْدُ
از آن که در آن بجز آن که در آن بودم
اِحْسَانًا اِلَيَّ وَاَعْظَمُ مَنَّةً لَدَيْكَ مِنْ اَنْ
از آن که در آن بجز آن که در آن بودم

انفهمها

اَفَاَتَمُّهُمَا بَعْدًا وَاَلْجَازِيْمَا عَلَى امْتِلَانِ
از آن که در آن بجز آن که در آن بودم
اِذَا يَا اِلٰهِي طَوَّلْتُ شُغْلَهُمَا بِتَرْبِيَّتِي وَتَنْ
از این دو که من از آن بجز آن که در آن بودم
شَدَّةِ تَعْمِيْمِي فِي حِرَاسَتِي وَكَيْنَ اَمْتَارُ
شدت تعمیم من در حراست من و کین امتار
عَلَيَّ اَنْفُسُهُمَا لِلسَّوْسَعَةِ عَلَاصِيْهَا مَا
بر این دو بر نفس من برای سوسعه و بر این دو بر این دو
يَسُوْمِيَانِ مَعِي حَقَّهُمَا وَلَا اَدْرِكُ مَا لَمْ
یستندند در من حق آنها را و نمی توانم در آن که در آن بودم
عَلَيَّ لَهُمَا وَلَا اَنَا بِقَاضٍ وَطَيْفَةٍ
بر این دو برای این دو منستم برای این دو شرط منستم
فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَعُوْا بِاَخِيْرٍ مِنْ
و در آن که در آن بجز آن که در آن بودم

يُرَوْفَقَنِي يَا أَهْدَى مَنْ رَغِبَ إِلَيْهِ
در روزی که مرا ای راه نایب و زیاده که رفت از هر چه

وَلَا يَجْعَلْ فِي أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلْأَبَاءِ وَ

الْأُمَّهَاتِ يَوْمَ يَجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ
و در روزی که جزا داده شود و هر نفس را بر آنچه

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَآلِهِ
خدایا درود بفرست بر محمد و آل او و ذریه و آل او

أَبُو بَكْرٍ بِأَفْضَلِ مَا خَصَّصْتَ بِهِ الْإِبْرَاهِيمِيَّادَ
ابو بکر را به بهترین آنچه مخصوص ساخته ای بر ابراهیمی را

الْمُؤْمِنِينَ وَأُمَّهَاتِهِمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
ای مهربانان را و مادران ایشان را خدایا ای مهربانترین مهربانان

لَا تُنْسِ ذِكْرَهَا فِي آدِبَارِ صَلَوَاتِي
فراموش مکن یاد او را در مقادیر نمازهای من

وَمُحَمَّدٍ
و محمد را

وَفِي بَاطِنِ أَنَا لَيْلِي وَفِي سَاعَةِ تَبَيُّنِ
و در خفا من آن شب من و در ساعته که روشن شود

نَمَارِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاعْفُ
نماز کن خدایا درود بفرست بر محمد و آل او و عفو کن

بِدُعَائِي لَهُمَا وَاعْفُ لهما بِرَّهِمَا بِي
بدرخواست من برای آنها و عفو کن از آنها بپنداری من

حَتَّى وَأَرْضَ عَمَّا بَشْتَعَا عَمَّا مَارَ مَا
تا آنکه زمین را از آنچه بپشتند از آنچه میگذشت

وَيُلْغِيَهُمَا بِالْكَرَامَةِ مَوَاطِنَ السَّلَامَةِ
و بپوشد آنها با کرامت مواضعی که صلوات است

وَأَنْ سَبَقَتْ غَفْرُكَ لهما فَسَفَعَهُمَا
و آنکه پیشتر عفو تو بر آنها باشد پس دفع کن از آنها

فَسَوْءَ أَنْ سَبَقَتْ غَفْرُكَ لهما فَسَفَعَهُمَا
پس بد آنکه پیشتر عفو تو بر آنها باشد پس دفع کن از آنها

و اگر پیشتر عفو تو بر آنها باشد پس دفع کن از آنها

حَتَّىٰ يَجْمَعَ بَرَأْفِكَ فِي ذَارِكَرَامَتِكَ

جمع نوبت است و در هر بار است و الفضل

وَحَلِّ مَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ لَيْكَ ذُو

و حلال کردن است و در حق تو است و رحمت تو

الْعَظِيمِ وَالْمَنِّ الْقَدِيمِ وَكَتْلُ حَمِّ الرَّ

عظیم و لغت قدیم و کشتن بدمت

وَكُلَّ حَمْدٍ عَائِدَةٍ عَلَيْكَ لَوْلَا عِلْمُ

السَّلَامُ اللَّهُمَّ وَمَنْ عَلَىٰ مِثَالِ

نماز و دعا و عبادت

يَقْتَضِي وَلَدِي وَيَا صَاحِبِ حَمْدِي وَيَا مَنَّا

و یا صاحب حمد و یا مونس

بِهِمُ الْهَيَّ امْدُدِّي فِي أَعْمَارِهِمْ وَرَدِّ

و ایستادگی کن در طول عمر ایشان و در بر آوردن

فی

فِي أَلْبَابِهِمْ وَرَبِّهِ صَغِيرِهِمْ وَفِي

در باب ایشان و در سر ایشان و در حق ایشان

وَأَصْحَابِ بَدَانِهِمْ وَأَدْيَانِهِمْ وَأَخْلَاقِهِمْ

و صاحبان بدن ایشان و ادیان ایشان و اخلاق ایشان

وَعَافِيَتِهِمْ فِي أَنْفُسِهِمْ وَفِي جَوَارِحِهِمْ وَفِي

و عافیت ایشان در نفس ایشان و در جوارح ایشان و در روح ایشان

مَا عَنِتُّ مِنْ أَمْرِهِمْ وَأَذْرَ لِي وَعَلَىٰ

آنچه در راه ایشان رنج بردم و آذر دادم و بر ایشان

يَدِي أَرْسَلْتُمْ وَأَجْعَلُهُمْ أَبْرَارًا إِلَيْكُمْ

دست مرا بفرستید و بگردانید ایشان را به سوی خود

بَصَرًا سَامِعِينَ طَائِعِينَ لَكَ وَكَوَلَا

و بفرستید ایشان را به سوی خود و بگردانید ایشان را به سوی خود

مُحِبِّزِينَ مَنَاصِحِينَ وَكُجِّعَ أَعْدَاؤُكَ مَعَا

و دوستداران ایشان را به سوی خود و دشمنان ایشان را به سوی خود

وَبَعْضِينَ أَمِينٍ اللَّهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ
وَلَمْ يَكُنْ مِنْهُمْ أَحَدٌ يَدْعُوهُ
وَأَقِمْ بِهِمْ أَوْدِيَةً كَثِيرَةً عَدَدِي وَزِينَةً
وَلَمْ يَكُنْ مِنْهُمْ أَحَدٌ يَدْعُوهُ
مَخْصَرَةً وَآخِيَهُمْ ذَكَرِي وَأَكْفِي نَفْسِي
وَلَمْ يَكُنْ مِنْهُمْ أَحَدٌ يَدْعُوهُ
وَأَعِزِّيْهِمْ عَلَى حَاجَتِي وَاجْعَلْهُمْ لِي
وَلَمْ يَكُنْ مِنْهُمْ أَحَدٌ يَدْعُوهُ
وَعَلَى حَكِيمٍ مُّقْبِلِينَ مُسْتَقِيمِينَ لِي
وَلَمْ يَكُنْ مِنْهُمْ أَحَدٌ يَدْعُوهُ
غَيْرَ عَاصِينَ وَلَا عَافِينَ وَلَا خَاطِئِينَ
وَلَمْ يَكُنْ مِنْهُمْ أَحَدٌ يَدْعُوهُ
وَلَا خَاطِئِينَ وَأَعِزِّيْهِمْ عَلَى قُرْبِهِمْ وَ
وَلَمْ يَكُنْ مِنْهُمْ أَحَدٌ يَدْعُوهُ

فَكَرِهَ

تَأْدِيبِهِمْ وَبَرِّهِمْ وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ
وَلَمْ يَكُنْ مِنْهُمْ أَحَدٌ يَدْعُوهُ
مَعَهُمْ أَوْلَادًا ذُكُورًا وَاجْعَلْ ذَلِكَ
وَلَمْ يَكُنْ مِنْهُمْ أَحَدٌ يَدْعُوهُ
لِي وَاجْعَلْهُمْ لِي عَوْنًا عَلَى مَا سَأَلْتُكَ
وَلَمْ يَكُنْ مِنْهُمْ أَحَدٌ يَدْعُوهُ
أَعِزِّيْهِمْ وَدِرِّيْهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
وَلَمْ يَكُنْ مِنْهُمْ أَحَدٌ يَدْعُوهُ
خَلَقْنَا وَأَمَرْنَا وَنَمِشْنَا فِي تَوَاقِي
وَلَمْ يَكُنْ مِنْهُمْ أَحَدٌ يَدْعُوهُ
أَمَرْنَا وَرَهَبْنَا عِقَابَهُ وَجَعَلْنَا
وَلَمْ يَكُنْ مِنْهُمْ أَحَدٌ يَدْعُوهُ
عَدُوًّا يَكِيدُنَا سَلْطَنَهُ مِنَّا عَلَى مَا لَمْ
وَلَمْ يَكُنْ مِنْهُمْ أَحَدٌ يَدْعُوهُ

وَرَعَيْنَاهُ
وَلَمْ يَكُنْ مِنْهُمْ أَحَدٌ يَدْعُوهُ

يُصَلِّحْنِي فِي دُنْيَايَ وَالْآخِرَةِ مَا ذَكَرْتُه

بصالحه از دهرها در دنیا و آخرت من آنچه ذکر کرده ام

وَمَا نَسِيتُ أَوْ أَظْهَرْتُ أَوْ أَخْفَيْتُ أَوْ كَلِمَتٌ

و آنچه فراموش نکردم یا پنهان کردم یا آشکارا کردم یا کلمه ای

أَوْ أَسْرَرْتُ وَاجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنْ

یا پنهان کرده ام و بگردانم در همه این احوال از تو

الْمُصْلِحِينَ بِسُؤَالِي إِيَّاكَ الْيَخْبِينَ بِالطَّلَبِ

مصلحین منسوب به سؤال من از تو و پنهان کننده بطریق

إِلَيْكَ غَيْرِ الْمُنُوعِينَ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ

بدرستی که از تو پنهان نمیکنند از تو توکل بر تو

الْمُعَوَّدِينَ بِالْعَوْدِ إِلَيْكَ الرَّاجِينَ فِي

و امیدواران را که باز میگردانند به تو و امیدواران را که

التَّجَارَةِ عَلَيْكَ الْجَارِينَ بِعِزِّكَ الْمَوْسِعِ

تجارت را که بر تو و پهن کننده را که بزرگواری تو را وسیع

عَلَيْكَ الرِّزْقُ الْحَلَالُ مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ

بر تو تو روزی حلال از فضل تو وسیع

بِحُجَّتِكَ

بِحُجَّتِكَ وَكَرَمِكَ الْمُغْنِينَ مِنَ الذُّلِّ بِكَ

بدرستی که تو و کرمی تو غنی کنی از ذللت با تو

وَالْجَائِزِينَ مِنَ الظُّلْمِ بِعَدْلِكَ وَالْمُعَافِينَ

و پاداش دهنده را از ستم با عدالت تو و عفو کننده را

مِنَ الْبَلَاءِ بِرَحْمَتِكَ وَالْمُغْنِينَ مِنَ الْفَقْرِ

از آفت با رحمت تو و غنی کننده را از فقر

بِعِثْنَاكَ وَالْمُعَصِّمِينَ مِنَ الذُّنُوبِ

بجزای تو و نگاهبان کننده ما از گناهان

وَالزَّلِيلِ وَالْخَطَاةِ بِقَوْلِكَ وَالْمُؤَفَّقِينَ

و فروزان را و خطایان را بکلام تو و موفق کننده را

لِلْخَيْرِ وَالرُّشْدِ وَالصَّوَابِ بِطَاعَتِكَ

برای خیر و هدایت و صواب با طاعت تو

وَالْخَالِ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الذُّنُوبِ بِقُدْرَتِكَ

و میان کننده را بین گناهان با قدرت تو

السَّائِرِينَ لِكُلِّ مَعْصِيَتِكَ السَّائِرِينَ

سایر را برای هر عبادت تو و سایر را

يَفِي جَوَارِكَ اللَّهُمَّ اعْطِنَا جَمِيعَ ذَلِكَ

در میان کائنات خداوند اعطا کن ما را همه آنرا

بِتَوْفِيقِكَ وَرَحْمَتِكَ وَأَعِزَّنَا مِنْ

بِزْفَتِ تَوَفِيقِ تو و رحمت تو و عزیز کن ما را از

عَذَابِ السَّعِيرِ وَاعْظِ جَمِيعَ

از عذاب آتش و عذاب کن همه را

الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ

مسلمین و مسلمات و مؤمنین

وَالْمُؤْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِي سَأَلْتُكَ

و مؤمنات مثل آنکه از تو خواهم

لِنَفْسِي وَلِوَلَدِي فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا

برای خود و برای فرزند خود در عجل دنیا

وَأَجَلِ الْآخِرَةِ إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ

و اجل آخرت ای تو نزدیک و پاسخ دهنده

سَمِيعٌ عَلِيمٌ عَفُوٌّ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ

شنونده داننده بخشنده مهربان و دانا

و انما

وَأَيُّهَا الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ

ای دنیا و در دنیا عظیم و در آخرت

حَسَنَةً وَمِنَ عَذَابِ النَّارِ هُكْمٌ

عظیم و از عذاب آتش حکم

حَسَنٌ وَأَمَّا إِذَا ذَكَرَهُمْ

عظیم و اما اگر آنرا یاد کنند

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَوَّ

ای خداوند صلوات بر محمد و آل او و تو

فِي حَبِيرَانِي وَمَوَالِي الْعَارِفِينَ بِحَقِّي

در حبیران من و موالی آنکه مرا بشناسند

وَالْمُسَائِدِينَ لِأَعْدَائِي أَفْضَلُ وَلَا

و مساعدین را بر دشمنان من بهتر از آنکه مرا

وَوَقِّعْهُمْ لِأَقَامَةِ سُنَّتِكَ وَالْآخِرَةِ

و قرار ده آنرا را برای برپایی سنت تو و آخرت

الغنی
التحریر

أَدَبَكَ وَارْتَفَاقَ ضَعِيفِهِمْ وَسَكَتَكَ
و در مقام ادب و رفاه و بی ادبی و سکوت
و عِيَادَةَ مَرْضِيهِمْ وَهَدَايَةَ مُسْتَرْحِمِيهِمْ
و دیدن بیمارانشان و هدایت خواهانشان
و مَنَاصِحَهُ مُسْتَشِيرِيهِمْ وَتَعْمِيدَ فَاكِدِيهِمْ
و نصیحت کردن مشورت کننده ایشان و تکیه کردن بر یقین کننده ایشان
و كَيْمَارَ اسْلَامِيهِمْ وَسِتْرَ عَوْرَاتِهِمْ
و پند دادن در راه اسلام و پوشانیدن عورت ایشان
نَصْرَةَ مَظْلُومِيهِمْ وَحُسْنَ مَوَاسَاةٍ
و یاری کردن ستم دیده ایشان و خوب بودن با ایشان
بِالْمَاعُونَةِ وَالْعَوْدِ عَلَيْهِمْ بِالْحَبْدَةِ
و یاری کردن و بازگشتن به سوی ایشان با محبت
وَالْإِفْضَالِ وَأَعْطَاوْهُمَا مَاجِبَهُمْ
و بخشیدن و دادن آنچه واجب است بر ایشان

قَبْلَ السُّؤَالِ وَاجْعَلِ اللَّهُمَّ أَجْرِي بِالْأَخْيَارِ
پیش از سؤال و خداوند منم را با نیکوکاران
مُسَيِّمِمْ وَأَعْرِضْ بِالْحَيَاةِ وَزَعْنِ ظِلِّهِمْ
و در میان زندگان و در سایه سایه ایشان
وَأَسْعِلْ حَسَنَ الظَّنِّ فِي كَافِيهِمْ وَأَتَو
و آسان گردان خوشگویی در باب ایشان و آسان گردان
بِالْبِرِّ طَائِفَتَهُمْ وَأَعْصِ بِصِرِّهِمْ
و در راه نیکوکاری گروه ایشان را و اطاعت کن در پند ایشان
عَفْوَ وَالْيُجَانِبِ لِمَنْ تَوَاضَعَا
بخشش و بی ادبی کردن به آنکه تواضع کرد
عَلَى أَمَلِ الْبَلَاءِ مِنْهُمْ رَحْمَةً
بر آنکه امیدوار باشد از ایشان رحمت
بِالْغَيْبِ مَوَدَّةً وَاحِبَّ بَقَا النِّعَمِ
در غیبت دوستی و دوست داشتن بقای نعمت

نُصْحًا وَأَوْجِبْ لَهُمْ مَا أَوْجِبُوا
 لَكَ بِتَنْهِيهِمْ *موجب كنم بر ایشان آنچه در تنهیه آنهاست*
 بِقَا النَّعْمَةِ إِلَى الْحَاكِمِي وَأَرْعَى لَهُمْ مَا
برای رعایتان خود و رعایت کند برای شما آنچه
 لِحَاقَتِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْ
برای قریبتان خود و رزق کن برای
 مِثْلَ ذَلِكَ مِنْهُمْ وَاجْعَلْ لِي أَوْفَى لِنَظَرِ
مثلی از آن برای ایشان و بفرست از ایشان در نظرم
 فِيمَا عِنْدَكُمْ وَزِدْهُمْ بِصِيرَتِي
در آنچه نزد شماست و بفرست از ایشان در صیرت من
 وَمَعْرِفَةِ فَضْلِي حَتَّى يَسْعُدُوا بِي
و معرفت با فضل من تا شادمانی بر من شود
 آمِينَ *آمین*
 رَبِّ الْعَالَمِينَ *پروردگار عالمیان*

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحَصِّنْ ثَوْرَ
خداوند من و رحمت بفرست بر محمد و آل او و محصن کن بر دهن او
 الْمُسْلِمِينَ بِعَزَّتِكَ وَأَيُّهَا مَا يَقْوِيكَ
مسلمانان را بوقوت خود و تقویت کن هر چه تقویت کننده است
 وَأَسْبِغْ عَطَايَاكَ مِنْ جَدِّكَ اللَّهُمَّ
و در عطایات خود بباران کن از عطا خود و بباران کن
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكَثِّرْهُمْ وَاشْدُدْ
بر محمد و آل او و در جمع کن و در محکم کن
 وَأَحْرِزْ حُوزَتَهُمْ وَأَمْنِجْ حَوْصَهُمْ وَ
و نگاهدار حوزت ایشان را و محکم کن حوزت ایشان را
 الْفِتْجَعَهُمْ وَكَثِّرْ أَمْرَهُمْ وَارْتَفِعْ
و بباران کن امر ایشان را و در بلند کن و در بلند کن

انما يعجز
 الله

مِيرِهِمْ وَتَوَحَّاهُمْ بِحَاكِيَةِ مَوَازِينِ وَأَذَانِهِمْ

اذنهم را بشنود و توحاهم را بگویند و حاکم را بگویند و موازین را بگویند

بِالنَّصْرِ وَأَعِزَّهُم بِالصَّبْرِ وَالْطَّفِّ لَمْ

بِالنَّصْرِ و اعزهم بالصبر و الطف لم

الْمَكْرِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَرِّفْهُمْ مَا

المکر اللهم صل على محمد و آلہ و عرفهم ما

يَحْمِلُونَ وَعَلِّمْهُمْ مَا لَا يَعْلَمُونَ وَبَصِّرْ

يحملون و علمهم ما لا يعلمون و بصّر

لَا يُبْصِرُونَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

لا يبصرون اللهم صل على محمد

إِلَهُ وَانْسِرِهِمْ غِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذَكَرَ

إله و انسیرهم عند لقاءهم العدو ذکر

دُنْيَاهُمْ الْخُدَاعَةَ الْعَرُورَ وَفَاحِ

دنياهم الخداعة العرور و فاح

قوله

قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْغَنُونِ وَالْمَالِ

قلوبهم خطرات المال الغنون و المال

الْجَنَّةِ نَصَبَ أَعْيُنِهِمْ وَلَوْحُ مِنْهَا

الجنة نصب أعينهم و لوح منها

لِابْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا نَارًا

لابصارهم ما أعددت فيها نار

مَسَاكِنَ الْخُلْدِ وَمَنَازِلَ الْكَرَامِ

مساکن الخلد و منازل الکرام

وَلَحُورَ الْحَسَنَاتِ وَالْأَنْفَارِ الْمَطْرُودَةِ

و لهور الحسنات و الأنفار المطرودة

بِأَنْوَاعِ الْأَشْرَبَةِ وَالْأَشْجَارِ

بأنواع الأشربة و الأشجار

بَصُوفِ الثَّمَرِ حَتَّى لَا يَبْقَى لَهُمْ أَحَدٌ

بصوف الثمر حتى لا يبق لهم أحد

مِنْهُمْ بِالْأَدْبَارِ وَلَا يَحْدِثُ نَفْسَهُ عَنْ قَوْمٍ

بر کفایت و کثرت شکر بپوشد و از کفایت و کثرت شکر

بِفِرَارِ اللَّامِ أَخْلَى بَيْنَكَ عَلَيْهِمْ وَأَلْغَى

از کفایت و کثرت شکر بپوشد و از کفایت و کثرت شکر

عَنْهُمْ أَظْهَارَهُمْ وَفَرَّقَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ

از کفایت و کثرت شکر بپوشد و از کفایت و کثرت شکر

وَأَخْلَعَ وَتَأْتَقُ أَفْئِدَتُهُمْ وَبَاعِدَ بَيْنَهُمْ

از کفایت و کثرت شکر بپوشد و از کفایت و کثرت شکر

أَزَوْدَهُمْ وَحَيَّرَهُمْ فِي سُبُلِهِمْ وَضَلَّاهُمْ

از کفایت و کثرت شکر بپوشد و از کفایت و کثرت شکر

وَجَرَّهُمْ وَأَقْطَعَ عَنْهُمْ الْمَدَدَ وَأَيْدِيَهُمْ

از کفایت و کثرت شکر بپوشد و از کفایت و کثرت شکر

الْعُدَدَ وَأَحْلَاهُ أَمْدَهُمْ أَلْغَى الرَّعْبَ

از کفایت و کثرت شکر بپوشد و از کفایت و کثرت شکر

اقبض

أَقْبَضَ أَيْدِيَهُمْ عَنِ الْبَطِّ وَأَحْرَمَ السَّيْمَ

از کفایت و کثرت شکر بپوشد و از کفایت و کثرت شکر

عَنِ النَّطْوِ وَشَرَّدَهُمْ مِنْ خَلْفِهِمْ وَتَنَكَّرَ

از کفایت و کثرت شکر بپوشد و از کفایت و کثرت شکر

بِهِمْ مَزُورًا عَنْهُمْ وَأَقْطَعَ خَيْرَهُمْ أَطْمَا

از کفایت و کثرت شکر بپوشد و از کفایت و کثرت شکر

مَنْعَهُمْ اللَّهُمَّ عَمَّ أَرْحَامَ نَسَائِهِمْ

از کفایت و کثرت شکر بپوشد و از کفایت و کثرت شکر

وَتَيَسَّرَ أَصْلَابَ رِجَالِهِمْ وَأَقْطَعَ

از کفایت و کثرت شکر بپوشد و از کفایت و کثرت شکر

دَوَائِيَهُمْ وَأَعْلَمَهُمْ لَا تَأْذَنَ لِيَعْلَمَ

از کفایت و کثرت شکر بپوشد و از کفایت و کثرت شکر

فِي قَطْرِ وَلَا لَأَرْضِهِمْ فِي كِبَاتِ اللَّهُمَّ

از کفایت و کثرت شکر بپوشد و از کفایت و کثرت شکر

حَصِّنْ

وَقَوِّدْ لَكَ خَالَ أَهْلَ الْإِسْلَامِ وَ

وَقَوِّدْ كَرَمَاتِي بِبَيْتِ قُرْبَتِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ

بِيَدِيَارِهِمْ وَتَحْرِيبِهِ أَمْوَالَهُمْ وَفَرَعِهِمْ

بِيَدِي دِيَارِ بَنِي دِيَارِ كَرَمَاتِي بِبَيْتِ قُرْبَتِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ

عَنْ مُحَارَبَتِهِمْ لِعِبَادَتِكَ وَعَنْ مَنَّا

أَنْفَعُ رَزَقِي وَرَحْمَتِي بِبَيْتِ قُرْبَتِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ

لِلْحَاوِيَةِ بِكَ حَتَّى لَا يَبْعِدَ فِي بَقَاءِ

بِيَدِي دِيَارِ بَنِي دِيَارِ كَرَمَاتِي بِبَيْتِ قُرْبَتِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ

الْأَرْضِ غَيْرَكَ وَلَا تَعْفِرَ لِأَحَدٍ

زَيْجِي فَرَقِي وَرَحْمَتِي بِبَيْتِ قُرْبَتِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ

جَهَّةٍ دُونَكَ اللَّهُمَّ اغْرِ بِكُلِّ نَائِلٍ

بِيَدِي دِيَارِ بَنِي دِيَارِ كَرَمَاتِي بِبَيْتِ قُرْبَتِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ

مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلَى مَنْ بَارَأَ عَيْنَهُمْ

أَنْفَعُ رَزَقِي وَرَحْمَتِي بِبَيْتِ قُرْبَتِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ

مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَأَمْدُدْهُمْ بِمَلَأَ عَيْنَكَ مِنْ عَيْنِكَ

بِيَدِي دِيَارِ بَنِي دِيَارِ كَرَمَاتِي بِبَيْتِ قُرْبَتِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ

مُرْدِفِينَ حَتَّى يَكْشِفُوهُمْ إِلَى الْمَنْقَطِ الْغَرَابِ

بِيَدِي دِيَارِ بَنِي دِيَارِ كَرَمَاتِي بِبَيْتِ قُرْبَتِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ

قَتْلًا فِي أَرْضِكَ وَأَسْرًا أَوْ قَبْرًا بِأَيْدِيكَ

أَنْفَعُ رَزَقِي وَرَحْمَتِي بِبَيْتِ قُرْبَتِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ

اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ

بِيَدِي دِيَارِ بَنِي دِيَارِ كَرَمَاتِي بِبَيْتِ قُرْبَتِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ

لَكَ اللَّفْظُ وَأَعْمَمَ بِذَلِكَ أَعْدَاءُكَ فِي كُلِّ

زَيْجِي فَرَقِي وَرَحْمَتِي بِبَيْتِ قُرْبَتِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ

الْبِلَادِ مِنَ الْهَيْدِ وَالزُّومِ وَالنُّزْهِ وَالْخَرْدِ

بِيَدِي دِيَارِ بَنِي دِيَارِ كَرَمَاتِي بِبَيْتِ قُرْبَتِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ

وَالْحَشْرِ وَالنُّوْبَةِ وَالنَّجْدِ وَالْمَسْقَالَةِ وَالْأَدِ

أَنْفَعُ رَزَقِي وَرَحْمَتِي بِبَيْتِ قُرْبَتِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ

وَسَائِرِ أَمْثَلِ الشُّرَكَ الَّذِينَ تَخَفُ أَسْمَاءَهُمْ

لَيْفَ

وَصِفَاتُهُمْ وَقَدْ أَحْصَاهُمْ عَمْرُفُكَ فَاشْرَحْ
وَصِفَاتُهُمْ وَقَدْ أَحْصَاهُمْ عَمْرُفُكَ فَاشْرَحْ
عَلَيْهِمْ يَقْدِرُ نَيْكَ اللَّهُمَّ اشْغَلِ الشُّرَكَاءَ بِالسُّرُورِ
عَزِّتْ أَوْلِيَاءَ طُغْيَانِ السُّلَمِيِّينَ وَخَذْهُمْ بِالْقَبْضِ
عَنْ تَقْصِيمِهِمْ وَتَبْطُلْهُمْ بِالْفِرْقَةِ عَنِ الْإِحْتِزَادِ
عَلَيْهِمُ اللَّهُمَّ اخْلُقْ قُلُوبَهُمْ مِنَ الْأَمْنَةِ وَ
أَبْدَانَهُمْ مِنَ الْقُوَّةِ وَأَدْخِلْ قُلُوبَهُمْ عَنِ
الْإِحْتِيَالِ وَأَوْهِنْ أَرْكَائَهُمْ عَنْ مُنَازِلَةِ
الرَّجَالِ وَجَنِّمْ عَنْ مُقَارَعَةِ الْأَبْطَالِ

وَأَبْشِرْ
عَلَيْهِمْ جُنْدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ بِنَائِبِينَ مِنْ نَائِبِيكَ
كَفَعْلِكَ يَوْمَ تَبْدُرُ بَعْطَجَ بِهِ دَابِرُهُمْ وَتَحْصُدُ
بِهِ شُوكَتَهُمْ وَتَقْرُبُ عَدَدَهُمْ اللَّهُمَّ وَ
أَفْرِجْ مِيَاهَهُمْ بِالْوَبَاءِ وَأَطْعِمْنَهُمْ بِالْأَذَى
وَأَسْرِ مِيَاهَهُمْ بِالْجَنُوفِ وَالْحِجَابِ
وَأَفْرِجْهَا بِالْمَحُولِ وَاجْعَلْ مِيرَهُمْ فِي أَحْصِ
أَرْضِكَ وَابْعِدْهَا عَنْهُمْ وَأَمْنَعْ حُصُونَهَا
مِنْهُمْ أَصْنَمُ بِالْجُوعِ الْمُقِيمِ وَالْقَوْمِ اللَّامِ اللَّهُمَّ

دو غز که خوراک کند به نر از هر مرتبه

حَاضِرُهُمْ مِنْ أَتَاعِ سُنَّتِكَ لِيَكُونَ دِينُكَ

تدبره و تفکره و تامله

[illegible]

و اما در شش ماهی که در مجرای ریه ها در وقت تولد در مجرای ریه ها در وقت تولد

پیرانی دوتھی ترہائی مہر اور شہید و اقامت برائی

النفقة والمهر والمهر المسمى بالثمن

واجزه مرعوم | لوحنه وانه ديرة

وَالْوَيْدَ وَاعْرِضْ لَهُ حُسنَ الْفَيْدِ وَبَيِّنْهُ بِالْعَاقِبِ

12/2

در این کتاب از کتابخانه

الجرة وارزقه الشدة وايذه بالنصر

البربر في بلادهم
والعرب في بلادهم

طریقہ و روش تفسیر
در بیان احوال و سیرت

و در این فقره اول

تذکرہ اولیاد و رفقاء اقدس حضرت مولانا ابوالحسن علی Nadwi

دو شمشیر خنجر و دو تنگه خود را پس کم کن و کتبه از قدر نزار و در کوچه سارنگ بنویس

بعد از وقت از این نشان
در خانه سره این نشان

نعم کتب دربار و اعیان و علم و کرامت و شرف و کبریا

المجاهدين واحمله في نظام الشهادة والرضا
اللهم صل على محمد عبدك ورسولك والحمد

صلاة عالية على الصلوات مشرفة فوق

التجاني صلوة لا ينقطع مداها ولا ينقطع عدد
كأن ما مضى من صلواتك على أحمد من أولها

إني ألتان الحمد المبدئ المعيد ألق
لما تريد وكان من صلاة عليك السلام متواصلة

اللهم أني أخاصت بأقطاع اليك
والمؤمنين

وأقبل بك على عليك وصرف وجهي عن

الحجاج إلى ريدك وقلبت منالي عن

لم تنزع عن فضلك ورأيت أن طلب

الحجاج إلى المحاج سفة من رايه وصله

من عقلة فكم قد رأيت يا الهي من الناس طلبوا

العز بغيرك فذكروا وأموالهم من سوا

فأفقروا وحاولوا الارتفاع بغيرك فأنصروا

فصح بمعانينة أمثالهم حازم وفقه أعيانهم

وَارْتَدَّ إِلَى طَرَفِ صَوَابِهِ اخْبَارُهُ فَانَتْ
 بِأَمْوَالِي دُونَ كُلِّ مَسْئُولٍ مَوْضِعَ مَسْئَلَتِي
 وَدُونَ كُلِّ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَلِي حَاجَةٌ أَنْتَ الْخَصُوصُ
 قَبْلَ كُلِّ مَدْعُودٍ بِدُعَايِي لَا يَشْرِكُ أَحَدٌ فِيَّ
 وَلَا يَفُوقُ أَحَدٌ عَمَلِي دُعَائِي وَلَا يَنْظِمُهُ وَابْنُ
 نِدَائِي إِلَهُي وَحُدَايِيهِ الْعَدِيدُ وَمُسْكَنِي
 الصَّدَقَاتِ وَفَضِيلَةُ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ وَدَرَجَةُ الْعُلَى
 وَالرِّفْعَةِ وَمَنْ سَوَّاهُ مَرْجُومٌ فِي عَمْرِو
 وَكَانَ دَرَجَاتٍ بَعْدَ ذَلِكَ

وَلَا يَفُوقُ

عَلَى أَعْرَافِهِ مَقْفُودٌ عَلَى شَأْنِهِ فَخِلَفَ الْحَالَاتِ مُتَقَلِّدٌ
 فِي الصَّفَاتِ مُتَعَالِيَتٌ عَنِ الْأَشْيَاءِ وَلَا ضِدَادَ وَتَكْبَرُ
 عَنِ الْأَمْثَالِ وَالْأَنْدَادِ فَجَانِبُكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
 تَعَالَيْتَ عُلُوًّا كَبِيرًا وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَرَأَ عَلَيْهِ الرَّزَقَ

اللَّهُمَّ إِنَّكَ ابْتَلَيْتَنِي فِي أَرْزَاقِي بِسُوءِ الظَّنِّ
 أَجَلِنَا بِطَوْلِ الْأَمَلِ حَتَّى الْقَسَا أَرْزَاقَكَ مِنْ
 عِنْدَ الْمُرُوفِينَ وَطَمَعُنَا بِأَمَانَتِنَا فِي أَعْمَالِ الْمُعْصِرِينَ

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَهَبْ لَنَا قِنَاصًا وَرَاقًا

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم صل على محمد وآل محمد

يَهْ مِنْ مَوْنَةِ الظِّلِّ وَالْهَيْبَةِ خَالِصَةً

والله اعلم

تَعَفُّيًا بِهَا مِنْ شِدَّةِ النَّفْسِ لِجَعْلِ مَا صَحَّتْ بِهِ

للمؤمنين

مِنْ عَيْدِكَ فِي وَحْيِكَ وَاتَّبَعْتَهُ مِنْ قَسَمِكَ فِي

الزهد

لِتَابِكَ قَاطِعًا لِهَيْبَتِنَا بِالرِّزْقِ الَّذِي تَكَلَّفْتَ

لنا

بِهِ وَحَسْمًا لَاشْتِغَالِ عَمَّا ضَمَّتْ الْكُفَايَةُ لَهُ

وقد

قُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقِّ الْأَصْدَقِ وَأَقْنَمْتَ

بسم الله الرحمن الرحيم

الْأَكْبَرُ الْأَكْبَرُ فِي السَّمَاءِ رِزْقَهُ وَمَا تُوعَدُونَ

والله اعلم

م

ولا

مُقَاتٍ فَوَرَّتِ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ مِنْهُ لَخَوْفِ

بسم الله الرحمن الرحيم

مِثْلَ مَا أَنْتُمْ تَنْظِقُونَ وَكَانَ مِنْ دَعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الثَّلَاثُونَ

والله اعلم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْعَافِيَةِ وَهَبْ

للمؤمنين

مِنْ دِينٍ تَخْلُقُ بِهِ وَجْهِي وَجَارِقِيهِ دِينِي

والله اعلم

وَيَسْعَبُ لَهُ فِكْرِي وَيَطْوِلُ لِي مَارِسَتَهُ شَعْلِي

والله اعلم

وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ هَمِّ الدِّينِ وَفِكْرِهِ وَشُغْلِ

والله اعلم

الدِّينِ وَسَهْمِهِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِزَّنِي

والله اعلم

وَأَسْتَعِزُّ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ ذُلِّهِ فِي الْحَيَاةِ

والله اعلم

تَبِعْتَهُ بَعْدَ الْوَفَاةِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَعَلَّكَ
مِنْهُ يَوْسَعُ فَاضِلٍ أَوْ كِفَافٍ فَاصِلٍ الْمَعْمُورِ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْتَنِبِي عَنِ الشَّرَفِ وَالْأَزْدِيَّاتِ
قَوْمِي بِالْبَذْلِ وَالْإِقْبَادِ وَعَلَيْ خَيْرِ النَّفَرِ
وَأَقْبَضِي بِلَهْطِكَ عَنِ الشَّدِيدِ وَاجْرُزِي شَيْئًا
الْحَالِلِ أَرْزَاقِي وَوَجِّهِي فِي أَبْوَابِ التَّرَافِقِ
وَارْزُقِي مِنَ الْمَالِ مَا يَجْدِي تَحْتِلَةً أَوْ نَادِيًا
إِلَى الْبُخَاوَا مَا اتَّقَيْتُ مِنْهُ طُعْيَانًا اللَّهُمَّ حَسْبُ

وَرَزَقَانِ إِنْ لَمْ يَزِدْكَ
وَرَزَقَانِ بَعْدَ الْوَفَاةِ الْمَعْمُورِ

وَرَزَقَانِ بَعْدَ الْوَفَاةِ الْمَعْمُورِ

وَرَزَقَانِ بَعْدَ الْوَفَاةِ الْمَعْمُورِ

وَرَزَقَانِ بَعْدَ الْوَفَاةِ الْمَعْمُورِ

وَرَزَقَانِ بَعْدَ الْوَفَاةِ الْمَعْمُورِ

وَرَزَقَانِ بَعْدَ الْوَفَاةِ الْمَعْمُورِ

وَرَزَقَانِ بَعْدَ الْوَفَاةِ الْمَعْمُورِ

وَرَزَقَانِ بَعْدَ الْوَفَاةِ الْمَعْمُورِ

وَرَزَقَانِ بَعْدَ الْوَفَاةِ الْمَعْمُورِ

إِلَى صَحْبَةِ الْفَقْرِ وَأَعِنِّي عَلَى صَحْبَتِهِمْ بِحَسْبِ الصَّبْرِ
وَمَا زَوَيْتُ عَنِّي مِنْ مَطْعِ الدُّنْيَا الْفَانِيَةِ قَادِرًا
لِيُخْرِشَكَ الْبَاقِيَةَ وَلِيُجْعَلَ لِي خَلْقِي
فَعَلَيْكَ مِنْ مَنَاعِيهَا بَلْعَةُ الْجَوَارِكِ وَوُ
إِلَى قَرْنِكَ وَدَرْجَةِ الْجَنَّةِ أَنْكَ دَوِ الْفَضْلِ
الْعَظِيمِ وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ
السَّلَامُ فِي ذِكْرِ الْقُوَّةِ طَلِبُ اللَّهُمَّ يَا مَنِي
فَصِفْ نَعْتِ الْوَاصِفِينَ وَيَا مَنْ لَا يَجَاوِزُهُ

بِوَسْطَةِ الْفَقْرِ وَأَعِنِّي عَلَى صَحْبَتِهِمْ بِحَسْبِ الصَّبْرِ

بِوَسْطَةِ الْفَقْرِ وَأَعِنِّي عَلَى صَحْبَتِهِمْ بِحَسْبِ الصَّبْرِ

بِوَسْطَةِ الْفَقْرِ وَأَعِنِّي عَلَى صَحْبَتِهِمْ بِحَسْبِ الصَّبْرِ

بِوَسْطَةِ الْفَقْرِ وَأَعِنِّي عَلَى صَحْبَتِهِمْ بِحَسْبِ الصَّبْرِ

بِوَسْطَةِ الْفَقْرِ وَأَعِنِّي عَلَى صَحْبَتِهِمْ بِحَسْبِ الصَّبْرِ

بِوَسْطَةِ الْفَقْرِ وَأَعِنِّي عَلَى صَحْبَتِهِمْ بِحَسْبِ الصَّبْرِ

بِوَسْطَةِ الْفَقْرِ وَأَعِنِّي عَلَى صَحْبَتِهِمْ بِحَسْبِ الصَّبْرِ

بِوَسْطَةِ الْفَقْرِ وَأَعِنِّي عَلَى صَحْبَتِهِمْ بِحَسْبِ الصَّبْرِ

بِوَسْطَةِ الْفَقْرِ وَأَعِنِّي عَلَى صَحْبَتِهِمْ بِحَسْبِ الصَّبْرِ

الحمد لله المخلص
الحمد لله المخلص

الزاجين ويامن لا يصنع لذية اجر المحسنين

امير وندان *خروج نيكو نزد او مژد شكو كسان*

ويامن هو منتهى خوف العالدين ويامن هو غاية

اوست منتهى ترسي عيه در شيوه كسان *ادب است نهايت*

حسبه المتقين هذا مقام من تداولته ايدي

ويمن بر ميزه كسان *اين به الله است كه بزيارت كسان*

الذوق وفادته ازمه الخطايا واسحوذ

كفاني *در شيوه است اساميه در سخطه و منتهى است*

الشطان فقص عما امرت به تقربا وتعالى

شيطان *بهي تقرب و است و زانجه اورد و با تقرب و در اركه*

ما نهت عنه تغبرا كما الجاهل بقدرتك عليه

الجهل كذا *اندر زانجه و منتهى است*

او كما لنكر فضل احسانك اليه اذا انفتح له

بهي كذا *بهي كذا و منتهى است*

نصر الهدى ونقشت سحاب العي حتى ما

ويده ارمه *و منتهى است و منتهى است*

علم

ظالمه نفسه وفكر فيها لفيه ربه فترى

بهي كذا *ان لا بد*

كثير ضيانه كبير اكبر او حليل خالفته

بهي كذا *بهي كذا و منتهى است*

فاقبل نحوك مؤملا لك مستحيامنك

بهي كذا *بهي كذا و منتهى است*

لغبتك اليك ثقتك فامك بطوحه يقينا

بهي كذا *بهي كذا و منتهى است*

وقصدك بخوفه اخلاصا قد خلا طعه

بهي كذا *بهي كذا و منتهى است*

من كل محدور منه سواك فقل بديك

بهي كذا *بهي كذا و منتهى است*

متقرا وعرض بصره الى الارض مخشعا

بهي كذا *بهي كذا و منتهى است*

طاطار اسبه لغيتك متذلا و اسك

بهي كذا *بهي كذا و منتهى است*

سجده

من كل مطوع في غيبك واقبح

مِنْ سِرِّهِ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعًا وَعَدًّا
 مِنْ ذُنُوبِهِ مَا أَنْتَ أَحْصِيهَا خُضُوعًا وَاسْتِغْنَاءً
 بِكَ مِنْ عَظِيمٍ مَا وَقَعَ بِهِ فِي عِلْمِكَ وَقَبِيحٌ مَا
 فِي حُكْمِكَ مِنْ ذُنُوبٍ أَذْهَبَتْ لَذَاتُهَا قَدْرَهُ
 وَأَقَامَتْ بَيْعَانَهَا فَلَمْ تَلْزِمْنَا لَيْسَ كِبَارُكَ إِلَى عَدْلِكَ
 أَنْ غَافِلَتُهُ وَلَا يَسْتَعِظِمُ عَفْوُكَ أَنْ عَفَوْتَ
 وَرَحِمْتُهُ لِأَنَّكَ الرَّبُّ الْكَرِيمُ الَّذِي لَا يَنْبَغِي
 عَفْرَانُ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ فَمَا أَنَا ذَا قَدْرٍ

لِيَأْمُرَكَ فِيمَا أَمَرْتَ بِهِ مِنَ الدُّعَاءِ مُخْتَارًا وَعَدًّا
 فِيمَا وَعَدْتَ بِهِ مِنَ الْجَائِبَةِ إِذْ تَقُولُ أَغُوِي
 اسْتَخْلِكُكُمْ اللَّهُمَّ فَضْلَ عَلِيٍّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 الْقَنِيِّ عَظِيمُكَ كَمَا لَقَيْتُكَ بِأَقْرَبِي وَأَقْبَرِي
 عَنْ مَصَارِيحِ الذُّنُوبِ كَمَا وَضَعْتَ لَكَ الْقِسْوِ
 وَأَسْأَلُكَ بِسِتْرِكَ كَمَا تَأْتِيَنِي عَنْ الْإِسْقَامِ مَتِي
 اللَّهُمَّ وَثَّقْ فِي طَاعَتِكَ بَلَقِي وَلِحُكْمِ فِي عِبَادَتِكَ
 بَصِيرَةً وَوَقْفِي مِنَ الْأَعْمَالِ إِلَى التَّعَسُّلِ بِهِ دَسَّ الْخَطَا

عَفُو وَتَوَفِّي عَلَى مِلَّتِكَ وَمِلَّةَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ

از من و بندگان مرا بر دین خود و دین پیغمبر خود که بر او باد و در حق
اِذَا تَوَفَّيْتَنِي اللَّهُمَّ أَنْيَأُتُوبُ إِلَيْكَ وَفِي عَقَابِي

هول برسان خداوند من را به گشتن من از گناه و در عاقبت من
مِنْ كِبَارِ دُنُوتِي وَصَغَائِرِهَا وَبِوَاطِنِ سَيِّئَاتِي

از بزرگ گناهان من و خوار و ارزان و در سینه های من
و ظَوَاهِرِهَا وَسَوَالِفِ زَلَالِي وَخَوَارِجِهَا

و در ظاهر و باطن من و در گشتن من از گناه و در بزرگ گناهان من
تَوْبَةً مِنْ لَا يَحْتَسِبُ نَفْسَهُ بِمَعْصِيَةٍ وَلَا

بِرِزْقٍ كَثِيرٍ كَلَعَلْتُ خَلْفَهُ بِأَخِيهِ لَنْفَاءً وَتَوْبَةً

بِضْمَانِ رَجْعَةٍ فِي خَطِيئَةٍ وَقَدْ تَلَّى بِاللَّهِ حُلْمِي

که با تو ای خداوند من را در گناه من که جمع کردم از گناه و از گناه من که
كُنْتُ أَلِيكَ أَنْتَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ وَتَعْفُو

عَنِ السَّيِّئَاتِ وَتَحِبُّ التَّوَّابِينَ فَأَقْبَلْ تَوْبَتِي

كَأَوْعَدْتِ وَأَعْفِ غَنِيَّانِ كَأَمْسَتْ وَأُجِبْ

اِحْسَنَكَ كَأَشْرَعْتَ وَلَكِ بَارِبُ شَرْحِي إِلَّا أَعُوذُ فِي

مَكْرُوهِكَ وَضَمَائِي أَنْ لَا أَرْجِعَ فِي مَذْمُومِكَ

وَعَهْدِي أَنْ أَهْجُرَ جَمِيعَ مَعَاصِيكَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْلَمُ

بِمَا عَلِمْتُ وَأَصْرَفِي بِفَضْلِكَ إِلَيَّ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ

وَعَلَى تَبِعَاتٍ قَدْ حَفِظْتُهُنَّ وَتَبِعَاتٍ قَدْ نَسِيتُهُنَّ

وَكُلُّهُنَّ يَعْثُوكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَعَمَّاكَ الَّذِي لَا يَنُومُ

فَعُوضْ مِنْهَا أَهْلَهَا وَاحْطُطْ عَنِّي وَزَرَءَهَا

وَأَعِزَّنِي بِكَ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ

فَاعْفُ عَنِّي يَا عَلِيَّتُ م
یا علی بن ابی طالب

عَنْ ثَقَلِي وَأَعِظْنِي بِإِنْ أَفَارِدَ مِلْهَا اللَّهُ
 أَنْتَ لَا وَفَاءَ عِيَالِي بِالتَّوْبَةِ إِلَّا بِعِصْمَتِكَ وَلَا اسْتِغْنَاءَ
 فِي غَيْرِ الْخَطَايَا إِلَّا بِعِزِّكَ فَقُوْنِي بِقُوَّةِ كَافِيَةٍ
 وَتَوَلِّيْ عِصْمَةٍ مَا بَعْدَ اللَّحْمِ أَيْمَا عِبَادِكَ
 وَهُوَ فِي عِلْمِهِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ فَاسْخِرْ لِقَوِيَّتِهِ وَعَالِدِ
 فِي نَفْسِهِ وَخَطِيئَتِهِ فَلْيَنْعِزْ عِزُّكَ لِيَكُنْ كَذَلِكَ
 فَاجْعَلْ تَوْبَتِي هَذِهِ تَوْبَةً مُوَجِبَةً لِحُجُومِ اسْتِغْنَاءِ
 وَالسَّلَامَةِ فِيمَا بَقِيَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَزُّ بِكَ

لا احتاج بعد هذا التوبة
 الى غير هذا

مِنْ جَهْلِي وَأَسْتَوْصِيكَ سَوْءَ فَعَلِي فَاصْنُمْنِي إِلَى كَفِّ
 رَحْمَتِكَ فَتَوَلَّى وَأَسْتَرْفِي لِيَنْزِعَ عَيْنَكَ فَتُقْضَى
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ كُلِّ مَا خَلَفَ
 أَوْ نَالَ عَنْ مَحَبَّتِكَ مِنْ خَطَرَاتٍ قَلْبِي وَخَطَايَا
 وَحِكَايَايَا لِيَا تَقْبَلْ تَسْلِيمِي بِهَا كُلِّ جَارِحَةٍ عَلَى
 حَيَاةِي أَوْ مَرْتَبَتِي وَتَأْمِنْ مَحَاجِرَ الْمُعْتَدِلِينَ
 مِنَ الْمُسْطَوِّاتِ اللَّهُمَّ فَارْحَمْ وَخُذْ بِيَدِيكَ
 وَوَجِّهْ قَلْبِي مِنْ حُسْنِكَ وَأَضْطَرِّبْ أَرْكَانِي

ل

مِنْ هَيْبَتِكَ فَقَدْ قَامَتِي لَيْلِي ذُنُوبِي مَقَامِ
بهر هيبه تو كه در شب بیدار شدم و گناهانم در پیشگاه تو
الْحَيُّ بَعِيَا لَكَ فَإِنْ سَكَتَ لَمْ يَنْطِقْ عَنِّي أَحَدٌ وَإِنْ
زنده و دور از تو ای خداوند اگر سکوت کنی از من خبر نرساند و اگر
سَخَعْتُ فَلَسْتُ بِأَهْلِ الشَّفَاعَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
شفاعت کردم پس من از اهل شفاعت نیستم ای خداوند صلوات
مُحَمَّدٍ وَاللَّهُ وَشَفِّعْ فِي خَطَايَايَ كَرَمَكَ وَعَدَمَكَ
بر محمد و خداوند و شفاعت کن در گناهانم بزرگواری و بزرگواری
بِعَفْوِكَ وَلَا تَجْعَلْ لِي مِنْ عَفْوِكَ وَاسْطَ
ببخشش تو و مصلحتی را در بخشش تو نگذاری و واسطه
عَلَى طَوْلِكَ وَجَلَّتْ لِي سِتْرُكَ وَأَفْعَلْ لِي فَعْلَ
بر بزرگواری تو و دور شد از من پرده تو و بزرگواری تو و بزرگواری تو
تَضَعُ إِلَيْهِ عَبْدٌ ذَلِيلٌ قَرِجَةٌ أَوْ عَوْثٌ خَرَضٌ
تو بزرگواری تو و بزرگواری تو و بزرگواری تو و بزرگواری تو
لَهُ عَبْدٌ فَقِيرٌ فَخَشَنَهُ اللَّهُمَّ لِأَخْفَرِ لِي مِنْكَ
ای خداوند فقیر و خوار شد ای خداوند بزرگواری تو و بزرگواری تو

علی

عَزَلِكِ وَلَا شَفِيعَ لِي إِلَيْكَ فَاسْتَفْعِلْ لِي فَضْلَكَ
دور کن از من و شفاعت کننده را از من دور کن ای خداوند بزرگواری تو و بزرگواری تو
وَقَدْ أَوْجَلْتَنِي خَطَايَايَ فَلْيُؤْمِنِي عَفْوُكَ فَمَا
و تو دور کردی مرا از گناهانم پس بزرگواری تو مرا بزرگواری تو و بزرگواری تو
مَا نَطَقْتُ بِهِ عَنْ حَبْلِ مَنِيَّ بِسُوءِ أَمْرِي وَلَا لِيَا
چیزی را که بزرگواری تو مرا بزرگواری تو و بزرگواری تو و بزرگواری تو
لِيَا سَبَقَ مِنْ فَرَمٍ فَعَلِي لَكِنْ لَسْتُ بِمَعْنَاؤِكَ وَمَنْ
ای خداوند بزرگواری تو مرا بزرگواری تو و بزرگواری تو و بزرگواری تو
وَأَرْضُكَ وَمَنْ عَلَيْهِمَا مَا أَظْهَرْتُ لَكَ مِنَ التَّدْمِ
و زمین تو و بزرگواری تو و بزرگواری تو و بزرگواری تو و بزرگواری تو
إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ التَّوْبَةِ فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ يَرْجِيكَ بِرَحْمَتِي
ای خداوند بزرگواری تو مرا بزرگواری تو و بزرگواری تو و بزرگواری تو و بزرگواری تو
مُتَوَقِّفِي أَوْ تَذَكُّرَكَ الرِّقَّةَ عَلَى لِسُونِهَا فَبِنَا لِمَنْ
ای خداوند بزرگواری تو مرا بزرگواری تو و بزرگواری تو و بزرگواری تو و بزرگواری تو
لَوْعَةٍ أَوْ كَدِّ عَذَابِكَ مِنْ شَفَاعَتِي تَكُونُ لَهَا خَالَةً
ای خداوند بزرگواری تو مرا بزرگواری تو و بزرگواری تو و بزرگواری تو و بزرگواری تو

مَلِكٌ عَلَوُ اسْقَطِ الْأَشْيَاءَ
 ههنا برتر بفرست که خفته اند بپندار سنا برت
 دُونَ بُلُوعِ أَمْدِهِ وَلَا يَبْلُغُ أَرْحَامًا
 بپندار ببرد نهانست آن و نرسد به پندار
 بِهِ مِنْ ذَلِكَ أَكْثَرُ نَعْبِ التَّالِعِينَ
 از رفت نعبت نصیب و کشته گان
 فِيكَ الصِّفَاتُ تَقْسَمُ دُونَكَ
 در تو صفات در بگویند است
 النُّعُوتُ وَجَارَتْ فِي كِبَرِ أَيْمَانِكَ
 نعمتها در بران نهانست در بزرگای تو
 الْإِوْهَامُ لَكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَوَّلُ
 اندیشه ها بر چینی تو خدا اول
 أَوَّلِيكَ وَعَلَى لِكَ أَنْتَ دَائِمٌ لَا
 اولیست تو در بران نماند و همیشه

وَأَنَا الْعَبْدُ الضَّعِيفُ عَمَلُ الْحَيِّ
 و من بنده ضعیف در عمل حیات
 أَمَّا أَخْرَجْتَ مِنْ يَدِي سَبَابَ الْوُ
 در میان برداشتی از دستم سبب بپندار
 الْأَمَّا وَصَلَتْ حِمْلَكَ وَتَقَطَّعَتْ
 مگر آنچه پیوند کرد حبلت از رفت تو و بریده شد
 الْأَمَّا إِلَى الْأَمَّا أَنَا مَعْصِيَةٌ مِنْ عَمَلِ
 مگر آنچه پیوند کرد حبلت از رفت تو و بریده شد
 أَصْدَائِمِ مِنْ رُكْبَتِكَ عَلَى مَا
 بشمارم از از غفلت نه و بپندار است بر من
 أَبَوْعٍ مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَلَنْ يُصْبِحَ عَيْدُ
 و نه از مَعْصِيَتِكَ و نه در مَعْصِيَتِكَ
 الْإِسْلَامُ فَاعْفُ عَنِّي اللَّهُمَّ وَقَدْ شَرَفَ
 ای کبریا که بر پندار من از مَعْصِيَتِكَ و نه در مَعْصِيَتِكَ

عَلَيْكَ عَمَلُ
 عَمَلُ

عَلَى خَفَايَا الْأَعْمَالِ عِلْمُكَ وَانْكَشَفْتُكَ

در پنهانی که در اعمال تو پنهان بود و من تو را آشکارا کردم

مَسْتُورِدُونَ خَيْرُكَ وَلَا تَطْوِي

پرسیده شده نزد اهل حق و دور نگذارند

دَقَاتُ الْأُمُورِ وَلَا تَغْرِبُ عَنْكَ

در لحظه لحظه کارها و غایب نشوی از تو

السَّارِيرِ وَقَدْ اسْتَحْذَرَ عَلَى حَدِّكَ

پنهان را و بگریز که ستره شده است از تو

السَّطَرِكِ لِعَوَايِي فَأَنْظَرْتَهُ وَاسْتَمَلَّكَ

که در راه پنهانی است از عوای من و او را نگاه داشتی و در آغوش خود گرفت

إِلَى يَوْمٍ لَا يَرِي لَاضِلًا لِي فَعَمِلْتَهُ وَكَوْنُ

تا روزی که مرا ندیده و گمراهی من را عمل کرد و بود

وَقَدْ هَمَّ بِكَ إِلَيْكَ مِنْ صَعَابٍ دُنُوًّا

و تو میخواستی از دشواری دوری از من

فَأَوْعَيْ

مُو

مستطاب

مُوتِقَةٍ وَكِبَارِ أَعْمَالٍ مُرْدِيَةٍ حَتَّى إِذَا

موت دهنده و بزرگوار اعمال من را بر میگرداند تا آنکه

قَارَتْ مَعْصِيَتُكَ وَاسْتَوْجِبْتَ

تو را پاداش دادی بپسندیدن تو و پاداش دهی

سَعْيِي سَخَطُكَ قَلْعِي عِدَارَ عَذْرٍ

سختی من را خشم تو را و از من بکنار بدار

تَلْعَانِي بِكَلِمَةٍ كُفْرَةٍ وَتَوَلَّى الْبِرَاءَةَ مِنِّي

تو مرا با یک کلمه کفر و از من بپسندیدن را برگرداند

وَأَذْبَرُ مَوْلِيَا عَنِّي فَأَحْزَنِي لِعُصْبِكَ

و مرا از مولای من دور کردی و مرا غمزدار کردی بپسندیدن تو

فَرِيدًا وَأَخْرَجَنِي إِلَى فَنَاءٍ نَقِيتِكَ طَرِيقًا

فراوانی و مرا از راه پاکیزگی تو دور کردی

لَا شَفِيعَ يَشْفَعُ لِي إِلَيْكَ وَلَا خَيْرَ

نه کسی که مرا نزد تو بپسنداند و نه کسی که مرا نزد تو بپسنداند

سخطك

مُنِي

عَلَيْكَ وَلَا حِصْنٌ مِجْبِي عَنْكَ وَلَا

از تو ایستادگی نیست که مانع از تو شود و نه

مَلَاذِ الْجَاهِ مِنْكَ فَمَا مَقَامُ الْعَائِدِ

پناهیست که بنده از تو ایستادگی ندارد پس ایستادگی بنده از تو

بِكَ وَمَحَلُّ الْمُعْرِفِكَ فَلَا

بجز تو ایستادگی نیست که بنده از تو ایستادگی ندارد پس ایستادگی بنده از تو

عَنِّي فَضْلُكَ وَلَا يَقْصِرْ دُونِي

از من فضل تو را و اگر من را در تو

وَلَا أَكُنْ أَخِيْبَ عِبَادِكَ التَّائِبِ

و نه ایستادگی من که بنده از تو ایستادگی ندارد پس ایستادگی بنده از تو

وَلَا أَمْتُ وَفُودُكَ الْأَمِلِينَ وَاتَّقِ

و نه ایستادگی من که بنده از تو ایستادگی ندارد پس ایستادگی بنده از تو

إِنَّكَ خَيْرُ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعَزُّ

تو ایستادگی من که بنده از تو ایستادگی ندارد پس ایستادگی بنده از تو

الْبَيْتُ

بجایگاه

تو

فَرَكْتُ وَنَبَشْنِي فَرَكْتُ وَسَوَّلِي الْخَلَاءَ

ای ترک کردم و نه ایستادگی من که بنده از تو ایستادگی ندارد پس ایستادگی بنده از تو

خَاطِرُ السُّوءِ تَقَطُّطٌ وَلَا اسْتِهْدَا

ایستادگی من که بنده از تو ایستادگی ندارد پس ایستادگی بنده از تو

عِيَامِي غَارًا وَأَسْجِي بِتَعْدِي كَيْلًا

ایستادگی من که بنده از تو ایستادگی ندارد پس ایستادگی بنده از تو

تَنِي عَلَى بَاحِيَاءِ مَاسِيَةٍ حَاشَا وَكَأَنَّ

و نه ایستادگی من که بنده از تو ایستادگی ندارد پس ایستادگی بنده از تو

الْحَيُّ ضَيْعًا مَلِكٌ كَسَتْ تَوَسَّلُ إِلَيْكَ

ایستادگی من که بنده از تو ایستادگی ندارد پس ایستادگی بنده از تو

بِفَضْلِنَا فَلَمْ مَعَ كَثِيرٍ مَا أَعْفَلْتُ مِنْ وَطْأ

ایستادگی من که بنده از تو ایستادگی ندارد پس ایستادگی بنده از تو

فَرُوضِكَ وَتَعَدَيْتُ عَنْ مَقَامَاتِكَ

ایستادگی من که بنده از تو ایستادگی ندارد پس ایستادگی بنده از تو

الْحُرْمَاتِ أَنْتُمْ كُنَّا وَكَبَارُ تَوْبَةٍ
 اجْرَحَمَاءُ كَانَتْ عَافِيَتُكَ لِي مِنْكَ
 سِتْرًا وَهَذَا مَقَامٌ مِمَّا اسْتَحْيَيْ الْقَبِيلَ
 مِنْكَ وَسَخَطَ عَلَيْنَا وَرَضَى عَنْكَ
 بِنَفْسٍ خَاشِعَةٍ وَرَقَبَةٍ خَاضِعَةٍ وَ
 مُتَقِلٍّ مِنَ الْخَطَا يَا وَافِيَّ ابْنِ الْبَرَقَةِ
 إِلَيْكَ وَالرَّهْبَةَ مِنْكَ وَأَنْتَ أَوْ
 مَسْ

بجزای تو که ما را از حرمات و کبرای تو
 در میان ما گشت عافیت تو از من
 ستر او و این مقامی است که استحیای قبیله
 را بر تو و سخطی که بر ما نمودی و رضای
 تو از ما و خشمی که بر ما نمودی و خاشع
 بنفسم و خاضع و رقبه خاضعه و متقل
 از خطایم ای وفا بن برقه
 به تو و رهبری که از تو دارم و تو را
 از خطایم و از خطایم و از خطایم

مَرْجَاءٍ وَلَحْشِيهِ وَأَثْقَانًا
 يَا رَبِّ مَا رَجَوْتُ وَأَمْنِي مَا حَذَرْتُ
 عَلَيَّ عِبَادَةُ رَحِمِكَ أَنْتَ أَكْرَمُ الْمُسْتَوْجِبِ
 اللَّهُمَّ وَأَذْ سَتَرْتُ بِعَفْوِكَ وَعَدَدْتِي
 فِي دَارِ الْقَبْرِ بِحُضْرٍ الْأَكْفَانِ فَاجْزِنَا
 فِي صِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الشَّهَادِ
 مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالرُّسُلِ الْكَرِيمِينَ

که امید بود و درخشش پند و نوا و در ترس که مرگم از تو و در امید که از تو
 ای رب من چه امید داشتم و امنی که از تو داشتم
 بر من عبادت تو که از تو است و تو که از تو است
 ای خداوند و از تو است و تو که از تو است
 در دایره قبر و در دایره قبر و در دایره قبر
 در صیحات دایره بقا و در صیحات دایره بقا
 از ملائکه مقربین و از رسل کریمین

فکر و فکر

وَمِنْ مَنَافِعِهِ أَنْ يَذْكُرَ الْفُجُورَ وَنُفُوسُ الْكَافِرِينَ
أَحْتَمِلُ سِنْدِي فِي سِرِّي أَلَمْ أَقِ بِهِمْ

المخمرة الحوات اولي مبر وشعب

وَأَحْيَىٰ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ
وَجَبَّهٖ ذُو الْكَبْرِ كَمَا رُبِّعَتْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ
مِنْ أَسْتَحْيَمٍ فَأَرْحَمِ اللَّهُ وَأَتَّكَلُ

که چنانچه در آن روزها می رخت می رخت
دوید و بیاورد

العظام حج المسالك الى الخيم

طال حوائصه في الحيات

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين أجمعين

کتابخانه عمومی

وَلَا تَعْلَمُ فَضْلًا عَلَى عَمَلِكُمْ تَقْعَبِي تَقْدِيرَكَ وَأَنْ
 تَرْضِي بَحْثِي فَمَا قَسَمْتُ لِي وَأَنْ تَحْلُمَ مَا بَقِيَ
 مِنْ جَسَمِي وَعَمْرِي فِي سَبِيلِ طَاعَتِكَ أَنْكَ خَيْرُ
 الرَّاغِبِينَ إِلَيْهِمْ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ تَارِيعَاتِكَ
 بِهَا عَلَى مَنْ عَصَاكَ وَوَعْدَتِ بِهَا مَنْ صَدَفَ عَنْ رِضَاكَ
 وَمَنْ نَارُ نَوْرِهَا ظِلَّةٌ وَهَيْئَتُهَا أَلِيمٌ وَبَعِيدُهَا
 قَرِيبٌ وَمَنْ نَارُهَا كُلُّ عِضْدَةٍ تَقْضُو
 لِعِضْمِهَا عَلَى بَعْضٍ مِنْ نَارِ تَدْرِ الْعِظَامَ رَيْبًا

وَلَسْتُ أَهْلُهَا حَيْمًا مِنْ نَارٍ لَا تَبْقَى عَلَى مَنْ تَضَعُ
 إِلَيْهَا وَلَا تَرْحَمُ مَنْ اسْتَعْظَفَهَا وَلَا تَقْدِرُ عَلَى
 التَّخْفِيفِ عَنْ خَشَعِهَا وَاسْتَسْلَمَ إِلَيْهَا تَلْقَى سَكَا
 بِأَحْرَمِ الدِّينِ مِنْ أَلَمِ النِّكَالِ وَشَدِيدِ الْوَبَالِ
 أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِقَابِهَا الْفَاعِرَةِ أَفْوَاهُهَا وَجْهًا
 الصَّالِقَةِ بَابِهَا وَشَرَابُهَا الَّذِي يَقْطَعُ أَمْعَاءَ وَ
 سَكَبِهَا وَيَنْزِعُ فُلُوقَ بَحْرٍ فَاسْتَمِدَّ بِكَ الْمُبَاعِدُ
 وَأَخْرَعَهَا إِلَيْكَ صُلَّ عَلَى تَحْمِيلِ الدِّهْلِ وَاجْرِي فِيهَا

سَكَا

تَحْنُكَ وَقُلْتُ عَمَّا فِي حَسَنِ الْبُكَ لَأَتَّخِذَ
 بِأَخِيرِ الْجَمْعِ نَأْتِكَ فِي الْكُرْبَةِ وَأَعْطَى الْحَسَنَةَ وَ
 مَا تَرِيدُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِهِ إِذَا ذَكَرَ الْأَبْرَارُ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مَا لَا
 اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ صَلَوةٌ لَا يَنْقُطِعُ مَدُّهَا وَلَا
 عَدَدُهَا صَلَوةٌ تَشْحَنُ الْهَوَاءَ وَتَعْلَا الْأَنْفَاسَ
 وَالتَّوْبَةُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ حَتَّى يَرْضَى وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَآلَهُ بَعْدَ الرِّضَا صَلَوةٌ لَا حُدُودَ لَهَا وَلَا مَتْنَهُ

بِالرَّحْمَةِ الرَّحِيمِينَ وَكَانَ مِنْ دَعَائِهِ عَلَيْهِ
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ
 بِعَمَلِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَفْضَلِ بِالْخَيْرَةِ وَ
 أَمِنَّا مَعْرِفَةَ الْاِخْتِيَارِ وَاجْعَلْ ذَلِكَ ذَرْعًا
 إِلَى الرِّضَا بِمَا أَصْنَعُ لَنَا وَالتَّسْلِيمَ لِمَا خَلَقْتَ
 فَارْحَ عَنَّا رَبِّ لَا رَيْبَ لَكَ وَأَيُّهَا الْيَقِينُ
 وَلَا تَسْتَعْمِجْ بِالْمَعْرِفَةِ عَمَّا تَخْبِرُتُ فَغَطَّ قَدْ
 وَكَرَّهَ مَوْضِعَ رِضَا وَجَمَعَ إِلَى الْيَقِينِ أَعْلَمُ مِنْ

الثالث

بَقَضَائِكَ نَفْسِي وَوَسَّعَ بِمَوَافِقِ حُكْمِكَ صَدْرِي
 وَهَبْ لِي الثِّقَةَ لِأَتَوَعَّدَ بِهَا أَنْ تَقْضَاءَ لَكُمْ
 الْأَبَاحِيثُ وَأَجْعَلَ شُكْرِي لَكَ عَلَى مَا زَوَيْتَ
 عَنِّي أَوْ مَنَ شُكْرِي بِمَا كَسَلْتَنِي وَأَعْظَمَنِي
 مِنْ أَنْ أَظُنَّ بِذِي عَدَمٍ خِصَاصَةً أَوْ أَظُنَّ
 نُرُوءَ فَضْلِكَ فَإِنَّ الشَّرِيفَ مِنْ شَرَفِهِ طَا
 وَالْعَزِيزُ مِنْ عَزَمَتِهِ عِبَادَتُكَ فَضَّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَاللَّهُ وَمَتَّعْنَا بِشُؤْنِهِ لَا تُفْقِدُوا أَيْدِيَنَا بَعْدَ
 وَلَهُ

خُصَاصَةً
 بَيْنَ

وَلَهُ

فِي مَلَائِكَاتِكَ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّادِقِ الَّذِي
 لَا يُلْدِفُ وَلَا يُؤَلَدُ وَلَا تَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ
 كَانَ مِنْ دَعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا دَاخَلَ

لَكَ

إِلَى السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَسَمِعَ تَسْبِيحَ النَّاسِ أَنْ يَخْرُجَ

أَيْتَانِ مِنْ أَيْتَانِكَ وَهَذَيْنِ عَوْنَانِ مِنْ أَعْوَانِكَ
 يَتَدَارَا طَاعَتِكَ بِحِمَّةٍ نَافِعَةٍ وَفِيهِ
 صَارَةٌ فَلَا تُعْطَرُ نَافِعًا مِطْرًا تَوَكَّلْنَا
 بِمَا لَنَا بِرَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

عَمَّا سَمِعَ

عَلَيْنَا نَفْعَ هَذِهِ السَّحَابِ وَبَرَكَاتِهَا وَفِي
 عَنَّا إِذَا هِيَ وَضَعَتْهَا وَلَا تَضِبْنَا فِيهَا
 وَلَا تَرْسِلْ عَلَى مَعَانِينَا عَاهَةَ الَّتِي هِيَ
 كُنْتَ بَعَثْتَهَا نَفِثَةً وَأَرْسَلْنَا سَخَطَةً فَالْ
 تَحْيَاكَ مِنْ غَضَبِكَ وَتَبْهَلُ الْبَلَاءُ فِي سَعَا
 عَفْوِكَ فَعَلِ بِالْغَضَبِ إِلَى الْمَشْرُوكِ وَأَذْرِحِي
 نَفْسِكَ عَلَى الْمَحْدِثِ الَّتِي هِيَ أَهْبَاجُ بِلَادِنَا
 وَأَخْرِجْ صُدُورَنَا مِنْ رِقَابِنَا وَلَا تَغْلِبْنَا عَدَا
 جِرَ

بَعْدَكَ وَلَا تَقْطَعْ عَنْ كَافَّةِ مَادَّةِ بَرَكَاتِكَ
 الْغَنَى مِنْ غَنَائِكَ وَإِنَّ السَّالِمَ وَقْتُ مَا لَحَدَّ
 دُونَكَ دِفَاعٌ وَلَا يَأْخُذُ عَنْ سَطَوْنِكَ أَمِينٌ
 حَكْمٌ مَأْشُوتٌ عَلَى مَنْ شِئْتَ وَتَقْضِي مَا أَرَدْتَ
 فَمَنْ أَرَدْتَ فَلَكَ الْحَدُّ عَلَى مَا وَفَيْتَ مِنَ الْبَلَاءِ
 وَلَكَ الشُّكْرُ عَلَى مَا خَوَّلْتَنَا مِنَ الْغَنَاءِ حَمْدًا
 يُخَلِّفُ حَمْدَ الْحَامِدِينَ وَرَأَى حَمْدًا مِمْلًا
 أَرْضُهُ وَسَمَاءُهُ إِنَّكَ الْمَنَّانُ بِجِسْمِ النَّاسِ الْوَقْفَاءِ

اعظم النعم القابل لیس الحمد الشاکر
الشکر المحسن الجمیل والظول لا اله الا انت الیک
المصیر وكان من دعاء علی بن ابي طالب
بکنت

بالنقص غیر فای لی شکر اللهم ان احدا لا
یتبع من شکرک غایة الا حصل علیه من احسانک
ما یلزمه شکرک ولا یتبع مبلغا من طاعتک
وان اجمد الاکان مقصرا دون استحقاقک
بفضلك فاشکر عبادک عاجر عن شکرک
بکنت

الشیخ

واعبدوهم مقصرا عن طاعتک لا یح لحد
ان تعفلهما باستحقاقه ولا ان ترضی عنه
من عفت له فطولک ومن رضیت عنه
تشریک ما شکرته وثقی علی قلیل ما انطاع

فیه حتی کان شکر عبادک الذی وجبت
علیه ثوابهم واعظمت عنه جزائهم
ملکوا استطاعة الامتناع منه دونک فکانت
اولی بک من سببه بیدک فجازنهم بل ملک بالک
بکنت

أَمْ هُمْ قُلٌّ أَنْ يَمْلِكُوا أَعْيَادَكَ وَأَعْدَدَكَ
فَوَيْلٌ لِمَنْ يَعْصِي أَمْرًا وَيَنْصُرْ
فَوَيْلٌ لِمَنْ يَعْصِي أَمْرًا وَيَنْصُرْ
فَوَيْلٌ لِمَنْ يَعْصِي أَمْرًا وَيَنْصُرْ
فَوَيْلٌ لِمَنْ يَعْصِي أَمْرًا وَيَنْصُرْ

الْعَفْوُ كُلُّ الْبَرِيَّةِ مَعْرِفَةُ أَنَّكَ غَرَضُ الْإِنْسَانِ
وَسَاءَ مَا يَكُونُ مَعْرِفَةُ أَنَّكَ غَرَضُ الْإِنْسَانِ
وَسَاءَ مَا يَكُونُ مَعْرِفَةُ أَنَّكَ غَرَضُ الْإِنْسَانِ
وَسَاءَ مَا يَكُونُ مَعْرِفَةُ أَنَّكَ غَرَضُ الْإِنْسَانِ

عَلَى نَفْسِهِ بِالْقَصْرِ عَنِ التَّوَجُّهِ فَلَوْلَا أَنْ
يَخْتَلِعَ عَنْ غَرَضِكَ وَأَعْيَالِكَ غَامِرٌ وَلَوْلَا
أَنْدَ صَوْرَتِهِمْ الْبَاطِلُ فِي مَثَلِ الْحَقِّ مَا صَلَّ

طريقك

معد

طريقك ضال فبجالتك ما بين كرمك في معاليك
طريقك ضال فبجالتك ما بين كرمك في معاليك

أَوْ عَصَاكَ تَنْكَرُ لِلطَّبِيعِ مَا أَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ لَهُ
عَصَاكَ تَنْكَرُ لِلطَّبِيعِ مَا أَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ لَهُ
عَصَاكَ تَنْكَرُ لِلطَّبِيعِ مَا أَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ لَهُ
عَصَاكَ تَنْكَرُ لِلطَّبِيعِ مَا أَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ لَهُ

كَلَامُهَا بِمَا يَقْصُرُ عَنْهُ عِنْدَ وَلَوْ كَانَتْ لِلطَّبِيعِ
كَلَامُهَا بِمَا يَقْصُرُ عَنْهُ عِنْدَ وَلَوْ كَانَتْ لِلطَّبِيعِ
كَلَامُهَا بِمَا يَقْصُرُ عَنْهُ عِنْدَ وَلَوْ كَانَتْ لِلطَّبِيعِ
كَلَامُهَا بِمَا يَقْصُرُ عَنْهُ عِنْدَ وَلَوْ كَانَتْ لِلطَّبِيعِ

عَلَى مَا أَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ لَا أَوْشَكَ بِعَفْوِكَ أَنْ
تَوَلَّيْتَهُ لَعَنَتُكَ وَلَكِنَّكَ بِكَرَمِكَ جَادَيْتَهُ
عَلَى الْمَدَّةِ الْقَصِيرَةِ الْفَانِيَةِ بِالْمَدَّةِ الطَّوِيلَةِ
عَلَى الْمَدَّةِ الْقَصِيرَةِ الْفَانِيَةِ بِالْمَدَّةِ الطَّوِيلَةِ

وَعَلَى الْغَايَةِ الْقَرِيبَةِ الرَّائِلَةِ بِالْغَايَةِ الْمَدِيدَةِ
وَعَلَى الْغَايَةِ الْقَرِيبَةِ الرَّائِلَةِ بِالْغَايَةِ الْمَدِيدَةِ

طريقك

طريقك

طريقك

ان

الْبَاقِيَةُ لَمْ تَعْمُ الْقَصَاصُ فَمَا أَكْمَرْتُكَ
 بِأَقْبَرِ مِنْ نَهْمٍ نَحْيَ بِرَأْسِ عَوْصٍ ^{وَمَا أَكْمَرْتُكَ بِأَقْبَرِ مِنْ نَهْمٍ نَحْيَ بِرَأْسِ عَوْصٍ}
 الَّذِي يَقْوَى بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ وَلَمْ تَحْمِلْهُ عَلَى الْمَنَافَاةِ
 كَرِهَتْ يَدُكَ بَيْنَ بَرٍّ وَفَاسِقٍ ^{وَعَلَى نَهْمٍ نَحْيَ بِرَأْسِ عَوْصٍ}
 وَالْآلَاءُ الَّتِي تَسْبَبُ بِاسْتِعْمَالِهَا إِلَى مَغْفِرَتِكَ
 وَتَهْتِكُ بِهَا رُءُوسَ جَبَلٍ ^{بِكَارِ وَتَهْتِكُ بِهَا رُءُوسَ جَبَلٍ}
 وَلَوْ فَعَلْتَ ذَلِكَ بِهَذَا لَذَهَبَ بِجَمِيعِ مَا كَدَحَ لَهُ
 دَارُكَ بَدْوِي ^{وَأَبْنَى كَارِبُو دَارُكَ بِهَذَا لَذَهَبَ بِجَمِيعِ مَا كَدَحَ لَهُ}
 جُمْلَةً مَا سَعَى فِيهِ جَزَاءٌ لِلضَّرِيضِ مِنْ أَمَانِكَ
 وَتَحْمُومٍ ^{وَأَبْنَى كَارِبُو دَارُكَ بِهَذَا لَذَهَبَ بِجَمِيعِ مَا كَدَحَ لَهُ}
 وَمِنْكَ وَلَقَدْ رَهْنًا مِنْ يَدِكَ بِأَلْفِ تَعْمَلِ
 وَطَعْنٍ ^{وَأَبْنَى كَارِبُو دَارُكَ بِهَذَا لَذَهَبَ بِجَمِيعِ مَا كَدَحَ لَهُ}
 فَتَى كَانَ لَيْسَ تَسْبَابُ مِنْ نَفْلِكَ لَأَمْتِي هَذَا يَا
 إِلَهِي حَالُ طَاعَتِكَ وَسَبِيلُ مَغْفِرَتِكَ
 ضَاغِي ^{وَأَبْنَى كَارِبُو دَارُكَ بِهَذَا لَذَهَبَ بِجَمِيعِ مَا كَدَحَ لَهُ}

بَقِيَّةُ الْقَصَصِ
 كَلَّمَ اللَّهُ نَارِي وَنَارِي
 وَنَارِي وَنَارِي

فَلَمَّا الْغَاصِي أَمَرَكَ وَالْمَوَاقِعُ تَصَبَّكَ فَلَمْ تَعَاظِلْهُ
 لَهْلَهَ وَنَارِي وَنَارِي ^{وَأَبْنَى كَارِبُو دَارُكَ بِهَذَا لَذَهَبَ بِجَمِيعِ مَا كَدَحَ لَهُ}
 بِنَفْسِكَ لَكَ تَسْتَدِلُّ بِحَالِهِ فِي مَعْصِيَتِكَ جَالِدًا
 بِوَقْفِكَ ^{وَأَبْنَى كَارِبُو دَارُكَ بِهَذَا لَذَهَبَ بِجَمِيعِ مَا كَدَحَ لَهُ}
 إِلَى طَاعَتِكَ وَلَقَدْ كَانَ لَيْسَ تَقُولُ مَا هُمْ
 كَلَّا ^{وَأَبْنَى كَارِبُو دَارُكَ بِهَذَا لَذَهَبَ بِجَمِيعِ مَا كَدَحَ لَهُ}
 كُلُّ أَعْدَدْتَ لِمَجْمُوعِ خَلْقِكَ مِنْ عَقُوبَتِكَ شَرِيعٌ
 مَا أَخْرَجَتْ عَنْهُ مِنَ الْعَذَابِ وَأَبْطَلَتْ بِهِ عَلَيْهِ وَقُتْ
 مِنْ سَطَوَاتِ النِّقْمَةِ وَالْعِقَابِ تَرَكْ مِنْ حَقِّكَ
 وَرَضَابِدُورٍ وَاجِبِكَ فَنَ كَرَمِ اللَّهِ مِنْكَ
 مِنْ شَيْءٍ مِنْ هَلِكِ عَلَيْكَ لَأَمْنٍ فَنَارَكَ أَنْ تَوَدَّ
 نَارِي ^{وَأَبْنَى كَارِبُو دَارُكَ بِهَذَا لَذَهَبَ بِجَمِيعِ مَا كَدَحَ لَهُ}

بَقِيَّةُ الْقَصَصِ
 كَلَّمَ اللَّهُ نَارِي وَنَارِي
 وَنَارِي وَنَارِي

إِلَّا بِالْإِحْسَانِ وَكَوَسَّانِ بِخَافٍ مِنْكَ إِلَّا الْعَدْلَ

لا يَحْتَسِبُ جُورَكَ عَلَى مَرْعَاكَ وَلَا يَخَافُ عِقَابَكَ

نَوَابٍ مِنْ أَرْضِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَهَبْ

أَمْلِي وَزِدْنِي مِنْ هَذَا مَا أَهْلُهُ إِلَى التَّوْبَةِ

فِي عَمَلِكَ مِنْكَ كَرِيمٌ وَكَانَ مَرْدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

فِي الْإِعْتِذَارِ مِنْ بَعْضِ الْعِبَادِ

الْمُقَصِّرُ فِي حَقِّهِمْ فِي وَكَالِهِ

وَسَلَّمَ اللَّهُ إِلَى أَعْيُنِكَ مِنَ الْمَلُومِ ظَلَمَ

بِرِضَايَا بَدِيٍّ كَرَّمَ عَظِيمُ بُوِي تَوَاضَعْتُ لِعِزِّهِ

تأخر

اعتذر

اللَّهُ بِحُضْرَتِي فَلَمْ أَنْصُرْهُ وَمِنْ مَعْرُوفِ اسْتِغْنَى

إِلَى فَلَمْ أَشْكُرْهُ وَمِنْ مَسِيءِ اعْتَذَرَ إِلَيَّ فَلَمْ أَعِذْ

وَمِنْ ذِي فَاقَةٍ سَأَلْتِي فَلَمْ أَوْفِرْهُ وَمِنْ عَيْبِ مَنْ

ظَهَرَ لِي فَلَمْ أَشْتُرْهُ وَمِنْ كَلَامِ غَضَبِ

لِي فَلَمْ أَهْجُرْهُ اعْتَذَرَ إِلَيْكَ يَا إِلَهِي مِنْهُمْ وَمِنْ

نَظَائِرِهِمْ اعْتَذَرَ لَدَائِمَةٍ يَكُونُ وَأَعْظَمُهَا

بَيْنَ يَدَيْكَ أَشْبَاهُهُمْ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

بَيْنَ يَدَيْكَ أَشْبَاهُهُمْ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

بَيْنَ يَدَيْكَ أَشْبَاهُهُمْ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَأَجْعَلْ ذِمَّتِي عَلَى مَا وَفَعْتَ بِنَفْسِي مِنَ الزَّلَّاتِ

وَعَنِي عَلَى تَرْكِ مَا يُعْرِضُ لِي مِنَ الْيَقَاتِ

تَوْبَةٍ تَوْجِبُ لِي مَحَبَّتَكَ يَا مُحِبَّ التَّوَّابِينَ

وَكَانَ دُعَاؤُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ طَلِبَ الْعِلْمِ وَالْحِكْمَةِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكَثِّرْ لَنَا

عَنْ كُلِّ حَجْمٍ وَأَذْرِ حَوْصِي عَنْ كُلِّ مَانَةٍ

أَمْنِي عَنَّا يَا كُلَّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ وَمُسْلِمٍ

وَسَلِّمَةٍ اللَّهُمَّ وَأَتِمَّا عَبْدَنَا لِمَنِي مَا حَظَّتْ

عَلَيْهِ

السلام

عَلَيْهِ وَأَتِمَّا نَفْسِي مِمَّا حَجَرْتَ عَلَيْهِ فَصِي

بِطَلَامِي مِمَّا أُوحِصَتْ لِي قَبْلَهُ جَانًا غَفِرَ

الْمَرِيءُ مِنِّي وَأَعْفُ لِعَمَّا أَرَبِيهِ عَنِّي وَلَا تَقْهَرْ

عَلَيَّ مَا أَرْتَكِبُ فِي وَلَا تَكْنِيفُهُ عَمَّا كَسَبْتُ وَأَجْعَلْ

مَا سَمِعْتُ بِهِ مِنَ الْعَفْوِ عَنْهُمْ وَتَبَرَّعْتُ بِهِ مِنْ

الصَّدَقَةِ عَلَيْهِمْ أَزْكَى صَدَقَاتِ الْمُصْذِقِينَ

وَأَعْلَى صَلَاتِ الْمُتَقَرِّبِينَ وَعَوِّضِي مِنْ عَقُوبَاتِي

عَنْهُمْ عَفْوًا وَمِنْ دُعَائِي لَهُمْ رَحْمَةً حَتَّى

تُغْفِرَ لِي

حجرت

سَعِدَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا بِفَضْلِكَ وَتَجَوَّعُوا كُلُّهُمْ
 بِكَ اللَّهُمَّ فَلَمَّا عَمِدَ مِنْ عَمِيدِكَ أَذْرَكَ
 مِنِّي ذِكْرَكَ أَوْ مَسَدَ مِنْ نَاحِيَّتِي أَوْ لَحِقَهُ
 بِي أَوْ سَبَى ظَلَمَ نَفْسَهُ بِحَقِّهِ أَوْ سَبَقَهُ
 فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَرْضِهِ عَنِّي مِنْ وَجْدِكَ
 وَأَوْفِدْ حَقَّكَ مِنْ عِنْدِكَ لَمْ تَقْنِي مَا بَوَّحْتَ لِحُكْمِكَ
 وَخَلَقْتَنِي فَمَا حَكَمْتَنِي بِهِ عَدْلًا فَإِنْ قَوْلِي لَا يَسْتَقِلُّ
 بِقَبْلِكَ وَإِنْ طَأْتِي لَا تَنْقُضُ مَخْطَاكَ فَلْيَاكُ
 عَوْنِي يَا

انْ تَكْفِي الْحَقَّ تَهْلِكُ وَلَا تَعْدِي بِرَحْمَتِكَ
 اللَّهُمَّ انْ اسْتَوْهَيْتَ بِالْحَقِّ مَا لَا يَفْضُلُ بَدَلَهُ
 وَاسْتَحْلَمْتَ مَا لَا يَسْهَى ظَلَمَ حَمَلَهُ اسْتَوْهَيْتَ بِالْحَقِّ
 فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَرْضِهِ عَنِّي مِنْ وَجْدِكَ
 وَأَوْفِدْ حَقَّكَ مِنْ عِنْدِكَ لَمْ تَقْنِي مَا بَوَّحْتَ لِحُكْمِكَ
 وَخَلَقْتَنِي فَمَا حَكَمْتَنِي بِهِ عَدْلًا فَإِنْ قَوْلِي لَا يَسْتَقِلُّ
 بِقَبْلِكَ وَإِنْ طَأْتِي لَا تَنْقُضُ مَخْطَاكَ فَلْيَاكُ
 عَوْنِي يَا

وَوَكَّلْ رَحْمَتَكَ بِاحْتِمَالِ اَصْرِي فَكَمُ قَدْ حَقَّتْ
 رَحْمَتُكَ بِالْمُسْتَشْرِ وَكَمُ قَدْ شَمِلَ عَفْوُكَ الظَّالِمِينَ
 فَضَّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَهُ وَاجْعَلْنِي اَسْوَدَ مِنْ قَدْ
 تَحَاوَزَكَ عَنْ مَصَارِعِ الْخَاطِئِينَ وَخَلَصْتَهُ
 بِتَوْفِيقِكَ مِنْ وَرَطَاتِ الْجُرْمِ فِي نَاصِحِ طَلِيقٍ
 عَفْوِكَ مِنْ اَسَارِ سَخَطِكَ وَعَقِبْ صُغْرِكَ مِنْ وَا
 عَذْلِكَ اِنَّكَ تَفْعَلُ ذَلِكَ يَا اَلَهِي تَفْعَلُهُ عَمَلًا
 بِحَقِّ اسْتِحْقَاقِ عَفْوَتِكَ وَلَا يَرَى نَفْسُهُ
 اَنْ

مِنْ اسْتِحْقَاقِ نَفْسِكَ تَفْعَلُ ذَلِكَ يَا اَلَهِي مِنْ خَوْفِكَ
 اَكْثَرُ مِنْ طَعْدِكَ فَيْكَ وَمِنْ يَأْسٍ مِنَ النِّجَاحِ اَوْ
 مِنْ رَجَائِهِ الْخَلَاصِ لِأَنَّهُ يَكُونُ يَأْسُهُ قَطْعًا
 اَوْ اَنْ يَكُونَ طَعْدُهُ اَعْتِرَازًا لِقِلَّةِ حَسَنَاتِهِ مِنْ
 وَضْعِهِ حُجَّتِهِ فِي جَمِيعِ تَبَعَاتِهِ فَاَمَّا اَنْتَ يَا اَلَهِي فَاَمَلٌ
 اَنْ لَا يَغْتَرَّ بِكَ الصِّدِّيقُونَ وَلَا يَأْسُ مِنْكَ الْمُجْرِمُونَ
 لِأَنَّكَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ الَّذِي لَا يَمْنَعُ لِحَدِّ قَضَائِهِ
 وَلَا يَنْتَقِصُ مِنْ اَحَدٍ حَقُّهُ اَعَالَى ذِكْرِكَ عَنِ الذُّكُورِ

هذا العن

اوان يكون طاهر

ا

وَقَدْ سَمَّاهُ الْعَنُ الْمُسَوِّبُ وَفَسَّيْتُ عَنْكَ
فِي جَمِيعِ الْخَلُوفِ فَلَا تَحْذَرِ عَلَى الْكِبَارِ الْعَالَمِينَ

وَكُلَّ مَنْ فِي عَالَمِ الْعَالَمِينَ إِذَا نَعَى الْغَيْثَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكَفِّطُوا لِمَنْ لَمْ يَنْقُصْ
عَنَّا بِعِدَّةِ الْعِلَاجَةِ لَا نَأْمِلُ اسْتِغْنَاءَ سَاعَةٍ

سَاعَةٍ وَلَا اسْتِغْنَاءَ يَوْمٍ بَعْدَ يَوْمٍ وَلَا انْقِصَالِ

نَفْسٍ نَفْسٍ وَلَا حُوقٍ قَدِمَ بِقَدَمٍ وَسَلَّمْنَا مِنْ عَزْوَرِ

وَأَمَّا مِنْ شُرُورِهِ وَأَضْبَتِ لِلْمَوْتِ بَيْنَ يَدَيْهَا

وَلَمْ يَجْعَلْ

وَلَمْ يَجْعَلْ ذِكْرًا لَهُ غِيَا وَلَمْ يَجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ أَعْمَالِ

عَلَّا نَسْتَطِيعَ مَعَهُ الْمَصِيرَ إِلَيْكَ وَنَحْضُرَ لَكَ عِلًا

وَشَكَ الْهَاقُ بِكَ حَتَّى يَكُونَ الْمَوْتُ مَا نَسْنَا

نَأْسُ بِهِ وَمَا لَنَا الَّذِي لَشَقَاؤُكَ الْيَدِ وَحَامِلُنَا

الَّذِي خَبَّ الدُّنْيَا فَاذِ ارْتَدَّتْ عَلَيْنَا وَأَنْزَلَتْ

بِنَا فَاسْعَدْنَا بِهِ زَائِرًا وَأَنْسَانِيهِ قَادِمًا

وَلَا تُشْقِيَا بِيضِيَّاتِهِ وَلَا تُخْزِنَا بِزِيَّاتِهِ وَاجْعَلْهُ

بَابًا مِنْ أَبْوَابِ مَغْفِرَتِكَ وَمِفْتَاحًا مِنْ مِفْتَاحِ جَنَّاتِكَ

آمِنًا مُصَدِّقًا لِّغَيْرِ صَلَاتِهِنَّ طَائِعِينَ غَيْرِ مُسْتَكْرِبِينَ
 وَاَتَيْنَ غَيْرَ عَاصِيَةٍ وَلَا مُصِيبَةٍ بِإِضَافَةٍ
 الْمُحْسِنِينَ وَمُسْتَقْلِعًا عَمَلِ الْمُسْلِمِينَ **وَكُلٌّ مِنْ**
عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَلَبِ التَّوْبَةِ وَاللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْرِضْ شَيْءًا مِمَّا دَكَرَ مِنْكَ وَأَوْزَرَ
مُنَافِعَ رَحْمَتِكَ وَلَحْلَلْنِي مَجْبُوحَةَ حَبِيبِكَ
وَلَا تَسْمِنِي بِالرَّدِّ عَنْكَ وَلَا تَحْمِنِي بِالْحَبِيبَةِ مِنْكَ
وَلَا تَقَاصِنِي عَمَّا اخْتَرَحْتَ وَلَا تَقْصِنِي عَمَّا

بعين
 الخلد

اَلْكَتَبُ وَلَا تَبْرُزْ مَلَكُوتِي وَلَا تَكْتَفِ مُسْتَوْرِي
 وَلَا تَحْمِلْ عَلَيَّ مِيزَانِي لَا يَصَافُ عَلَيَّ وَلَا تَعْلَجْ
 عِيُونَ الْمَلَأَ خَبْرِي اخْفَعْ عَنْهُمَا لِيَكُونَ لَشْرِي
 عَلَيَّ عَارًا وَأَطِيعْنِي مَا لِيَحْقُقَ عِنْدَكَ شَارِئِي
 دَرَجَتِي بِرِضَاكَ وَكُلِّ لِي أَمْتِي بِعَفَاكَ وَنَظْمِي
 فَاَصْحَابِ الْيَمِينِ وَوَجْهِي فِي مَسَالِكِ الْإِمْنَانِ
 وَاجْعَلْنِي فِي نَوَاجِزِ الْفَائِزِينَ وَأَعْمُرْ لِي مَجَالِسَ
 الصَّالِحِينَ آمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ **وَكُلٌّ مِنْ**

تاج العبد

وجعلته
وغيره ما شاء

دُعَاءُ عَبْدِكَ مُحَمَّدٍ **بِقُرْآنِكَ** اللَّهُمَّ أَنْتَ أَعْتَنِي

عَلَى خَيْرِ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ نُورًا مَعِينًا

وَجَعَلْتَهُ عَلَى كُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ وَفَضَلْتَهُ

عَلَى كُلِّ حَدِيثٍ قَصَصْتَهُ وَفَرَقَانَا فَرَقْتَهُ

بَيْنَ خَلَائِكَ وَحَرَامِكَ وَقَرَأْنَا اغْرَبْتَهُ عَنْ

شَرَائِعِ أَحْكَامِكَ وَكِتَابًا فَضَلْتَهُ لِحَادِثِكَ

وَوَحْيًا أَنْزَلْتَهُ عَلَيَّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ

وَالَّذِي أَنْزَلْتَهُ وَجَعَلْتَهُ نُورًا مَسْكُومًا مِنْ ظُلْمِ

الضلال

العبد

الصَّلَاةِ وَالْجَمَالَةِ بِاتِّبَاعِهِ وَشَفَاءٍ مِنْ

أَنْتَ لَفَعْتَ التَّصَدُّقَ إِلَى اسْتِغَاةٍ وَمِيرَا

قِطْطًا لَا يَحِفُّ عَنْ الْخَوَلِ سَانَهُ وَنُورٌ هَدَى

لِطَفَاعِ الشَّاهِدِ بِنُورِهِ وَفَضْلُهُ لَا يَحِلُّ

مَنْ لَمْ يَصْدُقْ شَيْئًا وَلَا تَأَلَّاهُ أَيْدِي الْحُكَّامِينَ

بِعُرْوَةِ عِزِّهِ اللَّهُمَّ فَإِذَا دَفَعْنَا الْمُعَاوَنَةَ عَلَى

وَسْمَلْتِ جَوَاسِي السُّنَيْنَا بِحَسَنِ عِبَادَتِهِ فَاجْعَلْنَا

مِنْ بَرِيْعَةِ خَوَرِ عَابَتِهِ وَبَدِنِ لَكَ بِاعْتِقَادِ

السلام

بالحکم

لحمك اياته وبقية الايام عتبه بياته اللهم
 انك اترته على نبيك محمد صلى الله عليه واله محمدا
 والحمد لله على عبادته محمدا وورثته عليا
 وفضلنا على من جعل عليه وقوتنا عليه
 فوف من لم يطق حمله اللهم فمما جعلت قلوبنا
 له حمله وقرينا بجمالك شرفه وفضله فقل
 على محمد وال خطبته وعلى اله الخزان له واحطنا
 من بعثه واثابه من عندك حتى لا تطارضا
 من بعدك

بالحکم

الحمد

في تصديقك ولا تخليجنا الزرع عن
 قصد طريقتك اللهم صل على محمد وآله
 واجعلنا ممن يعصم بحمله وبأولي
 من الشياطين الى حوز معقيله وبكر
 في ظل جناحه ويهدي بضوء صبا
 ويقدي بسبل اسفاره ويبصيح
 ولا يلقن الهدى في غيره اللهم

بالحکم

وَكَمَا صَبَتْ بِهِ مُحَمَّدًا عَلَمَاً لِلدَّلَالَةِ عَلَيْكَ

همانکه بر او نازل شد بر او رسالت کرد بر تو

وَأَهْجَتْ بِالرَّسُولِ الرِّضَا إِلَيْكَ فَصَلِّ

و انچه را که نجاتی به آن دو راهی نمودی را بوی خود بر او

عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِيلَةً

بر محمد و آن دو و بگردان قرآن را وسیله

لَنَا إِلَى أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْكَرَامَةِ وَسَلَامًا

بر ما به بوی بهترین منزلهای کرامت و زودانی

نُخْرِجُ فِيهِ إِلَى حَيْلِ السَّلَامَةِ وَسَبَابِ حُجْرَتِهِ

که ما در آن بوی جلاله سوسات و سبب که بپوشد

بِهِ الْجَنَّةَ فِي عَرَصَةِ الْفَيْمَةِ وَذُرْعَةِ بَيْتِهِ

آن را مستطوری در عرصه فایم و ذرعه که اندام

يُهَا عَلَى نَعِيمٍ دَائِرِ الْمَقَامَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ

آن را بر نعمتی دایره مقامه اللهم صل

بِهِ رَغِيَّتِ سَرْدِي أَهْمَتِ بِرَحْمَةِ رَحْمَتِكَ

به رغبت سردی آهمت بر رحمت رحمتت

عَلَيْهِ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ وَاحْطُطْ بِالْقُرْآنِ عَنَّا نَقْلًا

بمحمد بر آن دو و بحدود قرآن بر ما نقل

الْأَوْزَارِ وَهَبْ لَنَا حُسْنَ تَمَائِيلِ الْأَبْرَارِ

گناهان را و بخش ما بگوشت حسن امثال بندگان

وَأَقِفْ بَيْنَا أَنَارَ الَّذِينَ فَأَمَّا مَوْلَاكَ بِهِنَانَا

ایستای ما را میان آتش کسانی که است و سر برای تو بخت ما

اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ حَتَّى تَطْهَرَ نَا مِنْ كُلِّ

شب و کنارهای روز و هر یک که کردی از ما را

دَنَسٍ يَطْهِيهِهِ وَتَقْضِي بَيْنَا أَنَارَ الَّذِينَ

هر که پاک کند بپوشد آن و بر ما میان آتش کسانی که

بَنُورِهِ وَلَمْ تَلْجِئْهُمْ الْأَمْلَ عَنِ الْعَمَلِ فَيَقْطَعُ

بناور آن و نگذاشتی آنرا از عمل قطع کند بپوشد

مُخْلِجٍ غُرُوبِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالزَّوَالِ

بمحمد و غروب آن اللهم صل بر محمد و الزوال

بِهِ رَغِيَّتِ سَرْدِي أَهْمَتِ بِرَحْمَةِ رَحْمَتِكَ

به رغبت سردی آهمت بر رحمت رحمتت

الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظُلُمٍ اللَّيْلِ مَوْفِيًا وَمِنْ نَارِ
 الْقُرْآنِ رَا نَرِي مَا نَرِي بِمَكِيدِ الشَّيْطَانِ
 الشَّيْطَانِ وَخَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ حَارِسًا
 شيطان و خطرات وساوس نگاهبان
 وَلَا مَدَامِنَاعَ نَفْلِنَا إِلَى الْمَعَاجِ حَابِسًا
 و از برای تدفین ما از فضل بری کنان
 لَا لَيْسِنَا عَنِ الْخَوْضِ فِي الْبَاطِلِ مِنْ غَيْرِنَا
 از برای زنده شدن ما از خور و رفتن در باطل از غیر
 أَفِي مَحْرَسًا وَبِحَوَارِجِنَا عَنِ افْتِرَافِ الْأَنَامِ
 افی نگه داشتن و از برای حفظی از کفر کنان
 زَلِجْرًا وَلِمَا طَوَّبَ الْعَقْلُ عَنَّا مِنْ تَصَيُّغِ الْأَفْسَانِ
 زنجیر کننده و از برای آنچه در عقل از ما از تصنیف افسانه
 نَاسِرًا حَتَّى تُوصَلَ إِلَى فَلَوْنَاهُمْ عَجَائِبُ وَفَدَا
 کننده تا بهیچ راهی نرسد و از برای هدایت عجاایب و فدای

أَمَّا لِي الَّتِي ضَعُفَ الْجِبَالُ التَّوَّاسِي عَلَى
 اما ای من که کوهها بر من استوارند
 صَلَاتُهَا عَنْ إِخْمَالِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 صلتی از خدا بر او ای خداوند محمد
 وَإِلَيْهِ وَادِمَ بِالْقُرْآنِ صَلَاحَ ظَاهِرِنَا وَاجِبُ
 و به او و دائم در قرآن صلاح ظاهر ما و واجب
 بِهِمْ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ عَنْ صَحَّةِ ضَمَائِرِنَا
 بآن خطرات وساوس را از صحت ضمیر ما
 بِهِمْ دَرَنَ قُلُوبِنَا وَعَلَائِقُ أَوْزَارِنَا وَاجْمَعْ بِهِ
 بآن چرخ دلها و علقه کتافان ما و فراهم آور
 مُنْتَهَى أُمُورِنَا وَارْوِ بِقِي مَوْقِفِ الْعَرَضِ
 منتهای کارهای ما و بر آب زبون در موقف عرض
 عَلَيْكَ ظِلْمًا هُوَ أَجْرُنَا وَاسْتِغْنَاءُ حُلَلِ الْأَمَانِ
 بر تو تشنگی که پاداش ما و استغنای حلال امان

روز شنبه بزرگ در این کتبخانه بود و در آن روز

وہاں اور وہاں کن کن بھڑاں درویشی برا از عدم استبداد

دردان کن بکای تابان مراغی عشق و وفا میت و سفت روز بهیا

مردود در غارهای ان از خوبیهای نگه میداره و پستیهای قدیمه

و نه در باران از کوه عشتی کفر و در اعماق نفاق

شده اند و اینها را در وقت ظهور در آنجا خواهند یافت

گفتند و از سرور و رضا برخاستند و در گذشتند

۱۰۰

از حدود و تنوع فتنه دانه برای آنچه نزدیک است بکمال کردن حلال

و حکام کردن عوام آن کو ایی دهنده بارضایا رعیت بخت بر مجور و برآل

دستان کن بقران نژاد ملک بر نفسهای، اندوه

السَّابِقِ وَجَهْدَ الْآيِنِ وَتَرَادُفَ الْحَشَارِ

و متفق باشد که در این باب در پند کردن قریب

مردم پرسید چه شد بجنبره ای کردی و گفته بود که گریه می کنی

دختر شود فرشته ملک / در جهانی که خلق اندازد برده ای غیبی

و انچه از انهاره از گمان هر که بشناید بحث فرق

وَدَافَ لَهَا مِنْ دُغَائِفِ مِرَاسَةِ الْمَوْتِ كَاسًا

و منبته اندر برای این که از زهر تیغ مرگ بجای

سَمُومَةِ الْمَذَاقِ وَدَنَا مِنَّا إِلَى الْآخِرَةِ رَجُلًا

که زهر المذوق چشیدن آن و نزدیک شدن از برای آخرت

وَإِنْ طَلَّقَ وَصَارَتْ الْأَعْمَالُ فَلَا تَنْفَعُ إِلَّا

در و انشاید و بگردد کردارها فواید در گذشت

وَكَانَتْ الْقُبُورُ هِيَ الْمَأْوَى إِلَى مَنَاقِبِ يَوْمٍ

و باشد قبرها در احوال استقامت روز

الْتِدَادِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَبَارِكْ لَنَا

عزت و باریک بدار خداوند رحمت بر محمد و آل او و مبارک کن ما را

فِي حُلُولِ دَارِ الْبَلَى وَطَوْلِ الْمَقَامَةِ بَيْنَ

در حسمه و آمدن بخانه کینه و دورانی اقامت در میان

أَطْبَاقِ الثَّرَى وَلَجْعَلِ الْقُبُورَ بَعْدَ قِرَافِ

طبقهای خاک و بگردان قبرها را بعد از فراوان

الدنيا

حمد العبد

الْدُنْيَا خَيْرَ مَنَازِلِنَا وَافْتَحْ لَنَا بِرَحْمَتِكَ فِي ضَيْوِ

دنیا بهترین منزلهای ما و گشاید برای ما به نور رحمت تو

مَلَأِ حِدَانَا وَلَا تَقْصُصْنَا فِي حَاضِرِي الْقِيَمَةِ نَبِيًّا

ملأی ما و در سوگواری ما در میان حاضران روز قیامت نبی

أَتَانَا وَأَرْحَمِ بِالْقُرْآنِ فِي مَوْقِفِ الْعَرْشِ عَلِيًّا

آید ما را و مهربانتر از قرآن در موقف عرش علی

ذُلَّ مَقَامُنَا وَتَبَيَّنَ بِرَعْدٍ إِذَا خِطَبَ ابْنُ حَبِشٍ

خوار شد مقام ما و آشکار شد با رعد از نزد فرزند حبش

جَهَنَّمَ يَوْمَ الْجَازِ عَلَيْهِمْ أَزَلُّ أَقْدَامِنَا وَنَجِّنَا

جهنم در روز که بر ایشان است از پاهای ما و نجات ما را

بِهِ مِنْ كُلِّ كَرْبٍ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَشَدَائِدِ أَهْوَالِ

و از هر اندوه و در روز سختی و در سختیهای هولناکی

يَوْمِ الطَّامَةِ وَبَيْضِ وَجْهِهَا يَوْمَ نُودِ وَجْهَهُ

روز غلبه کننده و سفید کنی روهای ما روزی که بر او نود و چهره

الظلمة في يوم الحسرة والتدابر واجعل لنا
 ستم کاران در روز حسره و تدابر و بگردان از برای
 في صدور المؤمنين وذا ولا تجعل الحيرة
 در سينه ي مؤمنان و زحمت را در گردان دشمنان را
 علينا انك اللهم صل على محمد عبدك ورسولك
 بر ما رنجي يا خدايا رحمت خیر بر محمد كه خیر تو و خیر ما است
 كما بلغ رسالتك وصدق بامرك ونصح لوعبك
 چنان كه رسالت خدایم تو را و اطاعت كرد او تو را و بند او را بنده است
 اللهم اجعل بيننا صلواتك علينا وعلى اله
 يا خدايا بگردان بفرستاد و رحمتی تو بر او باد و بر آل او در روز
 القيمة اقرب اليك منك مجلسا وامكهم
 خیر نزد تو من بفرستاد بخود داشتن و بگردان
 منك شفاعة واجلهم عندك قدرا واجهم
 اینان نزد تو در شفاعت بزرگتر از این نزد تو نزدی که در شفاعت بزرگتر

عندك

الحسرة

عندك جاما اللهم صل على محمد وآل محمد وشرف
 نزد تو از برای منزلت با خداوند رحمت بر آل محمد و بزرگوار
 بنيانه وعظم برهانه ونقل ميزانه وقبيل شفا
 بنيان او را و بزرگوار كن حججه او را و گردان كن ترازوي او را و بزرگوار كن
 وقرب وسبله وبيض وجهه وائم نوره و
 نزد تو كن گردان و سید او را و خیر گردان از برای او را و تمام كن نور او را و سید
 در حجة واجنا على شئبه ونوقنا على ملتبه
 او را در حجة او را و نوقنا او را بر ملت او را و بزرگوار او را بر روی او
 فخذنا منها جه واسلك بنا سبيله واجعلنا من
 او را بگردان بر او او را و بزرگوار او را و بزرگوار او را و بزرگوار او را
 اهل طاعته واخشنا في ربه واولي دناخه
 اهل طاعت او را و بزرگوار او را و بزرگوار او را و بزرگوار او را و بزرگوار او را
 واسئنا بكاسيه وصل اللهم على محمد وآل صلوة
 و اسئنا بر کاسی او را و بزرگوار او را و بزرگوار او را و بزرگوار او را و بزرگوار او را

منها جه

اهل طاعته

کہ برہنہ اور اسبب اللہ بہتری الخ صید و تارود از غیر تو و فضل تو

اور اسے تو بدلتی کہ تو عجب اہل عرفانی و احسان بن کر گئی

بار خدا یا جزاده اورا یا کچھ مانیدہ است از بیگناہ تو داد اگر است از اینها

دینداران نیست مریضه کای تو را و کار زنده کردی است در راه تو بهترین ایچنه

خود داده کسی را از خورشیدستان مقرب خود و بهمان

دکتر بهمنی و دکتر خرمشیر

وَعَلَىٰ آلِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

100

ای فریاد: قسم من بدار تعب کشنده شد و تقاریر و کشنده و در منزلت

تقدیر تعرف کننده در خلک تدبیر گردیده ام با کمال روش

بچه بنام میهدا و داغ کرد بنو امور شسته را و کرد تهنیت و ان شاء الله

پادشاهی خود و عدلی از عده توانایی سبط خود و فخر خود

زیاده شدن و کم شدن و جابجایی و خورد رفتن و خورد شدن

والكسوف في كل ذلك أنت له مطيع

تاليف

در آلوده اور ششانه پاک است او چه عجیب اینچه بزرگوار در امر تو

درجه لطیف است و اندک کرده است در کار تو
کرد و اند تو را کعبه

تازه از برای کار تازه میں تعلیم از خدا یی کہ بر دوزخ

و در روز دوازدهم از این میندخت و انداز میندخت

والتاريخ المذكور في المتن المذكور

2000

افغانستان د سولې د راتلونکې نړۍ د لامل په توګه

که نفس در او نباشد و میبشود که سر نخ
با آن باشد و بیانی که نماند

دستار بی و نیکی که اینجمله نذر آن بی هلال آیتنی و ایمان

دستور و جهان دستوری و اسلامی خداوند

طه

1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24 25 26 27 28 29 30 31 32 33 34 35 36 37 38 39 40 41 42 43 44 45 46 47 48 49 50 51 52 53 54 55 56 57 58 59 60 61 62 63 64 65 66 67 68 69 70 71 72 73 74 75 76 77 78 79 80 81 82 83 84 85 86 87 88 89 90 91 92 93 94 95 96 97 98 99 100 101 102 103 104 105 106 107 108 109 110 111 112 113 114 115 116 117 118 119 120 121 122 123 124 125 126 127 128 129 130 131 132 133 134 135 136 137 138 139 140 141 142 143 144 145 146 147 148 149 150 151 152 153 154 155 156 157 158 159 160 161 162 163 164 165 166 167 168 169 170 171 172 173 174 175 176 177 178 179 180 181 182 183 184 185 186 187 188 189 190 191 192 193 194 195 196 197 198 199 200 201 202 203 204 205 206 207 208 209 210 211 212 213 214 215 216 217 218 219 220 221 222 223 224 225 226 227 228 229 230 231 232 233 234 235 236 237 238 239 240 241 242 243 244 245 246 247 248 249 250 251 252 253 254 255 256 257 258 259 260 261 262 263 264 265 266 267 268 269 270 271 272 273 274 275 276 277 278 279 280 281 282 283 284 285 286 287 288 289 290 291 292 293 294 295 296 297 298 299 300 301 302 303 304 305 306 307 308 309 310 311 312 313 314 315 316 317 318 319 320 321 322 323 324 325 326 327 328 329 330 331 332 333 334 335 336 337 338 339 340 341 342 343 344 345 346 347 348 349 350 351 352 353 354 355 356 357 358 359 360 361 362 363 364 365 366 367 368 369 370 371 372 373 374 375 376 377 378 379 380 381 382 383 384 385 386 387 388 389 390 391 392 393 394 395 396 397 398 399 400 401 402 403 404 405 406 407 408 409 410 411 412 413 414 415 416 417 418 419 420 421 422 423 424 425 426 427 428 429 430 431 432 433 434 435 436 437 438 439 440 441 442 443 444 445 446 447 448 449 450 451 452 453 454 455 456 457 458 459 460 461 462 463 464 465 466 467 468 469 470 471 472 473 474 475 476 477 478 479 480 481 482 483 484 485 486 487 488 489 490 491 492 493 494 495 496 497 498 499 500 501 502 503 504 505 506 507 508 509 510 511 512 513 514 515 516 517 518 519 520 521 522 523 524 525 526 527 528 529 530 531 532 533 534 535 536 537 538 539 540 541 542 543 544 545 546 547 548 549 550 551 552 553 554 555 556 557 558 559 560 561 562 563 564 565 566 567 568 569 570 571 572 573 574 575 576 577 578 579 580 581 582 583 584 585 586 587 588 589 590 591 592 593 594 595 596 597 598 599 600 601 602 603 604 605 606 607 608 609 610 611 612 613 614 615 616 617 618 619 620 621 622 623 624 625 626 627 628 629 630 631 632 633 634 635 636 637 638 639 640 641 642 643 644 645 646 647 648 649 650 651 652 653 654 655 656 657 658 659 660 661 662 663 664 665 666 667 668 669 670 671 672 673 674 675 676 677 678 679 680 681 682 683 684 685 686 687 688 689 690 691 692 693 694 695 696 697 698 699 700 701 702 703 704 705 706 707 708 709 710 711 712 713 714 715 716 717 718 719 720 721 722 723 724 725 726 727 728 729 730 731 732 733 734 735 736 737 738 739 740 741 742 743 744 745 746 747 748 749 750 751 752 753 754 755 756 757 758 759 760 761 762 763 764 765 766 767 768 769 770 771 772 773 774 775 776 777 778 779 780 781 782 783 784 785 786 787 788 789 790 791 792 793 794 795 796 797 798 799 800 801 802 803 804 805 806 807 808 809 810 811 812 813 814 815 816 817 818 819 820 821 822 823 824 825 826 827 828 829 830 831 832 833 834 835 836 837 838 839 840 841 842 843 844 845 846 847 848 849 850 851 852 853 854 855 856 857 858 859 860 861 862 863 864 865 866 867 868 869 870 871 872 873 874 875 876 877 878 879 880 881 882 883 884 885 886 887 888 889 890 891 892 893 894 895 896 897 898 899 900 901 902 903 904 905 906 907 908 909 910 911 912 913 914 915 916 917 918 919 920 921 922 923 924 925 926 927 928 929 930 931 932 933 934 935 936 937 938 939 940 941 942 943 944 945 946 947 948 949 950 951 952 953 954 955 956 957 958 959 960 961 962 963 964 965 966 967 968 969 970 971 972 973 974 975 976 977 978 979 980 981 982 983 984 985 986 987 988 989 990 991 992 993 994 995 996 997 998 999 1000 1001 1002 1003 1004 1005 1006 1007 1008 1009 1010 1011 1012 1013 1014 1015 1016 1017 1018 1019 1020 1021 1022 1023 1024 1025 1026 1027 1028 1029 1030 1031 1032 1033 1034 1035 1036 1037 1038 1039 1040 1

ماء دیکھو

فَبِرِّمَنِ الْكُوْبَةِ وَالْحَفْظُ فَبِرِّمَنِ مُبَاشَرَةٍ

در آید از کعبه و محفوظ ماند از کوفت

مَعْصِيَتِكَ وَأَوْزَعْنَا فَبِرِّمَنِ شُكْرِ نِعْمَتِكَ وَكَسْبِنَا

تا فرماید تو و در دل اندازد از راه شکر نعمت خود و بستاند

فَبِرِّجَنَّ الْعَافِيَةِ وَانْتِمِ عَلَيْنَا يَا سَيِّدَ كَالْحَمْدِ

در آن برده ای عافیت در تمام کن بر ما بر کمال نعمت

فَبِرِّ الْمِنَّةِ أَنْتَ الْمَنَّانُ الْحَمْدُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى

در آن نعمت را بدین که تو بماند بر من و بگوید که در حق تو صلوات

وَحَمْدٌ وَإِلَى الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ **وَلَا تَسْ**

و حمد و بر آن او که پاکیزگان پاک است

مِنْ عِلْمِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِيَخْلُصَ شَهْرُ رَجَبِ

الحمد لله الذي هدانا لهذا لم يكن لهدانا غيره

سپاسی بر خدا را که راه هدایت را بسپارد خود و اگر هدایت را از طریق

لنكون

خبر

در این ماه

وله ما مبارك

لنكون لأجلنا من الشاكرين ولنجزيها على ذلك

تا بگویم هر چه از او را از شکر کنندگان و بجا آوریم و ما را بر آن

جزاء الحسنيين والحمد لله الذي حبانا بدِينِهِ وَ

پاداش نیکوکاران و سپاسی بر خدا را که ما را بدین خود و

اخْتَصَّنا بِمِلَّةٍ وَسَبَّلَنَا فِي سَبِيلِ إِحْسَانِهِ لِنَسْلُكَهَا

ما را بخواهد با ملة خود و در راه ما را در راه احسان خود ببردیم و

نَجْمُهُ إِلَى رِضْوَانِهِ حَمْدًا بِقَبْلِكَ مِثْلًا وَبِرِضَا بِهِ عِثْنَا

نجم او به روی تو خودی او سپاس که به تو را در راه ما را در راه تو را

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السَّبِيلِ شَهْرَ رَجَبٍ

و سپاسی بر خدا را که در آن راه را از این راه ما را در راه تو را

شَهْرَ الصِّيَامِ وَشَهْرَ الْإِسْلَامِ وَشَهْرَ الظُّهُورِ وَشَهْرَ

ماه روزه ماه اسلام ماه ظهور ماه

الْأَنْجَاصِ وَشَهْرَ الْفِيْءِ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ

ماه انگیختن ماه فیه ای که در آن قرآن نازل شد و آن

هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ
 به ایستاده مراد از او و بیهوده روشن از هدایت و مبدل کردن
 فَأَيُّانَ فَضِيلَتُهُ عَلَى سَائِرِ الشُّعُورِ بِمَا جَعَلَ لَهُ
 پس روشن کرد فضیلت از هر چه و بجهت آنکه
 مِنَ أَتَحْرَمَاتِ الْمُؤْمَرَةِ وَالْفَضَائِلِ الْمَشْهُورَةِ
 از هر ممتدای بیهوده و فضیلتی مشهور
 فَحَرَّمَ فِيهِ مَا أَحَلَّ فِي غَيْرِهِ أَعْظَامًا وَجَحَافَةً مِثْلَ
 پس حرام کرد در این آنچه حلال کرده در غیر آن مجزیه از آن و حرام کرد
 وَالْمَشَارِبَ الْكَرَامَا وَجَعَلَ لَهُ وَمَنَاسِكَ لَا يَجُوزُ
 و از مشربیه با هم از آن و بجهت آنکه از هر چه آن و حقش که مجوزی نیست
 وَعَزَّ أَنْ يَقْدَمَ قَبْلَهُ وَلَا يَصِلَ أَنْ يُؤَخَّرَ عَنْهُ فَمِنْ فَضْلِ
 بر آنکه از بعد از او پیش از او و از آن و بجهت آنکه از هر چه آن و حقش که مجوزی نیست
 لِكَلِّهِ وَالْجِدَّةُ مِنْ لِيَا لِيْلِهِ عَلَى لِيَا لِي الْفَرْقَانِ
 از هر ممتدای آن بر سبب و بجهت آنکه

وَمَا هَالِكُ الْقَدِيرِ نَزَلَ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ
 و نام نهند از ایشان و فرود آیند از آن
 فِيهَا يَأْذَنُ بِهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ دَائِمُ الْبَرَكَةِ
 از آنست بفرمودن بر هر کار و هر امری سستی و دایم است ببارکت
 إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ عَلَى مَنْ تَبَا مِنْ عِبَادِهِ بِمَا أَحْكَمَ
 تا طلوع صبح و بجهت آنکه بر آنست که بخواهد از ایشان خود بجهت حکم کرده
 مِنْ قَضَائِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَالْهَيْمَنَةِ
 از هر چه خود و بر خداوند و بر حضرت محمد و بر آل او و در آن
 مَعْرِفَةِ فَضِيلِهِ وَاجْلَالِ حَقِّهِ وَالتَّحْفِظِ تَمَامًا
 از هر چه حقش و بجهت آنکه از هر چه حقش و بجهت آنکه از هر چه حقش
 فِيهِ وَاعْتِنَا عَلَى صِيَابِهِ يَكْفِ الْجَوَابِجَ عَنْ
 در آن و بجهت آنکه از هر چه حقش و بجهت آنکه از هر چه حقش
 مَعَاصِيكَ وَاسْتَغْنَاهَا فِيهِ بِمَا رَضَيْتَ خَلَا
 که در آن و بجهت آنکه از هر چه حقش و بجهت آنکه از هر چه حقش

وَلَا تَزِرْ

بَصْنِي بِأَمْرَائِي إِلَى تَعْوِيلِ بَصَائِرِي إِلَى
بنداریم که شهادت خود را به خود ده در شایم بدو ای خود بوی
إِلَى لَهْوٍ وَحَتَّى لَا يَبْطَأَ أَيْدِيَنَا إِلَى مَحْظُورٍ وَلَا
لهو و تاملتیم بدو ای خود را بوی مردم و تا
تَحْظُورُ بِأَقْدَامِنَا إِلَى مَجْزُورٍ وَحَتَّى لَا يَبْعِي بَطُونَنَا
کام نهم بقدمهای خود بوی منع کرده اند و انظار خود را
إِلَى مَا أَحْلَلْتَ وَلَا تَطْلُقَ أَيْدِينَا إِلَّا بِمَا مَنَنْتَ
که آنچه حلال کرده اند و که بخواهند از بندگی ما که آنچه تصور کرده
وَلَا تُكَلِّفْ إِلَّا مَا يَدْفَعُ مِنْ نَوَائِكَ وَلَا تَغْلُظْ
و تا از نهم در کارهای که بخواهند از بندگی ما که آنچه تصور کرده
إِلَّا الَّذِي بَقِيَ مِنْ عَقْلِكَ ثُمَّ خَلِّصْ ذَلِكَ كُلَّهُ
که آنچه بخواهند از عقول خود که آنچه تصور کرده
مِنْ رِثَاءِ الْمُرَائِينَ وَتَقَعْرِ السَّمْعِينَ لَا تَشْرُفْ فِيهِ
از ربا و از گوشه نشینان و از سرشناسان که آنچه تصور کرده

لَعَلَّ

أَوَّلَهُ بَارِكُ

أَحَدًا دُونَكَ وَلَا تَبْغِي فِيهِ مُرَادَ أَسْوَافِ اللَّهِ أَمْ
که ای عزیزان تو در طلبیم دران را در ای سوار تو بارند
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَفِيْنَا فِيهِ عَلَى مَوَافِي الصَّلَاةِ
و بر محمد و آل او و در آنجا که در آن بر او قضا می نماید
أَلَمْ يَجِدْ دِينَهَا الَّتِي حَدَدْتَ وَفَرَضْتَهَا
آیا نیافته بود دین آن که تعیین کرده و در چه دینی آن
الَّتِي فَرَضْتَ وَوَضَّاعُهَا الَّتِي وَظَفْتَ وَأَوْفَا
که در چه دینی آن که در چه دینی آن که در چه دینی آن
الَّتِي وَقَعْتَ وَأَنْزَلْنَا فِيهَا فَرْزَ الْمَصِيبِينَ
که در چه دینی آن که در چه دینی آن که در چه دینی آن
لِمَنْزِلَتِهَا الْحَافِظِينَ لَا تَرْكَلُهَا الْمُؤَدِّينَ لَهَا
بندارند دینی آن که در چه دینی آن که در چه دینی آن
فِي أَوْفَايَا عَلَى مَا سَنَّهُ عَيْنُكَ وَرَبُّكَ
در دقت دینی آن که در چه دینی آن که در چه دینی آن

وَقِيْنَا

صَلُّوا لَكَ عَلَيْهِ وَالْهَيْفَةُ رُكُوعُهَا وَسُجُودُهَا
در سجده بر او و بر او ایستادن در رکوع و سجده
 وَجَمِيعُ فَوَاضِلِهَا عَلَى أَيْمَنِ الطُّهُورِ وَتَسْبِيحُهَا
در همه فضیلتها بر ایمن الطهور و تسبیحها
 وَابْنِ الْخُشُوعِ وَابْغَاغِهِ وَوَفْقِهَا فِيهِ لَا يَنْصِلُ
در کشتن بر خضوع و بختن در او و وفق در او و در او ایستادن
 أَنْحَامُنَا بِالْبِرِّ وَالصَّلَةِ وَأَنْ تَعَاوَدَ جَعَلْنَا
به نیت نیکوئی خود و بر نیت نیکوئی او و تعاد و جعلا
 بِالْإِفْضَالِ وَالْعِطِيَّةِ وَأَنْ تُخَالِصَ أَمْوَالَنَا
به بخشش و عطا و خالص کردن اموال ما
 مِنَ النَّبَغَاتِ وَأَنْ تُطَهِّرَ هَائِلَ خُرُوجِ الرُّكُوفِ
از منقوع و طهر کردن هائل خروج رکوع
 وَأَنْ تُزَاجِعَ مِنْ هَائِلِ جَنَانِ وَأَنْ تُنْصِفَ مِنْ
و هائیل از جنان و از هائیل از جنان و از هائیل از جنان

ظَلَمْنَا وَأَنْتَ أَلَمَ مِنْ غَاوَانَا حَاشَى مَنْ عَوَدَ
ستم از ما و اینست که از ما و اینست که از ما و اینست که از ما
 فَبِكَ وَلَكَ فَإِنَّهُ الْعَدُوُّ الَّذِي لَا تَوَالِيَهُ وَالْحَيُّ
در آه و برای تو پس اینست که او دشمنی است که در تو نیست و حیات
 الَّذِي لَا نَصَابَةَ وَأَنْ تُقَرَّبَ إِلَيْكَ فَيَمُوتَ
که در تو نیست و در تو نیست و در تو نیست و در تو نیست
 الْأَعْمَالِ الزَّاكِيَةِ بِمَا نَظَّهَرْنَا بِهٍ مِنَ الذُّنُوبِ
که در اعمال پاکیزه و به آنچه از تو پاکیزه و به آنچه از تو پاکیزه
 وَتَعْصِمُنَا فِيهِ تِمَاسَاتِيفُ مِنَ الْعُيُوبِ
و نگاه داشتن ما در تو و نگاه داشتن ما در تو و نگاه داشتن ما در تو
 لَا يُؤِيرِدُ عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ مَلَا ئِكَةِ الْأَدْوَانِ
در تو نیست و در تو نیست و در تو نیست و در تو نیست
 مَا تُؤِيرِدُ مِنْ أَبْوَابِ الطَّاعَةِ لَكَ وَأَنْوَاعِ الْقُرْ
از آنچه از تو نیست و از آنچه از تو نیست و از آنچه از تو نیست

الا
 والتحرير

أَهْلَ وَأَحْبَابِ اللَّهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاتَّقِ
 اهل و احبابي بر خدا و بر خدای محمد و اهل و احباب
 ذُنُوبَنَا مَعَ إِحْقَاقِ هِلَالِهِ وَاسْلُخِ عَنَّا بَعَائِشَنَا
 گناهان را با کاستن اهل آن و بکن از ما بدعاها را
 مَعَ إِسْلَاحِ أَيَّامِهِ حَتَّى يَنْقُضِيَ عَنَّا وَقَدْ صَفَّيْنَا
 بر حق روزای من تا بیک منقذ شود از ما و حال بیک از کثرت
 فَبِهِ مِنَ الْخَطِيئَاتِ وَاخْلُصْنَا فَبِهِ مِنَ الشَّيْءِ
 در آن از گناهان و خلص ما بهی در آن از چیز
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَإِنْ مِلْنَا فَبِهِ فَعَدْنَا
 خداوند رحمت بر محمد و آل او و اگر میل کنیم در آن بیک
 وَإِنْ زُفْنَا فَبِهِ فَقَوِّمْنَا وَإِنْ اشْتَمَلْ عَلَيْنَا عَدُوَّ
 و اگر عدل کنیم در آن پس ستم در ما و اگر فرساید ما دشمن تو
 الشَّيْطَانِ فَاسْتَفِذْنَا مِنْهُ اللَّهُمَّ اشْحَذْ رِجَالَنَا
 شیطان پس راند ما از او بر خدا و برکن ران ما را از او

إِيَّاكَ وَزَيْنَ أَوْفَانِهِ بِطَاعِنَا لَكَ وَاعْنَا فِيهِ
 تو و در استگن و وفای او و بعت تو و در حق ما در روز
 عَلَى صِيَامِهِ وَفِي لَيْلِهِ عَلَى الصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ لَكَ
 بر روز و آن در شب بر نماز و روزه تو و در حق ما
 وَاتَّخِذْ لَكَ وَالذِّلَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ حَتَّى لَا يَتِمَّ
 و فرستی خودن برای تو و در حق ما پیش تا بیک که ایتم
 هَازِمُهُ عَلَيْنَا بِغَفْلَةٍ وَلَا لَيْلٍ يَنْقُضُ اللَّهُمَّ وَ
 روز آن بر ما بفرستی و در شب بفرستی بر خداوند
 اجْعَلْنَا فِي سَائِرِ الْأَيَّامِ كَذَلِكَ مَعَنَا
 بگردان ما در همه روزها و در روزهای دیگر ما را
 وَاجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ يَرْوُونَ
 و بگردان ما از بندگان تو که راست گویند
 الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ وَالَّذِينَ هُوَ يُؤْتِ
 بهشت را و حال بگردان تو و در حق ما را که میسرند

مَا اتَوَّافَاوَهُمْ فَجَلَّةً اَلْهَمَّ إِلَى رَبِّهِمْ لِيَجْعُوْنَ
 وَاَنْتَ اَللّٰهُمَّ اِيَّاكَ تَوَكَّلْتُ اِنَّكَ اَنْتَ اَلْغَنِيْ عَنِ الْوَالِدَيْنِ
 وَمِنْ اَلَّذِيْنَ يَسْأِرُ عَوْنٌ فِي الْخَيْرَاتِ وَفِي هَذَا
 اَوَّلُ مَا يَنْشَأُ مِنْ خَيْرَاتِ اَعْمَالِ اَلْمُسْلِمِ اِنْ تَوَكَّلَ
 سَابِقُونَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي كُلِّ
 بَيْتٍ كُنِيَ كَانَتْ بِأَرْضِ اِيْرَانِ اَمْرًا عَزِيزًا وَرَبِّ اِيْرَانِ
 وَقَبْرٍ وَكُلِّ اَوَّانٍ وَعَلَى كُلِّ حَالٍ عَدَدٍ مَا صَلَّيْتَ
 وَقَبْرٍ وَكُلِّ اَوَّانٍ وَعَلَى كُلِّ حَالٍ عَدَدٍ مَا صَلَّيْتَ
 عَلَى مَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ وَاضْعَافَ ذَلِكَ كَلْبًا لَا
 اَلَّتِي لَا يَحْضُرُهَا غَيْرُكَ اِنَّكَ تَعَالَى اَشْرَبُ
 كَلْبًا لَا يَحْضُرُهَا غَيْرُكَ اِنَّكَ تَعَالَى اَشْرَبُ
 وَفِي هَذَا اَوَّلُ مَا يَنْشَأُ مِنْ خَيْرَاتِ اَعْمَالِ اَلْمُسْلِمِ اِنْ تَوَكَّلَ

تأليف

اَللّٰهُمَّ يَا مَنْ لَا يَرْغَبُ فِيْ اَحْزَانٍ وَلَا يَنْدَمُ عَلَى
 اَرْضَاؤِ اِيَّاكَ رَحِمْتَ سَيِّدَةَ اَرْوَاحِ اَلْمُسْلِمِيْنَ
 اَلْعَطَاءُ وَيَا مَنْ لَا يَكْفِيْ عَبْدًا عَلَى السَّوَاءِ
 اَوَّلُ مَا يَنْشَأُ مِنْ خَيْرَاتِ اَعْمَالِ اَلْمُسْلِمِ اِنْ تَوَكَّلَ
 اَبْدًا وَعَفْوُكَ تَفَضُّلٌ وَعَفْوُكَ عَدْلٌ وَ
 اَبْدًا وَعَفْوُكَ تَفَضُّلٌ وَعَفْوُكَ عَدْلٌ وَ
 قَضَاؤُكَ خَيْرٌ اِنْ اَعْطَيْتَ لَمْ تَنْتَبِ عَطَاؤُكَ
 قَضَاؤُكَ خَيْرٌ اِنْ اَعْطَيْتَ لَمْ تَنْتَبِ عَطَاؤُكَ
 يَمِيْنٌ وَاِنْ مَنَعْتَ لَمْ يَكُنْ مَنَعَكَ نَعْدًا يَنْشُرُ
 يَمِيْنٌ وَاِنْ مَنَعْتَ لَمْ يَكُنْ مَنَعَكَ نَعْدًا يَنْشُرُ
 مَنْ شَكَرَكَ وَاَنْتَ اَلْهَمَّ شُكْرُكَ وَتُكَافِيْ مَنْ
 حَمْدُكَ وَاَنْتَ عَلِمْتَ حَمْدَكَ شُكْرُكَ عَلَى مَنْ لَوْ
 سَبَّحْتَ اَللّٰهُمَّ اِيَّاكَ تَوَكَّلْتُ اِنَّكَ اَنْتَ اَلْغَنِيْ عَنِ الْوَالِدَيْنِ

ف
مِنْكَ أَهْلًا

فَقَضَيْتُ وَجُودِي عَلَى مَنْ لَوْ شِئْتُ مَنَعْتُهُ وَجِلْدًا
وهرادی در کشتن از وی بر نگذاشتم و فرستی من کردی و در روز قیامت
أَهْلًا مِنْكَ الْفَضِيلَةُ وَالْمَنْعُ غَيْرُكَ بَنَيْتُ أَهْلًا
از تو سرورانی را و منع را پس هست که بگویند که کار خود را
عَلَى الْفَضْلِ وَاجْتَرَيْتُ قَدْرَكَ عَلَى الْجَاوِزِ
بر فضل و جاری ساختن قدر خود را بر گذشتن
وَأَلْفَيْتُ مِنْ عَصَاكَ بِالْحِلْمِ وَأَمَهَلْتُ مَنْ قَصَدَ
و فرمودم از عصای تو با حلم و آموختم آنکه قصد
لِنَفْسِهِ بِالظُّلْمِ لَسْتُ ظَرِّفُ يَا نَائِكَ إِلَى الْإِنَابَةِ وَ
بر نفس خود را بستم و منصفی نیستم و یا نایک را به انابت و
تَرَكْتُ مُعَاجِلَتَكُمْ إِلَى التَّوْبَةِ لِكَيْلَا يَهْلِكَ عَلَيْكَ
را بگذرد از من عتاب کردن به شما تا توبه نه پس که بگوید که توبه بر تو
هَالِكُكُمْ وَلَا يَشْفِي بَيْنَيْنِكَ شِقْمَتَهُمْ إِلَّا عَنِ طَوْلِ
هلاکت کننده شما را و نمی تواند بین تو و آنها را ببرد مگر از دوری

الاعتذار

الاعتذار وَبَعْدَ تَرَادُفِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِ كَرِهًا مِنْ عَفْوِكَ
اعتذار و پس از تکرار بی درشتی حجت بر او از روی کرم از عفو تو
يَا كَرِيمٌ وَعَايِدَةٌ مِنْ عَطْفِكَ يَا حَلِيمٌ أَنْتَ الَّذِي
ای کریم و دهنده ای از درود تو ای بردبار تو ای که
فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ بَابًا إِلَى عَفْوِكَ وَتَقَبَّلْتَ التَّوْبَةَ
گشود ای برای بنده گان خود را به عفو خود و تمام توبه های آنها را پذیر
وَجَعَلْتَ عَلَى ذَلِكَ الْبَابِ دَلِيلًا مِنْ وَحْيِكَ
و کردی بر بالای آن در را نشانی از وحی خود
لَسْتُ لِيَصِلُوا أَعْنَهُ فَقُلْتُ لِيَا بَارَكَ اسْمُكَ تَوَبُوا
تا رسید که از نزد من بگذشتند پس فرمودی بجهت توبه که برگردند
إِلَى اللَّهِ قَوِيَّةً تَصُوحًا عَنِ رَبِّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ
بوی خود را تا توبه خالص شود که هر در گذشتا بهر توبه
عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
از شما گناهان را و در آورده شما را به باغ های که رود از زیر آنها

إِلَيْهِ عَمْر

الْأَنْعَارُ اللَّهُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ

نور

آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَنْيَابِهِمْ

يَقُولُونَ رَبَّنَا آتِنَا نُورَنَا وَاعْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلِيمٌ

بِكُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ فَمَاعِذُ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ ذَلِكَ

هر چه عذر کنی که غافلانه از در آمدن آن

الْمَنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَاقَامَةِ الدَّلِيلِ وَأَنَّ

نزل بعد فتح باب و در پا کردن راهها و توطی

الَّذِي نَزِدَتْ فِي التَّوْحِيدِ عَلَى نَفْسِكَ لِعِبَادِكَ

الکذا نازل گردید در توحید بر نفس خود از برای عبادت

مُرِيدُ رَحْمَتِهِمْ فِي مَتَابِعِهِمْ لَكَ وَفَوْقَهُمْ بِالْوَفَا

مژده ای مودت ایشان را در تجارست کردن ایشان با تو و فرود زدن ایشان را بر وفا

عبر

عَلَيْكَ وَالزَّيْبَادُ فَمِنْكَ فَقُلْتَ تَبَارَكَ اسْمُكَ وَ

زود تو و زبانی با من زود تو پس گفته بخت بهت نام تو

قَالَتْ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مِثْلِهَا وَ

گفتندی هر که نیاید و نیکی را پس ده و ده است پیرایان

مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَهُ يُخْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَ

هر که بیاید بدی را پس در خواران نیز در کمالاتند آن

مَثَلُ الَّذِينَ يُبْغِفُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

مثل آنکه بپوشانند اموال خود را در راه خدا

كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ

همو مثل دانه است که بر دانه افتد خوشه در هر

سَبِيلِكُمْ وَإِنَّ حَبَّةَ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ

خوشه دهد و خداوند مضاعف کند برای

بَنَاءٍ وَقُلْتَ مَنْ ذَا الَّذِي يُمْرُسُ اللَّهَ قَرَضًا

در گزافه گفت که کیست آنکه قرض دهد خدا را قرض

يُضَعِفُ

حَسَنًا فَيُضَاعِفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَمَا

بِكُلِّ بَشَرٍ بِشَيْءٍ إِلَّا رِزْقًا رَاقِدًا فَمَن يُؤْمَرْ بِشَيْءٍ

أَنزَلَتْ مِن تَطَارُتُهُمْ فِي الْقُرْآنِ مِمَّنْ نَقَلَهُ

فَرَسَدَهُ أَزْمَانًا وَتِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ

الْحَسَنَاتِ وَأَنْتَ الَّذِي دَلَّلْنَاكَ بِقَوْلِكَ

مِنْ غَيْبِكَ وَتَرْغِيبِكَ الَّذِي فِيهِ حُطَمٌ عَلَى

أَعْيُنِهِمْ فَذَرْنِي فَعْنَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

مَا لَوْ سَرَرْتَ غَيْبَهُمْ لَمْ تَكُنْ لَهُ أَبْصَارُهُمْ وَلَمْ

يَكُنْ لَهُ سَمْعُهُمْ وَتِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ

الْحَسَنَاتِ وَأَنْتَ الَّذِي دَلَّلْنَاكَ بِقَوْلِكَ

مِنْ غَيْبِكَ وَتَرْغِيبِكَ الَّذِي فِيهِ حُطَمٌ عَلَى

أَعْيُنِهِمْ فَذَرْنِي فَعْنَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

مَا لَوْ سَرَرْتَ غَيْبَهُمْ لَمْ تَكُنْ لَهُ أَبْصَارُهُمْ وَلَمْ

يَكُنْ لَهُ سَمْعُهُمْ وَتِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ

الْحَسَنَاتِ وَأَنْتَ الَّذِي دَلَّلْنَاكَ بِقَوْلِكَ

مِنْ غَيْبِكَ وَتَرْغِيبِكَ الَّذِي فِيهِ حُطَمٌ عَلَى

أَعْيُنِهِمْ فَذَرْنِي فَعْنَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

عِنْدَكَ

وَقُلْتُ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَا أُزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ

عَذَابِي لَشَدِيدٌ فَلَمْ أَدْعُوهُنَّ إِلَّا بِمَا كُنَّ يَكْفُرْنَ

إِنَّ الَّذِينَ لَيَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي

وَيَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي

وَيَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي

وَيَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي

وَيَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي

وَيَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي

وَيَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي

وَيَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي

وَيَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي

وَيَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي

وَيَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي

وَيَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي

وَيَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي

وَيَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي

وَيَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي

وَيَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي

تَدْفُوا لَكَ طَلِبًا لِمَزِيدِكَ وَفِيهَا كَانَتْ

مضائق کردن برای تو بجزایر برای عزاداری تو در اینها چو دست

نَجَّاهُمْ مِنْ غَضَبِكَ وَفَوْزَهُمْ بِرِضَاكَ وَلَوْ

برنگاری باین از غضب و برزوی باین بجزایر تو در

دَلْ مَخْلُوقٌ مَخَافًا مِنْ نَفْسِهِ عَلَى مِثْلِ الَّذِي

دلت بجزایر از خود بر مانند آنچه

دَلَّتْ عَلَيْهِ عِبَادُكَ مِنْكَ كَانَ مَحْمُودًا

دست کرده از باین بندگان خود از تو سپرد سبیل از تو

فَلَكَ الْحَمْدُ مَا وَجَدَ فِي حَمْدِكَ مَذْهَبًا وَمَا

پس از تو سپردی باین بندگان خود در سپیدی در حق تو

بَقِيَ لِلْحَمْدِ لَفْظٌ مُجَدِّدٌ وَمَعْنَى مُتَّصِفٌ إِلَيْهِ

باقی بجزایر لفظی تجدید و معنی متصل به سوی

يَا مَنْ تَخَمَّدَ إِلَى عِبَادِهِ بِالْإِحْسَانِ وَالْفَضْلِ

ای ای که خاسته کردی بعبادت بندگان به حسن و فضل

وَعَمَّرَ قَمَّ بِالْمَيِّ وَالطَّوْلِ مَا أَفْنَى فِينَا نِعْمَتَكَ

در زنده کردی باین بخت و طویل چو بی بخت در

وَأَسْبَغَ عَلَيْنَا مِشْتَكًا وَلَخَصَّنَا بِبِرِّكَ قَدْ

و در تمام کردی بر ما شربت و در خصلت بپرستی تو

لِذَلِكَ الَّذِي أَصْطَفَيْتَ وَمِثْلَتِكَ الَّتِي تَرْضَاهَا

برای آنکه که برگزیدتی و مانند تو که پسندیدی

وَسَبِيلِكَ الَّتِي سَمَّيْتَ وَبَصَرْنَا الزُّلْفَةَ

و سبیل خود که نام نهادی و بصر ما را بجزایر

لَدَيْكَ وَالْوُصُولَ إِلَى كَرَامَتِكَ أَلْفَمَ

بجزایر خود و رسیدن بپرستی تو که در خود

وَأَنْتَ جَعَلْتَ مِنْ صَفَائِكَ الْوُطَائِفَ

و تو که هستی باین بزرگواری این و ضعیفی

وَحَصَائِرُ نِلَّكَ الْفَرُوضُ شَهْرَ رَمَضَانَ

و از خصلت پرستی تو این روزه در ماه رمضان

الَّذِي لَخَّصَّصَتْهُ مِنْ سَائِرِ الشُّهُورِ وَخَيَّرَ
 اَلْمَنْعُومَ مِنْهَا اَمَّا اَلْغَدِيرُ فَهُوَ اَمَّا اَلْغَدِيرُ فَهُوَ اَمَّا اَلْغَدِيرُ فَهُوَ
 مِنْ جَمِيعِ اَلْأَزْمِنَةِ وَالْأَهْوَرِ وَاتْرَعَهُ عَلَى كُلِّ
 اَمَّا اَلْغَدِيرُ فَهُوَ اَمَّا اَلْغَدِيرُ فَهُوَ اَمَّا اَلْغَدِيرُ فَهُوَ
 أَوْفَاتِ السَّنَةِ مَا أُنْزِلَتْ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ
 وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ
 وَالتَّوْبِ وَضَاعَفَتْ فِيهِ مِنَ الْإِيمَانِ وَفَرَّضَتْ
 وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ
 فِيهِ مِنَ الصِّيَامِ وَرَعَيْتَ فِيهِ مِنَ الْقِيَامِ
 وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ
 وَأَجَلَلَتْ فِيهِ مِنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ الَّتِي هِيَ خَيْرٌ
 وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ
 مِنَ الْفَيْشَمِ ثُمَّ أُنْزِلَتْ عَلَى سَائِرِ الْأُمَمِ
 وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ

وَضَعُفَتْ

وَصَلَفَتْ

وَأَصْطَفَيْنَا بِفَضْلِهِ دُونَ أَهْلِ اللَّيْلِ قَضَيْنَا
 وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ
 بِأَمْرِكَ هَاهُ وَهَاهُنَا يَعُونُكَ لَيْلُهُ مُتَعَرِّضِينَ
 وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ
 بِصِيَامِهِ وَقِيَامِهِ لِمَا عَرَضْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ
 وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ
 وَتَوَكَّلْنَا إِلَيْهِ مِنْ شُؤْبِكَ وَأَنْتَ الْمَلِكُ يَمِينَا
 وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ
 رُغِبَ فِيهِ إِلَيْكَ أَجْوَادُهَا سُلِّمَتْ مِنْ
 وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ
 فَضْلِكَ الْقَرِيبُ إِلَى مَنْ حَاوَلَ قُرْبَكَ وَقَدْ
 وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ
 أَقَامَ قِيَامَ هَذَا الشَّهْرِ مَقَامَ حَمْدٍ وَصَحْبَانَا
 وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ وَتَهَارَ سَالِ اَلْبَيْتِ

يَقُولُكَ

سَيِّبَتْنَا

مَبْرُورًا وَنَجِّنَا أَفْضَلَ أَسْبَاحِ الْعَالَمِينَ ثُمَّ

بسم الله الرحمن الرحيم سوره ابراهيم

قَدْ فَارَقْنَا عِنْدَ تَمَامِ وَقْتِهِ وَانْقِطَاعِ مَدَّتِهِ

بسم الله الرحمن الرحيم سوره ابراهيم

وَقَفَاءَ عَهْدِهِ فَخَنُّ مَوْجِعِهِ وَدَاعٍ مِنْ عَمَلِهِ

بسم الله الرحمن الرحيم سوره ابراهيم

فِرَاقُهُ عَلَيْنَا وَغَمُّنَا وَاحْشَانَا انْصِرَافُهُ

بسم الله الرحمن الرحيم سوره ابراهيم

عَنَّا وَلِزِمْنَا لَهُ الدِّمَامُ الْمَحْفُوظُ وَالْحَرَمَةُ

بسم الله الرحمن الرحيم سوره ابراهيم

الْمَرْغَبَةُ وَالْحَقُّ الْمَغْضِيُّ فَخَنُّ فَاثَلُونَ السَّلَامُ

بسم الله الرحمن الرحيم سوره ابراهيم

عَلَيْكَ يَا شَهْرَ اللَّهِ الْأَكْبَرِ وَيَا عَيْنِدَا وَلِيَايَا عِظَمِ

بسم الله الرحمن الرحيم سوره ابراهيم

بَرْقِ الْوَقْتِ وَبَرْقِ الْوَقْتِ وَبَرْقِ الْوَقْتِ

بسم الله الرحمن الرحيم سوره ابراهيم

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَكْرَمَ مَخْشُوبٍ مِنَ الْأَوْفَاتِ

بسم الله الرحمن الرحيم سوره ابراهيم

وَيَا خَيْرَ شَهْرٍ فِي الْأَيَّامِ وَالسَّاعَاتِ السَّلَامُ

بسم الله الرحمن الرحيم سوره ابراهيم

عَلَيْكَ مِنْ شَهْرِ قَرِيبٍ فِيهِ الْأُمَالُ وَفُتِرَتْ

بسم الله الرحمن الرحيم سوره ابراهيم

فِيهِ الْأَعْمَالُ السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ قَرِيبٍ جَلَّ

بسم الله الرحمن الرحيم سوره ابراهيم

قَدْرُهُ مَوْجُودًا وَاجْتَمَعَ فَقْدُهُ مَفْقُودًا وَمُحْجَرٌ

بسم الله الرحمن الرحيم سوره ابراهيم

الْعَمِيرُ أَفْرَ السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنَ الْبَيْفِ الْفَنِ مَقِيلًا

بسم الله الرحمن الرحيم سوره ابراهيم

فَتَرَوْا وَحْشَ مَنْفُضِيَا فَخَنُّ السَّلَامُ عَلَيْكَ

بسم الله الرحمن الرحيم سوره ابراهيم

بَرْقِ الْوَقْتِ وَبَرْقِ الْوَقْتِ وَبَرْقِ الْوَقْتِ

بسم الله الرحمن الرحيم سوره ابراهيم

مَدِينِ

مِنْ نَجَاوٍ بِرَقَّتْ فِيهِ الْقُلُوبُ وَقَلَّتْ فِيهِ الدُّنُورُ
 از نجاتی که تیره در دلها دلگشایی در آن گشاید
 السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ نَجْوِ أَعَانَ عَلَى الشَّيْطَانِ
 سلام بر تو ای که از وسوسه شیطان
 وَصَاحِبِ سَهْلِ سَبِيلِ الْإِحْسَانِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 و از صاحب آسان کرد راه نیکو سلام بر تو
 مَا أَكْثَرَ عَفَاءَ اللَّهِ فَيْكَ وَمَا أَسْعَدَ مِنْ رَحْمِي
 چه بسیار است از عفو خدا بر تو و چه نیکوترین است از رحمتی
 خَرَمْتُكَ بِكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَفْعَالُكَ لِلدُّنُورِ
 من تو را به تو سلام بر تو که محو کرد از دلگشایی
 وَاسْتَرَكْ لَأَنْوَاعِ الْعُيُوبِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 و پنهان کرد از انواع عیوب سلام بر تو
 مَا كَانَ أَطْوَلَكَ عَلَى الْخَيْرِ مِنْ وَاهِبِكَ فِي صَدْرِ
 چه بود از تو بر خیر از آنچه داد در سینه

الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْمٍ لَا تَنَافُسُ إِلَّا بِهَا
 از مؤمنان سلام بر تو ای که از شتمی که با او رقابت نیست
 السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ شَهْمٍ هُوَ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ
 سلام بر تو ای که از شتمی که در هر امر
 السَّلَامُ عَلَيْكَ غَيْرَ كَرِهٍ الْمَصَاحِبَةُ وَلَا
 سلام بر تو ای که از دشمنی که دوست ندارد
 دَائِمِ الْمَلَابَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ كَمَا وَقَدَتْ
 همیشه است از بدی که سلام بر تو ای که در هر وقت
 عَلَيْنَا يَا كَرِيمًا وَغَسَلَتْ عَنَّا دَنَسَ الْخَطِيئَاتِ
 بر ما ای کریم و شست از ما آلودگی گناهان
 السَّلَامُ عَلَيْكَ غَيْرَ مُؤَدَّجٍ بِرَمَا وَلَا مَتْرُوكٍ
 سلام بر تو ای که از شتمی که در هر امر
 صِيَامُهُ سَامًا السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ مَطْلُوبٍ قَبْلَ
 از تو ای که از شتمی که در هر امر سلام بر تو ای که از شتمی که در هر امر

بعثه

وَقَفَّيْهِ وَخَرَّقَ عَلَيْهِ قُبُلَ قُوَّةِ السَّلَامِ عَلَيْكَ

وَقَفَّيْهِ وَخَرَّقَ عَلَيْهِ قُبُلَ قُوَّةِ السَّلَامِ عَلَيْكَ

كَمْ مِنْ سَوَاءٍ حُرِفَتْ بِكَ عَنَّا وَكَمْ مِنْ خَيْرٍ أَفْضَلَ بِكَ

بِكَ لَمْ يَبْرُكْ كَلِمَةٌ مِنْ بَرَكَاتِكَ وَبِكَ لَمْ يَنْفُذْ كَلِمَةٌ مِنْ نَفْذَاتِكَ

عَلَيْنَا السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى لَيْلَةِ الْقَدْرِ أَلَيْتِ

بِكَ سَمَاءَ بَرَزَخٍ وَبَرَزَخَ قَدَرٍ كَمَا أَنْ

فِي خَيْرٍ مِنَ الْفِ شَمْسِ السَّلَامِ عَلَيْكَ مَا كَانَ

بِهِ نَبَاتٌ أَنْ يَزِيدَ سَمَاءَ بَرَزَخٍ وَبَرَزَخَ قَدَرٍ كَمَا أَنْ

أَحْرَصْنَا بِالْأَمْرِ عَلَيْكَ وَاشْتَدَّ شَوْقُنَا غَدَا لَيْلَتِكَ

وَلَوْ بَدَدْنَا بِكَ بَرَزَخَ وَبَرَزَخَ قَدَرٍ كَمَا أَنْ

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى فَضْلِكَ الَّذِي حُرِّمْنَا

سَمَاءَ بَرَزَخٍ وَبَرَزَخَ قَدَرٍ كَمَا أَنْ

وَعَلَى مَا ضَمِنَ بِرُكَايِكَ سُلَيْمَانَهُ اللَّهُمَّ إِنَّا

بِرُكَايَتِكَ إِنَّا بَرَزَخَ وَبَرَزَخَ قَدَرٍ كَمَا أَنْ

السلام

وفاة

أَهْلُ هَذَا النِّهْرِ الَّذِي شَرَّفْنَا بِهِ وَوَقَفْنَا

لَهُمْ بَرَزَخَ وَبَرَزَخَ قَدَرٍ كَمَا أَنْ

بِمَنَّاكَ لَمْ يَجْنِ جَهْلُ الْأَشْفِيَاءِ وَقَدْ وَجَّهُوا

بِهِ نَبَاتٌ أَنْ يَزِيدَ سَمَاءَ بَرَزَخٍ وَبَرَزَخَ قَدَرٍ كَمَا أَنْ

لِشَفَائِهِمْ فَضْلُهُ أَنْتَ وَلِيٌّ مَا أَرْتَنَّا بِهِ

بِهِ نَبَاتٌ أَنْ يَزِيدَ سَمَاءَ بَرَزَخٍ وَبَرَزَخَ قَدَرٍ كَمَا أَنْ

مِنْ مَعْرِفَتِهِ وَهَدَيْتَنَا لَهُ مِنْ سُنَّتِهِ

لَهُ نَبَاتٌ أَنْ يَزِيدَ سَمَاءَ بَرَزَخٍ وَبَرَزَخَ قَدَرٍ كَمَا أَنْ

وَقَدْ تَوَلَّيْنَا بِتَوْفِيقِكَ صِيَامَهُ وَوَقْفَانَهُ

بِهِ نَبَاتٌ أَنْ يَزِيدَ سَمَاءَ بَرَزَخٍ وَبَرَزَخَ قَدَرٍ كَمَا أَنْ

نَقْصِيرُ وَأَدْنَى فِيهِ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرِ الْأَلَمِ

بِهِ نَبَاتٌ أَنْ يَزِيدَ سَمَاءَ بَرَزَخٍ وَبَرَزَخَ قَدَرٍ كَمَا أَنْ

فَلَكَ الْحَمْدُ أَفْرَاسُ إِلَى السَّاعَةِ وَالْغُرُافَا إِلَى

بِهِ نَبَاتٌ أَنْ يَزِيدَ سَمَاءَ بَرَزَخٍ وَبَرَزَخَ قَدَرٍ كَمَا أَنْ

سنة

وَلَاكِ مِنْ قُلُوبِنَا عَقْدُ التَّوْبَةِ وَمِنْ السَّنَةِ

و در وقت از دل و سینه توبه و از این سال

صِدْقُ الْأَعْيَادِ فَلَجُّنَا عَلَى مَا أَصَابَنَا

را حق عز و جل در روزگار بر آنچه بر ما افتاده

مِنْ الْفَرِيطِ لِحُجْرِ اسْتَدْرِكَ بِهِ الْفَضْلَ

از آن فریب از گنجی که به آن بزرگواری

الْمَرْغُوبِ فِيهِ وَنَعَاضُ بِهِ مِنْ أَنْوَاعِ الذَّخِيرِ

که در آن است آنچه می خواهیم و از انواع گنجینه

الْمَحْرُوفِ عَلَيْهِ وَأَوْجِبْ لَنَا هَذَا عَلَى

آن که از ما گرفته و واجب کن این را بر ما

مَا قَصَّرْنَا فِيهِ مِنْ حَقِّكَ وَابْلُغْ بِالْغَمْرِ نَامَنَا

آنچه کوتاهی کردیم از حق تو و بگو به غم ما

أَيُّدِنَا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُقْبِلِ فَإِذَا بَلَغْنَا

از دست ما از ماه رمضان آینده پس اگر رسید

فَاعْنَا

وداع

فَاعْنَا عَلَى تَنَاوُلِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ الْعِبَادَةِ

پس در روی آوردن به آنکه تو را از آن عبادت

وَادِّنا إِلَى الْإِيْثَامِ بِمَا يَسْتَحِقُّهُ مِنَ الطَّاعَةِ

و در میان ما و گناهان آنکه از او است از طاعت

وَلِجَرِّئْنَا مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ مَا يَكُونُ دَرَكًا

و برای جرئت ده ما را از کار نیکو که دسترس

لِحَقِّكَ فِي الشَّهْرِ مِنْ شَهْرِ الدَّهْرِ اللَّهُمَّ

حق تو در ماهی از ماهی دنیا و خداوند

وَمَا الْمُسْتَلِمْ فِي شَهْرِنَا هَذَا مِنْ لَيْلٍ أَوْ نَاحِ

و آنچه تسلیم کردیم در ماه ما از یک شب یا روز

أَوْ وَاقِعْنَا فِيهِ مِنْ ذَنْبٍ وَكَتَبْنَا فِيهِ مِنْ

آنچه افتاد بر ما از گناه و نوشتیم در آن

خَطْبَتَهُ عَلَى تَعْدِئِنَا أَوْ عَلَى نِيَّانِ ظَلَمْنَا

خطبه را بر ما یا بر نیت ما یا بر ظلم ما

تسبیح

فِيهِ أَنْفُسَنَا وَإِنَّهُ لَكُنَّا بِهِ حُرْمَةً مِنْ غَيْرِنَا فَصَلِّ
 بر آن بر خدیو خود : در پیرامون سر منی روز خیر و بر آن
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاسْتُرْنَا بِسِرِّكَ وَاعْفُ عَنَّا
 بر همه در آن و در پشت من و بر خود و در کز در
 يَعْفُوكَ وَلَا تَضِيبْنَا فِيهِ لَا عَيْنَ الشَّامِسِينَ
 بخیر خود در پیرامون در آن بر آن پنداری شکسته
 وَلَا تَبْسُطْ عَلَيْنَا فِيهِ السِّنَّ الطَّاعِنِينَ وَاسْتَعْلَمْنَا
 و گشت بر آن در آن زبانی طعنان را که فرمود
 بِمَا لَكُنْ حِطَّةً وَكَفَّارَةً لِمَا انْكَرْتَ مِنَّا فِيهِ
 بر آنچه بر شست بهر خدایان و پشت من را بخیر که خوش بینی در آن
 بِرَأْفَتِكَ الَّتِي لَا تَنْقُذُ وَفَضْلِكَ الَّذِي لَا
 بهر نی خود که نانی بخیر و فضل خود
 يَنْقُصُ اللَّهُ صَلَاحَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَالْخَيْرُ مَا
 که کمتره : بر خدا و بر آن پنداری در آن و در آن که خوب است

يَهْدِنَا وَبَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِ عِيدِنَا وَفِطْرِنَا
 بر آن در برکت و باران روز عید و روز که گزین
 وَاجْعَلْهُ مِنْ خَيْرِ يَوْمٍ مَرَّ عَلَيْنَا الْجَلِيلُ لِعَفْوِ
 و بر آن روز را از بهترین روزی که گزین بر ما گشته و بر آن عفو
 وَامْحَاهُ الذَّنْبَ وَاعْفِرْ لَنَا مَا خَفِيَ مِنْ ذُنُوبِنَا
 و محو گشته و بر آن روزی که گزین در بر ما پنداری شکسته
 وَمَا عَلَنَ اللَّهُمَّ اسْكُنْنَا يَا بَنِي آدَمَ هَذَا الْيَوْمَ
 و آنچه بر شست و خداوند بر آن روزی که گزین بر ما
 مِنْ خَطَايَانَا فَاخْرِجْنَا مِنْ حَرِّ جَهَنَّمَ مِنْ سَيِّئَاتِنَا
 از گناهان و در بر ما در آن روزی که گزین بر ما
 وَاجْعَلْنَا مِنْ أَسْعَدِ أَهْلِهِ وَاجْزِلِهِمْ
 و بر آن در از بهترین پنداری در آن و بر آن پنداری
 فَمِنَّا فِيهِ وَأَوْفِرْهُمْ حَظَّامِنَهُ اللَّهُمَّ
 از بهترین پنداری در آن و بر آن پنداری در آن و بر آن

حق

وَمَنْ رَغَىٰ هَذَا الشَّهْرَ حَقَّ رِعَايَتِهِ وَحَفِظَ

وهر که رعایت کرد این ماه را چنانچه حق رعایت کرد و نگاه داشت

حُرْمَتَهُ حَقَّ حِفْظِهَا وَقَامَ بِحُدُودِهِ حَقَّ قِيَامِهَا

حرمت آنرا چنانکه حق نگاه داشتن آن و قیام کرده است بحد و دیان حق قیام آنرا

وَأَتَقَىٰ ذُنُوبَهُ حَقَّ تَقَاتُلِهَا أَوْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ

و پرهیز کرد از گناه آن حق قیام آنرا یا نزدیک شد به تو

بِقَرْبَةٍ أَوْ جَبَّتْ رِضَاكَ لَهُ وَعَظَمْتَ رَحْمَتَكَ

بزرگی کرد که در جیب شد رضای تو را از او یا بزرگ کرد رحمت تو را

عَلَيْهِ رَهَبٌ لَّنَا مِثْلُهُ مِنْ وَجْدِكَ وَأَعْطَانَا

بر او بر ترس ما را مانند آن از تو که می خوازد و عطا کرد ما را

أَضْعَافَهُ مِنْ فَضْلِكَ فَإِنَّ فَضْلَكَ لَا يُغْنِي

اضعاف آن از فضل تو پس بجز فضل تو که فضل نیست از تو

وَأَنْ حَزَنًا مِنْكَ لَا تَقْصُ بَلْ تَقْصُ وَأَنْ مَعَا

و به جز که غم از تو که غم نیست بلکه غم از تو و به جز که غم از تو

أَحْسَانًا لَا تَقْنَىٰ وَإِنْ عَطَاكَ لَلْعَطَاءِ كَمُنَا

احسان تو را که نمی تواند بود و اگر عطا کردی تو را به عطا کردن

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكُنْ لَنَا مِثْلَ الْجَوْرِ

ای خداوند صلوات بفرست بر محمد و آل او و باش برای ما مانند زور

مِنْ صِيَامِهِ أَوْ تَعَبُدْ لِلَّهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ

از روزه و عبادت او را یا پارس کن او را از روز قیامت ای خداوند

إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمٍ فَطَرْنَا الَّذِي جَعَلَنَاهُ

پس ما را که توبه کنیم به تو در روزی که ساخت ما را و تو را که

لِلْمُؤْمِنِينَ عَبْدًا أَوْ سُرُورًا وَلَا هِلَ لِمَلِكِكَ

از برای مؤمنان عباد و شادی و برای پادشاه تو را

جَمْعًا وَمُخْتَلَدًا مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبَاهُ أَوْ

جمع و جدا شده از هر گناهی که کرده ایم از تو

سُوءَ اسْتَفْنَاهُ أَوْ خَاطِرًا شَرًّا ضَمَنَاهُ تَوْبَةً

بدی که از او پارس کردیم یا بدی که از او پارس کردیم یا بدی که از او پارس کردیم

مَنْ لَا يَنْطَوِي عَلَى رُجُوعٍ إِلَى ذَنْبٍ وَلَا يَعُودُ

که در فراموشی است. در مجموع بوی گندنی و بیزار کننده

بَعْدَهَا فِي خُطْبَةٍ نَوْبَهُ نَصُوحًا خَلَصَتْ

پس از آن در خطی قرینه و متقارنه که با آن باشد

مِنْ الشَّكِّ وَالْإِتْيَابِ فَتَقَبَّلْهُمَا مِنَّا وَارْحُصْ

از تنگ در یب پس پنجره افرا ازما در غرض

لَهَا عَنَا وَنَبِّئْنَا عَلَيْهَا اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَوْفَ

آن روز، منبیت و در باران پادشاه و دوزخی کنی مزارتوس

نَقَابِ الْوَعِيدِ وَشَوْقِ نَوَابِ الْمَوْعُودِ

قالب و حیدر و سون شریف و عید و دادہ شہ

فَتَجِدُ لَذَّةَ مَا نَدْعُوكَ بِهِ وَكَأَيَّةَ مَنَاسِكَ

که بیا بگویم لغت الکلمه خوانده شود و در تمام

لَهُ وَاجْعَلْنَا عِنْدَكَ مِنَ التَّائِبِينَ

دجله و انبار، و از آن دروز

5

ارْجَيْتَ لَهُمْ مَحْشَتَكَ وَقِيلَتْ لَهُمْ مُرَاجَعَةٌ

و هیچ نکرده از زبان من سخن خود را و پند و اندرز از زبان من باز نداشت

طَاعَتِكَ يَا اَعْدَلَ الْعَادِلِينَ اللَّهُمَّ تَجَاوَزْ

بطور خود ایجا دل نرس عدل کشنده کان بار خدای در گنار

عَنْ أَبِي نَافِعٍ وَأُمِّ هَانِئَةَ وَأَهْلِ دِينِ الْجَمْعِ

از چادران ، در مادران ، و اهدای

مَنْ سَلَفَ مِنْهُمْ وَمَنْ غَبَرَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ

هر که گفته است از این در که این تار و زیات بار خدا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى مَلَأَ

رحمت نوزدهم بفرمانه آلاء و جنایه رحمت نوزدهم بر فرستاد

المُقَرَّبِينَ وَصَلَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى

منقول من نسخة در علمت خیرت برادر در آستان چنانچه در علمت خیرت برادر

أَنْبِئَانِكَ الْمُرْسَلِينَ وَصَلَّ عَلَيْنَا وَآلِهِ كَمَا

بغیر ان کے لئے جو کہ درجہ اول و دوم کے حامل ہیں

صَلَّيْتَ عَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَافْضَلْ مِنْ

روحه فتاده بر بندگان ستیزه خود در پنداران

ذَلِكَ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ صَلَوةً تَبْلُغُنَا بِرُكْنَيْهَا

ای پروردگار عالمیان رحمت که برسد با برکت آن

وَيُنَالْنَا نَفْعُهَا وَتُجَابِلُهَا دَعَاؤُنَا إِنَّكَ

در برسد نفع آن دسترس بود که آن دعای پرستی

أَكْرَمُ مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ وَكَفَى مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ

که در گزینش از هر چه رغبت کرده است بوی او که در تکیه و تکیه

وَاعْطَى مَنْ سِئِلَ مِنْ فَضْلِهِ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ

و دهنده برین هر که سئال کرده از فضل خود بر هر

وَكَاخِرُ دَعَاؤِنَا سُبْحَانَكَ عَلَيْهِ سُبْحَانَكَ

چیز نیست نهان

الْفِطْرِ فِي يَوْمِ الْجُعْدَادِ أَمْ هِيَ مِنْ صَلَوةٍ قَالُوا أَمْ سَقِيلًا

سازان

يَا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لَا يَرْحَمُهُ الْعِبَادُ وَيَا مَنْ

ای کسی که رحمت کند کسی را که رحمت نکند او را بندگان و ای که

يُقِيلُ مَنْ لَا تُقِيلُهُ الْبِلَادُ وَيَا مَنْ لَا يَخْضِرُ أَهْلُ

چیز را که زنده نگه دارد او را سرزمین و ای که سبز نیستند اهل

الْحَاجَةِ إِلَيْهِ وَيَا مَنْ يُجِيبُ الْمُحْتَاجِينَ عَلَيْهِ

صنعت و چون خود و ای که زود رسیدن ای که گشتن را بر او

وَيَا مَنْ يُجِيبُهُ بِالرَّدِّ أَهْلَ الدَّالَةِ عَلَيْهِ وَيَا

و ای که برپشتی فی فتنه برادر کردن اهل باز بر او را و در دگر

يُجِيبُنِي صَغِيرًا يُخَفِّبُهُ وَيَشْكُرُ كَثِيرًا يَعْمَلُ

بر میگرداند که بکشد و کفایت دهد و شکر میکند اندک را که بزرگ بود

لَهُ وَيَا مَنْ يَشْكُرُ عَلَى الْقَلِيلِ وَجَازِي بِالْكَثِيرِ

بر او و در شکر کند بر اندک و پاداش میدهد بزرگ

وَيَا مَنْ يَدْنُو إِلَى مَنْ دَفَى مِنْهُ وَيَا مَنْ يَدْعُو

و ای که نزدیک میزد بوی کسی که از سرگشته بود و در دگر میخواند

إِلَى نَفْسٍ مَنْ أَدْبَرَ عَنْهُ وَيَأْمَنُ لَا يَغَيِّرُ النِّعَةَ
 بوی خود در کار او که در آن روز در این کار تغییر ندهد نعمت
 وَلَا يَبَادِرُ بِالنِّقْمَةِ وَيَأْمَنُ بِقَمَرِ الْحَسَنَةِ حَتَّى
 پیش نبرد بندگان و ایام که در میان او و سبکی را با هم
 يَمِينُهَا وَيَتَجَاوَزُ عَنِ الشَّيْءِ حَتَّى يُعْجِبَهَا انْفِرَتْ
 بجز اینها و در گذرد از بدی تا پسندیدم از او را بر رفتن
 أَلَامَالُ دُونَ مَدَى كَرَمِكَ بِالْحَاجَاتِ وَمِثْلُ
 از دامن نزد غایت کرم تو بجای حاجت و در شد
 يَفِيضُ جُودُكَ أَوْعِيَةَ الطَّلِبَاتِ وَتَفْتَحُ
 بر دهن جود تو فرخنده طلبها و در گشاید
 دُونَ بُلُوغِ نَعْيِكَ الصِّفَاتُ فَلَا الْعُلُوَّ لَا
 نزد رسیدن وصف تو صفات فلان العلو لا
 فَوْقَ كُلِّ عَالٍ وَأَجْلَالُ الْأَتَجِدُ فَوْقَ كُلِّ
 بوی و بزرگی و بزرگی بزرگی

جَلَالُ كُلِّ جَلِيلٍ عِنْدَكَ صَغِيرٌ وَكُلُّ شَرِيفٍ فِي
 بزرگی در نزد تو خرد و بزرگوار در نزد تو
 جَنْبِ شَرَفِكَ حَقِيرٌ كَخَابِ الْوَاقِدُونَ عَلَى
 جنب بزرگوار تو حقیر است و در نزد تو
 غَيْرِكَ وَخَيْرُ الْمُعْرِضُونَ إِلَّا لَكَ وَضَلَعُ اللَّيْلِ
 غیر تو و از این که در میان تو و لایق است و در میان تو
 إِلَّا لَكَ وَاجْتَذَبَ الْمُتَجِعُونَ إِلَّا مِنْ أَنْتَجَعَ فَضْلَكَ
 مگر تو و فقط افتادند بیک تو و آن که بیک تو افتادند
 بَابُكَ مَفْتُوحٌ لِلرَّاغِبِينَ وَجُودُكَ مُبَالِحٌ لِلسَّائِلِينَ
 درگاه تو گشوده است برای راضیان و جود تو مدد است برای
 وَإِعْظَامُكَ قَرِيبٌ مِنَ الْمُسْتَغْنِينَ لَا يَخْجِبُ
 و عظمت تو نزدیک است از غنیان و نه پنهان
 مِنْكَ أَلَا يَلُونُ وَلَا يَأْسُ مِنْ عَطَائِكَ الْغَرِيبُونَ
 از تو امید ندارند و نایس از عطا تو بزرگان

و بعد از آنکه به معیت او طبیبان را گفتند که روزی که از کوه است

باید کسی که عصبیت در کرد و علم تو پیشی انداخته مرا که مرا از این کار

عادت و شیوهی زندگی به هر کارایی و طریقته

و چون که بر از قضا که در میان

وینا در دست این که ...

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بکینه اعتقاد بر حسنیت و حسن بی تو قیاس در اوست

✓

1

فخ آردی حاد در البیاض و در که هست از ابر شفاست

خدا کردی اورا دانه بوی آن هر بن سوگر و نه کان بوی حکم تو

مائلة إلى أميرك لمطين على طول مدية تايك

وَلَا تَحْزَنْ أَلِ الْيَتَامَىٰ وَالْيَتَامَىٰ هَانُكُم مَّحَلُّكُم

در علم طب و جراحی و کتب
شهاب کرامت و این و غیره و غیره

فائمة لا تلحق و سلطانك يا رب الهيرك

فَالْوَيْلُ الدَّائِمُ لِمَنْ رَجَعَ عَنْكَ وَالْخَيْبَةُ الْخَالِدَةُ

بکس فزاید و این یکی بهیست که گویند لذت و در میان خاسته

مِنْ حَافِ مِثْكَ وَالسَّعَاءُ الْأَسْمَى يَنْبَغِي

✓

يَكْ مَا أَكْثَرُ تَصَرُّفِهِ فِي عَذَابِكَ وَمَا أَطْوَلَ نَزْدُكَ
 بر هر بسیار کردید در عذاب تو و چه بسیار است نزد تو
 فِي عِقَابِكَ وَمَا أَبْعَدَ غَائِبَةٍ مِنَ الْفَرَجِ وَمَا
 در عذاب تو و چه دور است غایب تو از کشف تو و چه
 أَقْطَرُ مِنْ سَهْوَةٍ أَخْرَجَ عِدْلًا مِنْ فَضَائِكَ
 نزدیک است از سستی تو و چه کم است از عدالت تو از فضل تو
 لَا يَجُوزُ قَبْرُهُ وَإِنْصَافُ مِنْ خُفِكَ لَا يَخْفَى
 و چه نمی رسد قبر تو و انصاف تو از خف تو که نمی پند
 عَلَيْهِ فَقَدْ ظَاهَرَتْ أَلْجُحُ وَأَبْلَيْتِ الْأَعْدَاةَ
 بر او پس بخت که ظاهر کرده و شکست داده عداوت را
 وَقَدْ تَقَدَّمَتْ بِالْوَعْدِ وَلَطَفَتْ فِي الرَّحْمَةِ
 و پیش رفتی بپای وعده و لطافت تو در رحمت
 وَصَرَبْتَ الْأَمْثَالَ وَأَطْلَتِ الْأَمْثَالَ وَالْخَوَرِ
 در زنده ماندن و در زنده ماندن و در زنده ماندن

وَأَنْتَ مُسْتَطِيعٌ لِلْعَاجِلَةِ وَكَأَنَّكَ وَأَنْتَ مَلِكٌ بِالْمَلَأِ
 و تو قادر بر عاجل و گویا که تو پادشاه بر مملکت
 لَمْ تَكُنْ أَنَا نَاكَ عَجَزًا وَلَا إِمَهَالًا وَلَا إِمَسًا
 نبوده است در این تو از عجز و نه از ایهال و نه از ایهال
 عَقْلَةً وَلَا أَنْظَارُكَ مَدَارَةً بَلْ لِنَكُونُ جَحَنًا
 از عجز تو و نه از نظارت تو در عجز تو بلکه بمانیم جحش
 أَبْلَغَ وَكَرَمَكَ أَكْمَلَ وَأَجْسَانِكَ أَفْخَى وَبَعْدَكَ
 رساتر و کرامت تو کاملتر و جفا تو رساتر و بعد تو
 أَلَمْ كُلِّ ذَلِكَ كَانَ وَلَمْ تَزَلْ وَهُوَ كَائِنٌ وَلَا
 که هر یک از این بود و تو نماندی و او کاین است و نه
 نَزَالَ جَحَنًا أَجَلٌ مِنْ أَنْ تُوصَفَ بِكَلِمَاتٍ وَجَدَكَ
 نماند جحش از آنکه توصیف تو با کلمات و یافت تو
 انْزِعْ مِنْ أَنْ تُحَدِّثَ بِكَلِمَاتِهِ وَبَعْدَكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ
 ببرد از آنکه تعریف تو با کلمات و بعد تو بیشتر است از آنکه

بِأَسْرِهَا وَإِحْسَانِكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُشْكِرَ عَلَى أَفْعَالِهِ وَتَدَّ
 نَامَ أَنْ وَجْهَهُ أَنْ يَدْعُوهُ مِنْ أَرْضِ الْمَلَكُوتِ وَتَدْعُوهُ مِنْ أَرْضِ الْمَلَكُوتِ
 فَتَرْبِي الشُّكْرَ عَنْ عَمَلِكَ وَفَقَهْنِي لِأَمْنِكَ
 كَمَا يَرْبِي عَمَلِي أَرْضِيكَ بِأَنْ تَرْضَى عَمَلِي وَتَرْضَى عَمَلِي بِأَنْ تَرْضَى عَمَلِي
 عَنْ عَمَلِكَ وَفَضْلِي لِي أَفْرَأُ بِأَحْسَنِ مَا يَكُونُ لِي مِنْكَ
 أَنْ يَرْبِيكَ وَأَنْ يَرْبِيكَ وَأَنْ يَرْبِيكَ وَأَنْ يَرْبِيكَ وَأَنْ يَرْبِيكَ وَأَنْ يَرْبِيكَ
 يَا إِلَهِي بَلِّغْ عَمَلِي أَنَا ذَا أَوْفَى بِأَلْفَادَةٍ وَأَسْأَلُكَ
 أَيُّ شَيْءٍ مِنْ بَلَدِهِ وَبَلَدِهِ وَبَلَدِهِ وَبَلَدِهِ وَبَلَدِهِ وَبَلَدِهِ وَبَلَدِهِ وَبَلَدِهِ
 حَسَنَ الْوَفَادَةِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاسْمَعْ مَجْهَوَايَ
 نَبِيَّكَ عَمَلِي بِأَنْ يَرْبِيكَ وَأَنْ يَرْبِيكَ وَأَنْ يَرْبِيكَ وَأَنْ يَرْبِيكَ وَأَنْ يَرْبِيكَ
 وَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَلَا تَحْمِلْ بِي مِحْنَةً وَلَا تَجْعَلْ لِي
 وَاجِبَةً كَانَتْ لِي مِنْكَ وَتَحْمِلْ بِي مِحْنَةً وَلَا تَجْعَلْ لِي
 بِالرَّزْقِ فِي شَيْءٍ وَأَكْرَمْ مِنْ عَمَلِكَ مُنْصَرَفِي وَاسْأَلُكَ
 بِرَأْسِكَ وَاسْأَلُكَ بِرَأْسِكَ وَاسْأَلُكَ بِرَأْسِكَ وَاسْأَلُكَ بِرَأْسِكَ

وَلَمْ يَكُنْ مِنْهُمْ شَيْءٌ

مُنْقَلِبِي إِلَيْكَ غَيْرُ ضَائِقٍ بِمَا تَزِيدُ وَلَا عَاجِزٌ عَمَّا تُسَلِّ
 بِرَأْسِكَ وَأَنْ يَرْبِيكَ وَأَنْ يَرْبِيكَ وَأَنْ يَرْبِيكَ وَأَنْ يَرْبِيكَ وَأَنْ يَرْبِيكَ وَأَنْ يَرْبِيكَ
 وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا
 وَأَنْ يَرْبِيكَ وَأَنْ يَرْبِيكَ وَأَنْ يَرْبِيكَ وَأَنْ يَرْبِيكَ وَأَنْ يَرْبِيكَ وَأَنْ يَرْبِيكَ
 يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ
 اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِدُجَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجَلَا
 وَالْأَكْرَامِ رَبِّ الْأَرْبَابِ وَالْإِلَهِ كُلِّ مَالٍ وَخَالِقِ
 كُلِّ مَخْلُوقٍ وَوَارِثِ كُلِّ شَيْءٍ لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ وَلَا
 يُغْزِبُ عَنْهُ عِلْمُ شَيْءٍ وَهُوَ يَكِلُ كُلَّ شَيْءٍ مُحِيطٌ وَهُوَ عَلَى
 كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

سَلَامٌ عَلَيْكَ

تکبر
الذی

کَلِّ ثَغِيْرٌ قَبِيْبٌ اَنْتَ اللهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ الْاَحَدُ الْمَوْجِدُ
 هرگز تکلمات تو خداوندی که نیست خداوندی که تو را
 الْفَرْدُ الْمُنْفَرِدُ وَاَنْتَ اللهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ الْكَرِيْمُ
 بی یغنی یگانه و توئی خداوندی که نیست خداوندی که تو را
 الْمَتَكِرِّمُ الْعَظِيْمُ الْمُنْعَمُ الْكَبِيْرُ الْمَلِكُ وَاَنْتَ اللهُ
 باری بزرگ با عظمت بزرگ بزرگی و توئی خداوندی
 لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ الْعَلِيُّ الْمَتَعَالِي السَّعْدُ الْبَدِيْحَالِ وَاَنْتَ
 نیست خداوندی که نیست خداوندی که تو را
 اللهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيْمُ الْعَلِيْمُ الْحَكِيْمُ وَاَنْتَ
 خداوندی که نیست خداوندی که تو را
 اللهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ السَّمِيْعُ الْبَصِيْرُ الْقَدِيْمُ الْخَبِيْرُ
 خداوندی که نیست خداوندی که تو را
 وَاَنْتَ اللهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ الْكَرِيْمُ الْاَكْرَمُ الدَّائِمُ
 و توئی خداوندی که نیست خداوندی که تو را

الاحد

اَلْاَدْوَمُ وَاَنْتَ اللهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ الْاَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ
 همیشه و توئی خداوندی که نیست خداوندی که تو را
 الْاَحَدُ الْاٰخِرُ بَعْدَ كُلِّ عَدَدٍ وَاَنْتَ اللهُ لَا اِلَهَ اِلَّا
 کسی و توئی پس از همه شمار و توئی خداوندی که نیست خداوندی که تو را
 اَنْتَ الَّذِي فِيْ عُلُوْمِ الْعَالِي فِيْ دُوْنِهِ وَاَنْتَ
 تو نزدیکی در معنی خود و بهیچ در نزدیکی خود و توئی خداوندی
 لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ ذُو الْبَهَاءِ وَالْمَجْدِ الْكَبِيْرُ الْوَالِدُ الْوَلَدُ
 نیست خداوندی که تو را خداوندی که نیست خداوندی که تو را
 وَاَنْتَ اللهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ الَّذِي اَنْشَأْتَ لَشَيْئًا
 و توئی خداوندی که نیست خداوندی که تو را
 مِنْ غَيْرِ شَيْخٍ وَصَوَّرْتَ مَا صَوَّرْتَ مِنْ غَيْرِ مِثَالٍ
 از غیر مانند و نظارت آنچه نظارت به نمود
 وَابْتَدَعْتَ الْمُبْدِعَاتِ بِلَا اَحْذَاهُ اَنْتَ الَّذِي
 و توید به امرند و توید به امر و توید به امر و توید به امر

تکبر

قَدَّرْتُ كُلَّ شَيْءٍ لِقَدَرٍ وَكَثُرَتْ كُلُّ شَيْءٍ بِتَبَسِيرٍ
 آنچه برآورده هر چیز را بقدر کردی و بسیار گشته هر چه را برآوردی
 وَدَبَّرْتُ مَا دُونَكَ تَدْبِيرًا أَنْتَ الَّذِي لَمْ يَغْنَبْكَ
 و تدبیر کردم آنچه را که تو را نیست تدبیر کردی تو ای که بر تو نپسندیدند
 عَلَى خَلْقِكَ شَرِيكَ وَلَمْ يُؤَايِزْكَ فِي أَمْرِكَ وَزُرْ
 بر آفرینیدن تو ایازری و مددکاری نکردی پس در کار تو مددکاری
 وَلَمْ يَكُنْ لَكَ مُشَاهِدٌ وَلَا نَظِيرٌ أَنْتَ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ
 و نه بود بر تو همسر و نه مانند تو و نه نظیری تو ای که فرستادی
 فَكَانَ حَقًّا مَا أَمَرْتُ وَقَضَيْتُ فَكَانَ عَدْلًا مَا
 پس بود و حقیق آنچه امر کردم و قضایت پس بود عدل آنچه
 قَضَيْتُ وَحَكَمْتُ فَكَانَ نِصْفًا مَا حَكَمْتُ أَنْتَ
 حکم کردی و فرمودادی پس بود انصاف آنچه فرمودادی تو ای
 الَّذِي لَا يَحُولُ بِكَ مَكَانٌ وَلَمْ يَقُمْ بِطُلَاطِيكَ
 ای که فراموش تو را نگردد و بر تو ایستاده و بر پای تو نماند

دبورت سرد

مشاهده

در این

وَلَمْ يَغْنَبْكَ بَرْهَانٌ وَلَا بَيَانٌ أَنْتَ الَّذِي لَمْ يَحْصِدْ
 و نه بر تو نپسندیدند برهان و نه بیان تو ای که نبرد
 كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا وَجَعَلْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَمْدًا وَقَدَّرْتَ
 هر چیز را سنجش کردی و کردی برای هر چیزی مدتی و اندازه کردی
 كُلَّ شَيْءٍ لِقَدَرٍ أَنْتَ الَّذِي قَصَرْتَ الْأَوْهَامَ عَنْ
 هر چیز را اندازه کردی تو ای که سراسر کرده اند و همه را از
 ذَاتَيْكَ وَغَجَزْتَ الْأَوْهَامَ عَنْ كَيْفِيَّتِكَ وَلَمْ
 کن ذات تو و عاجز شدی و همه را از چگونه گشتی
 تُذَكِّرِكَ الْأَبْصَارُ مَوْضِعَ أَيْدِيكَ أَنْتَ الَّذِي لَا
 بر تو یادآورند دیدار جای دستان تو ای که دراز کردی
 فَتَكُونُ مَحْدُودًا وَلَمْ تَمَثَّلْ فَتَكُونُ مَوْجُودًا وَلَمْ
 پس باشی محدود شده و نگشتی در ظاهر پس باشی موجود شده و نه
 تَلِدُ فَتَكُونُ مَوْلُودًا أَنْتَ الَّذِي لَا يَحْدُ مَعَكَ
 زاده گشتی و تا به غیر زاده نشده تو ای که نیست مع تو

فِعَايِدَكَ وَلَا عِذْلَ فَيْكَ تَرْكُ وَلَا يَدَكَ فَيْعَايِرَكَ
لما عاود و زوایا و در مقامی از عید کند و در دست شادی و شادمانی

أَنْتَ الَّذِي ابْتَدَأَ فَخَرَجَ وَاسْتَحْدَثَ وَابْتَدَعَ

تو ای که آغاز کرد و در تو به بیرون آورد و در مقامی

وَإَحْسَنَ صُنْعَ مَا صَنَعَ سُبْحَانَكَ مَا لَجَلَّ شَأْنُكَ وَ

و زیاده کرد آنچه کرد و بزرگ است کار تو و چه بزرگ

فِي الْأَمَاكِنِ مَكَانَكَ وَأَصْدَعَ بِالْحَقِّ فَرَقَانِكَ سُبْحَانَكَ

در میان جاها مکان تو و روشن کرد حق را و در مقامی

مِنْ لَطْفٍ مَا لَطَفْتَ وَرَوْفٍ مَا ارْوَفْتَ وَحُكْمٍ

از آن لطافت که لطافت کند و از آن مهربانی که مهربانی کند و از آن حکمت

مَا أَعْرَفَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مَلِكٍ مَا أَمْنَعَكَ وَجُودِ

آنچه از تو آموخت تو را از آن پادشاه چه غلبه

مَا أَوْسَعَكَ وَرَفِيعَ مَا أَرْفَعَكَ ذُو الْبَهَاءِ وَالْجَدِّ

چه تو را گشاده کرد و بلند کرد چه تو را بلند کرد و در مقامی

وَالْكِبْرِيَاءِ وَأَخْذَ سُبْحَانَكَ بَسَطْتَ بِالْخَيْرَاتِ

و بزرگوار و در مقامی از عید کند و در دست شادی و شادمانی

يَدَكَ وَعَرَفْتَ الْهِدَايَةَ مِنْ عِنْدِكَ قَرْنُ الْقَمَلِ

دست خود را و در مقامی از عید کند و در دست شادی و شادمانی

لِلدِّينِ أَوْ دُنْيَا وَجَدَكَ سُبْحَانَكَ خَصَّكَ لَكَ مِنْ

از دین یا دنیا یافت تو را و بزرگ است کار تو و در مقامی

جَمْعِي فِي عِلْمِكَ وَخَصَّ عَظَمَتِكَ مَا دُونَ عَرْشِكَ

در مقامی از عید کند و در دست شادی و شادمانی

وَأَنْقَادَ لِلتَّسْلِيمِ لَكَ كُلِّ خَلْقِكَ سُبْحَانَكَ لَا تَحْزَنُ

و در مقامی از عید کند و در دست شادی و شادمانی

وَلَا تَحْزَنُ وَلَا تَحْزَنُ وَلَا تَحْزَنُ وَلَا تَحْزَنُ وَلَا تَحْزَنُ

و در مقامی از عید کند و در دست شادی و شادمانی

وَلَا تَحْزَنُ وَلَا تَحْزَنُ وَلَا تَحْزَنُ وَلَا تَحْزَنُ وَلَا تَحْزَنُ

و در مقامی از عید کند و در دست شادی و شادمانی

سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ جَدُّدًا مُرْتَدًّا وَانْتَ حَيٌّ
 يَكُونُ رَأَوْهُ رُبُّهُ هُوَ وَهُوَ حَوَائِجُ دَوْنِ رَأَوْهِ
 حَمْدُ سُبْحَانَكَ قَوْلُكَ حُكْمٌ وَقَضَاؤُكَ حَقٌّ وَإِرَادَةُكَ
 فِي غَايَةِ الْبَاطِنِ كَقُدْرَةِ كَلَمَتِكَ وَتَقْضِي لَدُنْهُ هُوَ وَهُوَ
 عَزَمُ سُبْحَانَكَ لَا مَرَادَ لِحَيْثِيَّتِكَ وَلَا مُبْدِلَ لِكَلِمَاتِكَ
 جَزَمُ هُوَ يَكُونُ بَرَكَةُ كُنْزِهِ وَهُوَ غَزْوَةُ دَوْلَتِهِ
 سُبْحَانَكَ يَا هَرِ الْأَيَّاتِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ بَارِقِ النُّجُومِ
 يَكُونُ تَوَالِي خَدَائِكَ تَوَالِي رُشْدِ أَيْ قُرْبِهِ وَاسْلُوكِ أَوْجُهُهُ
 لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَدُومُ بِدَوَامِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا
 يَزِيدُ سُبْحَانَكَ سُبْحَانُكَ كَيْفَ تَعْلَمُ وَهُوَ سُبْحَانُكَ سُبْحَانُكَ
 يَنْعَمُ لَكَ وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يُؤْتِي صُنْعَكَ وَلَكَ
 الْحَمْدُ حَمْدًا يَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ
 سُبْحَانُكَ كَوْنُهُ بِمَنْزِلَةِ رُشْدِهِ وَهُوَ رُبُّهُ سُبْحَانُكَ كَوْنُهُ

حَمْدُ كُلِّ حَامِدٍ وَشُكْرُ أَقْصَرُ عَنْهُ شُكْرُ كُلِّ شَاكِرٍ
 سُبْحَانُكَ سُبْحَانُكَ وَشُكْرُكَ كَوْنُهُ بِمَنْزِلَةِ رُشْدِهِ وَهُوَ رُبُّهُ
 حَمْدُ الْأَيْبِيِّ الْأَلَّكَ وَلَا يُقَرِّبُ بِهِ إِلَّا إِلَهُكَ خَدَا
 سُبْحَانُكَ كَوْنُهُ بِمَنْزِلَةِ رُشْدِهِ وَهُوَ رُبُّهُ سُبْحَانُكَ
 يُسْتَدَامُ بِهِ الْأَقْلُ وَيُسْتَدْعَى بِهِ دَوَامُ الْخَيْرِ خَدَا
 كَوْنُهُ بِمَنْزِلَةِ رُشْدِهِ وَهُوَ رُبُّهُ سُبْحَانُكَ
 يَضَاعَفُ عَلَى كَرِّهِ الْأَنْزِمِينَ وَيَزِيدُ الْأَضْعَافَ
 كَوْنُهُ بِمَنْزِلَةِ رُشْدِهِ وَهُوَ رُبُّهُ سُبْحَانُكَ
 مُتَوَاتِرَةً خَدَا يَجْزِي عَنْ إِحْصَائِهِ الْحَفَظَةُ وَيَزِيدُ
 بِأَدْرِ سُبْحَانُكَ كَوْنُهُ بِمَنْزِلَةِ رُشْدِهِ وَهُوَ رُبُّهُ
 عَلَى مَا لَمْ يَصْنَعْ فِي كِتَابِكَ الْكِتَابَةَ خَدَا يُؤْتِي
 بِأَدْرِ سُبْحَانُكَ كَوْنُهُ بِمَنْزِلَةِ رُشْدِهِ وَهُوَ رُبُّهُ
 عَزَمُكَ الْمَجِيدُ وَيُعَادِلُ كَرَمِيَّتِكَ الرَّفِيعُ خَدَا
 عَزَمُكَ الْمَجِيدُ وَيُعَادِلُ كَرَمِيَّتِكَ الرَّفِيعُ خَدَا

يَكُلُّ لَدَيْكَ ثَوَابُهُ وَيَسْتَعْرِقُ كُلَّ جَزَاءٍ جَزَائُهُ

که کل کند نزد تو ثوابش و در قیام هر چه را بر او رسد

خَدَا ظَاهِرُهُ وَفَوْقَ لِبَاطِنِهِ وَبِاطِنُهُ وَفَوْقَ صِدْقِهِ

ای که بی کسی که ظاهر آن بر آنست و بر باطن او و باطن آن بر او رسد

الْبَيْتِ فِيهِ خَدَا لَمْ يَخْلُقْ مِثْلَهُ وَلَا يُعْرِفُهُ

بیت در او کسی که بی کسی که او را نداند و او را نشناسد

أَحَدٌ سِوَاكَ فَضْلُهُ خَدَا أَعْلَانٌ مِنْ أَيْدِيهِ فِي

کسی جز او فضل او بی کسی که او را بداند و او را نشناسد

تَعْدِيدُهُ وَيُؤْتِي مَنْ أَغْرَقَ تَزَعَا فِي تَوْفِيْقِهِ

شماردن آن و دوت دادن و دوت کردن که هم در توفیق او

خَدَا يَجْمَعُ مَا خَلَقَتْ مِنْ أَلْحَدٍ وَيَبْتَظِمُ مَا أَنْتَ

بی کسی که جمع کند آنچه را که از یک و بپوشد آنچه را که

خَالِقُهُ مِنْ بَعْدِ خَدَا لَا خَدَا قَرِيبٌ إِلَى قَوْلِكَ

خالق آن پس از آن بی کسی که بی کسی که او را بداند و او را نشناسد

تَوْفِيْقِهِ

تَعْلَمُكَ

سِنُهُ وَلَا أَحَدٌ مِمَّنْ تَعْلَمُكَ بِهِ خَدَا يُوجِبُ بِكَرَمِكَ

از او و بی کسی که او را بداند و او را نشناسد و او را نشناسد

لَمْ يَدْرِ بِوَقْفِهِ وَتَصَلُّهُ يَمْنَعُ بَعْدَ مَنْ يَدْرِي طَوْلَهُ

او را نداند و او را نشناسد و او را نشناسد و او را نشناسد

مِنْكَ خَدَا يُجِبُ لَكُمْ تَجَمُّدُكَ وَيُقَابِلُ عَمْرَ جَلَالِهِ

از تو بی کسی که او را بداند و او را نشناسد و او را نشناسد

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْمُتَجَبِّ الْمُصْطَفَى

از تو و او را بداند و او را نشناسد و او را نشناسد

أَلَمْ تَكُنْ الْقَرِيبَ أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ وَبَارِكْ لِي عَلَيْهِ

آیا که او را بداند و او را نشناسد و او را نشناسد

أَتَمَّ بِرَكَاتِكَ وَتَزَكَّ عَلَيْهِ أَمْعَ رَحْمَتِكَ رَبِّ

تو را بداند و او را نشناسد و او را نشناسد

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوَةً زَاكِيَةً لَا تَكُونُ صَلَوَةً

در حق او و او را بداند و او را نشناسد و او را نشناسد

أَنْتَ مِنْهَا وَصَلٍ عَلَيْهِ صَلَوةٌ نَامِيَةٌ لَا تَكُونُ
افزوده و از آن در وقت برادر رحمت فراوان کند که بگوید
صَلَوةٌ أَتَى مِنْهَا وَصَلٍ عَلَيْهِ صَلَوةٌ رَاضِيَةٌ
در وقت فراوان کند و از آن در وقت برادر رحمت پسندیده
لَا تَكُونُ صَلَوةٌ تَوْفَقَهَا رَبٌّ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
که باشد در وقت با او ای بود که رحمت بر او برسد
صَلَوةٌ تَرْضَاهُ وَتَنْبِذُ عَلَى رِضَاهُ وَصَلٍ عَلَيْهِ
رحمت که خوشتر از آن است و بگوید بر خوشتر و ای او در وقت
صَلَوةٌ تَرْضَاهُ وَتَنْبِذُ عَلَى رِضَاهُ لَهُ وَصَلٍ
رحمت که خوشتر از آن است و بگوید بر خوشتر و ای او در وقت
عَلَيْهِ صَلَوةٌ لَا تَرْضَاهُ لَكِ الْإِهْلَاوَلَا تَرْضَاهُ
برادر رحمت که پسندیده برای او که آن رحمت و در غیر آن
لَهَا أَهْلًا رَبٌّ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوةٌ تَجَاوِزُ
برای آن از آن ای بود که رحمت بر او برسد و ای او در وقت که در گذرد

رَبُّكَ وَأَنْتَ وَتَقْبِلُ إِلَيْهَا سُبْحَانَكَ وَلَا تَقْدُ
خوشتر و ای او در وقت برادر رحمت فراوان کند که بگوید
كَلَّا تَقْدُ كَلَّمَكَ رَبٌّ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوةٌ
چندین بار بگوید مستجاب و ای بود که رحمت بر او برسد و برای او رحمت
تَقْبِلُ صَلَواتِ مَلَائِكَتِكَ وَآيَاتِكَ وَرُسُلِكَ
که در پیشگاه رحمتی در پیشگاه و در پیشگاه و در پیشگاه
وَأَهْلِ طَاعَتِكَ وَتَقْبِلُ عَلَى صَلَواتِ عِبَادِكَ
و در وقت برادر رحمت بر رحمتی بگوید که آن تو
مِنْ جَنَّتِكَ وَآيَتِكَ وَأَهْلِ إِجَابَتِكَ وَتَجْمَعُ
در پیشگاه و در پیشگاه و در پیشگاه و در پیشگاه
عَلَى صَلَوةٍ كُلِّ مَنْ ذَرَأَتْ وَبَرَأَتْ مِنْ أَصْنَانِ
برادر رحمت که در آن بوده و بگوید که آن تو
خَلَقَكَ رَبٌّ صَلَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَوةٌ تُحِبُّ بِكُلِّ
افزوده و ای او در وقت برادر رحمت فراوان کند که بگوید

صَلُّوا لَأَمَدًا فِي أَوْطَانٍ وَلَا غَايَةَ لِأَمَدِهَا

که نوبتی نباشد در اول آن و نه خاتمی برای مدت آن

وَلَا هَآئِبَةَ لِآخِرِهَا رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ زَيْنَ عَرَبِيَّةَ

و نه نوبتی برای آخر آن

وَمَا دُونَهُ وَمِلَا سَمَوَاتِكَ وَمَا فَوْقَهُنَّ وَعَدَّ

و آنچه فرود است بر سر آسمانی تو و آنچه بالای آسمان است

أَرْضِيكَ وَمَا تَحْتَهُنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ صَلَوةً تَقْرَأُ

ز زمین تو و آنچه پایین آن است و آنچه میان آسمان و زمین است

مِنْكَ وَذَلْفَى وَتَكُونُ لَكَ فَلَهُمْ رِضَاؤُكَ

و این را بپس آن و نزدیک آن و تو باشی برای آن پس خوشی آن

يَنْظُرُونَ أَبَدًا اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَبَدْتَ دِينَكَ

بماند ای خدا همیشه دین تو که تو هستی مادی در آن

فِي كُلِّ أَوَانٍ يَا مَنَامُ أَمْنَهُ عَلَيْهِ الْعِبَادُ

در هر زمانی ای خواب آسایش آن بر عباد تو

وَمَنَارًا فِي بِلَادِكَ بَعْدَ أَنْ وَصَلَتْ حَبْلُهُ

و مناره ای در سرزمین تو پس از آنکه وصل کردی پتان او را

بِحَبْلِكَ وَجَعَلْتَهُ الذَّرْبَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ وَأَقْرَبَتْ

به پتان خود و کردی در آید او را رسید بوی خوشنودی خود و نزدیک کردی

طَاعَتَهُ وَحَدَّرْتَ مَعْصِيَتَهُ وَأَسْرَمْتَ بِأَمْنِنَا

طاعت او را و ترسانیدی از فرمان تو او را و ایمن کردی

أَوَائِرَهُ وَالْأَيْتِهَاءَ عِنْدَ ظَنِّهِ وَالْأَيْتِهَاءَ

ارزانی او را و ایستادگی نزد نفی او و ایستادگی

مُنْقَدِمٌ وَلَا يَتَأَخَّرُ عَنْهُ مَتَأَخَّرُ هُوَ عِصْمَةُ الْأَيْتِهَاءِ

پیش است و او پس نزد او را و پس او عصبه ایستادگی

وَكُفَّ الْمُؤْمِنِينَ وَعَمَّرَ الْمُتَمَكِّينَ وَجَاءَ الْعَالَمِينَ

و نگاه مؤمنان را و بلند کردی متکبران را و آمد دنیای

اللَّهُمَّ فَأَوْزِغْ لَوْلِيكَ شُكْرَهَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ

ای خدا پس در دل آن بپاش شکری که تو دادی بر او

وَأَوْزَعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ وَأَتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا

و در اول آن روز ما را و میده آن روز به او و خطی از او را در نزد خود با دست حق

نَصِيرًا وَاقْنَعْ لَهُ فَتَحًا بَسِيرًا وَأَعِزُّهُ بِرُكْنِكَ

و ای دهنده و گشایش ده و در آن کنی ایستای و بر کنی او را بجانب قوی خود

الْأَعَزُّ وَاشْدُدْ أُنْزُرَهُ وَقَوِّ عِصْدَهُ وَصَرِّحْ بِهِ

که قوی تر است و محکم کن پشت او را و قوت ده و برادر او را و در غایت کن او را

بِعَيْنِكَ وَاجْعَلْهُ يُحْفَظُكَ وَانْصُرْهُ بِمَلَأَتِكَ

ببر دیده خود و حمایت کن او را ب حفظ خود و نصرت ده او را ب پهلوی خود

وَأَمْدُدْهُ بِجُنْدِكَ الْأَغْلَبِ وَأَقِمْ بِهِ كَيْلَكَ وَ

و بده او را ب لشکر خود که غالب ترند و بپای هر روز به کتب خود

حُدُودَكَ وَشَرِّعْكَ وَسُنَّ رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ

و حدود خود را و شریعتی خود را و طریقهای رسول خود را و رحمتی خود را

اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَالْإِلَهِ وَآخِي بِهِ مَا أَمَانَةُ الظَّالِمُونَ

ای خداوند که بر او ایستاده اند و ای خداوند که بر او ایستاده اند و ای خداوند که بر او ایستاده اند

وَحَقِّقْهُ

مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ وَاجْعَلْ بِهِ صَدَأَ الْمَجْمُورِ عَنْ

از نشانیهای دین تو و بپراوری بدین رنگ ستم را از

طَرَفَيْكَ وَابْنِ بِهِ الْخَرَاءَ مِنْ سَبِيلِكَ وَأَزِلْ

طرفیه خود و در کن بدین خمر را نه راه خود و در این میان

بِهِ التَّائِكِينَ عَنْ صِرَاطِكَ وَانْحَقْ بِهِ بُغَاةَ تَكَلُّفِكَ

و ای که در میان کن از راه خود و در میان کن با دگر طلب سبک را

عِوَجًا وَالْإِنْ جَانِبَهُ لَا إِلِيَّ إِلَّا أَنْتَ وَابْتَطِئْ بِهِ عَلَى

کجی و در میان کن جانب او را بر این راستان خود و بپای هر روز بر

أَعْدَائِكَ وَهَبْ لَنَا سِرَافَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَتَعَفُّفَهُ

دشمنان خود و بخشش را ما را بر این روز و در غایت او و در غایت او

وَتَحَنُّنَهُ وَاجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ وَفِي

و در جسم او و بپای هر روز ما را بر این روز و در غایت او و در غایت او

رِضَاهُ سَاعِينَ وَإِلَى نُصْرَتِهِ وَاللَّذَائِفَةَ عَنْهُ

و رضای او را بر این روز و در غایت او و در غایت او و در غایت او

مُخَيِّفِينَ قَائِلِينَ وَالْحَمْدُ لَكَ صَلَوَاتُكَ

بر خشندهگان و بوی تو و بوی رسول تو و محمدی تو

اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَالْإِلَهَ بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ اللَّهُمَّ وَصَلِّ

پسند نزول می بر خشندهگان

عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ الْمُتَعَرِّفِينَ بِمَا فِيهِمُ الْمُسْتَجِبِينَ

بر استواران ایشان و در آن گشته که بر سر ایشان متبرک گشته

مُسْتَجِبُهُمُ الْمُتَقَرِّبِينَ أَنَا لَهُمْ الْمُسْتَجِبِينَ

را و آنچه ایشان را بر آورده اند انوار ایشان را دست در آورده گشته

يَعْرِفُهُمُ الْمُتَقَرِّبِينَ بِمَا فِيهِمُ الْمُؤْتَمِنِينَ

بجسته ایشان جمیع دهگان به بر سر ایشان افتاده گشته

يَا مُنْتَقِمُ السَّالِفِينَ لَا تَرْهُمْ الْجَنَّةَ فِي ظُلْمٍ

یا انتقام دهننده پیشین اگر نه گشته مرا بر این گوش گشته گشته در غم بر این

الْمُسْتَظَرِّينَ يَا مُنْتَقِمُ الْمَادِيَنِ إِلَهُمُ أَغْنِهِمْ

انتظار بر نه گشته و در کار ایشان گشته گشته بوی ایشان و جبهه ایشان

الصلوة

الصلوات المباركات الزايدات الثمانيات

مبارک و بوی مبارکات و بوی ثمانی

العاذيات الزايدات وسلم عليهم وعلى آئمتهم

و در دوزخ است بر ایشان و بر اولاد ایشان

و اجمع على الفوق امرهم وأصلح لهم شوقهم

و جمع کن بر بهر که بوی کار ایشان را بهر که بوی کار ایشان را

و تب عليهم انك انت التواب الرحيم وخير

و تبرک بر ایشان زیرا که تو هستی التواب الرحیم و بهترین

الغافرين واجعلنا معهم في دابر السلام

از نه گشتهگان و بگردان ما با ایشان در دایره سلامت

برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم هذا يوم عرفة

بر رحمت تو ای مهربان ترین مهربانان خداوند این روز عرفة

يوم شرفة وكرمته وعظمته كثرت فيه خلائ

روز شرف و بزرگواری و عظمت او گشته گشته در این روز خلائق

وَمَنْتَ فِيهِ بِعَفْوِكَ وَأَجَلْتَ فِيهِ عَظِيمَتِكَ وَ

و انعام کردی در آن ب عفو خود و بپاک کردی در آن عظمی خود

تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَى عِبَادِكَ اللَّهُمَّ وَأَنَا عَبْدُكَ الَّذِي

تفضل کردی ب تو بر بندگان خود خدایم و من بنده توام که

أَنْعَمْتَ عَلَيَّ قَبْلَ خَلْقِكَ لَكَ وَبَعْدَ خَلْقِكَ إِنَاءُ

انعام کرده بود پیش از خلق تو مرا و در بعد از تو

فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ هَدَيْتَهُ لِدِينِكَ وَوَقَفْتَهُ لِحُجَّتِكَ

پس کردی بنده ای را از بندگان هدایت کردی او را به دین خود و توختی او را برای حج

وَعَمَلُهُ يَجْعَلُكَ وَأَدْخَلْتَهُ فِي عِزِّكَ وَالْمُرْتَدُّ

و انعام کردی بر او ب آن خود و او را در عزت خود و او را در عفو خود

لَوْ الْإِلَهِ أَفَلِيائِكَ وَمُعَادَاتِ اعْدَاثِكَ ثُمَّ أَمَرْتَهُ

پس ای خداوند منم و ای خداوند منم و ای خداوند منم و ای خداوند منم

فَلَمْ يَأْمُرْ وَرَجَعْتَهُ فَلَمْ يَنْزِجْ وَهَبْتَهُ عَنْ

پس تو را نداد و برگرداند تو را نداد و برگرداند تو را نداد

محبوب

مَعْصِيَتِكَ فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَى هَيْئَتِكَ لَا مُعَانَدَةَ

معیشت خود پس مخالفت کرد او تو را بپیشانی خود نه به معاندت

لَكَ وَلَا اسْتِكْبَارًا عَلَيْكَ بَلْ دَعَا هَوَاهُ إِلَى

او تو را نه در استکبار بر تو نه در استکبار بر تو نه در استکبار بر تو

مَا تَهْتَلِيهِ وَإِلَى مَا حَذَرْتَهُ وَأَعَانَهُ عَلَى ذَلِكَ

بدان ای خداوند منم و بدان ای خداوند منم و بدان ای خداوند منم

عَدْوُكَ وَعَدْوُهُ فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ غَايِرًا بِوَعْدِكَ

دشمن تو و دشمن او پس اقدام کردی بر او در حال که نشسته بود بر وعده خود

مُجَابًا لِعَفْوِكَ وَأَنْفَايَتِجَاؤِ نَزْكَ وَكَانَ لِحُجَّتِكَ

اجابت کردی عفو خود و انقیاد تو را به عفو خود و او را در حال که نشسته بود بر حج

مَعَ مَا مَنَنْتَ عَلَيْهِ لِأَنْفَعَلْ وَهَذَا أَنَا ذَابِقٌ بِكَ

با آنچه انعام کردی بر او ب آنکه منم و این که منم و این که منم

صَاحِبًا ذَلِيلًا خَاضِعًا خَائِعًا مُغْتَرِفًا

صاحب ذلیل خاضع خایع مغترف

يَعْظِمُ مِنَ الذَّنُوبِ تَحْتَهُ وَجَلِيلٌ مِنَ الْخَطَايَا

بعضی از گناهان که عظمی است از آنرا و جللی از خطایا

اَجْرُ مَنْهُ سُجَّيْرًا يَصِفُكَ لَأَنَّا بِرَحْمَتِكَ مُوقِنًا

که از او ایستاده و در حق او یقین داریم که تو را به رحمت خود یقین داریم

أَنَّهُ لَا يَجُزِّي مِنْكَ حُجْرًا وَلَا يَمْتَعِي مِنْكَ مَا نَعْبُدُ

و نه از او ایستاده و در حق او یقین داریم که تو را به رحمت خود یقین داریم

عَلَىٰ بِمَا نَعُوذُ بِهِ عَلَىٰ مِنْ أَفْرَقَ مِنْ نَعْمَتِكَ

بر آنچه ما از تو پناه می دهیم و تو را به رحمت خود یقین داریم

وَجَدَ عَلَىٰ مِلْحَجُوذِهِ عَلَىٰ مِنَ الْقِيَمَةِ الْيَدَ

و یافتیم که بر او از تو پناه می دهیم و تو را به رحمت خود یقین داریم

مِنْ عَفْوِكَ وَآمَنَ عَلَىٰ بِمَلَايَعَاظِكَ أَنْ تَنْ

از عفو تو و ما را به رحمت خود یقین داریم که تو را به رحمت خود یقین داریم

بِهِ عَلَىٰ مِنْ أَمَلِكَ مِنْ غُفْرَانِكَ وَاجْعَلْ لِي فِي

آن بر او از تو پناه می دهیم و تو را به رحمت خود یقین داریم

استغفر

هَذَا الْيَوْمَ نَصَبًا أَنَا لِي بِهِ حَقًّا مِنْ رَغْبَائِكَ

این روز در روزی که بر من بر آن یقین داریم که تو را به رحمت خود یقین داریم

وَلَا تَرُدَّنِي صِفْرًا إِنَّمَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْمُتَعِدُّونَ

و باز نگردان مرا صفری از آنکه باز میگردانند و تو را به رحمت خود یقین داریم

لَكَ مِنْ عِبَادِكَ وَإِنِّي لَمَّا أَقْدِمُ مَا أَقْدَمُوهُ

از عباد تو و من از تو پناه می دهیم و تو را به رحمت خود یقین داریم

مِنْ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدِمْتُ تَوَجُّدَكَ وَفِي

از الصالحات و من از تو پناه می دهیم و تو را به رحمت خود یقین داریم

الْأَضْدَادِ وَالْأَنْدَادِ وَالْأَشْبَاهِ عَنْكَ وَتَنْتَنُكَ

و از اعدای تو و من از تو پناه می دهیم و تو را به رحمت خود یقین داریم

مِنْ الْأَبْوَابِ الَّتِي أَمَرْتُ أَنْ تُوْنِي مِنْهَا

از دروازه های تو و من از تو پناه می دهیم و تو را به رحمت خود یقین داریم

وَتَقَرَّبْتُ إِلَيْكَ بِمَا لَا يَقْرِبُ بِهِ أَحَدٌ مِنْكَ

و به تو نزدیک شدم و من از تو پناه می دهیم و تو را به رحمت خود یقین داریم

إِلَّا بِالْقُرْبِ بِهِ ثُمَّ اتَّبَعْتَ ذَلِكَ بِإِلَانِيَةِ إِلَيْكَ
 که بنزدیک جایی بران پس در پی کوه نام ابراهیم رفتی بپوش
 وَالتَّذَلُّ وَالْإِسْتِكَانَةَ لَكَ وَحُسْنَ الظَّنِّ بِكَ
 و خضوع و زندگی کردن بر ابراهیم و خوبی گمان کردن به تو
 وَالْفَقْرَ بِمَا عِنْدَكَ وَشَفْعَةَ بَرِّجَانِكَ الَّذِي فِي
 و فقر را با آنچه نزد توست و شفاعت خرم از او بپوش که
 قُلْ مَا يَحْتَبِ عَلَيْهِ رَجُلُكَ وَسَلْكَ مَسْلَكَ
 که هر که گوید می بینم بران و می رسد از تو و مسلمانان و مسلمانان
 الْخَفِيرَ الذَّلِيلَ الْبَائِسَ الْفَقِيرَ الْخَائِفَ الْمُسْتَغِيثَ
 خوار و حقیر و درین ترسیده و آن خواسته
 وَمَعَ ذَلِكَ خُفْيَةً وَتَضَرُّعًا وَتَعَوُّذًا وَتَلَوُّذًا
 و با این خفیه و دراز و پناه گرفتن و پناه گرفتن
 لَا مُسْتَطَبَّ إِلَّا بِكَبْرِ التَّكْبِيرِ وَلَا مُعَالِيًا إِلَّا بِكَبْرِ
 نبودن کشیده به کبر و بزرگوار کردن و بزرگوار کردن به بزرگوار

مُسْلَطًا

الطَّبِيعِ

الْمُطْبَعِينَ وَلَا مُسْتَطَبَّ إِلَّا بِشَفَاعَةِ الشَّافِعِ
 و در پی کوه نام و در پی کوه نام و در پی کوه نام
 وَأَنَا بَعْدَ أَقْلٍ لَا أَقْلِينَ وَأَذِلَّ الْأَذِلِّينَ وَمِثْلُ
 و من پس از این کمترین کمترین و قدرتی ندارم و مانند
 الذَّرَّةِ أَوْ دُوْنَهَا فَيَا مَنْ لَمْ يُعَاجِلِ الْمُسْتَبِينَ
 و ذره یا کمتر از آن پس ای که بزرگوار است به بزرگوار
 وَلَا يَنْتَدُهُ الْمُتَرَفِّعِينَ وَيَا مَنْ بَيْنَ يَدَيْهِ الْعَالَمِينَ
 و من بزرگوار است ای که بزرگوار است و در میان تو و در میان تو
 وَتَفَضَّلَ بِإِنْظَارِ الْخَاطِئِينَ وَأَنَا الْمُسِيءُ الْغَيْرُ
 و تفضل کردی به مشاهده گناهکاران من بزرگوار است و بزرگوار
 الْخَاطِئُ الْعَائِزُ أَنَا الَّذِي أَقْدَمَ عَلَيْكَ جُنْحًا
 گناهکار و دور از من آن که بزرگوار است و بزرگوار
 أَنَا الَّذِي عَصَاكَ مُعِيدًا أَنَا الَّذِي اسْتَخَفِي مِنْ
 من آن که بزرگوار است و بزرگوار است و بزرگوار است

الْمَذْنِبُ الْغَفِيرُ

عِبَادِكَ قَبْلَ رُزْكَ أَنَا الَّذِي هَابَ عِبَادَكَ
 چه گاه تو را که از پیش تو من گاه ترسید از بندگان تو
 وَأَمْسَكَ أَنَا الَّذِي لَمْ يَرْهَبْ سَطْوَتَكَ وَلَمْ يَخَفْ
 را که از تو من گاه ترسید از بندگان تو
 يَا سَكَّ أَنَا الْجَانِي عَلَى نَفْسِي أَنَا الْمُرْتَكِبُ لِيَلِيهِ
 از غضب من که گاه بر نفس خود من کرد که بدید
 أَنَا الْقَلِيلُ الْحَيَاءُ أَنَا الطَّوِيلُ الْعَنَاءُ يَحْيَى مِنْ
 من آنکس کم از حیاء من دراز از رنج من آنکه کم از
 مِنْ خَلْقِكَ وَمِنْ أَصْطَفَيْهِ لِنَفْسِكَ يَحْيَى مِنْ لَحْمٍ
 از خلق خود من آنکه از بهترین خود را برای خود من آنکه از
 مِنْ بَرِّهِكَ وَمِنْ أَحَبِّكَ لَنَا يَحْيَى مِنْ وَصْلِكَ
 از عزیزترین خود من آنکه از نزدیکترین خود را برای خود من آنکه از
 طَاعَتِهِ بِطَاعَتِكَ وَمَنْ جَعَلَتْ مَعْصِيَتَهُ
 اطاعت او را با اطاعت خود و آنکه که مصلحت او را با مصلحت خود

أَحْبَبْتُ

وَحْي

يَحْيَى مِنْ قَرْنَتِ مُؤَالَانِي بِمُؤَالَانِكَ وَمَنْ نَفَكَ
 من آنکه از سر بر داشت و سر او را به سر خود و آنکه از
 مُعَادَانِي بِمُعَادَانِكَ تَعَذَّنِي فِي يَوْجِي هَذَا يَمِينَا
 از سر او را به سر خود و سر او را به سر خود و این یمن
 تَعَذَّنِي بِهِ مِنْ جَارِ إِلَيْكَ مُنْصِلًا وَمُعَادِيًا
 به سر او را به سر خود و سر او را به سر خود و این یمن
 نَائِبًا وَتَوَكَّلْ بِمَا تَوَكَّلَ بِهِ أَهْلُ طَاعَتِكَ وَالزُّلْفَى
 تو که بنشیند و به خود که را به خود که را به خود و این یمن
 لَدَيْكَ وَالْمَكَانَةَ مِنْكَ وَتَوَكَّلْ بِمَا تَوَكَّلَ
 نزد خود و این یمن نزد خود و این یمن نزد خود
 بِهِ مِنْ وَفَى بِعَهْدِكَ وَاتَّعَبَ نَفْسَهُ فِي ذَالِكَ
 به سر او را به سر خود و سر او را به سر خود و این یمن
 وَاجْهَدْهَا فِي مَرْضَائِكَ وَلَا تُؤَاخِذْ بِتَقْصِيرِهَا
 و این یمن را در مرض خود و این یمن را در مرض خود

فِي جَنَّتِكَ وَتَعْدِي طَوْعِي فِي حَدِّكَ وَ

در جنت تو و تعدی طوعی در حد تو

لِحَاوِزَةِ احْكَامِكَ وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي بِأَمْلَانِكَ

در حوض احکام تو و مژگان تو را

بِي اسْتِدْرَاجٍ مِّنْ مَّتَعَةٍ خَيْرٌ مَّا عِدَّةٌ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ

با استدرج کردن از ممتعه که بهتر است از عدت و تو را

فِي حُلُولٍ نَعْمٍ لِّي وَنَيْهٍ لِّي مِنْ رِقْدَةٍ الْغَايَةِ فَلَمْ

در حلول نعمت برای من و نهي برای من از رقدت پایانی

وَسَيِّئِ السُّرُوفِ وَنَعْنَةِ الْحَذِّ وَلَبِنٍ وَحَذِّ قَلْبِي

و سئی السوروف و نعنه الحذ و لبین و حذ قلبی

إِلَى مَا اسْتَعْلَتَ بِهِ الْقَائِلِينَ وَاسْتَعْبَدَتْ

به امری که بر سران بران و استعبدت

بِهِ الْمُعْبَدِينَ وَاسْتَفْلَتَ بِهِ الْمُهَاجِرِينَ

به مستعبدگان را و استفلت به مهاجران را

واقعا

وَأَعْدَنِي تَمَائِبًا عِدَنِي عَنْكَ وَجَوْلَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ

و در نهاد مرا از توائب و دوری میان من و میان

حَظِّي مِنْكَ وَتَعْدَنِي عَمَّا أَحَاوِلُ لَدَيْكَ

بهره من از تو و در نهاد مرا از آنچه قصد میکنم نزد تو

وَسَمِّ لِي مَسْلَكَ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ وَالْثَّقَاتِ

و سمن کن برای من راه نیکوئی را به سوی تو و ثقات

إِلَيْهَا مِنْ حَيْثُ أَسْرَفْتُ وَالشَّاحَةِ فِيهَا عَلَى

به سوی آنجا از آنجا که گزافه کردم و شاکه در آنجا

مَا أَسْرَفْتُ وَلَا تَحْقِمْ فَمَنْ تَحْقُقُ مِنَ السُّخْفِ

آنچه گزافه کردم و حقیقت را که محقق است از سخیف

عَمَّا أَوْعَدْتُ وَلَا تُلْهِكُنِي مَعَ مَنْ هَلَكَ مِنَ النَّصِيرِ

از آنچه وعده دادم و مگردان مرا با آنکه هلاک است از نصیر

لِفَيْتِكَ وَلَا تُشِيرْ لِي فِيمَنْ شِيرَ مِنَ الْمُنْخَرِفِينَ

بر فیت تو و نشانی را در میان آنکه گمراهی از مخریفان

مِنَ الْمُنْخَرِفِينَ

عَنْ سَبِيلِكَ وَتَجَنَّبِي مِنْ غَمَرَاتِ الْفِتَنِ

از راه سبیل تو و دوری کن مرا از غمراهی فتنه ها

وَخَلِّصْنِي مِنْ طُغَوَاتِ الْبُلُوغِ وَاجِرْنِي

و رهایی کن مرا از کاههای ببلوغ و مرا دور کن

مِنْ اخْذِ الْأَمَلَاءِ وَحَلِّ بَيْنِي وَبَيْنَ عَدُوِّ

از گرفتن دشمنان و حل کن میان من و دشمن

بُضَيْلِي وَهَوِي بُوَيْقُنِي وَمَنْقَصَةِ رَهْفِي

که ببرد من را و دزدی که بداند من را و کم کننده رهایی من را

وَلَا تُعْرِضْ عَنِّي إِعْرَاضَ مَنْ لَا يَرْضَى عَنْهُ

و دور نگذار مرا از دوری کسی که نپسندد او را

بَعْدَ غَضَبِكَ وَلَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْأَمَلِ فَإِنَّكَ

پس از خشم خود و ناامید کننده مرا از امید کردن و تو

فَيَغْلِبُ عَلَيَّ الْغَوُطُ مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تَخْجِبْ

پس غلبه شود بر من از رحمت تو و پنهان

ترقی من

پنهانی

بگو

بِمَا لَاطَافَتِي بِهِ قَلْبُهُ ظَنِّي تَمَاجِيلُنِي مِنْ

بنا بر لطافت تو به قلب من و پند کن مرا از غمراهی

فَضْلُ حَبَّتِكَ وَلَا تُزِيلْنِي مِنْ يَدِكَ إِنْ سَالَ

نزد تو و محبت خود و دور نگذار مرا از دست تو اگر

مَنْ لَا خَيْرَ فِيهِ وَلَا حَاجَةَ بِكَ إِلَيْهِ وَلَا

کسی که نیاید خیر در او و نیازی نیست مرا به او و نه

إِنَابَةً لَهُ وَلَا تُزِمْنِي رَحْمِي مَنْ سَقَطَ مِنْ عَيْنِ

بازگشت به او و نه مرا را از محبت کسی که افتاد از چشم

مِرْعَانِكَ وَمِنْ أَتَمَّلَ عَلَيْهِ الْخَزْيُ مِنْ

آینه تو و کسی که در او آینه خوار شود و از

عَيْنِكَ بَلْ خُذْ بِيَدِي مِنْ سَقَطَةِ الْمَرْدِي

تو و بل بگیر مرا از دست مردی که افتاد از تو

وَوَهْلَةِ الْمُتَعَسِّفِينَ وَزَلَّةِ الْمَغْرُورِينَ

و از خوف و از زلزلن و از لغزش و از غرور

الْعَظَائِمُ وَهَبْ لِي النُّظْمَ مِنْ دَرَجَةِ الْعَصِيَا

کدام بزرگ بخشش را بجزوه گردانیدن از بزرگ افرایش

وَاذْهَبْ عَنِّي دَرَجَاتِ الْخَطَايَا وَسِرِّيَاتِ الْبِزْيَا

و ببرد از من درجه گناهان را و پیرایه های

عَافِيَتِكَ وَرَدِّ عَنِّي بِرَدِّ اَوْ مُعَافَاةِكَ وَجَلِيلِي

عافیت خود و رد آن مرا بر رد عافیت داد خود و عزیز

سَوَابِغِ نِعَمَاتِكَ وَظَاهِرِ لَدَيَّ فَضْلِكَ وَ

نوع نفعات خود و آشکار شدن نزد من فضل خود و

طَوْلِكَ وَابْدِي بِي تَوْفِيقِكَ وَتَتَذَيُّدِكَ

عظمت خود و دوستی مرا بترغیب خود و دست یاری خود

وَاَعِنِّي عَلَى صَالِحِ الْيُسْتَبْرَةِ وَمَرْضَى الْقَوْلِ

و یاری ده مرا بر حق ماندن و گفتار پسندیده

وَمُسْتَحْسِنِ الْعَمَلِ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى خَوْفِي وَقَوِّي

و کار سازنده را و نگذار مرا بترس و قوت من

وَحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُنْعَبُ لِلْفَقَا

ت در قدرت و قوت تو و در روزی که برانگیخته اند برای

وَلَا تَقْضُحْنِي بَيْنَ يَدَيَّ اَوْ لِيَانِكَ وَلَا تَنْسِنِي

و در میان من و پیش رویت خود و فراموشی مرا

ذِكْرَكَ وَلَا تَذْهَبْ عَنِّي شُكْرَكَ بَلِ الزَّمَانُ

یاد تو و دور شدن از من شکر خود بلکه زمان

فِي اَحْوَالِ السَّهْوِ وَعِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِيَّةِ

در احوال غفلت و در غفلت های جاهلیت

لَا لَائِكَ وَافْرِغْنِي اَنْ اُنْجِيَ بِمَا اَوْلَيْتَنِي وَ

بر من قدرت تو را و در آن انگیز مرا اینک تا تو مرا بپروردی

اَعْرِفْتِ بِمَا اسَدَيْتَنِي اِلَيْ وَلِجْعَلْ رَغْبَتِي اِلَيْكَ

و مرا بشناسی باینکه تو مرا برگزیدستی و باینکه

فَوْقَ رَغْبَةِ الرَّاعِبِينَ وَحَمْدِي اِيَّاكَ فَوْقَ

بهره خواهان و ستایش مرا به تو را بر ستایش

خَدَّائِهَا مَدِينٍ وَلَا تَخْذُلْنِي عِنْدَ فَاغِي النَّيْكَ

سپهی کندگان و فرمانروایان نزد منتهی به برتری

وَلَا تَهْلِكْنِي بِمَا اسْتَدْنَيْتُ النَّيْكَ وَلَا تَجْبَهَنِي

و نه بگریزانی مرا آنچه استدانم از تو و نه بپوشانی مرا

بِمَا لَجَّهْتَ بِهِ الْمُعَانِدِينَ لَكَ فَاقِي لَكَ

بناچار بر پستی که نزد ایستاده اند از تو و از تو دور شو

مُسْلِمٌ أَغْلَمُ أَنَّ أَتَجَزَّ لَكَ وَأَنَّكَ أَوْلَى بِالْإِقْبَالِ

مسلمانم و روشنتر آنکه تو را بجزایم و آنکه تو را بیشتر بپذیری

وَأَعُوذُ بِالْإِحْسَانِ وَأَهْلِ التَّقْوَى وَأَهْلِ

و پناه می دهم به نیکی و به پرهیزگاران و به پرهیزکاران

الْمَغْفِرَةِ وَأَنَّكَ يَا نَعْفُوا قُلِي مِنْكَ يَا ن

بخشنده ای و آنکه ای بخشش کن مرا از تو ای بخشش کن مرا

تُعَاقِبَ وَأَنَّكَ يَا كَثُرَ اقْرَبُ مِنْكَ إِلَى

تو را بازتاب ده و آنکه ای زیاد شود نزد تو ای زیاد شود نزد تو

مُسْلِمٌ

أَنْ

أَنْ تَقْهَرَ فَأَخْبِنِي خِيُونَ طَبِيبَةً تَنْظِلُكُمْ بِمَا أُرِيدُ

تا شکست دهی مرا و پنهان کنی از من را که بپوشد شما را با آنچه می خواهم

وَتَبْلُغَ مَا أَحْبَبْتُ مِنْ حَبْثٍ لَا إِلَهَ إِلَّا مَا نَكَّرَهُ وَلَا

و تا برسد آنچه دوست دارم از زهد و پنهانی که بپوشد شما را با آنچه می خواهم

أَسْرَيْكَ مَا هَمَيْتُ عَنْهُ وَأَسْنِي مَيْسَةً مِنْ بَعْدِ

آنچه بگریزانی مرا که بگریزانی مرا از آن و آنچه بگریزانی مرا که بگریزانی مرا

نُورُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَذَلِكَ لِي بَيْنَ

نور او بین دستان من و از چپ من است و از راست من است و آنکه برای من

يَدَيْكَ وَأَعِزَّنِي عِنْدَ خَلْقِكَ وَصَعْفِي إِذَا

دستان تو را و عزیز کن مرا نزد خلق تو و بپوش مرا اگر

خَلَوْتُ بِكَ وَأَسْرَعَنِي بَيْنَ عِبَادِكَ وَأَغْنِنِي

اگر دور شوم از تو و بپوش مرا بین بنده تو و بپوش مرا

عَنْ هَوْنِي عَنِّي وَزِدْنِي النَّيْكَ فَاقَهُ وَ

از خوارگی من از من و بپوش مرا از تو و بپوش مرا از تو

دودنیر دود پنجاه کبر مرا نه خوشنالی کردن و شنیدن و لذت

حُلُولِ الْبَلَاءِ وَمِنَ الذَّلِيلِ وَالْعَنَاءِ تَغْدِي فِي

خود داری بلا و از خدای و درین بیوتی مرا

فَمَا أَطْلَعَتْ عَلَيْهِ مِنِّي بِمَا يَتَعَدَّى بِهِ الْفَادِرُ

و آنچه مطلع شده بران در حق با آنچه پیوسته بآن ترافا

عَلَى الْبَطْنِ لَوْلَا حِلْمُهُ وَالْأَخْذُ عَلَى الْحَبْرَةِ

بر کشتن اکنه هم اوچند دیگرند بر کانه

وَلَا أَنَاثُهُ وَإِذَا الرَّدَّتْ يَقْوَمُ فَيْتَةً أَوْ سَوْءًا

کون است که از چند مجموعی اراده کنی بقدری خوبی و بدی

نَخْنَعُ مِنْهَا لَوْ أَذَابَكَ إِذْ لَمْ تُفْقِهِ مَقَامَ

سبب است و در این مجله بنام کتف بنه و چون باشد از مقام

ضَحِكَةٍ فِي دُنْيَاكَ فَلَا تَقْنِي مِثْلَهُ فِي الْآخِرَةِ

در دنیای خود پس با صدرا مانندان در اوست خود

وكتفوا

وَاسْتَفْعِلِي أَوَائِلَ مَسْنِكَ بِأَوَّلِ خَرْجِهَا وَقَدِّمِي نَوَائِدَ

و حضرت سید زید در حق او افاضل فقهیه را به اقرار ارباب و فاضلای قدیر

يُجَاوِزُهَا وَلَا مَدَّ دَلِي مَدًّا يَقْسُومُ مَعَهُ قَلْبِي

به نژاد و ان دیکش خدا کسبتی که صفت خود بیان دلی منزه

وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَ فَارِعَةَ يَذْهَبُ لَهَا جَانِبِي وَلَا

و حضرت مرد معینی که بود برای آن نیکوکاران و دولت

لَمْ يَخِ خَيْبَةً يَصْغُرُ لَهَا قَدْرِي وَلَا تَقِصَّةً

روز: خبر که کوه دیربای ال قدوم و در پیر

يُجْهَلُ مِنْ أَجْلِهَا مَكَانِي وَلَا تُرْعِي رَوْعَةَ

گروه دانش آموزان پایه اول
بوی ماه
و مرتبه اول
تربیتی

أَبْلَسُ بِهَا وَأَلْخَيْفَةً أُوجِثَ دُورُهَا جَعَلَ

که نه امیدم بآن و نه خوبی که در دل من نهی در امیدم بآن بگردان

فِي وَعِيدِكَ وَحَذَرِي مِنْ أَعْدَائِكَ وَإِنْدَارِكَ

در بهیم دادی تو - و خند کردی مرا از غرور منی تو و ترسانیدنی

وَرَهْبَنِي عِنْدَ تِلَاوَةِ آيَاتِكَ وَأَعْمُرْ لِي بِإِنْفَاظِهِ
 روضه نزد خواندن آیتها و آباد کن برای من
 فِيهِ لِعِبَادِكَ وَتَقَرُّ دِي بِالْحَجْدِ لَكَ وَتَجَرُّ
 در آن برای پرستش تو و در آن به حج و تضرع
 يَكُونِي إِلَيْكَ وَإِنْ أَلْحَاقِي بِكَ وَمُنَازَلَتِي
 به رسیدن من نزد تو و در آن اگر مرا با تو ملاقات
 إِيَّاكَ فِي فَكَاكِ رَفْعِي مِنْ نَارِكَ وَإِجَارَتِي
 تو در آزاد کردن من از آتش تو و اجاره دادن
 بِمُتَابَعَةِ أَهْلِيهَا مِنْ عَذَابِكَ وَلَا تَذَرْنِي فِي
 از پیروان آتش تو و نگذار من را در
 طُعْيَانِي عَامِلَهَا وَلَا فِي غَيْرِي سَاهِيَا حَتَّى
 طعنان من را در کارش و در غیر من را در
 حَتَّى وَلَا يَجْعَلَ عِظَمُ لِيْنِ أَتَعِظُ وَلَا تَكْأَلُ
 حتی و نگذارد مرا بزرگواری مرا بزرگواری و نه طعنان

لِيْنِ اغْبِرْ وَلَا فِتْنَةً لِيْنِ نَظَرٌ وَلَا تَكُونِي فِتْنَةً
 برای من بزرگواری و نه فتنه و نه نگاه و نه فتنه
 تَكُونِي وَلَا تَسْتَبْدِلْ لِي غَيْرِي وَلَا تَغْيِرْ لِي
 نگذارد مرا بزرگواری و نه بزرگواری و نه بزرگواری
 اسْمًا وَلَا يُبَدِّلْ لِي جِسْمًا وَلَا تَحْدِثْ لِي مُرَوًّا
 اسم مرا و نگذارد مرا بزرگواری و نه بزرگواری
 لِخَلْقِكَ وَلَا تُخَيِّرْكَ إِلَّا بِإِذْنِكَ
 برای خلق تو و نه بزرگواری و نه بزرگواری
 وَلَا تُفْتِنُنِي إِلَّا بِالْإِنْفِاقِ لَكَ وَأَجْعَلْ لِي بَرْدَ
 و نه فتنه مرا و نه بزرگواری و نه بزرگواری
 عَفْوِكَ وَحَلَاوَةَ رَحْمَتِكَ وَرَوْحِكَ وَرَحْمَتِكَ
 عفو تو و بزرگواری و نه بزرگواری و نه بزرگواری
 وَجَنَّةَ نَعِيمِكَ وَأَذِقْنِي طَعْمَ الْفَرَاخِ لِمَا تُحِبُّ
 بهشت تو و بزرگواری و نه بزرگواری و نه بزرگواری

بزرگسازي از نو انگري خوا، و جهاد گويان و عزت و زنده بماند و الله اعلم

وَعِنْدَكَ الْخِيفَةُ تَخَفُهُ مِنْ خُفَّائِكَ وَاجْعَلْ

روزنامه و گفتارهای منتخب از کتبی قدیمه در طهران

مَجَارِبُ رَاجِعَةٌ وَكَرْبٌ غَيْرُ خَاسِرَةٍ وَاقْصَبُ

بود و از آنجا که در زبان گفتند و در میان را

نَفَامَكَ وَشَوْفِي فِي إِفَانِكَ وَتَبْ عَلَى تَوْبَةٍ

از مقام خود دانزد و صد گنجی تلقی خود و بجز بزم خود

صَوَحَّ الْأَيْتُفِ مَعَهَا ذَنْبُ بَاصْغِرَةٍ وَلَا كِبَرَةٍ

فوتی می شود در آن فرجه که آن کوکب را و در نزدیکی را

لَا تَذَرُهُمْ مَعَ عِلَانِيَةٍ وَلَا سِرَّةٍ وَأَنْزِعِ الْعِلَّ

مذکورہ بالا اس وقت کے راجہ

صَدَّرَنِي لِّلْمُؤْمِنِينَ وَاعْظُفْ بَقَلَّةً عَلَيْهِ

مستقر و مؤمنان در راه

أَنْخَاشِعِينَ وَكُنْ لِي كَمَا تَكُونُ لِلصَّاحِبِينَ وَ

خودشان و پیش برای من اینجا نگه منبر برای حاکمان

حَلِيٍّ لَدَيْكَ حَلِيَّةَ الْمُتَّقِينَ وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ

بنامه ای مراد بنویسید هر چه نظر کاران و خبردان برای من بنویسند

صِدْقِي فِي الْغَائِبِينَ وَذِكْرُ انَامِيَا فِي الْآخِرِينَ

در استر در اینده گان و یا در کردن بینه در افرنی

وَوَافِي عَرْصَةِ الْأَوَّلِينَ وَنَمَّ سُبُوغُ نَعْمِكَ

دور مرا در عهد اولین دوام کی نهای قفس خرد را

عَلَيْهِ وَظَاهِرُكُمْ أَمَانَتُهَا الَّذِي أَمْلَأُ مِنْ قَوَائِدِكُمْ

روز قمری و نور

يَدِي وَسُقْ كَرَامُ مَوَاهِيكَ اِلَيَّ وَجَاوِزْجِي

مجلس ۱۵۰

الْأَطْيَبُ مِنْ أَوْ لِسَانِكَ فِي الْخَنَانِ الَّتِي

اما گفته اند از سال خوار در کاشانی در آن سال

لَا ضَعْفَ لَكَ وَجَلَلَنِي شَرَّافِي خَلِّكَ فِي الْمَقَامِ

برای بزرگوکان خود در بزرگی مرا بزرگوار گردانی خود در بزرگی

الْمَعْدَةِ لِأَجْبَانِكَ وَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ مَقِيلًا

در اندام من خفته برای غریبان خود و بگردان برای من نزد خود خایه

أَوْحَى إِلَيَّ مُطْمَئِنًّا وَمُنَابِهَةً أَبْقَوْهَا وَأَقْرَبُ

که چه بگویم بآن آرام گرفته و صریح در گفتن که چه بگویم در آن

عَيْنًا وَلَا تَقَاتِلْنِي بِعِظَمَاتِ الْجَرَانِ وَلَا

بدرنگم را و در قیامت مرا با عظمای جنگ

هَلِكًا يَوْمَ تَبْلَى السَّرَائِرُ وَانْزِلْ عَنِّي كُلَّ شَيْءٍ

که من را از روی که از روی من ببرد و ببرد و ببرد و ببرد و ببرد

وَسُبُّهُمَا وَاجْعَلْ لِي فِي الْحَقِّ طَرِيقًا مِنْ كُلِّ

و در سب و در سب و در سب و در سب و در سب و در سب و در سب

رَحْمَةٍ وَاجْعَلْ لِي قِسْمَ الْمَوَاهِبِ مِنْ تَوَالِكَ

در رحمت و در رحمت و در رحمت و در رحمت و در رحمت و در رحمت و در رحمت

وَوَفَّرَ

وَوَفَّرَ عَلَيَّ خَطُوطَ الْإِحْسَانِ مِنْ إِفْضَالِكَ

و در وفور مرا بر خطوط احسان از فضل خود

وَاجْعَلْ قَلْبِي وَانْقَائِمًا عِنْدَكَ وَهَيِّئْ لِي مَسْتَقَرًّا

و بگردان دل مرا و انقاد و در اندام مرا بگردان و در اندام مرا بگردان

لِيَا هُوْلَكَ وَاسْتَعِجْ لِي بِمَا كُنْتُ أَعْمَلُ بِهَا خَالِصًا

برای آنچه در تو هست و عجل مرا بآن که کار می نمودم با آن خالص

وَاشْرِبْ قَلْبِي عِنْدَ ذَهْوِ الْعُقُولِ طَائِفًا

در نوشیدن دل مرا در نزول بختی عقول طایفه

وَلَجِّعْ لِي الْغِنَى وَالْعِفَافَ وَالِدَّعَةَ وَالْمُعَافَاةَ

و در جع مرا بآن که در جع و در جع و در جع و در جع و در جع و در جع و در جع

وَالصِّحَّةَ وَالسَّعَةَ وَالطَّمَانِينَ وَالْعَافِيَةَ

و در صحت و در صحت و در صحت و در صحت و در صحت و در صحت و در صحت

وَلَا تَحْبِطْ حَسَنَاتِي بِمَا أَتَوَّعْتُهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ

و در بطلان حسنات مرا بآن که از تو تواریف از تواریف تواریف تواریف تواریف تواریف تواریف تواریف

وَلَا خُلُوفِي بِمَا يَغِيْرُنِي مِنْ نَزَعَاتِ فَنَسِيكَ

و نه خلوفاي ب ما يغير مني من نزعات ف نسيك

وَصُنْ وَحْجِي عَنِ الطَّلَبِ إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ

و صن و حجي عن الطلب الي احد من العالمين

وَذُبِّي عَنِ التَّمَاسِ مَا عِنْدَ الْفَاسِقِينَ وَلَا

و ذبي عن التماس ما عند الفاسقين ولا

تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهْرًا وَلَا لَهُمْ عَلَيَّ حَقٌّ

ت جعلني للظالمين ظهرا ولا لهم علي حق

كِتَابِكَ يَدًا وَتَصِيرُ أَحْطَى مِنْ حَصْبَةٍ

كتابك يدا و تصير احطى من حصبة

لَا أَعْلَمُ حَيَاطَةً تَقِينِيهَا وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ نِعَمِكَ

لا اعلم حياطة تقينيها و افتح لي ابواب نعمة

وَرَحْمَتِكَ وَزَافِقِكَ وَبِرِّكَ الْوَاسِعِ إِنِّي

و رحمتك و زافقك و بررك الواسع اني

و ذنبني

و لا تجعلني لظالمين ظهرا و لا لهم علي حق

إِلَيْكَ مِنَ الرَّاعِبِينَ وَأَتِمِّمْ لِي إِغْنَاءَ نَفْسِكَ

اليك من الراغبين و اتمم لي اغناء نفسك

خَيْرَ الْمُنْعِمِينَ وَاجْعَلْ بَاقِيَ عُمْرِي فِي إِحْسَنِ

خير المنعمين و اجعل باقي عمري في احسن

وَالْعُمُرُ ابْتِغَاءً وَبِحُكِّ بَارِبِ الْعَالَمِينَ

و العمر ابتغاء و بحك بارب العالمين

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

و صلى الله على محمد و آلهم الطيبين الطاهرين

وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَيْكُمْ أَبَدًا لَا يَذُبُّ

و السلام عليكم و عليكم ابد لا يذب

وَكَلَامُكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ بِهِ لَا يَنْجِي فِي تَوْبَةٍ تَجْعَلُونَهَا

و كلامكم بما تعلمون به لا ينجي في توبة تجعلونها

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ مُبَارَكٌ وَالْمُسْلِمُونَ فِيهِ مُسْتَبْرَقُونَ

اللهم هذا يوم مبارك و المسلمون فيه مستبرقون

مستبرقون

تأمل ايها

فِي أَفْطَارِ أَرْضِكَ بِتَهْنِئَةِ السَّائِلِ مِنْهُمْ وَالطَّلَبِ

در اوقات زمین تو با تهنیت خواستار از تو و طلب

وَالرَّاعِبِ وَالرَّاهِبِ وَأَنْتَ السَّاطِرُ فِي خَوَائِمِ

و راهب و ترسیده و تو که در خفاهای

فَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَهَوَانِ مَا سَأَلْتُكَ

پس از تو با بختی و کرمی و حقارتی از آن که

عَلَيْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِهِ وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ

بر تو که رحمت بفرستی بر محمد و آل او و من از تو ای خدا

سَرَّيْنَا بِأَنَّ لَكَ الْمُلْكَ وَلَكَ الْحَمْدُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

پس ما را شادمانی که تو را پادشاهی و تو را ستایش و هیچ الهی نیست مگر تو

الْحَمْدُ الْكَرِيمُ الْخَمَانُ لِلنَّاسِ دُؤَالِجَالٍ وَالْأَكْرَامِ

ستایش بزرگوار و توانا برای مردم و بزرگان و کوچکان

بَذِيْعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ هُمَا قَسَمَتَ بَيْنَ عِبَائِكَ

درخشنده آسمان و زمین و تو تقسیم کردی میان بندگانت

الْمُؤْمِنِينَ مِنْ خَيْرٍ أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ بَرَكَةٍ أَوْ هُدًى

مؤمنان را از نیکی و عافیت و برکت و هدایت

أَوْ عَمَلٍ بِطَاعَتِكَ أَوْ خَيْرٍ مِمَّنْ بِهِ عَلَيْهِمْ هُدًى

یا عملی با طاعت تو یا نیکی که از آن که بر ایشان هدایت

بِهِ إِلَيْكَ أَوْ تَرْفَعَهُ لَكَ عِنْدَكَ دَرَجَةً أَوْ تَرْفَعَهُ

به سوی تو یا او را بزرگوار کنی نزد تو یا او را بزرگوار کنی

بِهِ خَيْرًا مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ

به او را نیکی از نیکیهای دنیا و آخرت و من از تو ای خدا

بِأَنَّ لَكَ الْمُلْكَ وَالْحَمْدُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ

که تو را پادشاهی و تو را ستایش و هیچ الهی نیست مگر تو که رحمت بفرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَحَبِيبِكَ

بر محمد و آل محمد بنده و رسول تو و دوست تو

وَصِفْوِكَ وَخَيْرِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَعَلَى مُحَمَّدٍ

و بر برگزیده تو و بهترین تو از خلق تو و بر محمد

الْأَبْرَارِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ صَلَوَاتُ الْأَقْوَى

کونیکه ران باکان خوار خنده و گفتار که توانا نه آرد

عَلَىٰ إِصْرِهِمُ إِلَّا أَنْتَ وَأَنْ تَشْرِكَ فِي صَالِحِ

بر مسموم آه خرد و در سینه استخوانی را در کارخانه

مَنْ دَعَاكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنْ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ

که خوانده بود در این روز در زندان تو در زندان تو

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَأَنْتَ غَفُورٌ رَحِيمٌ إِنَّكَ عَلَى

ای مردم که طایفان و بنده جانور را در این دایره بزرگتر بر

كُلِّ شَيْءٍ فَدَبَّرُ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَعَدُّنَا حَتَّى

امروزه بنابر تحقیقاتی با استفاده از بورت (فقدان) یا بورت

فَبِكَ أَنْزَلْتُ الْيَوْمَ فَقْرِي وَفَاقِي وَمُسْكِي

دختر خود را در دم در این روز در پیش خود در پیش خود در پیش خود

عَلَّامٍ بِغَيْبَاتِكَ وَرَحِيمٌ أَوْفَىٰ بِرَحْمَتِي بِعَلِّ

بررسی که ارزش تو در جهت تو واقع شود از آن جهت که این را میگویند

والمعتمد

وَلَا تُغْفِرُكَ وَرَحْمَتِكَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي فَصَلِّ

مردمانه اورش و راسته فراق هست از کائنات پس

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَوْفَّ قَضَاءُ كُلِّ حَاجَةٍ فِيهِ

۱. ۲. ۳. ۴. ۵. ۶. ۷. ۸. ۹. ۱۰. ۱۱. ۱۲. ۱۳. ۱۴. ۱۵. ۱۶. ۱۷. ۱۸. ۱۹. ۲۰. ۲۱. ۲۲. ۲۳. ۲۴. ۲۵. ۲۶. ۲۷. ۲۸. ۲۹. ۳۰. ۳۱. ۳۲. ۳۳. ۳۴. ۳۵. ۳۶. ۳۷. ۳۸. ۳۹. ۴۰. ۴۱. ۴۲. ۴۳. ۴۴. ۴۵. ۴۶. ۴۷. ۴۸. ۴۹. ۵۰. ۵۱. ۵۲. ۵۳. ۵۴. ۵۵. ۵۶. ۵۷. ۵۸. ۵۹. ۶۰. ۶۱. ۶۲. ۶۳. ۶۴. ۶۵. ۶۶. ۶۷. ۶۸. ۶۹. ۷۰. ۷۱. ۷۲. ۷۳. ۷۴. ۷۵. ۷۶. ۷۷. ۷۸. ۷۹. ۸۰. ۸۱. ۸۲. ۸۳. ۸۴. ۸۵. ۸۶. ۸۷. ۸۸. ۸۹. ۹۰. ۹۱. ۹۲. ۹۳. ۹۴. ۹۵. ۹۶. ۹۷. ۹۸. ۹۹. ۱۰۰.

يَقْدِرُكَ عَلَيْهِمَا وَيَتَذَكَّرُ ذَلِكَ عَلَيْكَ وَبِفَقْرِي

بقدرت تو باران دلائی جون کی برتو در با صبح صحر

إِلَيْكَ وَغَنَّاكَ عَنِّي فَإِنِّي لَمَّا صَبَّخْتُ رَاقِطًا إِلَّا

بدره ۱۰۰ یازده هزاره بیست و یک نفره

مِنْكَ وَأَمَّا يَعْزِفُ عَنِّي سُوءٌ فَطُلْحِدُ غَيْرِكَ

ازد، تغییر دهنده درزم بیرون از کی جزایه

وَلَا أَرْجُو لَاحَةً أُخْرَىٰ وَدُنْيَايَ سِوَاكَ اللَّهُمَّ

در مسجد فخرام برای احوال و ملاقات خود و در خیابان خود برای خودی خود

مَنْ طَبَّحَ وَتَعَبَّ وَأَعْدَّ وَاسْتَعَدَّ إِيْفَادَةً إِلَى

الحمد لله الذي هدانا لهذا
 الذي كنا لنهتدي لہدے

تَخْلُقِي رَجَاءَ رَفْدِهِ وَتَوَافِيهِ وَطَلِبِ نَيْلِهِ وَ
 افریده با سیر سید و عطای او و طلب رسیدن با او
 جَائِزَتِهِ فَإِنَّكَ يَا مَوْلايَ كَانَتْ الْيَوْمَ هَيْبَتِي
 عطای او بن بوی تو ای مولای من بود امروز هیبت مرا
 وَتَعَبَتْنِي وَأَعْدَادِي وَاسْتَعْدَادِي رَجَاءُ
 و سوار کردن مرا و اعدای من و استعدادهای من با امید
 عَفْوِكَ وَرَفْدِكَ وَطَلِبِ نَيْلِكَ وَجَائِزَتِكَ
 عفو تو و رسیدن تو و طلب رسیدن تو و عطای تو
 اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ
 یا خداوند بر محمد و آل محمد و دل را ناامید مگردان امروز
 ذَلِكَ مِنْ رَجَائِي يَا مَنْ لَا يُخْفِي سَائِلًا وَلَا
 آنرا از امید من ای آنکه نه پنهان کننده را نه پنهان کننده و
 يَنْقُصُ نَائِلًا فَإِنَّكَ لَمْ تَكُنْ تَقَرُّ مَتَى يَجْعَلُ
 کم نشود از آنکه عطای من هرگز که تمام کننده را نه پنهان کننده از من

صَالِحٍ تَدَسُّهُ وَلَا شَفَاعَةَ تَخْلُقِي رَجْوَهُ إِلَّا
 شایسته که بنی از شکایت از او در طلب است و شایسته که امید و شایسته که
 شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ
 شفاعت محمد و آل محمد و صلوات بر او
 وَعَلَيْهِمْ سَلَامُكَ أَيْتُكَ مَقَرًّا يَا حُجْرَمُ وَلَا
 و بر او سلام و ایت تو مقارن یا حرم و نه
 سَاءَ وَآلِي نَفْسِي أَيْتُكَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ
 که و آل من نفس من ایت تو امید و عفو بزرگ تو را
 الَّذِي عَفَوْتَ بِهِ عَنِ الْخَاطِئِينَ ثُمَّ لَمْ تُبْعِدْ
 که عفو کردی بهی از گناهان پس نیز نه پنهان کردی
 طَوْلَ عُسْكَوْفِهِمْ عَلَى عَظِيمِ الْحُجْرَمِ أَنْ عَذَّبْتَ
 را از عیب ایشان بر آنکه بزرگ از عیب ایشان را
 عَلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ وَالْغَفِيرَةِ قِيَامًا مِنْ رَحْمَتِهِ وَ
 بر ایشان به رحمت و بخشنده قیام از رحمت او و

علی

وَعَفْوُهُ عَظِيمٌ يَاعَظِمُ يَاكَرِيمُ يَاكَرِيمُ

و مفرد بزرگ است ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَدَّ عَلِيٌّ بِرَحْمَتِكَ

در وقت نوشتن محمد و آن محمد و محمدان کوهستان بر وقت خفته

وَتَعَطَّفَ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ وَتَوَسَّعَ عَلَيَّ بِمَغْفِرَتِكَ

دھشت کی برہنہ بھینس ہوئی رکت کی برہنہ بھینس ہوئی

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ خَلْفَايَكَ وَأَصْفِيَايَكَ

فدا دندا بدتر کرای مقام انور ای جانشینان تو بیت در گزیده طایفه

وَمَوَاضِعُ أَمْنَابِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي

در هر کدایی چای و استخوان و در پاپه

خَصَّصْنَاهُمْ لِمَا قَدْ ابْتَزُّوا وَأَنْتَ الْمُقَدِّرُ

کفری و رنه بسیار پای تحقیق که بر سوادند از آن و توسط تعدد کنند

بِذَلِكَ لَا يُغَالِبُ أَمْرُكَ وَلَا يُجَاوِزُ الْحَقُّومُ

در این صورت فایده از آن
در کمال است و در کمال است

مِنْ تَدْبِيرِكَ كَيْفَ شِئْتَ وَأَنَّى شِئْتَ وَلِمَا

[illegible]

أَنْتَ أَعْلَمُ بِغَيْرِ مُتَّبِعٍ عَلَى خَلْقِكَ وَلَا إِيرَادٍ

نودانه بیابان تنگ شیر برافزیدگان خود و نه از برای الله

حَتَّىٰ عَادَ صِفْوَتُكَ وَخَلَقَاؤُكَ مَعْلُومَاتِنَ

هنگامی که رکنه را از دست برداشته و

مَقْهُورَيْنِ مُبْتَرَيْنِ يَرُودُ حُكْمُكَ مُبَدَّلًا

فکر کرده شده روده شده بپختن فکر کردن تنه در شده

وَكِتَابِكَ مَسْبُودًا وَفَرَايضِكَ مُحَرَّفَةً عَنْ

کتاب در اینست و در فیض ای تو را تغییر دهی از

جِهَاتِ أَشْرَاعِكَ وَسُنَنِ نَبِيِّكَ مَرْوُكَةً

قبرستان
سُرخس تو
دستهای بیغیر تو را
سُرخ کرده شده

اللَّهُمَّ الْعَنِ أَعْدَانَا مِنْ الْأَقْبَانِ وَالْآخِرِينَ

فدا و مژده ای که دشمنان ایرانی را از پیشین و پسین

وَمِنْ رِضَىٰ بِفَعَالِهِمْ وَأَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمُ اللَّهُمَّ
 که تو خوشتر از خود بداری این درویشان بنده زده بنده خدا
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُّجِيدٌ كَسَلُوا
 رحمت خیز بر محمد و آل محمد که تو بسیار ستوده و بسیار ستودنی
 وَبَرَكَاتِكَ وَتَحِيَّاتِكَ عَلَى أَصْفِيَاكَ إِبْرَاهِيمَ
 بر کشتی تو و درودها تو بر برگزیده گانتو ابراهیم
 قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَجْعَلِ الْفَرْجَ وَالرُّوحَ وَالنُّفُوسَ
 وای ابراهیم در غده تو فرج و در جنت و نفوس
 وَالتَّكِينِ وَالتَّائِبِينَ اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنِي مِنْ
 درستی دادن و توبه کردن را به من و خدا را در میان
 أَهْلِ التَّوْحِيدِ وَالْإِيمَانِ بِكَ وَالْقَصْدِ فِي
 اهل توحید و ایمان به تو و تصدیق
 بِرِسُولِكَ وَالْأَمَةِ الَّذِينَ حَقَّتْ طَاعَتُهُمْ مِنْ
 بر رسول تو و این دینی که واجب کرده باین از آنکه

بجاری

بِجَارِي ذَلِكَ بِهِ وَعَلَىٰ بَدَنِهِ آمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 بجاریت این بدو در دستهای تو ای صاحب دین
 اللَّهُمَّ لَيْسَ بِكَ غَضَبُكَ إِلَّا حِلُّكَ وَلَا يَرُدُّ
 خداوند ای بزرگوارنده خشم تو که عفو تو در همه احوال
 سَخَطُكَ إِلَّا عَفْوُكَ وَلَا يُجِيرُ مِنْ عِقَابِكَ إِلَّا
 عفو تو که عفو تو و عفو تو از عتاب تو که
 رَحْمَتُكَ وَلَا يُخَيِّبُنِي مِنْكَ إِلَّا النَّصْرُ إِلَيْكَ
 رحمت تو و نصرت تو از تو که در هر کار تو پیروز
 وَبَيْنَ يَدَيْكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَهَبْ
 و در میان تو ای رحمت خیز بر محمد و آل محمد و عطا کن
 لَنَا يَا إِلَهِي مِنْ لَدُنْكَ قُرْبًا يَا الْقُدْرَةَ الَّتِي هِيَ
 مرا ای خداوند من از نزد تو که نزدیکی است که بخواهی
 تُخَفِّيَ أَمْوَاتَ الْعِبَادِ وَهِيَ النَّشْرُ مَيِّتَ الْبِلَادِ
 از مردگان عباد را و این برافراشتن مردگان را

وَلَا تُهْلِكْنِي يَا إِلَهِي خَمَّاحِي تَتَجَبَّبُ وَيُغَرِّقُنِي

و نهنگ که مرا از ای خدا ای من از اندوه تا بهنگه اوج برکنار و بلند مانی مرا

الْإِجَابَةِ فِي دُعَائِي وَأَذْفِي طَعْمَ الْعَاقِبَةِ إِلَى

اجابت کردن در دعا و من در ذوق طعم عاقبت را

مَنْهَى لِحَلِّي وَلَا تَقِمْتُ فِي عُدُوِّي وَلَا عَمَلِي

نهاده من در حل و نه در عمل من در دشمنان و نه در کار

مِنْ شَيْءٍ وَلَا تَسْلُطْ عَلَيَّ إِلَهِي إِنْ رَفَعْتَنِي

از چیزی و نه تسلط کن بر من ای خدا اگر بلند کنی مرا

وَمَنْ ذَا الَّذِي يَضَعُنِي وَإِنْ وَضَعْتَنِي مَنْ ذَا

و نه کسی که مرا بگذارد و نه کسی که مرا بگذارد

الَّذِي يَهْنِئُنِي فَإِنْ اهْتَنَيْتُ مَنْ ذَا الَّذِي يَرْجِي

و نه کسی که مرا بفرساید و نه کسی که مرا بفرساید

وَإِنْ عَذَّبْتَنِي مَنْ ذَا الَّذِي يَرْجِي وَارِثَ

و نه کسی که مرا بزند و نه کسی که مرا بزند

و نه کسی که مرا بزند و نه کسی که مرا بزند

اهلکته

أَهْلِكْنِي مَنْ ذَا الَّذِي يَعْزِضُ لَكَ فِي عَبْدِكَ

و نه کسی که مرا بزند و نه کسی که مرا بزند

أَوْ يَتَالُكُ عَنْ أَمْرِهِ وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَيْسَ فِي

و نه کسی که مرا بزند و نه کسی که مرا بزند

حُكْمِكَ ظُلْمٌ وَلَا فِي نِقْمَتِكَ عَجَلٌ وَإِنَّمَا يَجْعَلُ

و نه کسی که مرا بزند و نه کسی که مرا بزند

مَنْ يَخَافُ الْقَوْتَ وَإِنَّمَا يَخْجُلُ إِلَى الظُّلَمِ

و نه کسی که مرا بزند و نه کسی که مرا بزند

الضَّعِيفُ وَقَدْ تَعَالَيْتَ يَا إِلَهِي عَنْ ذَلِكَ عُلُوًّا

و نه کسی که مرا بزند و نه کسی که مرا بزند

كَبِيرًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْنِي

و نه کسی که مرا بزند و نه کسی که مرا بزند

لِلْبَلَاءِ غَرَضًا وَلَا لِتَقْدِيرِكَ نَصَابًا وَمَهْلِكِي وَ

و نه کسی که مرا بزند و نه کسی که مرا بزند

الَّذِي يَهْلِكُنِي مَنْ ذَا الَّذِي يَعْزِضُ لَكَ فِي عَبْدِكَ

و نه کسی که مرا بزند و نه کسی که مرا بزند

نَفْسِي وَأَقْلَبَ عَثَرِي وَلَا بَيْلِي بَيْدًا عَلَى

میرا اندوه مرا دور گردان ای منم در دامن او و صندل منم در دامن او ای بید

اَثْرِي فَقَدْ رَمَى ضَعْفِي وَقَلَّ حِجَابِي وَفُتِرَ

عقب منم ای منم که ای منم ضعیف مرا و کمی حجاب مرا و دراز شد

الْبَيْتُ أَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ الْيَوْمَ مِنْ غَضَبِكَ

بروی تو دنیا به سبب تو باز گردان او روز از غضبت

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاعْزِزْنِي وَاسْخَبِرْ بِلَا الْيَوْمِ

ای رحمت داشت بر محمد و آل او دنیا ده مرا در دنیا به سبب تو او روز

مِنْ سَخَطِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي وَسَائِلَ

از خشم تو ای رحمت داشت بر محمد و آل او در دنیا ده مرا در دنیا به سبب تو

أَشْيَاءٍ مِنْ عَذَابِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي

ای منم از عذاب تو ای رحمت داشت بر محمد و آل او ای رحمت داشت بر محمد و آل او

وَأَسْتَعِظُ بِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي

وای منم از عذاب تو ای رحمت داشت بر محمد و آل او ای رحمت داشت بر محمد و آل او

وای منم از عذاب تو

وَأَسْتَعِظُ بِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي

وای منم از عذاب تو ای رحمت داشت بر محمد و آل او ای رحمت داشت بر محمد و آل او

وَأَسْتَعِظُ بِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي

وای منم از عذاب تو ای رحمت داشت بر محمد و آل او ای رحمت داشت بر محمد و آل او

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي وَاسْتَعِظْ بِكَ فَصَلِّ

وای منم از عذاب تو ای رحمت داشت بر محمد و آل او ای رحمت داشت بر محمد و آل او

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي وَاسْتَعِظْ بِكَ فَصَلِّ

وای منم از عذاب تو ای رحمت داشت بر محمد و آل او ای رحمت داشت بر محمد و آل او

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي وَاسْتَعِظْ بِكَ فَصَلِّ

وای منم از عذاب تو ای رحمت داشت بر محمد و آل او ای رحمت داشت بر محمد و آل او

مِنْ ذُنُوبِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي

وای منم از عذاب تو ای رحمت داشت بر محمد و آل او ای رحمت داشت بر محمد و آل او

وَأَسْتَعِظُ بِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي

وای منم از عذاب تو ای رحمت داشت بر محمد و آل او ای رحمت داشت بر محمد و آل او

وای منم از عذاب تو

لَقَدْ تَحَمَّتْ أَوْ دِيَّةَ الْهَلَائِكِ وَحَلَّكَ شِعَابَ

سپاس از خداوند خود در روز قیامت و در روز قیامت

تَلَفٍ تَعَرَّضْتُ فِيهَا بِخَطْوَاتِكَ وَجَلَّوْهُمَا عَفْوًا

من در روز قیامت در روز قیامت در روز قیامت

وَسَبَّحْتَ إِلَيْكَ التَّوْحِيدَ وَذَرَعْتَنِي لَمْ أَشْرَكَ

و در روز قیامت در روز قیامت در روز قیامت

بِكَ شَيْئًا وَلَمْ أَخْذِ مَعَكَ الْهَافَ وَقَدْ فَرَزْتَ إِلَيْكَ

در روز قیامت در روز قیامت در روز قیامت

يَنْقِي وَإِلَيْكَ مَفْرَأُ الْمُنَى وَمَفْرَعُ الْمُنَى لِحَظِ

در روز قیامت در روز قیامت در روز قیامت

نَفْسِ الْمُنَى فَكَمْ مِنْ عَدُوٍّ انْضَى عَلَيَّ سَيْفَ

در روز قیامت در روز قیامت در روز قیامت

عَدَاوَتِهِ وَتَحَدَّنِي ظُبَّةٌ مُدْبِيَةٌ وَأَنْزَعَتْ لِي

در روز قیامت در روز قیامت در روز قیامت

شَبَّاحِهِ وَدَافَ لِي قَوَائِلَ مُنْمُوهِ وَسَدَّ خَوْفِي

در روز قیامت در روز قیامت در روز قیامت

صَوَائِبَ سَمَائِهِ وَلَمْ تَنْمِ عَنِّي عَيْنُ حِرَاسَتِهِ وَ

در روز قیامت در روز قیامت در روز قیامت

أَخْمَرْنَا أَنْ يَوْمَ مَنَى الْمَكْرُوهَ وَتَجَرَّ عَنِّي زُعَاقُ لَهْرِهِ

در روز قیامت در روز قیامت در روز قیامت

فَنَظَرْتُ يَا إِلَهِي إِلَى ضَعْفِي عَنْ لِي خَالِ الْفَوَاحِشِ

در روز قیامت در روز قیامت در روز قیامت

وَعَجَزِي عَنِ الْإِنْصَارِ مِنْ قَصْدِي بِحَاكِمِيَّةِ

در روز قیامت در روز قیامت در روز قیامت

وَوَحْدَتِي فِي كَثِيرٍ عَدَدٍ مِنْ نَاوَالِي وَأَنْزَعَتْ لِي

در روز قیامت در روز قیامت در روز قیامت

بِالْبَلَاءِ فِيمَا لَمْ أَعْمَلْ فِيهِ فِكْرِي فَأَبْنَدًا لَنِي

در روز قیامت در روز قیامت در روز قیامت

يَنْصُرِكَ وَشَدَّدَتْ أَرْزَاقِي يَقُولُكَ تَمَّ فَلَمَّتْ

برای من بخت را و محکم کردی بخت مرا بخت خود را بر شکستی

لِي حَدٍّ وَصَبَرْتُ مِنْ بَعْدِ جَمْعٍ عَدِيدٍ وَخَذَهُ

برای من بختی را و در کم کردی بختی را و از پس جمع بسیار

وَأَعْلَيْتُ كَعْبِي عَلَيْهِ وَجَعَلْتَ مَا سَدَّهُ مُرْدُودًا

و بلند کردی کعبه را بر او و کردی چیزی را که سد بود از او بازگردانده

عَلَيْهِ مُرْدَدٌّ تَرْتَفِعُ عِظُهُ وَلَمْ يَكُنْ غَلْبُهُ

بر او پس باز گردانده شد و او را بلند شد و او را شکست خورد و او را شکست خورد

فَذَعَصَ عَلَى شَوَاهٍ وَأَذْبَرُ مَوْلَانَا فَاذْخَلْتِ

بجستی که به شایسته گردانده شد و او را شکست خورد و او را شکست خورد و او را شکست خورد

سَرَايَاهُ وَكَثْرَ مِنْ بَاغٍ بَغَائِي بِمَكَائِدٍ وَنَصَبِ

شکستهای او و این از دست کشنده که شکست خورد و او را شکست خورد و او را شکست خورد

شَرَكٍ مَصَائِدٍ وَوَكَلَّ بِتَقْدِيرِ غَالِيَةٍ وَأَضْيَا

در میان مصائد و او را شکست خورد و او را شکست خورد و او را شکست خورد

إِلَى أَضْيَاءِ السَّيْعِ لِيُطَرِّدَنِي أَنْظَارُ الْأَنْهَارِ الْعَمِ

برای من بختی را و او را شکست خورد و او را شکست خورد و او را شکست خورد

لِفَرَّاسِيهِ وَهُوَ يُظْهِرُ لِي بَنَاشَةَ الْمَلِيقِ وَيَنْظُرُ

از برای من بختی را و او را شکست خورد و او را شکست خورد و او را شکست خورد

عَلَى شِدَّةِ الْحَقِّ فَلَمَّا رَأَيْتُ بِالْهَيِّ تَبَارَكَ وَ

بر شکستی که به شایسته گردانده شد و او را شکست خورد و او را شکست خورد و او را شکست خورد

تَعَالَيْتَ دَغْلَ سَرَّيْنِي وَفُجَّ مَا انْطَوَى عَلَيْهِ

بر او پس باز گردانده شد و او را شکست خورد و او را شکست خورد و او را شکست خورد

أَمَرَ كَسْرَ لَأَمِّ مَرَّاسِيهِ فِي رُتْبِيهِ وَرَدَدَتْهُ فِي

شکستهای او و این از دست کشنده که شکست خورد و او را شکست خورد و او را شکست خورد

مَهْوَى حَفَرِيهِ فَاَنْفَعَ بَعْدَ اسْتِطَالِيهِ ذَلِيلًا

شکستهای او و این از دست کشنده که شکست خورد و او را شکست خورد و او را شکست خورد

فِي رِبْقِي حَبَالِيهِ الَّتِي كَانَ يُقَدِّرُ أَنْ يَرَانِي

در میان مصائد و او را شکست خورد و او را شکست خورد و او را شکست خورد

فَبِهَا وَقَدْ كَادَ أَنْ يَخْلُجَ لَوْ لَا رَحْمَتُكَ مَا حَلَّ

در آن و بختی که نزدیکی به که فرود آمدی بجز آنکه رحمت تو بود که

بِسَلْحَتِهِ وَكَرَمٍ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ شَرَفَ بِي بِعَصْنَتِهِ

بمیان برای او و ببا صبرش که در کوه که در آن بود

و شَجِي مَنِي بِغَيْظِهِ وَسَلَفَنِي بِجَدَائِلِهِ وَوَحَرَنِي

و شد و بختی شد از من بظلمت خود و از کوه که در آن بود و وحشت تو

يَفْرُقُ عَيْنُوبَهُ وَجَعَلَ عَرِينَهُ غُرَضًا لِرَأْسِهِ وَ

بافت زدن بچشمش و کرد از او را برای سرش و

قَلَدَنِي خِلْدًا لَأَنَّهُ نَزَلَ فِيهِ وَوَحَرَنِي بِكَيدِهِ وَ

در کردن من خردی که او نازل شد در او و وحشت تو بفریبش و

قَصَدَنِي بِمَكِيدَتِهِ فَنَادَيْتُكَ يَا إِلَهِي مُسْتَعِينًا

در کردن مرا بفریبش و ندا دادم تو ای خدای من فرستاده مرا

بِكَ وَالْإِنْفَاسُ عَرَجُ الْجَانِبِ عَالِمًا أَنَّهُ لَا يُضِلُّهُ

بک و تنفس از جانب عالم است که او را گمراه نکند

مَنْ أَوْفَى إِلَى ظِلِّ كَنَفِكَ وَلَا يَفْرُغُ مَنْ جَاءَ إِلَى

کس که بیاورد در سایه کتف تو و نرسد کس که بیاورد به تو

مَعْقِلِ أَنْصَارِكَ فَخَصَّنِي مِنْ بَأْسِهِ بِقُدْرَتِكَ

بمیان کتف تو و بختی شد از من بظلمت خود و از کوه که در آن بود

وَكَمْ مِنْ تَحَايِبٍ مَكْرُوفٍ جَلَبَتْهَا عَنِّي وَتَحَا

و شد و بختی شد از من بظلمت خود و از کوه که در آن بود و وحشت تو

نَعِيمِ امْطَرَهَا عَلَيَّ وَجَدَّ أُولَى رَحْمَةٍ تَشْرَهَا

نعمت تو که بباریدی بر من و شد و شد از من بظلمت خود و از کوه که در آن بود

وَعَافِيَةِ الْبَنَاتِ وَأَعْيُنِ أَحْدَاثِ طَلَسْمَا وَ

و عافیت تو از دختران و عین اخبار طلسمات و

غَوَائِثِي كُرْبَاتِ كَفَفْتَهَا وَكَرَمٍ مِنْ ظِلِّ حَسَنِ حَفَفْتَهَا

و غوائی کربات کففتها و کرمی از ظل حسان کففتها

وَعَدَمِ جَبَرَتِ وَصَرَعَةِ أَعْيُنِ وَتَحَايِبِ حَوَلَتِ

و عدم جبر و صرعت عین و بختی شد از من بظلمت خود و از کوه که در آن بود

كُلُّ ذَلِكَ اِنْْعَامًا وَتَطَوُّلًا مِنْكَ وَفِي جَمِيعِهِ
 همه اينها از درانم و تقصیرست از تو به در همه اينها
 اِنَّهُمَا كَا مَنِي عَلَى مَعَاصِيكَ لَمْ تَمْنَعْكَ اِسَاقِي
 گوشه کردن است از تو بر من و مانع ندادی از من
 عَنْ اِتِّمَامِ اِحْسَانِكَ وَلَا حَجَرَنِي ذَلِكَ عَنْ اِرْتِكَا
 از تمام کردن احسان تو و منع نکرد این از من
 مَسَاحِيظِكَ لَا تُسَلِّ عَمَّا تَفْعَلُ وَلَقَدْ سُئِلَتْ
 چرا که هر غنچه است بر سینه من از آنچه میکنی و هر چه بگویم
 فَأَعْطَيْتَ وَلَمْ تُسَلِّ فَا بِنْدَاتِ وَاسْتَمِجْ نَكَ
 بر عطای تو و سوال کرده اند بر من و استماع کن
 فَمَا الْكَذِبُ ابْتِيتَ يَا مَوْلَايَ اِلَّا اِحْسَانًا وَامِنًا
 پس اند که نه ادب بر من نه زنده ای مگر احسان و امن
 وَتَطَوُّلًا وَانْعَامًا وَابْتِيتَ اِلَّا اَنْتَ حَمْدُكَ
 و تقصیر و در همه زنده ام مگر از آنه که تو خود در عبادت

وَعَدًا

وَتَعَدَّ بِالْخُدُودِكَ وَغَفْلَةً عَنْ وَعِيدِكَ فَلَاكَ
 و در گذشتن از حدود تو و غمخیز از عهد دلون تو پس از دست
 اَتَّخَذَ اِلَهِي مِنْ مُقَدَّرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي اَنَاةٍ لَا
 بهای ای خدا ایام از آن و آنانی که غلبه نمیشود و خداوند استوار
 يُجَلِّ هَذَا مَقَامٌ مِنْ اعْرِفَ بِسُوءِ النِّعَمِ وَقَالَ
 نشانیست این مقام است که اعراض کرده است تمام نعمت و در هر روز
 يَا اَلْقَصِيرُ وَشَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْضَيِّعِ اَللّٰهُمَّ
 ای بختیگر و گواهی داد به نفس خود به ضعیف کردن یا خدا
 فَإِنِّي اَقْرَبُ إِلَيْكَ بِالْمَحْدَبَةِ الرَّقِيعَةِ وَالْعُلُوِّ
 پس بدتر که من نزدیکایم بوی تو بعلت فقر و بزرگوار
 اَلْبَيْضَاءِ وَأَنُوجَهُ إِلَيْكَ يَهْمَا اَنْ تُعَذِّبَنِي مِنْ
 که درشت و تو به سببم بوی تو باشد ایمنه در شاه کبریا از
 شَرِّكَذَا وَكَذَا فَإِنَّ ذَلِكَ لَا يَضِيقُ عَلَيْكَ فِي
 شرترین و چنین و چنین پس بدتر که این تنگ نیست بر تو

وَجَدِكَ وَلَا يَتَّكَدُكَ فِي قُدْرَتِكَ وَأَنْتَ عَلَى

جنتی که در آن ملکند و در آن قدرت تو و توانی

كُلِّ شَيْءٍ قَدْ بَرَّهْتُ لِي يَا إِلَهِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَدَوِّ

همه چیز را برای من بر آن ای خداوند از رحمت خود و دهنی

تَوْفِيقَكَ مَا أَخَذْتُهٔ سَلَامًا أَعْرِجْ بِهِ إِلَيَّ رِضْوَانَكَ

توفیق خود آنچه خواهم از آنز با بی که با سلام و درم به آن بیاور خوشنودی

وَأَمِنْ بِهِ مِنْ عِقَابِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و ایمن گردم به آن از عقابت تو ای مهربان ترین مهربانان

وَكَاذِبِينَ عَالَمِينَ فِي رَحْمَتِكَ يَا رَحِيمَ

اللَّهُمَّ إِنَّكَ خَلَقْتَنِي سَوِيًّا وَرَبِّتَنِي صَغِيرًا

بار خدایا چه بزرگوار و چه بزرگوار و چه بزرگوار و چه بزرگوار

وَرَزَقْتَنِي مَكْفِيًّا اللَّهُمَّ إِنِّي وَجَدْتُ بِنَاءَ أُنْزَلَتْ

و روزی دادی مرا که بزرگوار و چه بزرگوار و چه بزرگوار و چه بزرگوار

وَرَزَقْتَنِي مَكْفِيًّا اللَّهُمَّ إِنِّي وَجَدْتُ بِنَاءَ أُنْزَلَتْ

و روزی دادی مرا که بزرگوار و چه بزرگوار و چه بزرگوار و چه بزرگوار

فست

و کاذبین عالمین

و کاذبین

مِنْ كِتَابِكَ وَبَشَّرْتَنِي بِهِ عِبَادَكَ أَنْزَلْتَ يَا عِيسَى

از کتاب خود و بشارت دادی به آن عبادان خود را انید فرموده ای عیسی

الَّذِينَ اسْتَرْفَوْا عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْضُوا مِنْ حُجَّتِهِ

که استراده اند بر نفسهای خود و نمی بایست از حجت

اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا وَقَدْ نَفَذَ

خدا بشارت که خداوند می بخشد گناهان همه و حقش که بشارت

مَعْنِي مَا قَدْ عَلِمْتَ وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مَعْنِي فَيَا

از من آنچه دانسته ام و آنچه تو دانسته ای از من پس ای

سَوَاءٌ أَمَّا الْخَضَاءُ عَلَى كِتَابِكَ فَلَوْ لَا أَلَمَّا

برای من که از آنکه سطرده است بر آن کتاب تو پس ای بزرگوار و چه بزرگوار

الَّتِي أَوْقَلَ مِنْ عَفْوِكَ الَّذِي شَمِلَ كُلَّ شَيْءٍ

که امید دارم از عفو تو که فرا گرفته است همه چیز را

لَا لَقِيْتُ يَدَيْ وَلَوْ أَنَّ لَحْدًا اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ

بر این دستها ندادم خود را بگریختن و اگر لحدی می توانست فرار کند

لَا لَقِيْتُ يَدَيْ وَلَوْ أَنَّ لَحْدًا اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ

مِنْ رَبِّهِ لَكُنْتُ أَنَا خَشِيَ بِالْهَرَبِ مِنْكَ وَأَنْتَ

از چهره و کار خود را میزد و در ترس و لرزه بودی و ترس

لَا تَخْشَى عَلَيْكَ خَافِيَةً فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ

که نه در زمین ترسیدی و نه در آسمان

إِلَّا أَنْتَ بِهَا وَكَفَى بِكَ جَارِيًا وَكَفَى بِكَ حَسِيبًا

مگر خود و آنرا و بسند و بازمانده و بسند و زحمت کننده

اللَّهُمَّ إِنَّكَ طَالِبِي إِنْ أَنَا هَرَبْتُ وَمَذِيرِي إِنْ

ایستادم ای تو طلبگر ای من اگر فرار کنم و هشدارگر ای من

أَنَا هَرَبْتُ فَمَا أَنَا إِذْ أَبَيْتَ يَدُكَ خَاضِعٌ ذَلِيلٌ

من فرار کنم پس چه میماند ای من که تو را تسلیم و خوار

رَأَيْتُ إِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَجْزِلُ لَذَلِكَ أَهْلٌ وَهُوَ يَارَبِّ

دیدم ای تو اگر عذاب کنی پس من حقیر و آنرا که تو را پروردگار

مِنْكَ عَذْلٌ وَارْتَعَفُ خَشِيَ فَقَدْ هَمَّ أَشْمَلِي عَفْوٌ

از تو عدل است و او را که ترسید و خشم داشت و تو را که عفو کردی

وَالْبَيْتُ

وَالْبَيْتُ عَافِيَتِكَ فَاسْئَلْكَ اللَّهُمَّ بِالْخَزُونِ مِنْ

و بیت عافیت خود را بپرس و از تو بپرس ای خداوند

أَسْمَائِكَ وَبِمَا أَلَمَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ هَبَائِكَ الْآخِرَةِ

و اسمهای تو و بپرس و بپرس ای خداوند از تو بپرس ای خداوند

هَذَا النَّفْسُ الْحَزُونَةُ وَهَذِهِ الرِّمَّةُ الْهَلُوعَةُ

این نفس و این ریمه و این ریمه و این ریمه

الَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ حَقَّ شَمِّكَ فَكَيْفَ تَسْتَطِيعُ حَقَّ

آنکه که نمیتواند حق شمشیر تو را چگونه میتواند حق

نَارِكَ وَالَّتِي لَا تَسْتَطِيعُ صَوْتَ رَعْدِكَ فَكَيْفَ

آتش تو را و آنکه که نمیتواند صدای رعد تو را چگونه

تَسْتَطِيعُ صَوْتَ غَضَبِكَ فَارْحَمْنِي اللَّهُمَّ فَإِنِّي

توانم صدای غضب تو را ای خداوند ای خداوند

أَمْرٌ وَحَقِيرٌ وَخَطِرٌ كَيْسَرٌ وَلَيْسَ عَذَابِي مِمَّا

امر و حقیر و خطر و کيسر و نیست عذاب من از آنکه

تَزِيدُنِي مُلْكًا مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَلَوْ أَنَّ عَذَابِي مِثْقَالَ

زاده کنده در دهن این تو هندی درم در اینک عذابم از این بزرگتر

تَزِيدُنِي مُلْكًا لَسَأَلْتُكَ الصَّبْرَ عَلَيْكَ وَلَحَبْتُ

کوه زاده در دهن این تو هندی درم در اینک عذابم از این بزرگتر

أَنْتَ بِحُكُونِ ذَلِكَ لَكَ وَلَكِنْ سُلْطَانُكَ اللَّهُمَّ

اینها به پند ان از برای تو دلیل با دهن این تو هندی درم

أَعْظَمُ وَمُلْكُكَ أَدْوَمُ مِنْ أَنْ تَزِيدَ فِي طَاعَةٍ

بزرگتر است و سلطنت تو جاوید تر است از این که زیاد کنی در آن طاعت

الْمُطِيعِينَ أَوْ تَنْقُصَ مِنْهُ مَعْصِيَةُ الْمُذْنِبِينَ

اطاعت کننده گان یا کم کنی از آن که کارم کنه کاران

فَاَسْتَجِبْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَتَجَاوَزْ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ

ای رحیم ترین رحیمان در گذر از من ای خداوند بزرگواری

وَالْإِكْرَامِ وَتَبَّ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الْكَرِيمُ

و گواهی کردن و بخیر تو ای بخیر کننده و بخیر کننده

